اطلاعات

سه شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۴ – ۲۱ شعبان ۱۴۳۶ – ۹ ژوئن ۲۰۱۵ – سال هشتادونهم – شماره ۲۶۱۷۵ – ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – ۲۰۰ تومان

سالانه ۱۳۰ میلیارد تومان فرار مالیاتی داریم

* معاون سازمان امور مالیاتی: این سازمان آمار اطلاعات املاک و خودروهای عمومی مشمول مالیات را ندارد و دستگاه‌های ذیربط هم از ارائه آن به این سازمان خودداری می‌کنند
* عضو کمیسیون اقتصادی مجلس: قانون جلوگیری از فرار مالیاتی تاکنون اجرا نشده است

صفحه ۴

ارتش سوریه، داعش را از «حسکه» بیرون راند

* تروریست‌های داعش متحمل تلفات سنگینی شدند
* داعش ۳۰ عضو فراری خود از نبرد حسکه را اعدام کرد
* نخست وزیر سوریه: به زودی ثابت می‌کنیم که سوریه متحد و استوار خواهد ماند

صفحه ۱۶

معاون سازمان انرژی اتمی:

پروتکل الحاقی با دسترسی عام را نمی‌پذیریم

هیچ کشوری حاضر نیست که حاکمیت خود را در معرض مذاکره بگذارد

* این طور نیست که پروتکل الحاقی یک مجوز عام داده است و آن‌ها می‌توانند در هر زمانی به هرجایی مراجعه کنند
* برخی در خارج از کشور تعمداً تلاش کردند به گونه‌ای وانمود کنند که مفهوم پروتکل الحاقی این است که دست آنان باز می‌شود و می‌توانند به هر جایی که خواستند مراجعه کنند
* هیچ جا در خود پروتکل به عنوان یک سیاست نظامی یا پادگان به آن اشاره نشده است
* پروتکل اشاره می‌کند که برای مراجعه دسترسی وجود دارد نه بازرسی
* چیزی به نام بازجویی و مصاحبه با دانشمندان در پادمان و پروتکل نداریم
* آژانس اولین اقدامی که باید انجام دهد «اعتبار سنجی مدارک موجود در دستش» است
* ایران طبق قوانین و مقررات داخلی خود، به سمت پروتکل الحاقی پیش می‌رود

مواضع کشورهایی که پروتکل الحاقی را پذیرفته‌اند، حتماً با مواضع ایران همسو است

* در مذاکرات ایران با آژانس، تاکنون ۱۸ موضوع مطرح شده است که ۱۶ موضوع بسته شده و دو موضوع آخری و نهایی هم از نظر ما بسته شده است
* جمهوری اسلامی حاضر است شفاف‌سازی کند اما حاضر نیست در یک فرآیند بی‌انتها قرار گیرد که در آن اتهام‌های بی‌اساس یکی پس از دیگری به آن مطرح شود
* مجلس در رابطه با دسترسی‌ها و تحریم و قواعد کلی مربوط به آن، نگرانی‌هایی دارد
* سازمان انرژی اتمی به دنبال توسعه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای است
* خواسته سازمان انرژی اتمی، همکاری در سطح بین‌المللی، عدم محدودیت و توسعه امور صلح‌آمیز هسته‌ای است

صفحه ۲



آغاز عملیات ساخت بزرگترین طرح پتروشیمی ایران

صفحه ۱۳

رئیس جمهوری:

پول کثیف، مخرب اقتصاد ملی است

* متأسفانه تحریم‌های بانکی درباره ایران، زمینه تجارت غیررسمی را تقویت کرد که در مواردی برای توجیه پولشویی به کار رفته است
* سیستم بانکی باید برای فعالیت‌های رسمی و قانونی امنیت کامل را برقرار کرده و محرم اطلاعات مردم و برای فعالیت‌های غیرقانونی به شدت ناامن باشد
* باید زمینه‌های رشد پولشویی را بخشکانیم
* ایران در مبارزه با پولشویی جدی است
* وزارت کشور موظف شد نسبت به دایرکردن فرمانداری ویژه در شهرستان خرمشهر اقدام کند

رئیس جمهوری ،با قدردانی ازوزارت اموراقتصادی ودارایی و شورای عالی مبارزه با پولشویی، بر سیاست دولت مبنی بر شفاف سازی تأکیدکرد و اظهارداشت: ایران در مبارزه با پولشویی جدی است و دولت جمهوری اسلامی با تمامی ظرفیت های موجود و ساز و کارهای قانونی به مقابله مؤثر با این پدیده اهتمام داشته وخواهد داشت.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی که در جلسه هیات دولت، پس از ارائه گزارش اقدام های وزارت اموراقتصادی و دارایی درباره مبارزه با پولشویی، سخن می گفت، پول کثیف را که حاصل فعالیت هایی از قبیل تجارت مواد مخدر، قاچاق، ارتشاء و رانت است،

بقیه در صفحه ۲

جزئیات پرداخت تسهیلات ۴۰ تا ۸۰ میلیونی خرید مسکن

* مدیرعامل بانک مسکن: متقاضیان می‌توانند از امروز برای دریافت وام ۸۰ میلیون تومانی مسکن نسبت به افتتاح حساب اقدام کنند
* نرخ سود تسهیلات برای وام‌های دریافتی از طریق صندوق پس‌انداز مسکن ۱۴ درصد و مدت بازپرداخت ۱۲ سال است

صفحه ۴

تولید موتورسیکلت‌های کاربراتوری از مهر ۹۵ متوقف می‌شود

* معاون سازمان محیط‌زیست: سال گذشته بیش از ۱۳ هزار خودرو فرسوده از چرخه فعالیت خارج شدند
* یک دستگاه موتورسیکلت به دلیل شرایط موتور آن معادل ۴ تا ۵ خودرو نو آلودگی تولید می‌کند
* در سال ۹۳، ۴۶ مورد ارزیابی زیست قرار گرفت که از این تعداد فقط ۹ پروژه تأیید شد

صفحه ۲

یادداشت

تحریم‌های ظالمانه، همه یا هیچ؟

فتح الله آملی

واقعیت این است که نه گره زدن همه مشکلات کشور به مسأله تحریم سخنی عمیق و کاملاً منطبق با واقعیت است و نه نادیده گرفتن مشکلاتی که تحریم بر سر اقتصاد آورده و یک واقعیت مسلم که باید نظام اسلامی و دولت همه توان خود را به کار گیرد تا این ظلم آشکار را از بین برد.

متأسفانه با نگاهی به تیترهای روزنامه‌ها و جهت‌گیری آنها فاصله گرفتن از این منطق اعتدالی را می‌توان فهمید که بیشتر ناشی از نگاه سیاسی به یک موضوع ملی است.

رئیس جمهوری: پول کثیف، مخرب اقتصاد ملی است

بقیه از صفحه اول

مخرب اقتصاد ملی دانست و اظهار امیدواری کرد که در پرتو سیاست دولت در شفاف سازی مقررات و معاملات، زمینه های رشد پولشویی از میان برود.

رئیس جمهوری ادامه داد: متأسفانه تحریم های بانکی در باره ایران، زمینه تجارت غیررسمی را تقویت کرد که در مواردی برای توجیه پولشویی به کار رفته است.

لاریجانی: یگانه راه نجات منطقه از فتنه، بیداری کشورهای مسلمان است



معاون سازمان انرژی اتمی: پروتکل الحاقی با دسترسی عام را نمی‌پذیریم

معاون سازمان انرژی اتمی با اشاره به برخی تفسیرهای مطرح شده از پروتکل الحاقی با هدف ایجاد اختلال در مذاکرات گفت: این طور نیست که از پروتکل یک مجوزعام داده شده است و آنها می‌توانند درهرزمانی به هرجایی مراجعه کنند.

احداث و تکمیل ۱۰ بیمارستان با مجموع ظرفیت ۱۰۰۰ تخت توسط ستاد اجرایی فرمان امام



تسلیت رئیس بنیاد باران به مادر داغدار و همسر گرامی دکتر امیر معتمدی

وزیر دفاع: اعتماد در هر مجموعه‌ای منشاء تحول و پیشرفت است

تولید موتورسیکلت‌های کاربراتوری از مهر ۹۵ متوقف می‌شود

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: معاون محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست از خروج بیش از ۱۳ هزار خودرو فرسوده از چرخه فعالیت درسال گذشته خبر داد و افزود: از ابتدای سال آینده تولید موتورسیکلت‌های کاربراتوری حذف و موتورانژکتور جایگزین آن می‌شود.

سوخت نیروگاه‌ها، گاز طبیعی می‌شود

سود بازرگانی سیستم‌های پسماند صفر می‌شود

ارزیابی محیط زیستی پروژه‌ها

اخبار کوتاه

نشست خبری رئیس جمهوری شنبه برگزار می‌شود

معاون ارتباطات و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهوری اعلام کرد: نشست خبری حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری در آستانه دومین سالروز حماسه سیاسی و انتخابات ۲۴ خرداد ۹۲، شنبه آینده برگزار می‌شود.

پیکرهای مطهر غواصان و خط شکنان، هفته آینده تشییع می‌شوند

شرکت پست دولتی باقی می‌ماند

بقیه در صفحه ۴

وزیر ارشاد: جامعه با فرهنگ قرآنی اصلاح می شود



سرویس سیاسی-اجتماعی: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی توسعه فرهنگ قرآنی را لازمه اصلاح جامعه دانست و گفت: اگر به جامعه نگاه کنیم می‌بینیم خیلی از فرهنگ قرآنی دور افتاده‌ایم.

به گزارش خبرنگارما،علی جنتی در مراسم افتتاحیه نخستین نمایشگاه بزرگ فرهنگ قرآنی «شمیم وحی» عملکرد شهرداری تهران را در زمینه های قرآنی خوب توصیف کرد و افزود: برپایی این نمایشگاه، فضای پایتخت را در آستانه ماه مبارک رمضان قرآنی می کند.

وی با بیان این که شاهد دورافتادگی جامعه از فرهنگ قرآنی هستیم، افزود: در جامعه شاهد غیبت، بدگویی، نقض عهد، تهمت های ناروا و فساد اداری و مالی هستیم که با توسعه فرهنگ قرآنی می‌توانیم جامعه را اصلاح کنیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تاکید بر توسعه و ترویج فرهنگ قرآنی گفت: همه کارهایی که انجام می‌دهیم زمینه‌ای برای توسعه و ترویج فرهنگ قرآنی است و باید فهم و درک قرآن را در زندگی فردی و اجتماعی خود داشته باشیم و به مقوله قرآن توجه بیشتری شود.

همچنین دراین مراسم، شهردار تهران با اشاره به تاثیر فرهنگ قرآنی در زندگی شهروندان گفت: قرآن کتاب تمدن‌ساز و بسیاری از مشکلات امروز ناشی از دور افتادن مردم از فرهنگ قرآنی است.

دکترمحمدباقر قالیباف افزود: در آستانه ماه مبارک رمضان یکی از اقدامات شایسته همکارانمان در شهرداری تهران افتتاح این نمایشگاه بود که در مجموعه فعالیت‌های شهرداری تهران جای برگزاری چنین نمایشگاهی خالی بود که به طور حتم کارماندگاری در شهرخواهد شد.

شهردار تهران گفت: اگر براساس شاخص‌هایی که در دنیا گذاشته می‌شود شهر تهران به یک شهر توسعه یافته تبدیل شود، کار تمام شده نیست. هر کاری که در شهر تهران انجام می‌دهیم، باید نتیجه‌اش این شود که شهروندان شهر بندگی خدا را بهتر انجام دهند. اگر چنین رخدادی نباشد و در فضای زیست مومنانه حرکت نکرده باشیم بی‌تردید رسالت خود را انجام نداده‌ایم. همه اهداف ما باید این باشد که عبادت خدا را در میان شهروندان بیشتر کنیم.

اهدای جایزه دکتر رضا داوری اردکانی به پایان‌نامه برتر فلسفه

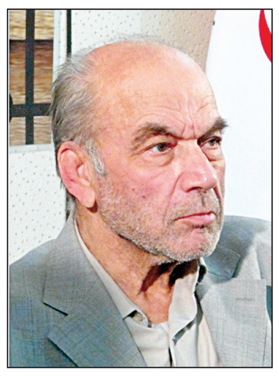
به‌منظورتشویق‌دانشجویان‌دکتری دوره فلسفه در نگارش پایان‌نامه‌های ارزشمند، نخستین دوره اهدای جایزه دکتر رضا داوری‌اردکانی به برترین پایان‌نامه دکتری رشته فلسفه که در سال ۱۳۹۳ دفاع شده است، یکشنبه ۲۴ خرداد ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود.

در این مراسم که با حضور اصحاب فرهنگ و اندیشه برگزار می‌شود، دکتر رضا داوری‌اردکانی، دکتر پرویز ضیاء شهابی، دکتر سیدحمید طالب‌زاده، دکتر شهرام پازوکی، دکتر سیدمحمدرضا بهشتی و دکتر علی‌اصغر مصلح از سنت فلسفی در ایران و وضعیت پژوهش در حوزه فلسفه و ارتباط آن با نیازهای فکری جامعه سخن می‌گویند و گزارشی از وضعیت پایان‌نامه‌های فلسفی و آثار فلسفی در سال ۱۳۹۳ و ویژگی پایان‌نامه برگزیده ارائه می‌شود.

بی‌شک، اقبال به فلسفه در سه دهه گذشته در ایران بسیار قابل توجه است. انتشار آثار متعدد فلسفی، در حوزه فلسفه غرب و اسلامی، انتشار مقالات و مباحث مختلف فلسفی در رسانه‌ها، برگزاری همایش‌ها و نشست‌ها و گفت‌وگوهای مختلف فلسفی و فکری، تاسیس و گسترش گروه‌های فلسفی در دانشگاه‌های مختلف، علاقه و حضور دانشجویان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی فلسفه وغیره گواه این اقبال است.

هنوز هم این پرسش مطرح است که کارکرد فلسفه در تاریخ معرفت بشری چیست؟ فلسفه به چه کار می‌آید و تا چه حد با واقعیت‌های زندگی روزمره ما در ارتباط است و به راستی مقام فلسفه و کار فیلسوف چیست؟ و بسیاری پرسش‌های دیگر. در نیم قرن گذشته، دکتر رضا داوری‌اردکانی، هم در مقام استادی رشته فلسفه و هم به عنوان متفکری در عرصه اجتماع، با انتشار کتاب‌ها و مقالات فراوان، با راهنمایی رساله‌های بسیار در حوزه فلسفه و با سخنرانی و طرح مباحث گوناگون، تلاش کرده است که به وضعیت فلسفه و تفکر در ایران معاصر بپردازد و به بخشی از این پرسش‌ها پاسخ دهد.

تاثیر دکتر داوری در تربیت دانشجویان مستعد در دوره‌های دکتری فلسفه نیز روشن و هویداست. علاقه‌مندان به تفکر و آثار فلسفی



می‌توانند برای حضور در این برنامه به مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم مراجعه کنند.

ترجمه دکتر موسوی گرمارودی از «نهج‌البلاغه» پایان تیر منتشر می‌شود



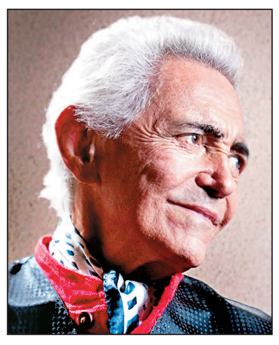
علی موسوی گرمارودی از انتشار ترجمه نهج‌البلاغه تا پایان تیر خبرداد.

علی موسوی گرمارودی در گفت‌وگو با فارس در باره انتشار اثر خود اظهار داشت: ترجمه ادبی «نهج‌البلاغه» به اتمام رسیده و از سوی انتشارات قدیانی روانه بازار کتاب خواهد شد.وی ضمن اعلام اینکه بازبینی نهایی کار نیز انجام شده و هم‌اکنون کتاب را تحویل انتشارات قدیانی داده‌ام، گفت: قرار است ترجمه نهج البلاغه تا پایان تیر منتشر شود.وی با بیان این مطلب که ۶ سال زمان برای ترجمه ادبی نهج‌البلاغه صرف کردم، گفت: در مدت این ۶ سال تمام روزهای خود را با ترجمه نهج‌البلاغه آغاز کردم، البته کارهای دیگری نیز به موازات منتشر کردم ولی اصل وقتم روی این ترجمه متمرکز شده بود.

گرمارودی پیش از این در مراسم بزرگداشتی که به همت موسسه خانه کتاب در سرای اهل قلم برای او برگزار شده بود از به پایان رساندن ترجمه نهج‌البلاغه خبر داده و اعلام کرده بود: ترجمه نهج‌البلاغه، شش ماه است به پایان رسیده اما از آنجا که من ۵ بار و در هر مرتبه، ۵۰۰ مورد را صیقل دادم و مدیر انتشارات قدیانی، خرده‌ای نگرفت و در نهایت بزرگواری همه این موارد را پذیرفت، تصمیم گرفتم این بار ترجمه را شسته، رفته‌تر و بدون نیاز به ویرایش به انتشارات قدیانی بسپرم.

ترجمه دکتر موسوی گرمارودی از قرآن کریم برگزیده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی شده است.

استاد «فرهنگ شریف» برای درمان بیماری سازش را فروخت



استاد«فرهنگ شریف» برای درمان بیماری‌اش یکی از سازهایش را فروخت.

به گزارش ایسنا، فروغ بهمن‌پور روزنامه‌نگار در این‌باره گفت: استاد فرهنگ شریف در این مدت با بیماری دست و پنجه نرم کرد و مدتی هم در کما بود. با این حال ایشان برای بیمه مشکل داشت و در نهایت، این استاد بزرگ مجبور شد برای تأمین هزینه‌های بیماری خود یکی از سازهایش را بفروشد. متأسفانه کمتر مسوولی از هنرمندان پیشکسوت حمایت می‌کند.

او که در حاشیه نشست منتقدان خانه موسیقی این سخنان را مطرح می‌کرد، همچنین گفت: می‌خواهم در این مراسم اعلام کنم، اگر خدای نکرده اتفاقی برای استاد فرهنگ شریف بیفتد و ایشان از دنیا بروند، اعضای خانه موسیقی حق ندارند، بالای سر پیکر ایشان بیایند و از خودشان و سایر آقایان مسوول تشکر کنند.یکی از مهم‌ترین و دلنشین‌ترین سبک‌های نوازندگی تار متعلق به اوست. وی با ابداعاتی که در نحوه انگشت‌گذاری و مضراب زنی در نقاط مختلف سیم‌های تار انجام داده، از تار صدایی کاملا متفاوت به وجود آورده که بسیاری معتقدند زیباترین صدای تولید شده از ساز تار است.

استفاده از ظرفیت‌های تار در صدادهی‌های متنوع، سکوت‌های سنجیده، آفرینش جملاتی فارغ از قالب‌های ردیف، جواب‌های کوتاه و مؤثر، اجرای ماهرانه انواع کشش‌ها و مالش‌های طولی و عرضی که ریشه در روش‌های ویولن‌نوازی ایرانی دارد.تکیه بر خیال آزاد و قدرت ایجاد موقعیت‌های خلسه‌آور در هنگام تک‌نوازی و آفرینش کوک‌های گوناگون اختصاصی از ویژگی‌های برجسته هنر نوازندگی فرهنگ شریف به‌شمار می‌رود.

برگزاری کنفرانس «دین و سیاست از منظر امام خمینی(ره)» در مادرید

به مناسبت بیست و ششمین سالگرد ارتحال ملکوتی حضرت امام خمینی(ره) بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران، سمیناری تحت عنوان «دین و سیاست از منظر امام خمینی(ره)» روز جمعه مورخ پانزده خرداد در محل رایزنی فرهنگی ایران در مادرید برگزار شد.

در این سمینار که با حضور فدایی‌فرد سفیر و معاون سفیر جمهوری اسلامی ایران و همچنین جمعی از محققان و اندیشمندان و علاقه‌مندان برگزار گردید، علیرضا اسماعیلی رایزن فرهنگی ایران در اسپانیا طی سخنانی ضمن تشکر از شرکت کنندگان به عنوان اولین سخنران مقاله خود را با موضوع «دین و سیاست از منظر امام خمینی» ارائه کرد.

وی با گرامیداشت یاد و خاطره امام راحل و با اشاره به جایگاه ویژه جمهوری اسلامی ایران در صحنه سیاست جهانی، بر اهمیت بررسی اندیشه‌های معمار انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تاکید کرد. اسماعیلی گفت: «امام خمینی(ره) این انقلاب بزرگ را رهبری کرد و نظام جمهوری اسلامی ایران را پایه‌گذاری نمود و در پی آن به مدت ۱۰ سال ارکان اصلی آن را بر دوش گرفت.» رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مادرید افزود که رهبر انقلاب اسلامی ایران الگوی جدیدی از حکومت را برپایه اندیشه‌های اسلامی و ارزش‌های انسانی ارایه نمود.

وی بیان داشت امام خمینی به مثابه اندیشمندی دینی و زمان شناسی هوشیار با دریافتی جامع از دین و با نگاهی عقلانی ـ عرفانی نسبت به سیاست و با درکی تاریخی از نیازها و تحولات جامعه و الزامات آن به احیای نگرش اسلام در تمام ابعاد زندگانی انسانی پرداخت. اسماعیلی ادامه داد: او توانست علاوه بر ارائه نگرش کلی و همه جانبه از اسلام ناب محمدی (ص) ـ به تعبیر خودش ـ کنش اجتماعی و سیاسی مبتنی بر آن را نیز دنبال نماید.بر همین اساس او دارای دو بعد اساسی یعنی دانش، بینش و کنش سیاسی و همگام با مقتضیات زمان است.رایزن فرهنگی کشورمان افزود: در بعد دانش و بینش او نه تنها دارای نگرشی فقهی است بلکه برتر و مقدم بر آن دارای نگرشی فلسفی و عرفانی است. در بعد کنش و فعل سیاسی نیز او نه تنها یک ایدئولوگ و رهبر انقلابی بزرگ که طراح و سازنده نظامی سیاسی ـ اجتماعی و بیان کننده نظریه و دیدگاهی ویژه در این باب است.

به گفته وی، به این دلیل است که بطور کلی سیاست از دید امام خمینی از آنچه در قالب راهبردها و سیاست‌های اجرایی حکومت‌های دنیوی و به‌ویژه مستبدان و ستمگران صورت می‌گیرد، کاملاً مجزا و جداگانه است.

امیلیو گنزالس فررین استاد کرسی اسلام شناسی دانشگاه سویا نیز بیان داشت: هنگامی که امام خمینی درگذشت و مترجمان وصیت نامه وی را منتشر کردند، مردم اسپانیا یک فرد متفاوت با آنچه که در خیال و باور خود داشتند را پیدا کردند، زیرا ما منتظر یک سخنرانی سیاسی بودیم و آنچه که شنیدیم یک سخنرانی کاملا انسانی بود. او افزود که یک فیلسوف فرانسوی به نام «میشل فوکو» که امام خمینی(ره) را در سال ۱۳۵۸ از نزدیک دیده، گفته است که وی یک سیاستمدار نیست که بخواهد از دین بهره‌برداری کند آنطور که افرادی چون ژنرال فرانسیسکو فرانکو در اسپانیا یا برخی دیگر در سایر کشورها کردند.

ایشان تصریح کرد: همزمان با انقلاب اسلامی در ایران، یک انقلاب اسلامی در پاکستان نیز رخ داد اما تفاوت آنها این بود که در ایران، دین به قدرت رسید و در پاکستان، قدرت از دین استفاده کرد، در نتیجه پاکستان یک کشور نافرجام بوده و هنوز این نافرجامی ادامه دارد در حالی که ایران، یک کشور قوی و مستحکم است. اسلام شناس اسپانیایی ادامه داد: انقلاب امام خمینی (ره) هویتی از آینده است. در طول تاریخ سنت، هرگاه که یک انقلاب دینی رخ داد برای پایان دادن به یک رژیم با شیوه انقلاب فرانسه یا انقلاب شوروی بود.در هیچ صورتی یک انقلاب اسلامی اصیل در تسنن وجود نداشته زیرا هر بار که از اسلام سنی برای رسیدن به قدرت استفاده شد، برای تضمین یک قدرت طبقه‌ای نظامی بوده، موردی که هیچوقت در انقلاب اسلامی ایران رخ نداد.

جعفر گنزالس موسس بنیاد مسلمانان برای صلح آخرین سخنران این کنفرانس بود که با موضوع «امام خمینی (ره)، یک عارف انقلابی» به ایراد سخن پرداخت. وی تصریح کرد: امام خمینی (ره) یک مرد با ایمان است. امام یک مردی است که مسلح به ایمان است. در زمانی که در جهان اسلام هیچکس نبود که معتقد باشد که اسلام نقش مهمی در صحنه سیاسی خواهد داشت وی فقط مسلح به ایمانش به خدا، با قدرت‌های بزرگ زمان خود به مبارزه پرداخت.

وی پس از بیان زندگی نامه، شرایط قیام حضرت امام و ویژگیهای ایشان، اشاره نمود: امام خمینی (ره)، اسلام را همانند یک کل می‌داند نه جمعی از قوانین مربوط به موضوعات مختلف بلکه یک رفتار در برابر زندگی که به معنی موضع گیری در مقابل بی عدالتی، دفاع از مستضعفان، دفاع از بندگان خدا و بلند کردن صدا در مقابل استبداد، می‌باشد، می‌نگرد.

گنزالس تاکید کرد: انقلاب‌هایی که ما در سه قرن پیش مشاهده کرده‌ایم، فاقد عنصری بودند که امام در انقلاب خود به آن اضافه نمود. همه انقلاب‌ها، بعد انسانی دارند اما عنصری که امام خمینی(ره) به انقلاب اسلامی اضافه نمود عنصر بعد متعالی که در انسان وجود دارد، بود یا به عبارتی دیگر آنچه که باعث می‌شود که انسان به خاطر هدف خود، حاضر باشد جانش را نیز فدا کند، و امام این حرکت را هنگامی راه اندازی کرد که دشمنان خدا و دشمنان اسلام از همه جهت قدرتمند بودند.امام خمینی (ره) مردی دینی بود که با سلاح دین آمد و وقتی انقلاب کرد هیچکس فکر نمی‌کرد که اسلام بتواند در صحنه جهانی چنین نقشی ایفا کند. گنزالس افزود :بیداری مسلمانان و حرکت‌های آنها در مصر، اردن، یمن و غیره از ثمرات انقلاب اسلامی امام خمینی است.

کوتاه آموزشی

برگزاری دومین نمایشگاه فناوری و نوآوری اینوتکس ۲۰۱۵

دومین نمایشگاه فناوری و نوآوری اینوتکس ۲۰۱۵ و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی فناوری‌های پیشرفته در تهران برگزارمی شود.

به گزارش دفتر مرکزی ارتباط با دانشگاه‌ها و صنعت سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران، دومین نمایشگاه فناوری و نوآوری اینوتکس ۲۰۱۵ و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی فناوری‌های پیشرفته از روز ۱۹ الی ۲۲ خرداد ماه سال جاری توسط پارک فناوری پردیس و با حمایت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، مرکز همکاری های فناوری و نوآوری ریاست جمهوری و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران سالن ۴۴ خلیج فارس برگزار می‌شود .

در این نمایشگاه آخرین فناوری‌ها در حوزه های نانو فناوری، زیست فناوری ، ICT،الکترونیک و ارتباطات، مکانیک و مکاترونیک، اپتیک، هوا فضا، انرژی های نو و تجدید پذیر ، نفت، گاز و پتروشیمی، فن آوری پزشکی و مهندسی پزشکی،اتوماسیون صنعتی و سیستم‌های هوشمند،جوزمین،تجهیزات پزشکی و آزمایشگاهی، صنایع و تاسیسات زیربنایی و مواد جدید عرضه می‌شود.

پارک فناوری پردیس با حمایت معاونت علمی و فناوری رئیس جمهور تسهیلات ویژه‌ای را با رویکرد تسهیل فرآیند تبادل و انتقال فناوری میان شرکت‌های دانش بنیان ایرانی و طرف‌های خارجی متناظر آن‌ها، برای قراردادهای فروش و انتقال فناوری در نمایشگاه بین‌المللی فناوری و نوآوری در نظر گرفته است، تا شرکت‌های ایرانی که خریدار فناوری از طرف‌های خارجی هستند، بتوانند با شرایط مناسب به فناوری‌های مورد نظر خود دست یابند.

در همین رابطه به شرکت‌هایی که در طول برگزاری نمایشگاه، قراردادی جهت انتقال فناوری با شرکت‌های خارجی که دارای حوزه فعالیت مشترک هستند، به امضا برسانند ، ۷۰٪ مبلغ کل قرارداد (تا سقف بیست میلیارد ریال) ، بصورت یک وام بلند مدت با بهره پایین پرداخت خواهد شد.

همچنین برای شرکت‌های ایرانی که بتوانند محصول دانش بنیان یا فناوری خود را به طرف‌های خارجی بفروشند، جوایز صادراتی تا سقف ۵ الی ۷ درصد مبلغ فروش در نظر گرفته شده است.

اعلام زمان مصاحبه ۲۹ رشته دکتری آزاد

زمان مصاحبه ۲۹ رشته دوره دکتری تخصصی با آزمون و بدون آزمون سال ۹۴ دانشگاه آزاد اعلام شد.

به گزارش ایسنا، دکتر علوی فاضل با اعلام این خبر گفت : جدول زمان‌بندی مصاحبه دوره دکتری تخصصی ۲۹ رشته بر روی سایت www.azmoon.net قرار گرفته و هم‌اکنون دعوت‌شدگان به مصاحبه می‌توانند با مراجعه به این سایت از زمان مصاحبه خود مطلع شوند.

معاون سنجش و پذیرش دانشگاه آزاد تأکید کرد : دعوت‌شدگان باید در زمان تعیین شده در جلسه مصاحبه حضور به هم رسانند و اگر هر واجد شرایطی به هر دلیلی نتواند در زمان مقرر در جلسه مصاحبه حضور داشته باشد، امکان مصاحبه مجدد وجود نخواهد داشت لذا عدم حضور به معنی انصراف از پذیرش تلقی می‌شود.

علوی فاضل در ادامه در پاسخ به این سئوال که دعوت شدگان چه مدارکی را باید به همراه داشته باشند،گفت: دعوت‌شدگان می‌بایست هرگونه سوابق علمی و تحقیقاتی مانند پروژه، مقاله، ترجمه و تألیف را در زمینه رشته خود به همراه داشته باشند. همچنین به همراه داشتن اصل مدرک کارشناسی و کارشناسی‌ارشد و ریز نمرات و پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد ضروری است.

وی خاطرنشان کرد: با توجه به این که دعوت متقاضیان بدون آزمون براساس معدل و نمره پایان‌نامه ملاک عمل قرار گرفته است، چنانچه در بین معدل و نمره پایان‌نامه زمان ثبت‌نام و زمان مصاحبه فرد مغایرتی وجود داشته باشد مطابق ضوابط برخورد خواهد شد.

ساخت دریچه قلب هیبریدی بادوام توسط دانشمندان ایرانی

دو دانشمند ایرانی با ترکیب سلول‌های قلب بیمار با آلیاژ فلزی موفق به ساخت دریچه قلب هیبریدی شدند که جایگزین بادوامتر و با پیچیدگی‌های کمتر را در اختیار بیماران قرار خواهد داد.

به گزارش سرویس ایسنا، دکتر حامد علومی و پروفسور آرش خردور از دانشگاه کالیفرنیا توانسته‌اند این دریچه قلب مهندسی شده هیبریدی را ارائه کنند.گزینه‌های تعویض دریچه کنونی تنها به محصولات کاملا مکانیکی یا بافت حیوانی محدود هستند. دریچه‌های قلب مکانیکی نسبت به دریچه‌های زیستی مصنوعی از دوام بیشتری برخوردارند، اما همچنین خطر ایجاد لخته‌های خونی را در طولانی مدت با خود بهمراه دارند که می تواند به سکته یا ترومبوز شریانی منجر شود.دانشمندان اکنون آزمایشات ابتدایی خود در آزمایشگاه را تکمیل کرده‌اند و قصد دارند دور بعدی کارآزمایی‌های خود را آغاز کنند. محققان بر این باورند که اگر همه چیز بطور مطلوب پیش برود، دریچه هیبریدی قلب بین پنج تا ۱۰ سال آینده در دسترس قرار خواهد گرفت.

وام دانشجویی دانش هسته ای دو برابر شد

رئیس صندوق رفاه دانشجویان از دو برابر شدن وام دانش هسته ای برای دانشجویان شاغل به تحصیل در رشته های حساس خبر داد .

ذوالفقار یزدان مهر در گفتگو با مهر گفت: هدف صندوق رفاه دانشجویان، ارایه وام به دانشجویان مستعد کم بضاعت است برهمین اساس تغییرات کوچکی در ملاک های ارزیابی برای ارایه این وام به وجود آمده است تا دانشجویان مستعد تر از این وام استفاده کنند.گفتنی است وام دانش هسته ای به دانشجویانی که در رشته‌های تحصیلی اولویت‌دار مثل هسته ای، نانو یا بیوتکنولوژی در حال تحصیل هستند، تعلق می گیرد.

معرفی نامزدهای جایزه پروین اعتصامی

بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان نامزدهای بخش شعر و داستان کودک و نوجوان ششمین جایزه ادبی پروین اعتصامی را معرفی کرد.

به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان، هیات داوری بخش کتاب کودک و نوجوان ششمین جایزه ادبی پروینِ اعتصامی با انتخاب پنج نامزد نهایی، جایزه ششم پروین را وارد مرحله تازه‌ای کرد.

هیئت داوران بخش کتاب کودک و نوجوان متشکل از جواد محقق، زهره پری‌رخ و محمدحسن حسینی در تازه‌ترین جلسه خود به دو فهرستِ پنج‌تایی در بخش‌های شعر و داستان رسیدند.

بر اساس نظر داوران، در بخش داستان و بر اساس حروف الفبا آثارِ ذیل به‌عنوان نامزد دریافت جایزه این دوره شناختهَ شدند:

«بهتر از شکلات مجانی» نوشته سودابه فرضی‌پور محصول انتشارات امیرکبیر

«سیاه کوچولو سفید کوچولو» اثر حمیده زاهد شکرآبی محصول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

«قصه‌های غار» نوشته مرجان کشاورزی‌آزاد محصول نشر شباویز

«ماهی‌گیر و بهار» اثر مژگان کلهر محصول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

«من و عجیب و غریب» اثر فروزنده خداجو محصول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

همچنین در بخش شعر کودک و نوجوان آثار ذیل نامزد دریافت جایزه قلمداد می‌شوند:

«تموم دنیا لالا» سروده شکوه قاسم نیا محصول انتشارات امیرکبیر

«جنگ دختر دستکش‌پوش با سرما» سروده زیتا ملکی محصول نشر قطره

«صبح یک روز اردیبهشتی» سروده اکرم کشایی محصول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

«کفشی به رنگ دریا» سروده منیره هاشمی محصول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

«هم روزنامه هم کلوچه» سروده مریم هاشم‌پور محصول انتشارات امیرکبیر

در بخش کودک و نوجوان ششمین جایزه ادبی پروین اعتصامی ۲۱۲۶ اثر بررسی شده است که پس از ریزش اولیه، در مرحله اول ۶۱ اثر در بخش شعر و ۱۶۰ اثر در بخش داستان داوری شده‌اند. حالا و با مشخص شدن نامزدهای نهایی باید برای آشنا شدن با برترین‌ها مَنتظر روزهای پایانی خردادماه و مراسم اختتامیه ماند.

برگزاری نکوداشت پوری سلطانی، بانوی پیشکسوت کتابدار

در مراسم نکوداشت پوری سلطانی، هوشنگ ابتهاج، بهاءالدین خرمشاهی، کامران فانی، عبدالله انوار و نوش‌آفرین انصاری از این بانوی پیشکسوت کتابدار گفتند.

به گزارش ایسنا، روز یکشنبه ۱۷ خرداد به میزبانی کانون زبان فارسی شب پوری سلطانی برگزار شد. سپس گزیده‌ای از فیلم مستند «برای کتاب‌هایم» به کارگردانی رضا حائری به نمایش درآمد.

نخستین سخنران این مراسم سیدعبدالله انوار بود که نوشته‌ای را خواند و درباره پوری سلطانی گفت: به‌واقع این بانوی والامرتبه مَلَکی است در بین آدمیان و همین تلبس به لباس آدمی است که فلک سنگ جفا را با بی‌رحمی هر چه تمامتر تا آن‌جا که توان داشته بر سر او کوبیده است و فقط همین خصلت مَلَکی اوست که توانسته او را در برابر این جفای اهریمنانه فلک بایستاند و او بدون شکوه‌ای این رنج‌ها را صبورانه تحمل کند و گذشت عمر را با بهترین انیس یعنی کتاب و کارهای راجع به کتاب همراه کند.

این کتاب‌شناس پیشکسوت ادامه داد: پوری سلطانی در عنفوان جوانی و هنوز سه ماه از زندگی مشترک با همسرش نگذشته بود که شاهد کشته شدن همسر نویسنده نیک‌اندیش خود، شد؛ موضوعی که نه‌تنها ضربه شدید به پیکر زندگی این بانوی مفخم زد بلکه ضربه‌ای سخت بر پیکر هنر نویسندگی این مُلک نیز پرداخت. چه مرحوم کیوان از نویسندگان خوش‌قلم ادب فارسی به‌شمار می‌آمد. خانم سلطانی در پی این موضوع، بر این رفت که دست به کاری یازد که خواست شویش را نیز همراه داشته باشد. پس آن را در کار کتابخانه و کتابداری دید. در نتیجه به آموزش فن جدید کتابداری نو پرداخت و با این پردازش از جمله افرادی شد که فن جدید کتابداری را به کتابخانه‌های ایران برد.



سپس نوش‌آفرین انصاری در سخنانی گفت: همواره از این‌که در طول زندگی، با دو بانوی بزرگوار که به این سرزمین خدمت‌های بسیار کرده‌اند نزدیک بوده‌ام، بر خود بالیده‌ام. در سال ۱۳۴۲، با توران میرهادی و در سال ۱۳۴۵، با پوری سلطانی آشنا شدم و با هر دو آن‌ها، که یکی در حوزه تعلیم و تربیت و دیگری در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی بر گردن ایران و ایرانی حق دارند، ارتباط نزدیک داشته و دارم.

در ادامه بهاءالدین خرمشاهی نیز گفت: در این نوبهار، دلخوشی خویشان، دوستان و سپاهی از شاگردان استاد بزرگ و پایه‌گذار کتابداری علمی و امروزین ایران، عافیت و سلامت‌یابی سرکار خانم پوراندخت سلطانی شیرازی است.

کامران فانی هم پوری سلطانی را یکی از برجسته‌ترین و اثرگذارترین چهره‌های علمی و فرهنگی روزگار ما خواند و آشنایی با او را بزرگ‌ترین رویداد زندگی خود توصیف کرد و به بیان چگونگی این آشنایی پرداخت.

سپس گروه موسیقی سرو آزاد قطعاتی را اجرا کرد.پس از اتمام موسیقی علی دهباشی به نمایندگی از جمع حاضر از سایه تقاضا کرد که چند کلمه‌ای از پوری سلطانی سخن بگوید. سپس پوری سلطانی در سخنانی گفت: دلم می‌خواست بدانید که تنها چیزی که در تمام این سال‌های سخت و پرتلاطم به من قوت ایستادگی داد، عشق به مردم سرزمینم بود. حالا هم که ناتوان و رنجور در حضور مهربان شما ایستاده‌ام، بسیار خوشحالم که نقشی، هر چند کوچک، در پیشرفت کتابداری ایران داشته‌ام. کتابخانه ملی را مثل بچه‌ام دوست داشتم و هنوز هم دلم برایش می‌تپد و شور می‌زند.او ادامه داد: کتابخانه‌ها، بویژه کتابخانه ملی که مادر سایر کتابخانه‌ها محسوب می‌شود، پشتیبان همه فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی هر کشور است. افسوس که هنوز این مسئله برای بسیاری از مسئولان ما نامفهوم است. همه دوستان دست‌اندرکار شاهدند که چگونه توانستیم زیربناهای کتابداری نوین را با دست‌های خالی در ایران بسازیم و آن چنان موفق عمل کردیم که بارها از طرف مجامع بین‌المللی کتابداری جهانی مورد تشویق و تمجید قرار گرفتیم.

سلطانی افزود: اما من هنوز ناامید نشده‌ام و انتظار دارم جوانانی که رشته کتابداری را به عنوان حرفه خود انتخاب کرده‌اند، بدانند در چه راه مقدسی قدم گذاشته‌اند و آرزو دارم با عشق و آگاهی و بردباری، موانع را از سر راه بردارند و مدیرانِ موفقی برای مبارزه با جهل و بی‌عدالتی باشند.

این مراسم که با همکاری بنیاد فرهنگی اجتماعی ملت، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و گنجینه پژوهشی ایرج افشار برگزار شد با جشن انتشار دویستمین شماره بخارا همزمان شده بود.

گالری شهریور میزبان نمایشگاه آثار ابوالقاسم سعیدی در آستانه ۹۰ سالگی



سرویس فرهنگی ـ هنری: نمایشگاه نقاشی‌های ابوالقاسم سعیدی نقاش پیشکسوت در آستانهٔ ۹۰ سالگی وی در «گالری شهریور» و همزمان با افتتاح این گالری جمعه ۲۲ خرداد گشایش می‌یابد.

به گزارش خبرنگار ما، به همین مناسبت نشست خبری در گالری شهریور برگزار شد و در این نشست ابوالقاسم سعیدی که در پاریس زندگی می‌کند و به خاطر برپایی نمایشگاهش به ایران آمده است، گفت: همیشه برای من به نمایش گذاشتن آثارم دشوار بوده است اما آشنایی من با امیرحسین زندی صاحب گالری شهریور در پاریس مرا به برپایی این نمایشگاه در ایران ترغیب کرد.

سعیدی درباره فاصله زمانی که آثار نمایشگاهش در آن مدت خلق شده است، توضیح داد: من اعتقادی به در یاد نگه داشتن تاریخ آفرینش آثار هنری ندارم چون معتقدم که نوع بینش ما همیشگی است و از همین رو است که اشعار شاعران گذشته ما هنوز برای ما معاصر است و با همین تفکر است که همه نقاشی‌های این نمایشگاه را یک نقاشی می‌دانم و در آثارم شاهد گذر زمان نیستم.

سعیدی درباره تعداد آثار نمایشگاهش گفت: حدود ۲۶ اثر از نقاشی‌های این نمایشگاه متعلق به خود من است و حدود ۴ اثر را نیز از مجموعه‌داران به امانت گرفته‌ایم.

او با بیان این که برگزاری نمایشگاه آثارش در گالری شهریور را یک شانس برای خود می‌داند، به دلایل نمایشگاه‌گریزی‌اش اشاره کرد و گفت: اولین جایزه برای نقاشی‌ام را در ۳۴ سالگی دریافت کردم که طی آن باید به مدت ۱۰ سال با یک گالری همکاری می‌کردم و هر ماه ۴ اثر به آن گالری می‌دادم، اما متوجه شدم این شیوهٔ کاری با روحیات من نمی‌سازد و در پی آن درگیری میان من و گالری‌دار پیش آمد و از آن پس از به نمایش درآوردن آثارم در گالری زده شدم.سعیدی با اشاره به این که ۶۵ سال است که در پاریس زندگی می‌کند، گفت: فرانسه و پاریس برایم مثل کارگاه هنری و آتلیه‌ام است اما ایران خانه من است و معتقدم که هنر در غربت ساخته می‌شود.

او از برگزاری نمایشگاهی بزرگتر از آثارش در موزه هنرهای معاصر در آینده‌ای نزدیک خبر داد و برگزاری نمایشگاه آثارش در گالری شهریور را تنها یک نمونه از نمایش آثارش دانست و نمایشگاه بزرگتر را در فضای وسیع‌تر موزه هنرهای معاصر بیان کرد.

در ادامه این نشست، امیرحسین زندی مالک گالری شهریور درباره نمایشگاهی که قرار است از آثار سعیدی در موزه هنرهای معاصر برگزار شود، توضیح داد: با توافق با آقای مجید ملانوروزی برای بزرگداشت ۹۰ سالگی استاد سعیدی که در مرداد است، مراسمی در موزه هنرهای معاصر برگزار می‌شود که این مراسم همراه با نمایش آثار وی خواهد بود و انتشار و رونمایی کتاب مجموعه آثار استاد سعیدی هم شامل این مراسم خواهد بود اما زمان دقیق برگزاری این مراسم هنور مشخص نشده است.

زندی همچنین از نمایش آخرین اثر استاد سعیدی در نمایشگاه گالری شهریور خبر داد و گفت: این اثر را استاد سعیدی یک ماه پیش نقاشی کرده‌اند و تمامی آثار این نمایشگاه به غیر از ۴ اثر که به امانت گرفته شده، قابلیت فروش را دارند.

زندی در پایان سخنانش دربارهٔ افتتاح گالری شهریور خاطرنشان کرد: این گالری با هدف معرفی هنر و هنرمندان ایران به دنیا تأسیس شده‌است و از این طریق آثار هنرمندان ایرانی که رزومه پرباری دارند را در خارج از کشور به نمایش درمی‌آوریم و در حال تبادل نظر برای برگزاری آثار هنرمندان خارجی هم در این گالری هستیم.

نمایشگاه آثار ابوالقاسم سعیدی که از ۲۲ خرداد ساعت ۱۵ گشایش می‌یابد تا ۲۳ تیر ادامه خواهد داشت و علاقه‌مندان به غیر از شنبه‌ها می‌توانند در دیگر روزها از ساعت ۱۵ تا ۲۰ از آثار این نمایشگاه دیدار کنند.

گالری شهریور به نشانی خیابان الهیه، خیابان خزر شمالی، بن‌بست هرمز، شماره ۹ واقع است.

انتشار ماهنامه «صوراسرافیل»

ماهنامه حقوقی، اقتصادی و اجتماعی «صوراسرافیل» با همان لگوی روزنامه «صوراسرافیل» که در دهه هشتاد قرن نوزدهم خورشیدی به چاپ می‌رسید، از اسفند سال ۱۳۹۳ شمسی با صاحب امتیازی و مدیر مسئولی، ندا فرامرزیان با مشاوره نعمت احمدی، بهروز بهزادی، بهمن کشاورز، غلامرضا کیامهر و بهروز تقی‌خوانی کار خود را آغاز کرده است.



پروفسور باقر ساروخانی در نخستین شماره صوراسرافیل معاصر، در بخشی از یادداشت خود نوشته است: جای بسی مسرّت است که نشریه‌ای با نام و در امتداد یکی از نشریات تاریخی ایران انتشار می‌یابد. جهانگیرخان شیرازی، روزنامه‌ای برپا ساخت بانام صوراسرافیل و خود او نیز نام گذشته را رها ساخت و با نام صوراسرافیل ملقب گردید... نشریه‌ای که امروزه به بازار دانش و اندیشه می‌آید، در امتداد همان تاریخ است؛ نشریه ابعاد سیاسی ندارد، به هیچ جناح سیاسی وابسته نیست. کوشش می‌شود تا حقوق شهروندی را مطرح و تشریح نماید... شهروندی تنها با حق تعریف نمی‌شود، بلکه باید رعایت تکالیف شهروندی شکل گیرد. از شرایط اساسی شهروندی باید به نکات زیر توجه داشت: «آگاهی بالا و برخورداری از ضریب تعلق اجتماعی متناسب، فرهیختگی و انباشت سرمایه فرهنگی، داشتن اطلاعات بالا و بروز، مشارکت اجتماعی بالا، تعهد در رعایت قوانین و موازین و هنجارهای اجتماعی، برخورداری از حقوق اقتصادی متعارف، برخورداری از سواد رسانه‌ای بالا و التزام در انتقال امر به معروف به دیگران» در چهارمین شماره صوراسرافیل ۲ خرداد، چنین عناوینی به چشم می‌خورد: «تأمین حقوق شهروندی لازمه سلامت اجتماعی»، «هیچ مرجعی حق دستور دادن به دادستان انتظامی را ندارد»، «بومی کردن جرم‌شناسی در کشور ما مغفول مانده است»، «انجمن‌های حقوقی تخصصی در آمریکا» و «اعتبار اسنادی، شیوه پرداخت ایمن در تجارت مدرن».

کوتاه فرهنگی

نمایشگاه گروهی و انفرادی در نگارخانه کمال الدین بهزاد

نمایشگاه گروهی نقاشی، هنرجویان سیاوش مهویس ۲۳ خرداد در سالن اصلی نگارخانه کمال الدین بهزاد و نمایشگاه نقاشی، داریوش موذنی در سالن غربی همین نگارخانه و در همین روز گشایش می یابد.مراسم افتتاح این دو نمایشگاه ۲۳ خرداد از ساعت ۱۷ تا ۲۰ برگزار می‌شود و هر دوی این نمایشگاه ها تا ۲۸ خرداد ادامه خواهند داشت .

علاقه مندان برای دیدار از آثار این دو نمایشگاه می توانند همه روزه از ساعت ۱۱ تا ۲۰ به نشانی نگارخانه کمال الدین بهزاد واقع در بلوار کشاورز ، نبش خیابان ۱۶ آذر ، شماره ۲۸۴مراجعه کنند.

جشن گشایش کتابفروشی «هنوز»

کتابفروشی «هنوز» در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۹۴ به‌طور رسمی افتتاح خواهد شد. کتابفروشی «هنوز» از مدرن‌ترین کتابفروشی‌های شهر تهران است.

به گفته مجید شهرابی، مدیر کتابفروشی هنوز، این مراسم با حضور جمعی از چهره‌های هنری و فرهنگی کشور و از ساعت ۱۹/۳۰ تا ۲۲ در مکان این کتابفروشی (خیابان کریم‌خان زند، بین ایرانشهر و ماهشهر، شماره ۱۳۴) برگزار می‌شود و شرکت در آن برای عموم شهروندان آزاد است.

نمایشگاه «مِهرساخته‌هایی از سیم و زر و سنگ» در گالری مس‌نگار

نمایشگاه «مِهرساخته‌هایی از سیم و زر و سنگ» در گالری مس‌نگار برگزار می‌شود.درِ این نمایشگاه سه روزه که پنجشنبه ۲۱ خرداد در گالری مس‌نگار افتتاح خواهد شد، زیورآلات طراحی شده و دست‌ساخته خانم‌ها لادن کمالی‌آزاد و دخترش بانی اخوین به نمایش گذاشته خواهند شد.

نمایشگاه «مهرساخته‌هایی از سیم و زر و سنگ» پنجشنبه ۲۱ خرداد از ساعت ۱۶ و ۳۰ دَقیقه افتتاح شده و به مدت ۳ روز در گالری مس‌نگار واقع در مجتمع پارک پرنس، واحد تجاری شماره ۵ و به نشانی خیابان ملاصدرا ، خیابان شیراز شمالی ، کوچهٔ حکیمِ‌اعظم برپا خواهد بود.

نمایش فیلم «در سایه» از مدرسه برلین در موزه هنرهای معاصر تهران

فیلم «در سایه» به کارگردانی توماس ارسلان در بخش جلوه هایی از مدرسه برلین فردا ساعت ۱۷در سالن سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش در می آید.

بنا به گزارش روابط عمومی موزه هنرهای معاصر تهران ؛ این فیلم که محصول سال ۲۰۱۰ است به مدت ۸۵ دقیقه به زبان اصلی و با زیرنویس فارسی در سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش در می آید.

علاقه مندان برای استفاده از برنامه های نمایش فیلم می توانند روزهای یکشنبه و چهارشنبه هر هفته ساعت ۱۷، به نشانی خیابان کارگرشمالی جنب پارک لاله، سالن سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران مراجعه کنند.

مشیرفاطمی نقاشی‌هایش را به گالری عقیلی می‌برد

لادن مشیرفاطمی در نمایشگاهی با عنوان «نبض طبیعت» آثار نقاشی خود را به گالری عقیلی می‌برد.

به گزارش روابط عمومی گالری عقیلی، در این نمایشگاه آثار آبرنگ لادن مشیرفاطمی که بیشتر از طبیعت و طبیعت بی جان سرچشمه گرفته‌اند به نمایش درمی آید.مشیرفاطمی در این نمایشگاه ۳۲ تابلو به نمایش می گذارد که دارای سبک‌های مختلف و اندازه‌هایی متفاوت هستند.

این نمایشگاه در گالری عقیلی به نشانی شهرک غرب (قدس)، خیابان سیمای ایران، روبروی بیمارستان لاله، خیابان پنجم، گذر فروردین، شماره ۱۲ از ساعت ۱۶ روز جمعه ۲۲ خرداد افتتاح می شود و به مدت یک هفته در این گالری به نمایش درخواهد آمد.

جزئیات پرداخت تسهیلات ۴۰ تا ۸۰ میلیونی خرید مسکن

بخشنامه مربوط به صندوق پس‌انداز مسکن به شعب بانک مسکن ابلاغ شد و متقاضیان می توانند از امروز برای دریافت وام ۸۰ میلیون تومانی مسکن نسبت به افتتاح حساب اقدام کنند.

مدیر عامل بانک مسکن با اعلام این که سقف وام‌های پرداختی از طریق صندوق پس‌انداز مسکن برای سالهای بعد قابل افزایش است، از پیشنهاد افزایش وام ۳۵ میلیونی خرید مسکن به ۵۰ میلیون تومان به بانک مرکزی خبر داد.

محمدهاشم بت‌شکن ضمن اشاره به جزییات نحوه پرداخت تسهیلات از طریق صندوق پس‌انداز مسکن در قالب وام‌های ۸۰، ۶۰ و ۴۰ میلیون تومانی گفت: سقف‌های تعیین شده برای پرداخت این تسهیلات به گونه‌ای نیست که بدون تغییر باقی بماند، بلکه در سال آینده ممکن است با تغییر شرایط و انجام بررسی‌های کامل همچنین در نظر گرفتن توان متقاضیان و موافقت بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار قابل ارتقاء باشد.

وی با اشاره به شرایط سپرده‌گذاری در پس‌انداز مسکن گفت: متقاضی واجد شرایط می‌تواند در دو دوره شش ماهه سپرده‌گذاری کرده و تسهیلات خود را دریافت کند.

مدیر عامل بانک مسکن همچنین از شرایط افراد خانه اولی ها که مشمول دریافت تسهیلات از صندوق تسهیلات مسکن می‌شوند، سخن گفت و افزود: متقاضیانی خانه اولی هستند که طبق ضوابط تعیین شده از تسهیلات بانک مسکن و سایر بانک‌ها برای خرید، اهداء و انتقال سهم الشرکه استفاده نکرده باشند. همچنین بهره‌ای از امکانات دولتی در تهیه مسکن نبرده و متاهل یا سرپرست خانوار باشند.

وی درباره مشخصات واحدهای مسکونی قابل خرید با وام‌های صندوق پس‌انداز مسکن گفت:این واحدهای مسکونی نمی‌تواند بیش از هفت سال از تاریخ پروانه ساخت و بیش از سه سال از پایان کار آن گذشته باشد.

نامبرده با بیان این که حداکثر دوره سپرده‌گذاری در صندوق پس‌انداز مسکن شش دوره شش ماهه یعنی سه ساله است،گفت: حداقل متوسط موجودی در هر دوره شش ماهه با توجه به شهرهای مختلف متفاوت است.

به گفته وی، حداقل سپرده‌گذاری برای وام ۸۰ میلیونی در تهران ۱۳/۵ میلیون تومان، برای وام ۶۰ میلیونی ۱۰ میلیون تومان و برای وام ۴۰ میلیونی هم ۶ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان خواهد بود.

بت شکن نرخ سود تسهیلات برای وام‌های دریافتی از طریق صندوق پس‌انداز مسکن را ۱۴ درصد اعلام کرد و گفت:در صورت کاهش این مقدار از سوی شورای پول و اعتبار، بانک مسکن هم آن را تغییر خواهد داد.

وی با اشاره به این که حداکثر مدت بازپرداخت تسهیلات دریافتی از طریق صندوق پس‌انداز مسکن ۱۲ سال است، افزود: بنابر پیشنهاد متقاضی و موافقت بانک این سقف قابل کاهش خواهد بود.

مدیرعامل بانک مسکن همچنین با اشاره به ضوابط تعیین شده برای تسهیلات پرداختی از طریق صندوق پس‌انداز مسکن خاطرنشان کرد: اقساط می‌تواند به درخواست متقاضی و بانک مسکن به صورت پلکانی باشد.

مدیر عامل بانک مسکن توضیح داد: اقساط وام‌های دریافتی در صورت بازپرداخت به شکل پلکانی ساده این گونه خواهد بود که برای وام ۸۰ میلیونی ماهانه ۹۳۷ هزار تومان، برای ۶۰ میلیونی ماهانه ۷۰۳ هزار تومان و برای ۴۰ میلیونی ماهانه ۴۶۸ هزار تومان در نظر گرفته شده است.

وی همچنین از ایجاد تمهیداتی برای ورود افرادی که در سایر سپرده‌گذاری‌های بانک مسکن به منظور دریافت تسهیلات شرکت کرده‌اند، در صندوق پس‌انداز مسکن خبر داد و یادآور شد: امکانی را فراهم کرده‌ایم تا سپرده‌گذارانی که قبلا در حساب صندوق پس‌انداز مسکن و حساب جوانان سرمایه‌گذاری کرده‌اند بتوانند با یک دوره توقف شش ماهه از همین امسال در صندوق جدید پس‌انداز مسکن افتتاح حساب کنند.

به گفته بت شکن، سپرده‌گذاران در حساب صندوق پیشین مسکن و جوانان می‌توانند بعد از شش ماه پیش‌رو در صندوق پس‌انداز مسکن،بر اساس مصوبه اخیر شورای پول و اعتبار با سقف ۴۰ تا ۸۰ میلیون تومان سپرده‌گذاری کنند.در حالی که وام خرید مسکن در سال ۱۳۹۲ به ۳۵ میلیون (با خرید اوراق) افزایش یافت و همراه با جعاله حدود ۴۵ میلیون تومان برای افراد عادی و ۵۰ میلیون تومان برای زوج‌های جوان مصوب شد، وی خبر داد که پیشنهادی را به بانک مرکزی ارائه کرده است که براساس آن سقف خرید از طریق تسهیلات مسکن برای افراد عادی از ۳۵ به ۵۰ میلیون و برای زوج‌های جوان از ۵۰ به ۶۰ میلیون تومان افزایش می‌یابد.

این مقام بانکی یادآور شد: افزایش وام ۳۵ میلیونی اکنون در بانک مرکزی در حال بررسی بوده و در صورت تصویب شورای پول و اعتبار به اجرا در خواهد آمد.

سالانه ۱۳۰ میلیارد تومان فرار مالیاتی داریم

برنامه های سازمان امور مالیاتی کشور برای جلوگیری از فرار مالیاتی از سال آینده اجرایی می شود.

به گزارش ایرنا، حسین وکیلی معاون سازمان امور مالیاتی کشور که به همراه محمد شُکری عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی،ابراهیم شاهرخیان معاون سازمان بازرسی کل کشور و حسین راغفر استاد دانشگاه واقتصاددان در برنامه گفتگوی ویژه خبری با موضوع فرار مالیاتی شرکت کرده بود، گفت: مهمترین فرار مالیاتی مربوط به استان اصفهان به مبلغ ۹۰۰ میلیارد تومان است.این فرار مالیاتی را گروهی که در مقوله کد فروشی و فاکتورفروشی فعال بودند، انجام دادند. کسانی که اقدام به این عمل می کنند، در واقع چند جرم را از جمله جعل و کلاهبرداری با هم مرتکب شده اند.

وکیلی افزود:هم اکنون یک پرونده دیگر هم در استان تهران درحال بررسی است که یک کدفروش، ۱۲۰ مهر را برای شرکت ها درست و ۱۲۰ میلیارد تومان فاکتور فروشی کرده است.

وی در ابتدای این گفتگو میزان فرار مالیاتی را ۱۲۰ تا ۱۳۰ میلیارد تومان در سال اعلام کرد و در ادامه از نبود اطلاعات کامل به عنوان یکی از مشکلات سازمان امور مالیاتی در جهت جلوگیری فرار مالیاتی نام بردو افزود: دریافت اطلاعات جامع نیازمند وجود قانون است که البته دراین باره بسیار ضعیف هستیم. اما در اصلاحیه قانون مالیات ها پیش بینی های خوبی شده است.به طوری که براساس قانون مالیات های مستقیم کنونی با درخواست وزیر و در موارد خاص می توان اطلاعات مالی افراد را از بانک‌ها کسب کرد.

معاون سازمان امور مالیاتی کشور بااشاره به آغاز اجرای طرح جامع مالیاتی از سال ۸۸ گفت:پیش بینی کارشناسان خارجی، اجرای کامل این طرح در مدت هفت سال است، در حالیکه اجرای همین سیستم در ترکیه ۱۰ سال به طول انجامید.بااجرای این طرح بزرگ همه بانک های اطلاعاتی کشور یکپارچه می شوند و سخت افزار آن در سازمان امور مالیاتی کشور ایجاد شده است.

وی بر لزوم کسب اطلاعات مالیاتی افراد و شرکتها تأکید کرد و افزود: بطور مثال سازمان امور مالیاتی کشور آمار اطلاعات املاک و خودروهای عمومی مشمول مالیات را ندارد. زیرا دستگاههای ذیربط از ارائه آن به این سازمان خودداری می کنند. علیرغم اینها ، باهمین قانون موجود هم اطلاعات در دسترس سازمان امور مالیاتی کشور نسبت به سالهای گذشته ۱۵ برابر شده است.

وکیلی تصریح کرد: در شرایط کنونی اگر دستگاه ها و سازمان ها اطلاعات لازم را در اختیار ما قرار ندهند، هیچ راهکاری برای برخورد با آنها پیش بینی نشده است. اما در اصلاحیه این قانون،این مشکل برطرف می شود.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی هم با بیان اینکه با تخمین ۸۰ درصدی هم نمی توان آمار دقیقی از فرار مالیاتی در کشور ارائه کرد،گفت: علت اصلی تشکیک در ارایه آمار، شفاف نبودن فعالیت های اقتصادی است.پیشتر در سازمان امور مالیاتی هر پنج سال کار واحدیابی صورت می گرفت. اما الان ۱۰ سالی است که مشکل داریم و واحدیابی صورت نگرفته است.

محمد شکری با تأکید بر انتظار همگانی برای اجرای طرح جامع اطلاعات مالیاتی، علت دیگر فرار مالیاتی را کمبود نیروی انسانی در سازمان امور مالیاتی کشور دانست و گفت: حقوق کارمندان دولت و حقوق بگیران جزو شفاف ترین درآمدها برای دریافت مالیات است.از این رو باید سیستمی طراحی شود که درآمد همه افراد و شرکت ها همچون کارکنان دولت و حقوق بگیران مشخص و شفاف شود.

وی بابیان اینکه براساس قانون همه مکلفند اطلاعات مورد نیاز سازمان امور مالیاتی کشور را به این سازمان ارائه کنند، گفت: برای جلوگیری از فرار مالیاتی تاکنون قانون برای یک نفر هم اجرا نشده است.

همچنین معاون سازمان بازرسی کل کشور که به صورت تلفنی دراین برنامه حاضرشده بود، گفت: سازمان امور مالیاتی کشور مدعی اصلی برای جلوگیری از فرار مالیاتی است.همچنین سازمان بازرسی کل کشور همه گزارش هایی را که در این زمینه دریافت می کند، به دقت مورد بررسی قرار می دهد.ابراهیم شاهرخیان با اشاره به آسیب شناسی صورت گرفته در سازمان بازرسی کل کشور در زمینه فرار مالیاتی افزود: بخشی از این مشکل، برون سازمانی است که نبود بانکهای اطلاعاتی یا نبود شبکه متناسب برای ارتباط میان این بانک های اطلاعاتی از جمله آنهاست.

وی بااشاره به برنامه های این سازمان برای ارتباط برقرارکردن میان دستگاههای ذیربط و ایجادشبکه مرتبط برای ارائه اطلاعات افزود:سازمان امور مالیاتی کشور همچنان سنتی است و کامل مکانیزه نشده است و این بخشی از مشکلات درون سازمانی در زمینه جلوگیری از فرار مالیاتی است.

در ادامه این برنامه حسین راغفر استاد دانشگاه و اقتصاددان در یک ارتباط تلفنی بابیان اینکه در بحث جلوگیری از فرار مالیاتی همه چیز به سازمان امور مالیاتی کشور برنمی گردد، گفت: بحث فراتر از دولت است و باید هماهنگی میان سه قوه در این زمینه صورت گیرد تا نهادهایی هم که حجم بزرگ اقتصاد را در اختیار دارند، مالیات بپردازند.

وی تأکید کرد: جلوگیری از فرار مالیاتی نیاز به برخورد سریع و قاطع دستگاه قضائی دارد،گفت: تولید ناخالص داخلی کشور درسال ۹۲ بالغ بر ۹۳۴هزارمیلیارد تومان بود که اگر ۲۰ درصد این میزان را هم فرار مالیاتی محاسبه کنیم، مجموعش به ۱۸۵هزار میلیارد تومان می رسد.

این استاد دانشگاه با بیان اینکه امکان دسترسی به اطلاعات بانکی در کشورهای پیشرفته وجود دارد اما بطور معمول از آن استفاده نمی شود، افزود: در این کشورها شبکه مالیاتی دقیقی وجود دارد و هر پرداختی بر اساس آن صورت می گیرد ؛در حالیکه در کشور ما چنین شبکه ای وجود ندارد.

راغفر خاطر نشان کرد: در این کشورها فرار مالیاتی یک جرم جنایی شناخته می شود و دستگاه قضائی به شدت با آن برخورد می کند.

اختلاف وزارت اقتصاد و اصناف در تعیین نرخ مالیات

خبر دیگری حاکیست رئیس اتاق اصناف ایران گفت: شبکه اصناف کشوربر روی مساله تعیین نرخ مالیات بر درآمد امسال با دولت به توافق نرسید.علی فاضلی دیروز گفت: سازمان امور مالیاتی پیشنهاد افزایش ۲۰ تا ۲۵ درصدی مالیات اصناف را داده که معقول نیست و ما هم می‌گوییم درآمد بالای ۳ میلیون تومان در نهایت ۱۴ درصد مالیات بدهد و در حال بررسی برای رسیدن به یک عدد مشترک هستیم.

وی در پاسخ به این پرسش که شنیده شده برخلاف برگزاری جلسات متعدد با سازمان امور مالیاتی هنوز اصناف برای تعیین نرخ مالیات عملکرد سال ۹۳ به نتیجه نرسیده‌اند، با تائید این موضوع تصریح کرد: علیرغم اینکه جلساتی برگزار شده، اما هنوز به تفاهم نرسیده‌ایم، چرا که چه در بخش تولید و چه در بخش توزیع در سال ۹۳ اتفاق خاصی رخ نداده است. که بر آن اساس بخواهیم مالیات را هم افزایش دهیم.

رئیس اتاق اصناف ایران گفت: حتی در بخش توزیع که آمار واردات رسمی در دست خود دولت است، نشان می‌دهد که کاهش واردات داشته‌ایم و ما می‌گوییم باید افزایش مالیات معقول باشد.

وی در پاسخ به اینکه سازمان امور مالیاتی معتقد است اصناف ۲۶ درصد GDP(درآمد ناخالص ملی) را پوشش می‌دهند و باید مالیات بر طبق آن پرداخت شود، گفت: نقش اصناف در GDPتنها ۱۸/۵ درصد است و ما می‌گوییم فعل و انفعال خاصی در اقتصاد کشور رخ نداده که مالیات اصناف هم تغییر کند.

فاضلی در پاسخ به اینکه چقدر احتمال رسیدن به تفاهم با سازمان امور مالیاتی وجود دارد و در این صورت چه اتفاقی رخ می‌دهد، اظهار امیدواری کرد که تفاهم بین طرفین انجام خواهد شد.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۶۰/۸۹ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۶۵/۱۷ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۵۸/۶۱ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۱۷۲۵۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۱۵۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۱۶۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۴۶۷۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۵۶۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۷۸۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۹۳۵۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۱۸۶۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۲۸۹۷ تومان
دلار آمریکا(نرخ آزاد)	۳۳۱۷ تومان
یورو(نرخ بانکی)	۳۲۱۵/۹ تومان
یورو(نرخ آزاد)	۳۶۹۵ تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۴۴۲۱/۹ تومان
پوند انگلستان(نرخ آزاد)	۴۶۲۱ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۷۸۸/۸ تومان
درهم امارات (نرخ آزاد)	۹۰۵ تومان

راه اندازی مترو شهر جدید هشتگرد در نیمه دوم سال

مدیر کل دفتر حمل و نقل و ترافیک شرکت عمران شهرهای جدید از افتتاح مترو شهر جدید هشتگرد در نیمه دوم سال جاری خبر داد.

به گزارش تسنیم به نقل از وزارت راه و شهرسازی، حسین رجب‌صلاحی با بیان این‌که مسیر قطار شهر جدید پردیس تا یک ماه آینده نهایی می‌شود ، اظهار داشت : خط جدید راه‌آهن هشتگرد از شمال این شهر آغاز می‌شود و به مسیر مترو صادقیه ـ گلشهر می‌رسد و در صورت تامین اعتبارات ، نیمه دوم سال، قطار روی خط آهن این مسیر قرار می‌گیرد.

وی درباره راه آهن شهر جدید اندیشه گفت: برای شهر اندیشه هم از ظرفیت راه آهن تهران ـ تبریز استفاده می‌کنیم و نقل و انتقال جمعیت یک و نیم میلیون نفری ساکن اندیشه ، ملارد و قدس را پوشش می‌دهیم.

معاون سازمان انرژی اتمی:
پروتکل الحاقی با دسترسی عام را نمی‌پذیریم

وی افزود: اگر مجلس این را تصویب نکند، طبیعتا تایید نمی شود و توافق هم اجرا نمی شود.

کمالوندی خاطرنشان کرد: نکته ای که به نظرم می رسد برای محافل مختلف در ایران نگران کننده است، تفسیر موسع از این موضوع است. به علاوه تجربه گذشته ما هم در این زمینه وجود دارد. ما در گذشته همکاری کرده ایم و به سایت های نظامی خود اجازه دسترسی داده ایم. حالا، خوب یا بد، در گذشته این بوده است و بارها هم اتفاق افتاده است، اما نتیجه آن چه شده است؟

کمالوندی تأکید کرد: بنابراین، هر کشور دیگری اگر در وضع ایران باشد، حتما چنین نگرانی به جایی خواهد داشت. پس، این یک طرف قضیه است؛ یعنی ما از یک طرف می خواهیم به سمت پروتکل الحاقی برویم و از طرف دیگر با توجه به تجربیات گذشته و عملکرد آژانس این نگرانی را داریم که با تفسیری که می تواند موسع باشد مشکلاتی ایجاد شود و این نگرانی است که وجوددارد.

وی افزود: از طرف دیگرهم طبیعتا باید راه حلی برای شفاف سازی داشته باشیم که حقوق، حدود، مشکلات و مسائل ایران را هم مثل هر کشوردیگری در نظر بگیرند. الان که در مذاکرات درباره آن صحبت می شود این است که این شفافیت ها چیست. بعضی نقاطی که ممکن است در پروتکل الحاقی خیلی باز نشده است ممکن است توسط دو طرف باز و مطرح شود و برداشت های دو طرف مشخص شود.

کمالوندی خاطرنشان کرد: طبیعتا ما بر اساس یک برداشت عمومی که همه کشورها با هم اجماع دارند به علاوه برداشت خودمان را می توانیم بپذیریم نه یک پروتکل الحاقی که هر کسی می تواند در خارج از کشور برداشت خودش را داشته باشد.

وی افزود: حرف ما این است که پروتکل الحاقی چنین ساز و کاری ندارد. البته، این می تواند در آژانس مطرح شود. به نفع همه کشورها است که مواد مختلف پروتکل الحاقی مطرح شود. ماده پنج آن خیلی واضح است. بند Cماده پنج خیلی واضح است که می گوید اگر کشوری نتواند به جایی دسترسی بدهد، می تواند به همجوارآن منطقه دسترسی بدهد. این به این مفهوم است کشوری اگر صلاح دید دسترسی ندهد، نمی دهد و اگر آژانس هم به نمونه برداری اصرار داشته باشد، می تواند از محیط همجوار آن استفاده کند.

کمالوندی تأکید کرد: البته صرفا بحث پروتکل الحاقی نیست؛ از پادمان هم ممکن است با یک تفسیری موسع سوء استفاده شود و ما نباید اجازه دهیم چنین تفاسیری ایجاد شود.

کمالوندی خاطرنشان کرد: اکنون که درحال رفتن به سوی پروتکل الحاقی هستیم، از یک طرف در بیرون (خارج از کشور) چنین تلقی ایجاد می شود که هر زمان بخواهند می توانند به هر کجا ورود پیدا کنند که چنین نیست.

وی افزود: از طرف دیگر و در نتیجه این تبلیغ در خارج، در داخل این نگرانی ایجاد می شود که نکنند که چنین شود.

کمالوندی اظهار داشت: به نظر من یک حد وسطی وجود دارد که این نگرانی را برطرف کند. البته باید در مذاکرات صحبت کنیم که یکی از بخش های پیچیده مذاکرات هم همین است که داریم پیگیری می کنیم و امیدوار هستیم که راهی پیدا شود که در آن مسیر حقوق ما به ویژه تجربیات تلخی که ما در گذشته داشتیم درنظر گرفته شود.

کمالوندی گفت: هر کشوری خود را جای ما بگذارد که دسترسی و اطلاعات داده و ده سال در این زمینه کار کرده است و پس از این مدت دوباره در نقطه اول قرار گیرد، آیا این کشور همچنان آماده است که ادامه بدهد؟ این ها موضوع هایی است که باید در مذاکرات مطرح شود و از طرف ما مطرح شده است.

کمالوندی در پاسخ به این سئوال که آیا ۱+۵ با بررسی پیشنهاد ایران به عنوان راه حل میانه موافقت کرده است، اظهار داشت: ما فعلا داریم مذاکره می کنیم و هنوز در این مورد؛ یعنی بحث های شفاف سازی و کار با آژانس خیلی از مسائل باید مطرح شود.

کمالوندی با اشاره به حاکم شدن نوعی بدبینی اظهار داشت: قبل از این که وارد اجزا شد باید این بدبینی را برداشت. وی افزود: این بدبینی در نتیجه اقدام های یک سری محافل خاص در خارج از کشور است که تبلیغ می‌کنند معنی همکاری‌های ایران در قالب پروتکل الحاقی این است.

کمالوندی تأکید کرد: این امر در داخل هم برای ما باعث ایجاد نگرانی شده است و چه بسا که اگر چنین برداشتی از پروتکل الحاقی باشد، می‌تواند در مسیر مجلس مشکل ایجاد کند.

کمالوندی درباره بحث طرح قانون صیانت از حقوق هسته‌ای در مجلس شورای اسلامی گفت: تا آنجا که من اطلاع دارم و درجلسات مختلف کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شرکت کردم، ابتدا سه طرح مطرح بود و بحث هایی شد و قرار شد که یک طرح را داشته باشند.

کمالوندی خاطرنشان کرد: تا آنجایی که من اطلاع دارم این پیش نویس وارد جزئیات نشده است.

وی تأکید کرد: مجلس اختیارات خودش را دارد و اگر قانونی را داشته باشد، قوه مجریه مسئول اجرای قانون است.

کمالوندی اظهار داشت: ما تلاش کردیم که واقعیت مذاکرات و فضایی که در مذاکرات است و برنامه های مورد نظر را به دوستان در مجلس منتقل کنیم.

کمالوندی گفت: به طور کلی ما در سازمان انرژی اتمی به دنبال توسعه برنامه صلح آمیز هسته ای هستیم اما در مذاکرات پذیرفته شده است که در بعضی از حوزه ها محدودیت هایی باشد که طبیعتا این محدودیت ها تعریف شده است، به صورتی که به اصل برنامه هسته‌ای ما صدمه‌ای وارد نکند و نشاط و آینده هسته‌ای ما را تحت تأثیر قرار ندهد و ما در این خصوص با نمایندگان مجلس صحبت کرده ایم.

وی ادامه داد: اگر از ما به عنوان سازمان انرژی اتمی بپرسید که از مذاکرات چه می‌خواهید، می‌گوییم که ما چیزی نمی‌خواهیم غیرازاین که در سطح بین‌المللی همکاری باشد و محدویت نباشد و بتوانیم کار صلح آمیز هسته‌ای را توسعه دهیم.

معاون سازمان انرژی هسته ای خاطرنشان کرد: یکی از مبانی پذیرفته شده در این مذاکرات این است که در یک حوزه‌ای ما محدودیت‌های تعریف شده داوطلبانه‌ای را برای مدتی داشته باشیم، به طور مثال غنی سازی را به مدت ۱۰ سال توسعه ندهیم. اما اگر در کنار این تحقیق و توسعه ما حفظ شود – که در این مذاکرات با همین استراتژی جلو رفته ایم- طبیعتا ما می‌توانیم گذشت این ده سال را هم جبران کنیم و در سکوی جهش قرار بگیریم.

کمالوندی اظهار داشت: آنچه که ما در حال رایزنی با نمایندگان مجلس هستیم این است که ما چه می‌خواهیم و چه کاری باید انجام داد، در عین حال مجلس هم نگرانی‌های خودش را دارد به خصوص در رابطه با دسترسی‌ها و تحریم و قواعدی کلی در رابطه با تحریم‌ها؛ مانند این که تحریم ها یکجا و به موقع برداشته شود و دسترسی‌ها به گونه‌ای نباشد که حاکمیت کشور را مخدوش کند.

وی تأکید کرد: یک سری کلیاتی است که ما طبیعتا در ارتباط با این موضوع با نظر مجلس همراه هستیم و نظر ما غیر از نظر مجلس نیست؛ به همین دلیل صحبت و رایزنی بین ما هست. به هر حال ما هنوز در حال مذاکره هستیم و برای نتیجه گیری هنوز زود است.

کمالوندی در پاسخ به این سئوال که آیا در مذاکرات همچنان بحث‌های فنی چالش اصلی است یا به نوعی این موضوع به راه حل هایی رسیده، اظهار داشت: تا جایی که اطلاع دارم تقریبا موضوع های فنی پیشرفت نسبتا خوبی داشته است و با حضور دکتر صالحی و همتای ایشان به صورت جدی موضوع ها مطرح شد و درباره بحث های غنی سازی، فردو، تحقیق و توسعه و ذخایر و غیره صحبت شد و به توافق های کلی رسیدیم؛ مسیری که داریم نگاشتن متونی است که فهم واحد از این توافق داشته باشیم که در بیانیه لوزان هم به آن اشاره شده است.

وی اظهار داشت: شاید قسمت سخت‌تر در دو موضوع تحریم ها و بحث شفاف سازی باشد و این که این شفاف‌سازی چگونه باشد.

کمالوندی با این حال گفت: البته مفهوم این نیست که در موضوع فنی همه چیز تمام شده است و مذاکرات همچنان ادامه دارد ولی اگر به گذشته نگاه کنیم نسبت به جایی که ما حدود یک سال و نیم قبل بودیم خیلی پیشرفت کردیم و جلو آمدیم و به نقاط مشترکی رسیدیم. به همین دلیل تصور و تلقی این است که می شود اگر اراده باشد آن بخش باقیمانده را هم حل کرد و این جمله‌ای است که مکرر می شنوید، اگر اراده در طرف مقابل باشد می توان به راه حل رسید و من فکر می کنم که هنوز می توان این جمله را تکرار کرد.

کمالوندی درباره تأثیر نبود دکتر صالحی و جان کری وزیر خارجه آمریکا در مذاکرات گفت: آقای دکتر صالحی هیچگاه دور از مذاکرات نبود؛ اگرچه در مذاکرات هم مستقیم شرکت نمی کرد؛ البته تا قبل از سال جدید شمسی در اواخر و اوایل سال حضور مستقیم داشت.

وی افزود: دکتر صالحی در همه مذاکرات حضور نداشت اما در جریان همه موضوع ها بود و مسائل مطرح می‌شد و جلسات داخلی داشتیم و دستور کار برای موضوع‌های فنی توسط وی صادر می شد و هماهنگی‌های لازم صورت می گرفت و نهایتا مذاکره کننده ما و دوستان ما از سازمان انرژی اتمی شرکت می کردند.

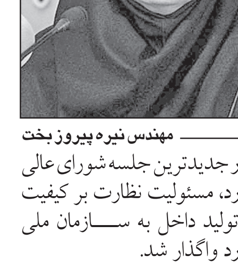
کمالوندی گفت: اکنون هم به همین ترتیب است و الان حتی در همین مدتی که دکتر صالحی دوران نقاهت خود را طی می کند ما جلسات مکرری را با دکتر روانچی و عراقچی با دکتر صالحی داشتیم، چند بار هم به اتفاق آقای رحیمیان که مسئول فنی ما است این جلسات را برگزار کرده ایم.

کمالوندی تأکید کرد: اتفاقی هم که برای جان کری افتاده است باعث می شود که از مذاکرات دور باشد. معمولا وقتی که در سطوح پایین‌تر نمی‌توانند به توافق‌هایی برسند موضوع یا موضوع ها را جمع می‌کنند و در جلسه بالاتری مطرح می‌کنند تا راه حلی پیدا شود، یعنی مکانیسم مذاکرات اکنون به همین شکل است.

وی ادامه داد: شاید در دوره قبل دو موضوع جمع می‌شد و جلسه‌ای برگزار می شد، ولی اکنون چهار یا شش موضوع جمع می شود تا جلسه‌ای برگزار شود.

کمالوندی خاطرنشان کرد: ولی این جلسات می‌تواند با استفاده از وسایلی مانند ویدیو کنفرانس برقرار شود و خیلی این موضوع مهم نیست و دو طرف می‌دانند که هر طرف چه چیزی می‌خواهد و به قول دکتر ظریف فقط باید زیاده خواهی نباشد و خواستن اشکالی ندارد.

سازمان استاندارد مسئول نظارت بر کیفیت بنزین داخلی شد



مهندس نیره پیروزبخت



دکتر معصومه ابتکار

در جدیدترین جلسه شورای عالی استاندارد، مسئولیت نظارت بر کیفیت بنزین تولید داخل به سازمان ملی استاندارد واگذار شد.

خانم مهندس نیره پیروزبخت رئیس سازمان ملی استاندارد دیروز در حاشیه نخستین همایش روز جهانی تایید صلاحیت در جمع خبرنگاران با بیان این مطلب افزود: بدنبال این مصوبه برنامه ریزی های لازم صورت گرفته تا از مراکز تولید و توزیع بنزین داخل بازدیدهای لازم به عمل آید.

وی با بیان اینکه تمرکز سازمان ملی استاندارد بر تولید و توزیع بنزین داخل است، اضافه کرد: با نظارت‌هایی که بر کیفیت بنزین های وارداتی صورت گرفته است، این محصول مشکلی ندارد.

پیروزبخت سپس ادامه داد: با این رویکردی که برای ایجاد کیفیت در بنزین های تولید داخل ایجاد شده است، امیدواریم بزودی شاهد تولید بنزین با کیفیت مناسب در داخل کشور باشیم.وی همچنین از آغاز بازرسی ها از بازار در آستانه ماه مبارک رمضان خبر داد و گفت: بازرسی های همه جانبه ای به مناسبت ماه مبارک رمضان آغاز شده تا تمام مایحتاج مردم برای این ماه کنترل و بازرسی شود.

نامبرده با بیان اینکه این مایحتاج شامل خرما، لبنیات، روغن قنادی ها و نظایر آن می شود، افزود: بازرسی ها از هم اکنون شروع شده و در پایان ماه مبارک رمضان نتایج آن اعلام خواهد شد.وی با اشاره به نتایج بازرسی های بازار در ماه مبارک رمضان سال گذشته، اظهار داشت: در سال گذشته ۳۵۰ هزار مورد بازرسی از بازار سراسر کشور به عمل آمد که ۲۲۰ مورد جعل علامت استاندارد داشتیم. همچنین در این مدت حدود ۲ هزار مورد تخلف در ماه مبارک رمضان به مراجع قضایی ارجاع شد.رئیس سازمان ملی استاندارد سپس بر ضرورت کنترل و نظارت‌ها پس از تولید تاکید کرد و گفت: مراحل پس از تولید در بحث آلایندگی ها بسیار مهم و با ارزش است و باید نظارت و کنترل های دوره ای برای محصولات تولید شده صورت پذیرد.

به عنوان نمونه خودرو باید پس از تولید، مورد آزمون ها و نظارت های دوره ای قرار گیرد که در این راستا باید بحث های معاینه فنی بسیار جدی گرفته شود.وی با تاکید بر جلوگیری از صدور معاینه های فنی صوری، اظهار داشت: در بسیاری از موارد که احساس خطر کردیم ولی جزء وظایف ما نبوده است، به کمک دستگاه های اصلی آمدیم. از جمله این موارد کنترل مخازن سوخت سی ان جی خودروهای گاز سوز است که فعالیت های خود را برای کنترل این مخازن آغاز کردیم.

پیروزبخت با بیان اینکه نظارت و کنترل مخازن سی ان جی خودروهای بخش دولتی از ابتدای سال آغاز شده است، گفت: تا پایان امسال کنترل این مخازن به پایان خواهد رسید و سپس کار بازدید از مخازن سوخت خودروهای عمومی را آغاز خواهیم کرد. این مقام مسئول سپس به پیشنهاد سازمان ملی استاندارد ایران به وزارت راه و شهرسازی اشاره کرد و گفت: به این وزارتخانه پیشنهاد دادیم برای ناوگان برون شهری همچون هواپیماها یک چک لیست تهیه شود و قبل از حرکت هر اتوبوس چک های لازم اعمال شود.

به گزارش خبرنگارما، وی همچنین در همایش روز جهانی تایید صلاحیت با بیان اینکه نگران دوران پس از تحریم هستیم، گفت: در چند سال گذشته به‌دلیل مسایل سیاسی، فاصله‌ای بین ما و مراجع بین الملل پیش آمد که باید پس از رفع تحریم ها به سرعت این فاصله ها پر شوند.البته از هر نظر آمادگی ورود به عرصه بین‌المللی وجود دارد. اما پس از تحریم‌ها باید یکسری فعالیت های جدیدی شکل گیرد تا بتوانیم عقب ماندگی های گذشته جبران شود.

رئیس سازمان ملی استاندارد اظهار داشت: پس از دوران تحریم تنها نباید به درون مرزهای کشور توجه کنیم بلکه باید بتوانیم با تدابیر مناسب وارد عرصه‌های بین الملل شویم.

وی استاندارد را یک زبان مشترک بین المللی دانست و گفت: تایید صلاحیت برای ورود به عرصه بین المللی است و باید در تمام زمینه‌ها به این مفاهیم توجه ویژه داشته باشیم. در مرحله نخست این مفاهیم باید در کشور نهادینه شود و سپس در مرحله بعدی جامعه بین المللی را متقاعد سازیم که ایران نسبت به این مسایل بی توجه نیست.وی اضافه کرد: هدف از تایید صلاحیت، ارزیابی سیستم آزمایشگاه‌های آزمون، کالیبراسیون، بازرسی و گواهی کردن است تا اثبات شود ارزیابی انطباق با الزامات بین المللی در تطابق بوده و تجارت و خدمات فرامرزی آن گونه که مورد نظر مراجع و سازمان های تجاری و دولتی است، تسهیل شود.

رئیس سازمان ملی استاندارد با اشاره به ایجاد رویکرد نوین استانداردسازی در کشور گفت: این رویکرد بر چهار محور استانداردسازی، ارزیابی انطباق، اندازه شناسی و تایید صلاحیت استوار است.

وی با اشاره به اینکه چندین سال است که روز جهانی تایید صلاحیت در سایر کشورهای جهان برگزار می شود، اما در ایران امسال برای نخستین بار این مراسم برگزار می شود،افزود: مفهوم تایید صلاحیت برای بسیاری از مخاطبان و ذینفعان اقتصادی کشور ناشناخته است و اگر این مفهوم به درستی جا نیافتد، شاید بخشی از فعالیت های ما برای ورود به بازارهای جهانی دستخوش آسیب‌هایی شود.

خانم دکتر معصومه ابتکار معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست هم در حاشیه این همایش به خبرنگاران گفت: ستاد ملی برای مقابله با آتش سوزی‌ها در جنگل ها تشکیل شده است و هماهنگی این ستاد به عهده ستاد مدیریت بحران کشور خواهد بود.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در خصوص مهار آتش سوزی در جنگل های کشور به موضوع کمبود امکانات اشاره کرد و افزود: کمبود امکانات در گذشته وجود داشته است و بسیاری از ساز و کارهایی که باید از قبل ایجاد می شد، متاسفانه ایجاد نشده است.البته طی ۲۱ ماه گذشته تلاش‌های زیادی برای احیای زیرساخت ها صورت گرفته است.

وی با تاکید بر اینکه با هرگونه دخل و تصرف و زمین خواری برخورد می شود، گفت: با روی کار آمدن دولت یازدهم تلاش های خوبی برای جلوگیری از زمین خواری و همچنین دخل و تصرف در زمین صورت گرفته که براین اساس نه تنها دخل و تصرف زمین ممنوع است، بلکه با این عمل برخورد خواهد شد.چنانکه از زمان روی کار آمدن دولت تاکنون هزاران هکتار آزادسازی زمین صورت گرفته است.وی در ادامه از اعزام یک هیات عالی برای ارزیابی و ارایه گزارش برای مقابله با گردو غبار به خوزستان طی روز آینده خبر داد و گفت: برای مقابله با گرد و غبار طرح هایی در دست اجرا است.البته عامل اصلی این گرد و غبارها منشا خارجی دارد و بخش عمده این گرد و غبارها از سوی عربستان سعودی و بخشی از هم از غرب آسیا به سمت کشورمان حرکت کرده اند.

وی همچنین در خصوص آلایندگی آشکار برخی خودروها اظهار داشت: از سال گذشته بازرسی مستمر خودروها به طور جدی آغاز شده به گونه ای که اجازه شماره گذاری محصولات پنج خط تولید خودرویی داده نشد.نامبرده با تاکید بر اجرای دقیق معاینه فنی خودروها، گفت: آیین نامه اجرایی معاینه فنی طی سال گذشته تهیه شده که براین اساس معاینه فنی یک تکلیف قانونی است و باید انجام پذیرد. وی از راه اندازی شبکه ملی پایش مراکز معاینه فنی خبر داد و گفت: عملیات اجرایی این شبکه بزودی نهایی خواهد شد.این شبکه با همکاری پلیس راهور ناجا می تواند جلوی خیلی از تخلفات در بحث معاینه فنی را بگیرد. چنانکه براساس قانون هر خودرویی که معاینه فنی نداشته باشد، تخلف کرده است و پلیس راهور ناجا به عنوان مجری این قانون باید جلوی تردد این خودروها را بگیرد.

تاکید معاون اول رئیس جمهوری بر تدوین آیین نامه های قانون رفع موانع تولید

قانون رفع موانع تولید از ظرفیت های خوبی برای ورود به دوره رونق اقتصادی برخوردار است و در این خصوص دستگاه هایی که در این قانون مکلف به تدوین آیین نامه هستند، در اسرع وقت آیین نامه های پیشنهادی خود را ارایه دهند.

جلسه بررسی نحوه اجرای قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور عصر دیروز به ریاست معاون اول رئیس جمهوری برگزار شد .

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت ،دکتر اسحاق جهانگیری در این جلسه گفت: این قانون می تواند در مقطع فعلی بسیار کارساز بوده و بسیاری از مشکلات و چالش های پیش روی بخش خصوصی را برطرف سازد.وی همچنین با اشاره به ضرورت تدوین آیین نامه های لازم برای اجرای قانون رفع موانع تولید، از تاکید ویژه رئیس جمهوری برای تسریع در تدوین این آیین نامه ها خبر داد و از دستگاه هایی که در این قانون مکلف به تدوین آیین نامه هستند، خواست در اسرع وقت آیین نامه های پیشنهادی خود را ارایه دهند. در این جلسه که وزرای امور اقتصادی و دارایی، صنعت، معدن و تجارت، نفت، راه و شهرسازی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، رئیس کل بانک مرکزی و مشاور اقتصادی رئیس جمهوری حضور داشتند، گزارشی از تعداد آیین نامه های مورد نیاز برای اجرای قانون رفع موانع تولید ارایه شد و معاون وزیر اقتصاد در خصوص اقدامات انجام شده و برنامه زمانبندی برای نهایی شدن آیین نامه ها جهت ارایه در جلسه هیات وزیران به بیان توضیحاتی پرداخت.در این نشست همچنین پس از بحث و تبادل نظر در خصوص قانون رفع موانع تولید و ظرفیت های آن برای خروج از رکود و حل مشکلات بخش خصوصی، مقرر شد پیش نویس آیین نامه هایی که در اولویت قرار دارند هر چه زودتر تدوین و پس از بررسی در یک کارگروه تخصصی، برای تصویب نهایی در جلسه هیات وزیران مطرح شود.

از سوی دیگر،بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هم قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور را به منظور اجرا به نظام بانکی کشور ابلاغ کرد.

بانک مرکزی نباید نقش صندوق دولت را ایفا کند

نایب‌رئیس مجلس با تاکید براینکه بانک مرکزی نباید نقش صندوق دولت را ایفا کند، گفت: اکنون تورم نسبت به گذشته کاهش یافته، اما تسهیلات با همان سودهای بالا به متقاضیان پرداخت می شود. به گزارش خانه ملت، محمدحسن ابوترابی‌فرد در گردهمایی مدیران صندوق‌های قرض‌الحسنه که در سازمان اقتصاد اسلامی برگزار شد، گفت: در بین آیات نورانی قرآن، سنت قرض الحسنه از جایگاه ویژه ای برخورداراست و کتاب آسمانی ما به نقش این حرکت حیات بخش در رشد جامعه بشری اشاره کرده است.

وی افزود: باید توجه داشت که یکی از مهمترین موانع توسعه و رشد اقتصادی،بی‌عنایتی به سنت‌الهی و دستور حیات‌بخش قرآن کریم، یعنی موضوع قرض‌الحسنه است.نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: یکی از مهمترین عوامل رشد اقتصادی در کشورهایی که در این عرصه پیشرو هستند، توجه به آموزه دینی قرض‌الحسنه است و در برخی از کشورها، قرض الحسنه به یک سنت روزمره تبدیل شده است. وی تصریح کرد: امروز این کشورها با مدیریت تورم و تورم منفی و تبدیل قرض‌الحسنه به عنوان یک سنت روزمره و جزئی از سیستم پولی، تسهیلاتی را پرداخت می‌کنند که حداکثر سود آن معادل کارمزد قرض‌الحسنه بوده و ما با آن فاصله جدی داریم.

ابوترابی‌فرد با اشاره به اینکه از ابتدای انقلاب اسلامی، بانک مرکزی توانمند، عالم و مستقل نداشتیم و مشکلات فعلی از همین جا نشأت می گیرد، گفت: مهمترین مشکل نظام، معضل بازار پولی کشور است و تردید نکنید با مدیریت، علم، دانش و اختیارات و استقلال در تصمیم‌گیری درست خواهد شد. بانک مرکزی نباید نقش صندوق دولت را ایفا کند و جواب سوء مدیریت‌ها را بدهد.وی با بیان اینکه نرخ تسهیلات بالاتر از نرخ واقعی است،عنوان کرد: برخی مؤسسات پولی برای آنکه پاسخ مشتریان خود را بدهند، راهی جز جذب منابع با نرخ بالاتر از دیگر نهادها ندارند و به همین علت تقاضاها و هزینه‌ها تصاعدی انباشته می‌شود، پس باید به سمتی برویم که نرخ تورم مدیریت شود و نرخ تسهیلات حداکثر با همان سود امروز صندوق‌های قرض‌الحسنه محاسبه و پرداخت شود. ابوترابی‌فرد با اشاره به اینکه بانک مرکزی باید با متشکل کردن و سازماندهی ۲ هزار صندوق قرض‌الحسنه که زیر نظر سازمان اقتصاد اسلامی نیستند، تحول را ایجاد کند، تصریح کرد: متاسفانه مشکل اقتصاد و تولید، کمبود نقدینگی است و توصیه می‌کنم صندوق‌ها وام مشروط و جدولی ندهند و انضباط مالی را که یکی از اساسی‌ترین مشکلات کشور است، در دستور کار قرار دهند.

صرفه‌جویی برق ۳۰ برابر ارزان‌تر از ساخت نیروگاه است

متوسط هزینه ای که در مدیریت مصرف برق اتفاق می افتد، ۳۰ برابر کمتر از ساخت نیروگاه است.

مهندس سیدحسین سجادی مدیرعامل سازمان بهره وری انرژی ایران دیروز در جمع خبرنگاران با اشاره به اینکه به مدیریت مصرف نباید سیاسی نگاه شود، درخصوص افزایش دما و وضع تولید و مصرف، اظهار داشت: طی دو هفته آینده گرمای هوا با افزایش بیشتری مواجه خواهد شد که با پیک مصرف برق مواجه خواهیم شد؛از این رو مدیریت مصرف انرژی مهمترین اولویت برای عبور از این شرایط است.وی اظهار داشت: در طول سال مجموعا ۶۰ ساعت پیک مصرف شبکه است که با قدری مدیریت در مصرف قابل کنترل بوده و می توانیم شرایط را به خوبی مدیریت کنیم.سجادی گفت: هرگونه بی توجهی در مصرف منجر به شرایطی خواهد شد که محدودیت هایی برای ارائه خدمات بوجود خواهد آورد که این محدودیت ها همچون خاموشی در اقتصاد ملی هم اثرگذار است؛ بنابراین با مدیریت مصرف باید تلاش کنیم تا از شرایط موجود بدون مشکل عبور کنیم. وی افزود: سازمان در سالهای گذشته با بهینه‌سازی نیروگاهها و سیستم های خنک کننده ۱۲۶ مگاوات در انرژی برق صرفه جویی کرده که این ظرفیت وجود دارد که این میزان به ۵۰۰ مگاوات هم برسد.

نامبرده اظهار داشت: در بخش تجهیزات و صنایع با اقدامات صورت گرفته از سال ۸۹ تاکنون حدود ۲۰۰ هزار میلیون کیلووات و در بخش لوازم خانگی با رعایت استانداردها ۳۰۰ هزار میلیون کیلووات ساعت طی این دوره صرفه جویی صورت گرفته است.وی خاطرنشان کرد: در بخش سرمایشی هم با توجه به اینکه کولرهای آبی بیشترین مصرف انرژی را دارند، تلاش شده سالانه ۳۰۰ هزار کولر آبی با استاندارد های Aبه بازار عرضه شود.

مدیرعامل سازمان بهره وری انرژی ایران گفت: در بخش تولید لامپ‌های روشنایی هم براساس مصوبه ای که از هیات دولت دریافت شد تولید لامپ‌های رشته ای ۴۰ واتی ممنوع شد که این اقدام در بیش از ۴۰ کشور دنیا هم به اجرا گذاشته شده و از این بابت ۲ هزار مگاوات از مصرف پیک برق کاهش یافته است. وی افزود: طی چند سال گذشته به منظور حمایت از تولیدکنندگان بخش خصوصی جمعا ۵۵۰ میلیارد ریال تسهیلات ارائه شده است.

هشدار کارشناسان درباره خطرهایی که آثار باستانی ایران را تهدید می‌کند

شگرف‌ترین سازه سنگی باستانی جهان در معرض تهدید



گاه آسمان نامهربان می‌شود و با آذرخش خود، برخی ستون‌های آپادانا را دچار آسیب می‌کند. گاهی باد و آتش، خشمگین می‌شوند و می‌سوزانند؛ و از این‌سو نیز انسان بیکار ننشسته و دایم در حال ویران‌کردن است و سر سرباز هخامنشی را می‌بُرد؛ واقعیت این سال‌ها نشان داده است که دولت‌ها نیز نگاه‌شان به آثار باستانی، از دیدن یک خرابه در حال ویرانی کامل که اندکی سوددهی دارد، فراتر نمی‌رود.

آتش نیز در یکی دو سال پیش، واش‌های خودرو و بوته‌های دور و بر تخت جمشید را شعله‌ور کرده و آسمان بخشی از آپادانا، پایتخت هخامنشیان و کاخ اردشیر در شوش را تیره و تار ساخته است.

تراز آبخوان‌ها نیز در همه دشت‌های کشور، بدجور در حال ته‌نشست است؛ و نشانه این که منابع زیرزمینی آب کشور، ته‌کشیده است و لایه‌های زیرین خاک از درون فرو می‌ریزد. برای همین در سال ۱۳۹۱ ته‌نشست دشت، در نزدیکی قلمرو تخت‌جمشید، شکافی ۲۰۰متری ایجاد کرد که کارشناسان زمین‌شناسی، سبب آن را پیمان نانوشته میان مدیریت بد، ناآگاهی کاربران آب، مصرف بی‌حساب وکتاب آب و زدن چاه‌های غیرمجاز و بیرون‌کشیدن آب از سفره‌های زیرزمینی در آن قلمرو می‌دانند. بی‌گمان، نشست بیش‌تر دشت، تخت جمشید، شگرف‌ترین سازه سنگی باستانی جهان را با خود فرو خواهد کشید.

خرابکاری در تخت جمشید!

آثار باستانی به بهای نابودی خود، مظاهر ماشین را تاب می‌آورند و خاموشانه در خود فرو می‌روند و نابود می‌شوند. یکی از این مظاهر، کارخانه‌ها هستند که دستاوردهایشان، افزون بر آلودگی‌های صوتی و خاک و محیط، کورکنندگی چشم‌اندازها است.

تقی خرسندی ـ کارشناس باستان‌شناسی در این مورد می‌گوید: ساخت ۲ کارخانه در قلمرو پاسارگاد و آرامگاه کوروش، شگفتی همه را برانگیخته است و گفته می‌شود که هیچ‌گونه توجیهی، مگر زیرپا گذاشتن قانون ندارد، قانون جهانی که هرگونه ساخت‌وساز را در چشم‌انداز آثار باستانی، قدغن کرده است.

او می‌افزاید: این کارخانه‌ها، مانند گاوداری پیشین (که چندین سال پیش در نزدیکی پایتخت هخامنشیان فعال بود) گرچه با تیشه و چکش به کالبد این سازه تاریخی نمی‌افتد، اما بدمنظر ساز خواهد بود.

مریم پورفراش ـ کارشناس صنایع دستی نیز می‌گوید: در سال ۱۳۹۳ یک گروه فیلم‌برداری، سبب ایجاد آتش در قلمرو کاخ خشایارشاه شد و امسال نیز یک نفر از گروه فیلمبرداری -که به تازگی

*** تقی خرسندی ـ کارشناس باستان‌شناسی: استان فارس به سبب دارابودن ویژگی‌های چشمگیر گردشگری، با داشتن مکان‌های دیدنی، آثار ارزشمند تاریخی و جهانگردپسند در این زمینه دست بالا را دارد**

*** در برابر آثار تاریخی و باستانی استان فارس در جهان، همتاهای کمی وجود دارد، ولی برای بهره‌برداری بیشتر و بهتر از آن‌ها، به زیرساخت‌سازی نپرداخته‌ایم و نیروی انسانی جهانگردشناس تربیت نکرده‌ایم**

*** گذشت زمانی که می‌گفتند مهمان با بد و خوب صاحبخانه می‌سازد، امروز جهانگردان، به درون هتل‌های کمتر از پسامدرن نمی‌روند و به سرویس‌های بهداشتی کمتر از فرامدرن شهری پا نمی‌گذارند!**

در تخت‌جمشید سرگرم ساخت یک فیلم بلند بود- با افزارهای فلزی، سر دو سرباز هخامنشی و نقش هدیه‌آورندگان بلوک‌های کاخ اردشیر را جدا کرد.

او می‌افزاید: نگهبانان از آغاز فعالیت گروه فیلم‌برداری، به ۲ تن از گروه فیلم مشکوک شده بودند و با همه مراقبت، یکی از آنان مخفیانه به خرابکاری پرداخت و دور ۲ نقش برجسته تخت‌جمشید را کند و بیرون کشید؛ ولی پیش از خروج، دستگیر شد. در پی این رخداد دوباره، برخی سازمان‌های مردم‌نهاد، از مسئولان درخواست کردند که دیگر اجازه فیلمبرداری در قلمرو تخت جمشید به کسی داده نشود. بد نیست گفته شود که بلوک‌های دارای نقش سربازان هخامنشی و هدیه‌دهندگان، از آن کاخ منسوب به اردشیر، شاه ساسانی است.

پیوند اقتصاد بومی و گردشگری

چشم‌داشت از میراث باستانی برای تحرک اقتصاد کشور، چندان بی‌پایه نیست؛ چرا که بهترین راه بهبود شاخص زندگی مردم بومی و تعدیل بیکاری، نوشکوفایی اقتصاد راکد شهرها و استان‌های کشور از شمار استان فارس است با نفس تازه‌بخشیدن به گردشگری آن سامان!

تقی خرسندی در این مورد معتقد است: استان فارس به سبب دارابودن ویژگی‌های چشمگیر گردشگری با داشتن مکان‌های دیدنی، آثار ارزشمند تاریخی و جهانگردپسند، در این زمینه دست بالا را دارد و در کنار این‌ها هر سال شماری از بیماران نیز از کشورهای حوزه خلیج فارس برای درمان به این استان سفر می‌کنند. که بی‌گمان بدشان نمی‌آید در کنار برنامه‌های درمان خود، برنامه گردشگری در استان فارس را بگنجانند، با توجه به این که در جهان، برای آثار تاریخی و باستانی این استان، همتاهای کمی وجود دارد. با گفتن این پیش‌درآمد، خواستم این پرسش تکراری را قابل تحمل کنم که چرا به زیرساخت‌سازی نمی‌پردازیم و نیروی انسانی جهانگردشناس تربیت نمی‌کنیم و یا خیابان‌های بدون راهبندان با آسفالت‌های بدون چاله و دست‌انداز نمی‌سازیم تا به جذب و رفاه گردشگران کمک کند؟

او همچنین می‌گوید: گذشت زمانی که می‌گفتند مهمان با بد وخوب صاحبخانه می‌سازد! امروز جهانگردان (نه گردشگران داخلی) به درون هتل‌های کمتر از پسامدرن نمی‌روند و پا به سرویس بهداشتی کمتر از فرامدرن شهری نمی‌گذارند.

این کارشناس می‌افزاید: در برخی کشورهای توریستی، هتل‌های بسیار مجلل، تنها در دو سه ماه از سال فعال است و در بقیه سال (مانند هتل فیلم معروف تلالو) درش بسته می‌شود تا در نبود توریست در دیگر ماه‌های سال، همچنان شیک و انحصاری و بدون فرسایش باقی بماند.

به گفته خرسندی، تخت جمشید، هویت ایران است و اقتصاد شیراز. اگر ما مثل ترکیه «قونیه» را نداریم، به جایش آرامگاه حافظ و سعدی را داریم که هم ظرفیت جذب جهانگرد را دارد و هم گردشگر داخلی را به شیراز می‌آورد.

اهمیت آثار باستانی در چیست؟

به گفته تقی خرسندی، پاسارگاد به‌جامانده از دوران هخامنشیان (سده ۶ پیش از زادروز مسیح) است و در استان فارس. آرامگاه کوروش، کاخ دیدارهای شاهانه، کاخ دروازه، تل‌تخت و زندان سلیمان در شمار آثار تاریخی این قلمرو است.

او می‌افزاید: پیش‌بینی می‌شود که با اشغال شهر باستانی پالمیرا (میراث جهانی یونسکو) از سوی داعش پالمیرا بناهای تاریخی آن نابود شود. پالمیرا(تدمر) در سوریه، شبیه تخت جمشید است، البته نه به آن عظمت؛ با این حال، اینک که داعش پالمیرا را تصرف کرده است، توجه جهانیان به آن جلب شده است و مدام هشدار می‌دهند؛ و این نشان از اهمیت آثار باستانی در جهان دارد. در گذشته، داعشی‌ها با یورش به موزه اصلی شهر موصل عراق و اشیای باستانی آن، همه تندیس‌های تاریخی و آثار باستانی آن موزه را ویران کردند.

به باور تقی خرسندی، موزه‌ها و آثار باستانی موجود در آنها پایه چیستی جوامع است و ملتی با نگاه به آینه موزها، به بازشناخت خود می‌پردازد و در راستای چیستی خود می‌کوشد؛ که البته بستگی به میزان فعال‌بودنِ موزه‌ها است و چه بسا ملتی از مَوزه‌ها و آثار باستانی خود خبر نداشته باشد!

هر چه بکاریم، درو می‌کنیم

سرمایه‌گذاری برای حفظ آثار باستانی و یا هزینه در موزه‌ها، نه هدر رفت، بلکه سرمایه‌گذاری در اقتصاد شهرها است. در همه کشورها کل امور مالی موزه‌ها با بخشی از آن، وابسته به دولت است.

در جهان امروز، مردم و دولت‌ها اهمیت موزه‌ها را می‌دانند و برای همین، هزینه موزه لوور در پاریس به دوش شهرداری است و درآمدش نیز به درون خود این موزه برای پیشبرد امور جاری آن بر می‌گردد.

از تقی خرسندی می‌پرسم: اگر بخش‌هایی از تخت‌جمشید از میان رفت، چه باید کرد؟این کارشناس باستان‌شناسی پاسخ می‌دهد: آثار باستانی، پیشینه تاریخی و شناسنامه یک ملت است و آماد یک جامعه را در یک احساس مشترک نسبت به درگذشتگان خود قرار می‌دهد و میان آنان، ایجاد همذات‌پنداری می‌کند تا در بازدیدهای مکرر و با ایمان دوباره به خود، به سستی‌ها و نیز توانایی‌های نهفته‌شان پی ببرند. ایران با تمدن باستانی خود، دارای ارزش تاریخی است و با رهبانی از آن‌ها می‌تواند، شمایی از تمدن خود را به جهانیان بنمایاند.

شیوه‌ها و شگردهای نو

بازبینی شیوه‌های نگهداری آثار باستانی در کشورهای اروپایی و تجربه‌های آن‌ها، رهنمون ما به شگردهای نو خواهد بود.

مریم پور فراش دیدگاهی غیر این ندارد:«نزدیک به یک سده پیش، کشورهای اروپایی پذیرفته بودند که بناهای تاریخی آسیب‌دیده را به مانند معماری سده میانه در آورند؛ اما همین شیوه، سبب از میان رفتن بسیاری از سازه‌های با شکوه دوران رنسانس شد. تا این که گروه دیگری به میدان آمدند و سرشت یک مجموعه تاریخی را ابتدا به ساکن، حقیقت تاریخی خواندند که باید بدون دستکاری، مرمت و حفظ شود.»

این کارشناس صنایع دستی می‌افزاید: گاهی نیز آن دسته از سازه‌ها که در درازنای تاریخ و در دوره فرمانروایی‌های گوناگون، آسیب دیده بود، بخش‌هایی به شیوه معماری زمان و دوران، تزیین شد؛ این سازه‌ها نه آن که اصالت خود را از دست نداده، بلکه به هماهنگی نیز رسیده است.

تقی خرسندی نیز در این باره می‌گوید: گاه یک اثر تاریخی ویران می‌شود و هنگامی به فکر مرمت آن بر می‌آیند که تنها چندتکه‌اش باقی مانده است. در این‌گونه موارد باید با توجه به مدرک‌ها و سندها، سازه را همانند آنچه در گذشته بوده است، دوباره سرپا کرد و در بازساخت‌اش، هنرمند و مهندس و معمار را برای به کارگیری ذوق‌هایشان، آزاد گذاشت، تا قدمتَ را با هنر روز بیامیزند و پیکر دوتکه متصل به همی پدید آورند که به هماهنگی نیز رسیده است.

*** در برخی کشورهای توریستی، هتل‌های بسیار مجلل، فقط در دو سه ماه از سال فعال است و در بقیه سال، در آن‌ها بسته است تا در نبود گردشگران، بدون فرسایش بماند**

*** تخت جمشید، هویت ایران است و اقتصاد شیراز. اگر ما مثل ترکیه قونیه نداریم، به جایش آرامگاه‌های حافظ و سعدی را داریم که هم ظرفیت جذب جهانگردان را دارد و هم گردشگران داخلی را**

*** مریم پور فراش ـ کارشناس صنایع دستی: کاخ کوروش در منطقه «چرخاب» برازجان در آستانه نابودی کامل قرار دارد، در حالی که مهم‌ترین سند حاکمیت ایرانیان بر خلیج فارس به شمار می‌رود**

او می‌افزاید: در این گونه مواقع، مهم این است که ارزش و اهمیت تاریخی سازه با توجه به سازه‌های گرداگرد آن -که در درازنای زمان پدید آمده است ـ بازسازی شود. یا به شیوه انگلیسی‌ها رفتار کرد؛ که به جای مرمت سازه‌های تاریخی، صرفاً به محیط‌آرایی و ایجاد چمن و باغ‌آرایی می‌پردازند و این‌گونه، به ویرانه‌های تاریخی اهمیت بیشتری می‌بخشند و نگاه‌ها را به سمت آن‌ها می‌کشانند.

وی معتقد است: البته زمانی که سقف سازه باستانی فرو ریخته باشد و یگانه جای سالم و قابل تماشا دور و بر و نگاره‌های دیوارهای داخلی آن باشد، می‌توان با ایجاد سقف دوم، در واقع سازه را به درون یک سازواره مدرن برد، تا از آسیب باران وبرف در امان بماند.

مریم پورفراش با بیان این که بازدید سیل گردشگران و جهانگردان به درون سازه‌های تاریخی، به فرسایش آهسته آن‌ها می‌انجامید، می‌گوید: از این‌رو غرب، با توجه به این نکته، کوشیده است با قراردادن نمایشگاه‌ها و وسایل سرگرمی و ایجاد فضاهای سبز و سازه‌های تفریحی در قلمرو آثار تاریخی، استحکام بناها را از فرسایش دور نگه دارد. در مورد استوارسازی سازه‌های باستانی نیز، کارشناسان خبره بر این باورند که برای مردم باید بخش‌های مرمت‌شده، آشکارا از بخش کهنه، قابل تشخیص باشد تا بیننده نپندارد که به بازی گرفته شده است.

دیگر آسیب‌های در راه

به گفته تقی خرسندی، پل خسروپرویز به جامانده از دوره ساسانیان و در قلمرو تاریخی بیستون(در ۳۰ کیلومتری شهر کرمانشاه) قرار دارد؛ که به لحاظ کف‌سازی در جهان یگانه است؛ از این‌رو در سال ۱۳۸۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

این کارشناس باستان‌شناسی می‌افزاید: با فرو ریختن بستر یکی از دهانه‌های پل، این اثر تاریخی زیر پوشش حفاظت اضطراری قرار گرفته است و برای حفاظت از آن، یک سد خاکی مقابل دهانه فرو ریخته پل ساخته شده است تا چاره‌ای بنیادی اندیشیده شود، گرچه امیدی نیست و بودجه‌ای برای جلوگیری از ویرانی کامل پل در برابر بارش‌های زمستانی وجود ندارد و ساخت سد حفاظتی به تنهایی نمی‌تواند رهایی‌بخش باشد.

او یادآور می‌شود: مجموعه تاریخی بیستون کرمانشاه شامل کتیبه بیستون و ۱۳ اثر پیرامون آن، در نشست یونسکو در کشور لیتوانی در فهرست آثار جهانی به ثبت رسیده است.

مریم پور فراش نیز از پل خسرو پرویز یاد می‌کند که یک اثر ملی به ثبت رسیده است؛ او می‌گوید: این پل با ۹ پایه و ۱۰ دهانه، در ۲ کیلومتری جنوب غربی شهر بیستون(کرمانشاه) و بر سر راه بیستون به «تخت شیرین»و «سرماج» و بر روی رودخانه «گاماسیاب» قرار دارد.

پورفراش می‌افزاید: هر یک از پایه‌ها ۶ گوش دارد و از بخش‌های مستطیلی و سه‌بر(مثلث) شکل گرفته است. پایه‌ها با مصالح لاشه‌سنگ، ملات گچ و سنگ‌های تراشیده، چیده شده است. بر روی برخی از بلوک‌های سنگی پل، نشانه‌هایی از سنگ‌تراشان ساسانی به اشکال مختلف نقش بسته شده است.

این بلوک‌های سنگی مکعبی، با بست‌های آهنی به یکدیگر متصل شده و پایه‌های پل بر روی بستر سنگ‌فرش رودخانه بالا آمده‌اند. این بستر سنگی به شکل یک سکوی سراسری است و مانع شستن کف رودخانه می‌شود و ارتفاع سطح آب را تنظیم می‌کند.

با گذشت زمان، از طاق(تاق) چشمه‌ها و گذرگاه پل،آثاری بر جای نمانده است.

به گفته مریم پورفراش، پل ساسانی خسروپرویز در مسیر جاده‌ای از دوره ساسانی قرار دارد. بجامانده‌های این جاده در دو سوی پل، به طول چند کیلومتر دیده می‌شود. پهنای این جاده ۷ متر است و با قلوه سنگ و ملات گچ‌فرش شده است.

آنچه در برازجان می‌گذرد

مریم پور فراش همچنین از کاخ کوروش بزرگ در منطقه «چرخاب » شهرستان برازجان می‌گوید که در آستانه ویرانی کامل است.

او می‌افزاید: کاخ کوروش در منطقه چرخاب شهرستان برازجان، به دلیل کم‌توجهی مسئولان، در آستانه نابودی کامل قرار دارد. در حالی که این کاخ به سبب فاصله ۷۰ کیلومتری تا خلیج فارس به عنوان مهم‌ترین سند حاکمیت ایرانیان بر خلیج فارس به شمار می‌رود و همچنین به سبب معماری شگفت‌انگیز خود، به ویژه در کنده‌کاری پایه ستون‌های سنگی آن، شاهکاری در دنیا به شمار می‌رود؛ ولی به سبب بی‌مدیریتی، نم باران به آن رخنه کرده و ساختارش فرسوده است. هر سال با باران‌های سیل‌آسای پاییزی شهر برازجان، قلمرو این کاخ به زیر آب فرو می‌رود و از آن جایی که نم آب برای آثار باستانی، فرساینده است، کسی توجه‌ای ندارد.

به باور پورفراش، بر پایه سندهای به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی، روشن شده است که برای نخستین بار در جهان، در ساخت این کاخ در کنار ساروج وملات، از سیمان استفاده شده و برای ساخت سقف یکپارچه این کاخ نیز، دانش نانوتکنولوژی به‌کار رفته است!

حفر چاه در قلمروی تخت جمشید!

تقی خرسندی از کارهای زمین‌مانده‌ای می‌گوید که هرگز اجرا نشده است. او می‌افزاید: در این سال‌ها شمار چاه‌های تازه کنده‌شده در قلمرو تخت‌جمشید، شتاب گرفته است که با ادامه این رویه، گمان می‌رود آسیب‌های به این اثر باستانی، بیشتر شود. بی‌گمان با تدبیرهای دقیق‌تر، می‌شد از بسیاری از آسیب‌ها کاست.

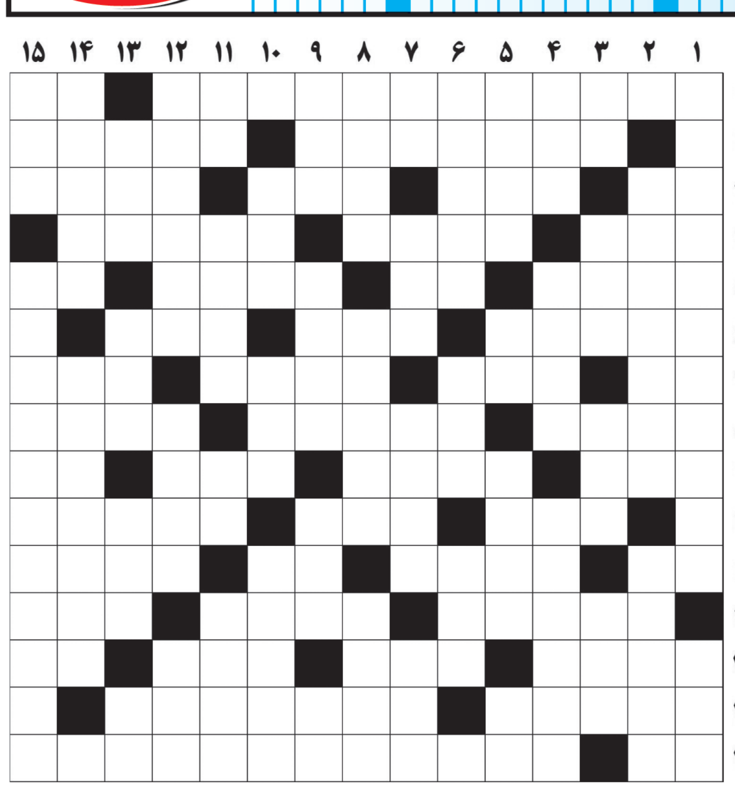
او معتقد است: اینک ذخیره‌گاه‌های آب استان فارس به مرز قرمز رسیده و در بخش‌هایی، کشاورزی در آستانه تعطیلی قرار گرفته است؛ که پشت‌بند خود، گرانی میوه و سبزی را در پی خواهد داشت. تاوان مدیریت بد آب را آبخوان‌ها و آثار باستانی(با نابودی خود) می‌پردازند و در برخی شهرهای فارس، آب جیره‌بندی است. تغییر الگوهای مصرف آب و افزایش محصول در واحد سطح و به خدمت‌گیری ابزارهای پیشرفته و خودکار آبیاری، از بار فشار کم آبی در دشت‌ها، خواهد کاست.

ع.درویشی

جدول

۲۲۵۶۷

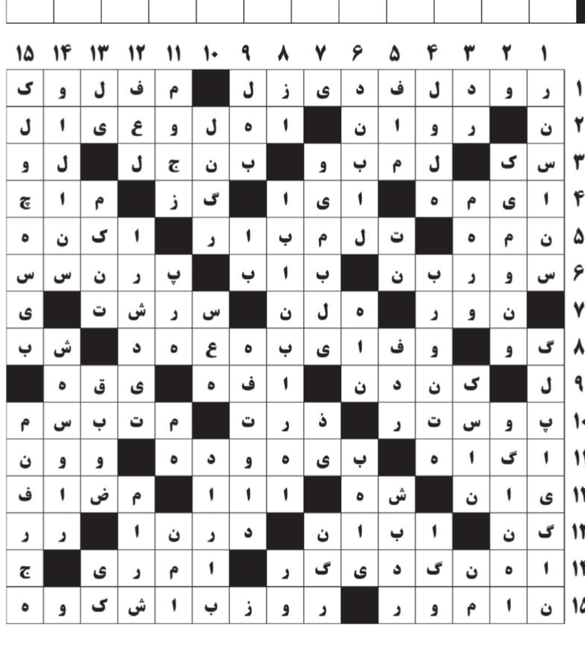
طراح: غلامحسین باغبان



افقی:

عمودی:

حل جدول ۲۲۵۶۶



خاموشی پروفسور دکتر آفتاب اصغر

دانشمند فارسی گوی پاکستان

دکتر قاسم صافی ـ استاد دانشگاه تهران



یکی از اشتغالات و تعلقات نگارنده از دیرباز، پژوهش در باب قلمرو تاریخی زبان فارسی از کهن‌ترین ایام تا به امروز و یادکرد و گرامیداشت مأموران فرهنگی آن بوده است. در این راستا ضمن کوشش در ترسیم مسائل و موقعیت کنونی زبان فارسی در جهان و ارائه تدابیر و گزارش لازم برای تقویت مبانی و گسترش آن به نهادهای متولی، مجالست و گفتگو با عالمان و استادان و پژوهشگران و سخنورانی نیز مد نظر بوده که عُلقهٔ خاصی به فرهنگ و ادب ایران و پیشینهٔ تاریخی و فرهنگی خود داشته‌اند و در جهت آموزش و بازآموزی فرهنگ مشترک ایران و مملکت خود سعی بلیغ مبذول کرده‌اند. از نتیجهٔ این مطالعات و نشست‌ها، گاهی زمینه‌ای حاصل می‌شد که در خلال آثاری که در زمینهٔ تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج از قلمرو فارسی‌زبانان می‌نگاشتم، به احوال برخی شخصیت‌ها اشاره کنم و برای ارج‌گذاری از خدمات علمی آنان، شمّه‌ای از زندگی‌شان را با توجه به سیر و سلوک علمی و مدارجی که طی کرده‌اند و کتابهایی که تدریس کرده یا نگاشته‌اند، ارائه دهم و آن را به عنوان ارمغان سرزمینهایی که با زبان و ادب فارسی الفتی دارند، به اطلاع علاقه‌مندان ایرانی برسانم تا با کیفیت و کمیت فعالیتهای علمی و ادبی و فرهنگی آنها مطلع و باخبر باشند و زندگینامه‌ای از این بزرگان گرانقدر در دسترس داشته باشند.

قبلاً در همین روزنامهٔ مغتنم اطلاعات که در پاسداشت اصحاب دانش و کمال و استادان و محققان برجسته و سرشناس فارسی گوی می‌کوشد، زندگینامهٔ برخی از آن استادان بزرگ و ممتاز را آورده‌ام؛ از جمله: پروفسور دکتر محمدباقر، پروفسور دکتر نبی‌بخش خان بلوچ، پروفسور دکتر عبدالشکور احسن، پروفسور دکتر ظهورالدین احمد و برخی را در دانشنامه‌ها و دیگر نشریات ادواری، و اینک به مناسبت یاد می‌کنم از پروفسور دکتر آفتاب اصغر استاد در دانشگاه پنجاب و نویسنده و محقق و مترجم تاریخ‌دان توانای ادب فارسی در کشور همسایه و همکیش‌مان پاکستان که ۱۰ خرداد ماه ۹۴ برابر ۳۱ می ۲۰۱۵ به ناگه اجل آمد و خواند او را و رهسپار جهان دیگر شد.

آفتاب اصغر



آشنایی و پیوند عاطفی من با زنده‌یاد آفتاب اصغر و خانوادهٔ دانشمند و باکمال او به سال ۱۳۶۰ برمی‌گردد که مسئولیت نمایندگی فرهنگی ایران و مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان برعهده‌ام بود و پس از آن در سالهای ۱۳۶۹و۱۳۷۰و ۱۳۸۵ این ارتباط ادامه داشت و در معیت او و به دعوت او در آمد و شد به کاشانه و سرای شادی‌بخش وی و گاهی در برخی از محافل علمی در مصاحبت با او قرار می‌گرفتم. به دوستداران ادب فارسی ارادت می‌ورزید و کمال صمیمیت را با هم داشتیم و بی‌گمان نقشش در ترویج زبان و ادب فارسی و حرمت‌گذاری به استادان و پژوهشگران ایرانی و نظرات انتقادی و صائب و سازندهٔ او در چگونگی ادارهٔ نمایندگی‌های ایران، فراموش‌شدنی نیست.

او اعتقاد داشت که ادبیات فارسی دریایی است ژرف و پهناور و هیچ کس نمی‌تواند ادعای استادی در آن را داشته باشد، جز اینکه اذعان کند دانشجویی بیش نیست و البته از سر تواضع می‌فرمود. او کاری را که نگارنده در پیش گرفته بود، منظور گفتگو با خدمتگزاران و پایه‌گذاران ادبیات فارسی شبه‌قاره را کاری ضروری و ماندنی و برای ایجاد حسن تفاهم میان سفیران معنوی ایران و سرزمینهای همسایه، مفید و پر ارزش تلقی می‌کرد و یادآور می‌شد زود باشد که پیشکسوتان در میان ما نباشند و نباید که خدمات و فداکاری ارزندهٔ آنان در پاسداری و نگهداری سنگر فارسی فراموش شود و در گرامیداشت قدر و قیمت آنان تا در قید حیاتند، کوتاهی گردد. این گفتار او، سخن شادروان **دکتر سیدجعفر شهیدی** را در ذهنم تداعی می‌کرد که می‌فرمود: «زبان و ادبیات فارسی در شبه‌قاره بر اثر بی‌توجهی به سان بیماری است در حال احتضار که به سختی می‌توان با گوشی ضربان قلب او را شنید!»

باری، دکتر آفتاب اصغر آن‌طور که خود برایم نقل می‌کرد، در یکم مارس ۱۹۴۰ در گجرات پنجاب حدود صد کیلومتری لاهور در راه راولپندی و اسلام‌آباد متولد شد. شهری با سابقهٔ ممتد تاریخی و فرهنگی که از زمان اسکندر مقدونی (۳۲۶ قم) برپاست و فارسی‌گویان معروفی چون محمد اکرم، غنیمت کنجاهی، پروفسور شریف کنجاهی، دکتر احمدحسین قلعه‌داری و پروفسور انورمسعود از آن برخاسته‌اند.

آفتاب اصغر در محضر استادانی فاضل چون مولوی فضل شاه، مولوی ابراهیم و مولوی قمرالدین، علوم مختلف و از جمله فارسی و عربی آموخت و سپس وارد کالج در رشتهٔ پزشکی شد؛ اما به سبب علاقهٔ مفرطی که به ادبیات فارسی داشت و از آن سبب که ادبیات ایران را شایستهٔ تعشق می‌دانست، به رشتهٔ محبوب خود ادبیات که «رشته یتیم» گفته می‌شد، هرچند کمتر از «درّ یتیم» نبود، روی آورد و این بیت را در وصف حال خود زمزمه می‌کرد، ضمن آنکه به حلقهٔ درس پروفسور چودری استاد بزرگ فارسی می‌پیوست:

حلقه‌ای بر گردنم افکنده دوست
می‌کشد هر جا که خاطرخواه اوست

آفتاب اصغر از دیگر برجستگان ادب فارسی نظیر پروفسور دکتر محمدباقر، پروفسور دکتر عبدالشکور احسن، پروفسور عابد صدیق، پروفسور فیروزالدین رازی و استاد بزرگ علامه سید وزیرالحسن عابدی در دانشکدهٔ خاورشناسی دانشگاه پنجاب در دورهٔ کارشناسی ارشد بهره گرفت و همچنین از پروفسور دکتر سیدعبدالله، پروفسور مقبول بیگ بدخشانی و پروفسور دکتر وحید قریشی استادان ممتاز گروه فارسی سود جست و از ملازمت و مجالست با دوستان ادیب و سخنوری نظیر پروفسور اسلم نیّرانصاری شاعر شهیر به چند زبان فارسی و انگلیسی و اردو و سرائیکی، و دکتر خورشید رضوی از استادان برجسته در علوم عربی و اردو و فارسی و پروفسور دکتر انورمسعود از پژوهشگران و بزرگان ادب فارسی استفادهٔ سرشاری بود و در معیت همکاران دانشمند و سخن‌سنجان برجسته‌ای چون پروفسور دکتر سیدمحمداکرم شاه و پروفسور دکتر محمدبشیر حسین و پروفسور دکتر ظهورالدین احمد و پروفسور شیرانی و دکتر نسرین اختر ارشاد، دانشوران و دانشجویان مستعدی را تعلیم داد.

دکتر آفتاب اصغر همچنین توفیق یافت که در سال ۱۹۶۵ به منظور کسب تحصیلات عالی وارد دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران شود و از محضر استادان وقت مانند استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، دکتر محمدجعفر محجوب، دکتر حسن مینوچهر، دکتر سیدجعفر شهیدی، دکتر صادق‌کیا، دکتر حسین خطیبی، دکتر ذبیح‌الله صفار، دکتر سیدحسین نصر، دکتر جمال رضایی، دکتر مهدی محقق، دکتر بهرام فره‌وشی، دکتر ناصرالدین شاه‌حسینی، دکتر صادق گوهرین و خانم دکتر شیرین بیانی کسب فیض کند و هم در زمرهٔ مستمعین سخنرانیهای آزاد رجال ادب دانشگاه تهران چون استاد سعید نفیسی، دکتر محمدمعین، دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر ماهیار نوابی، دکتر مظاهر مصفا، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن و دیگران واقع شود.

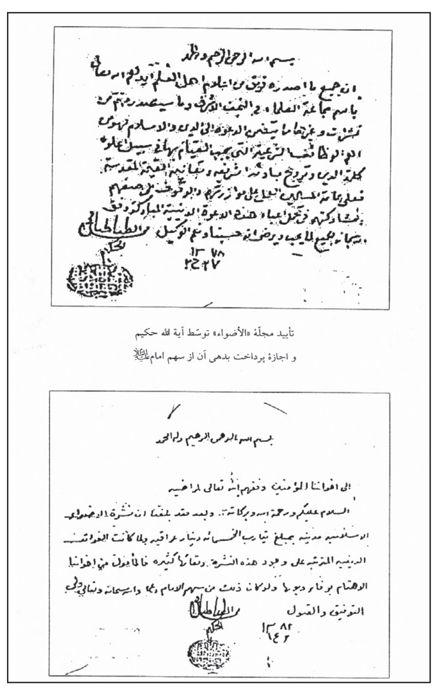
آفتاب اصغر پس از شش سال اقامت در ایران و همکاری با رادیوتهران و گذراندن رسالهٔ دکتری با عنوان «تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان» به راهنمایی استاد عدیم‌النظیر دکتر عباس زریاب خویی و مشاورت استادان بزرگ دکتر حسن مینوچهر و دکتر ضیاءالدین سجادی، سال ۱۹۷۲ عازم سرزمین خود شد و به تدریس تاریخ ادبیات ایران، تاریخ تصوف، نظم و نثر کلاسیک فارسی و تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران پرداخت و تحقیق و تألیف و ترویج زبان و ادب فارسی را وجههٔ همت خویش قرار داد و در مشاغلی از جمله مدیریت گروه زبان فارسی دانشگاه پنجاب و معاونت اقبال آکادمی لاهور همکاری کرد.

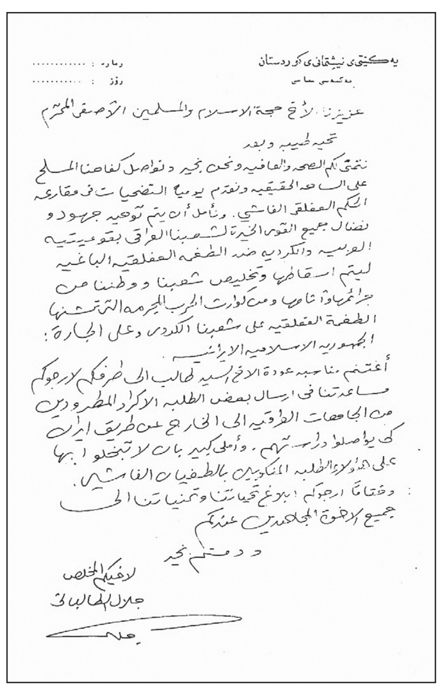
او عالمانه و بی‌تکلّف زیست، ایران و ایرانیان را دوست می‌داشت و بی‌مضایقه و بدون چشمداشتی به ایران و دوستان و خادمان زبان فارسی خدمت می‌کرد. به خاندان فیلسوف، متفکر، ادیب و اندیشمند مبارز، علامه محمداقبال عنایت داشت و با همراهی او بود که در پی مصافحه با فرزند ارشد او دکتر جاوید اقبال، از نوه‌های دختری علامه اقبال در سرای آنان و هم ملاحظهٔ فعالیتها و خدمات «اقبال آکادمی» در «ایوان اقبال» به مدیریت آشنای دیرین دکتر محمدسهیل عمر دیدار کردیم. همسر دکتر آفتاب اصغر، خالده صدیق که پس از ازدواج (۱۹۶۷) به دکتر خالده آفتاب شهرت یافت، خود یکی از افراد فعال و استادان زبردست و فروتن زبان و ادبیات فارسی است که سال‌ها در دانشکدهٔ دخترانه لاهور به تدریس زبان فارسی، اشتغال داشته است و ریاست انجمن فارسی این دانشکده و انجمن فارسی بانوان لاهور را برعهده دارد. او پایان‌نامه دکتری خویش را در دانشگاه تهران به راهنمایی استاد دکتر حسن مینوچهر در موضوع «نسخ خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های لاهور» به پایان رساند و در کارهای علمی و ادبی و تحقیق، یار و مددکار دکتر آفتاب اصغر قرار گرفت. این خانواده، زبان فارسی را نه تنها کلیدگنجهای گرانمایهٔ معنوی خود می‌دانست، بلکه آن را در عصر حاضر برای برقراری و استواری هرگونه رابطهٔ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با جهان فارسی زبان، عامل اساسی و غیرقابل انکار تلقی می‌کرد که باید به منزلهٔ حافظ تاریخ و فرهنگ چندین صدسالهٔ نیاکان خود، از آن پاسداری کنند. باشد که تَلاش این دو بزرگوار و استادان دیگر مأجور حضرت حق قرار گیرد و ریشهٔ فضلیت و شوق خدمت راستین را در تحلیل از خدمات مؤثر در گسترش فرهنگ و زبان فارسی قوام و دوام بخشد.

آصفی و حزب الدعوه

گفتگو با استاد سیدهادی خسروشاهی — بخش اول







اشاره: چند روز پیش آیت‌الله مهدی آصفی پس از عمری مبارزه علمی و اجتماعی، دعوت حق را لبیک گفت. وی فرزند مرحوم آیت‌الله علی‌محمد بروجردی آصفی از مجتهدان و عارفان روزگار خود بود که آثاری در فقه و اصول و تفسیر از ایشان به جا مانده است. جد مادری آیت‌الله آصفی نیز آیت‌الله محمدتقی بروجردی از فقهای معروف عصر خود بود که یک دوره اصول به نام «نهایه‌الافکار» و یک دوره فقه استدلالی فقهی بر عروه‌الوثقی به عنوان حاشیه استدلالی دارد.

آیت‌الله آصفی در چنین خاندانی در سال ۱۳۵۶ق در نجف اشرف به دنیا آمد. مقدمات و سطح را در محضر والد و جمعی از بزرگان حوزه فرا گرفت و همچنین خارج فقه و اصول را در همین حوزه در درس بزرگان حاضر می‌شد. در فلسفه: آیت‌الله مسلم ملکوتی و آیت‌الله محمدرضا مظفر و در خارج فقه و اصول آیات عظام: خوئی، حکیم، امام خمینی، سیدعبدالله شیرازی، سیدمحمد روحانی، شهید صدر، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلی، میرزا هاشم آملی و... دروس رسمی را در «کلیه‌الفقه» نجف اشرف به پایان رساند و مراحل بعدی دانشگاهی را تا مرحله دکتری در دانشگاه بغداد ادامه داد.

در راستای فعالیتهای سیاسی به عضویت حزب‌الدعوه درآمد و به تدریج در کادر رهبری حزب بیش از سی‌سال فعال بود و در خط صحیح ولایت و فقاهت کوشید و بیش از ده سال سخنگویی رسمی این تشکیلات را به عهده داشت؛ ولی سرانجام به طور کلی از فعالیت حزبی کنار کشید و فعالیت علمی خود را گسترش داد و به تألیف و تدریس پرداخت. آیت‌الله آصفی در حوزه علمیه نجف، فقه و اصول و فلسفه و تفسیرقرآن و در حوزه علمیه قم خارج از فقه و اصول را متجاوز از ده سال، تدریس نمود و شاگردان بسیاری را آموزش داد و بالغ بر ۱۰۰ جلد کتاب نوشت که اغلب آنها به زبان عربی است و به چاپ رسیده و بعضی نیز به زبانهای فارسی، انگلیسی، اردو، کردی و ترجمه منتشر شده‌اند؛ از قبیل: حقیقه الحریه، الحب الالهی فی ادعیه اهل البیت، الاجتهاد و التقلید شؤون الفقه، من وحی التقی، المدخل الی ادراسه التشریح الاسلامی، ملکیه الارض فی الفقه الاسلامی، تاریخ الفقه الشیعی، فی رحاب القانون (یک دوره ۱۲ جلدی)، الامر بین الامرین، آیه التطهیر، الاتجاهات و المعالم العامه للنظام الاسلامی، الاجتهاد و التقلید و سلطان الفقیه و صلاحیاته، الاجتهاد و الحباه، حضور القلب فی الصلاه، خط الامام، فی حیاه الانسان، رساله الی خطباء المنبر الحسینی، الرویته التاریخیه فی نهج‌البلاغه... متن حاضر گفتگو با استاد خسروشاهی است که سابقه آشنایی دیرینه‌ای با آن مرحوم دارند.

***

سابقه آشنایی جناب عالی با آیت‌الله آصفی به چه تاریخی برمی‌گردد؟

آشنایی بنده با برادر معظم آیت‌الله آصفی، بی‌تردید به بیش از نیم‌قرن پیش برمی‌گردد و تاریخ نامه‌های متبادله این حقیقت را نشان می‌دهد که بیشتر جنبه تبادل فرهنگی دارد و البته از سوئی، نشان از روابط حسنه حوزه علمیه قم با حوزه علمیه نجف اشرف هم می‌تواند باشد. بنده نوعاً کتابها و نشریات جدید حوزه علمیه قم را برایشان می‌فرستادم و ایشان هم علاوه بر منشورات جدید حوزه نجف، بعضی از کتابها و مجله‌های جدید چاپ شده در بلاد عربی دیگر را ارسال می‌کرد و یا به دوستان خود در بیروت اطلاع می‌داد که آنها را برایم بفرستند. این البته نوعی آشنایی فکری، از راه دور و مکاتبه بود؛ آشنایی حضوری هم در ایران و عراق و لبنان بارها و بارها در همان دوران به عمل آمد که داستانش طولانی است.

بعد از انقلاب معروف به «ثوره‌العشرین» که به رهبری مرجعیت و علمای بزرگ نجف و کربلا و کاظمین، به وقوع پیوست و به شکست عملی اشغالگران انگلیسی انجامید، و متأسفانه به علت پاره‌ای غفلت‌ها، نتیجه نهایی مطلوب به دست نیامد، ظاهراً حوزه نجف و به طور کلی اسلام گرایان در صحنه سیاسی ـ اجتماعی عراق حضور پیدا نکردند...

*** آیت‌الله آصفی بیش از سی‌سال در کادر رهبری حزب‌الدعوه فعال بود و در خط صحیح ولایت و فقاهت کوشید؛ ولی سرانجام فعالیت علمی خود را گسترش داد و به تألیف و تدریس در حوزه علمیه نجف و قم پرداخت و شاگردان بسیاری را آموزش داد و بالغ بر ۱۰۰ جلد کتاب نوشت**

تشریح مسائل مربوط به ثوره‌العشرین و حوادث بعدی و چگونگی تشکیل حکومت، نیازمند تألیف چندین جلد کتاب است و به طور طبیعی نمی‌توان در یک گفتگوی کوتاه، آن هم درباره مطلب دیگر، به آن پرداخت، ولی اشاره‌وار می‌توان گفت: دوران «ثوره‌العشرین» که با فتاوی مراجع بزرگ نجف و شرکت مسلحانه علمای بزرگ عراق در نبرد بر ضد اشغالگران انگلیسی که در میان آنها نام آیت‌الله سیدمصطفی کاشانی و آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی هم به چشم می‌خورد، سرانجام با پیروزی مردم و نیروهای جهادی به پایان رسید. سپس با توجه به انحراف مسیر و شاه شدن عناصری وابسته به انگلیس، یأس و ناامیدی بر همه غالب آمد و حرکتهای اسلامی به دوران رکود و سکوت رسید.

با آغاز دهه ۵۰ قرن بیستم، بعضی از سازمانها و احزاب اسلامی کوچک با بهره‌گیری از تجربه‌های چگونگی کار تشکیلاتی و اقدام سیاسی عصر جدید، از سوی برادران شیعه و سنی، به وجود آمد و فعالیتهایی را در سطح کل عراق آغاز کردند. در واقع پس از سه دهه کامل سکوت، حرکتهای سازمان‌یافته سیاسی ـ اسلامی به وجود آمد و در این راستا سازمانها و گروههای کوچکی در نجف اشرف و بغداد آغاز به کار کردند که از آن جمله بود: سازمان جوانان مسلمان (توسط شیخ عزالدین الجزائری و...)، الحزب الجعفری (توسط جوانانی چون حسن شبر، عبدالصاحب)، سازمان جوانان عقیده و ایمان که بیشتر به آموزش و کادرسازی و تشکیل کلاسهای عقیدتی ـ سیاسی می‌پرداخت.

سازمان اسلامی دیگری که در عراق فعالیت خود را آغاز نمود، جمعیت «اخوان‌المسلمین» بود که در سال ۱۹۴۸ با اشراف شیخ أمجد الزهاوی، توسط شیخ محمد محمود صواف، محمد فرج سامرایی و چند نفر دیگر از شخصیت‌ها تأسیس شد و به فعالیتهایی در منطقه بغداد و شهرهای شمال و کردنشین پرداخت و هفته‌نامه «الاخوه‌الاسلامیه» را منتشر نمود که مقالاتی نیز از علمای شیعه در آن درج می‌شد. شیخ محمد صواف در نجف اشرف به حضور مراجع وقت می‌رسید و اهداف «تقریبی» داشت و شماره‌های نشریه را برایم می‌فرستاد. پس از روی کار آمدن بعثی‌ها و کمونیست‌ها، او به زندان افتاد؛ ولی توانست به یاری کردها از زندان فرار کند و از طریق ایران، راهی کشورهای عربی خلیج فارس شد و بعد به عربستان رفت و در «دانشکده شریعت» به تدریس پرداخت.

حزب دیگری که در این دوره در عراق به فعالیت پرداخت، «حزب التحریر» بود که چند اردنی در بغداد موجودیتش را اعلام کردند، اما دولت اجازه فعالیت رسمی به آن نداد. شیخ عبدالعزیز بدری از نخستین فعالان اسلامگرای سنی و از کادرهای اصلی حزب بود که زیر شکنجه بسیار وحشیانه رژیم صدام، به شهادت رسید.

بنابراین پس از برهه رکود، در این دوره فترت هم علمای اسلام، اعم از شیعه و سنی، به نحوی در صحنه مبارزات و فعالیتهای اجتماعی ـ سیاسی حضور داشتند؛ ولی شاید با توجه به نبود آمادگی جامعه و یا عدم حضور عناصر فرهیخته و کادرساز تأثیرگذار در میدان، آنطور که مورد انتظار بود، فعالیت چشمگیری در آن دوره دیده نمی‌شود. شاید همین رکود، باعث پیدایش حرکت اصلاحی در حوزه نجف گردیده که درواقع خود مقدمه تولد بزرگترین سازمان سیاسی شیعه به رهبری فقها و علمای شیعه در عراق گردید.

ممکن است توضیح بیشتری درباره این نکته مهم و اساسی، بفرمائید؟

پیش از پیدایش رسمی و علنی حزب‌الدعوه‌الاسلامیه در نجف و توسعه آن در کل عراق، حرکتهای اصلاحی خاصی در محیط نجف و در کنار مراکز رسمی حوزوی، مؤسسه «منتدی النشر» به وجود آمد که علامه عسکری و حاج محمدصادق قاموسی و حاج عبدالصاحب دخیل و سیدمهدی حکیم از مؤسسان و اداره‌کنندگان اصلی آن بودند که بعدها از کادر اصلی رهبری حزب‌الدعوه محسوب شدند، و البته همه این افراد در واقع شاگردان علامه محمدرضا مظفر بودند که علاوه بر اشراف بر آن مؤسسه، دانشکده فقه (کلیه‌الفقه) را هم در نجف تأسیس کرده بود و نسل جوان حوزه را جذب کرده بود و فصلنامه آکادمیک النجف را با روش علمی ـ تحقیقی به قلم افاضل حوزه و اساتید دانشگاه منتشر می‌ساخت.

تأسیس «جماعه‌العلماء» در نجف با شرکت شخصیت‌های برجسته حوزوی که مورد تأیید همه مراجع عظام تقلید، به ویژه آیت‌الله حکیم و آیت‌الله خویی قرار گرفت، در واقع بستری برای نشر اندیشه تحزب و کادر سازماندهی سیاسی در حوزه بود که بتواند در همه زمینه‌ها به تربیت افراد بپردازد و به عبارت دیگر، جماعه‌العلما پیوندهای استوار ولی پنهانی، با پیدایش و تشکیل حزب‌الدعوه الاسلامیه داشت.

جماعه‌العلماء نشریه‌ای ماهانه به نام «الاضواء» منتشر ساخت که اغلب نویسندگانش، به نحوی با حزب‌الدعوه مرتبط بودند. فعالیت جماعه‌العلماء که بیشتر صبغه حوزوی داشت، زمینه را برای کار حزبی در حوزه و بین طلاب جوان آماده ساخت و تأیید مراجع عظام هم در توسعه و استمرار آن نقش اساسی را ایفا کرد.

علاوه بر مجله وزین «النجف» که آیت‌الله آصفی برایم می‌فرستاد، در اوایل سال ۱۳۸۰ق یک شماره از مجله جدیدالانتشار «الاضواء» هم به لطف ایشان به دستم رسید که بلافاصله ضمن ارسال تبریک، خواستار استمرار ارسالش شدم. این مجله هر دو هفته یک بار منتشر می‌شد و مرحوم شیخ کاظم الحلفی، از علمای محترم حوزه، مدیریتش را به عهده داشت و به توصیه آیت‌الله آصفی همه شماره‌هایش را برایم در قم می‌فرستاد. چاپ این نشریه که بعدها به طور ماهانه منتشر می‌شد، چهارسال ادامه یافت و آیت‌الله آصفی از همکاران و نویسندگان آن به شمار می‌رفت. سرمقاله‌های سال نخست مجله را آیت‌الله باقر صدر، زیر عنوان «رسالتنا» می‌نوشت و در سال دوم، علامه فضل‌الله، سرمقاله‌های مجله را با عنوان «کلمتنا» تحریر می‌کرد که مجموعه هر دو این سرمقاله‌ها، بعدها به شکل دو کتاب مستقل انتشار یافت.

انتشار «الاضواء» در حوزه نجف اشرف، البته با واکنشهای منفی متحجران همراه بود؛ ولی پشتیبانی آیت‌الله حکیم که حتی اجازه دادند بدهی آن، از وجوهات شرعیه پرداخت شود، باعث شد عناصر متحجر حوزه و مخالفان سیاسی چپ و راست، نتوانند از انتشار آن جلوگیری کنند. بزرگانی چون: سیداسماعیل صدر، سید محمدباقر صدر، سید مرتضی عسکری، سید محمدحسین فضل‌الله، شیخ محمدمهدی شمس‌الدین، شیخ عبدالهادی فضلی، شیخ محمدمهدی آصفی از نویسندگان این مجله بودند و البته پس از انحلال «جماعه‌العلماء» در سال ۱۹۶۲، به علت اختلافات داخلی، انتشار مجله الاضواء مدتی ادامه یافت و به نوعی به مثابه حزب‌الدعوه شناخته می‌شد.

غیر از الاضواء و پیش از آن آیا مجله‌ای حوزه نجف منتشر نمی‌گردید؟ موضع آیت‌الله حکیم درباره جماعه العلماء و الاضواء چگونه بود؟

سالها پیش از «الأضواء»، مجلات گوناگونی در نجف، کربلا، کاظمین و بغداد به همت علمای شیعه مانند مرحوم آیت‌الله سید هبه‌الدین شهرستانی و آیت‌الله خالصی‌زاده و دیگران منتشر می‌گردید و انتشار «الأضواء» جای تعجب ندارد، به ویژه که زیر نظر «جماعه‌العلماء» بود و این جمعیت، مورد تأیید رسمی و کتبی مرحوم آیت‌الله سیدمحسن حکیم بود. ایشان در سال ۱۳۷۸ق در بیانیه‌ای، رسماً از «جماعه‌العلما» و نشریات آنها پشتیبانی کردند و علاوه بر تأیید کامل حرکت «جماعه العلماء» که در آغاز فعالیت، علامه عسکری هم یکی از ارکانش بود، کمک به نشریه این تشکل را به سبب «فواید بسیارش در نشر تعالیم اسلام»، یکی از وظایف دینی شمردند.

تشکیل حزب الدعوه الاسلامیه

پس از این حرکتهای اصلاحی، سازماندهی یک جنبش اسلامی ـ سیاسی فراگیر زیر نظر علمای نجف اشرف، در عراق پدید آمد؟

بلی، پیدایش و تأسیس یک حزب سیاسی فعال، با گستره‌ای فراگیر در واقع محصول این دوران و این حرکت اصلاحی بود. حزب الدعوه در مهر ۱۳۳۶ش (۱۹۵۷م) توسط چند نفر از علمای فرهیخته حوزه نجف و شخصیت‌های اسلامی برجسته تأسیس شد که عبارت بودند از آیات و حجج: علامه عسکری، سیدمحمد باقر صدر، سید مهدی حکیم، محمدرضا عامری، عبدالصاحب دخیل، محمد بحرالعلوم و حسن شبّر... که به تدریج یکی از فعالترین و تأثیرگذارترین و نخستین حزب فراگیر شیعه در عراق بود که از لحاظ سازماندهی و تشکیلات و فراگیری، در واقع نخستین سازمان شیعی منسجم و پرنشاط بود.

در آن دوران، هواداران اندیشه‌های سوسیالیستی، ناسیونالیستی و کمونیستی در سراسر عراق فعال بودند و متأسفانه بسیاری از جوانان شیعه و سنی را هم به خود جلب و جذب کرده بودند. حزب‌الدعوه در این شرایط برای مقابله با اندیشه‌های الحادی و سکولار و نشر اندیشه اسلام، وارد میدان شده بود و به رغم سازماندهی مخفی، در نشریاتی که از لحاظ فکری، منسوب به حزب بودند، خواستار اجرا و تحقق عملی نظریه «حکومت اسلامی شورائی» و مشاوره با فقها و علمای بزرگ برای انتخاب «حکومت صالح» برای اداره کشور بود.

با سقوط رژیم سلطنتی و روی کارآمدن ژنرال عبدالکریم قاسم، فعالیت حزب گسترش یافت و جوانان و دانشجویان بسیاری را که گرایش غیرمذهبی پیدا کرده و به احزاب دیگر ملحق شده بودند، به سوی خود جذب نمود و نخستین بیانیه رسمی و علنی آن توسط سیدمهدی حکیم ـ از سخنوران نامی عراق ـ در دفاع از حکومت جمهوری جدید قرائت شد و مجله علمی «الاضواء» با مدیریت شیخ کاظم الحلفی زیر نظر علمای بزرگ نجف به انتشار خود ادامه داد و این مجله به مثابه ارگان حزب عمل می‌کرد و به همین دلیل مورد هجوم حزب کمونیست عراق قرار گرفت که خواستار لغو امتیاز و منع نشرش گردید؛ ولی دولت جدید نه تنها با این درخواست موافقت نکرد، بلکه مجوز چاپ و نشر کتاب «فلسفتنا»ی شهیدصدر را هم صادر نمود که در واقع نوعی مقابله فکری، ایدئولوژیک با حزب نیرومند کمونیست عراق بود که همه آثار و ادبیات مارکسیستی ـ لنینیستی چاپ شده در مسکو و پکن، به زبان عربی را در سراسر کشور توزیع و منتشر می‌ساخت!

به تدریج حزب‌الدعوه توانست وارد مرحله فعالیت نیمه‌علنی گردد و سپس به طور رسمی خواستار تغییر بنیادی کشور و ایجاد جامعه و محیطی بر پایه اصول سیاسی اسلام و نشر اندیشه‌ها و مفاهیم رفتاری و روابطی در همه سطوح، بر پایه عقیده اسلامی و اجرای احکام شریعت گردید. حزب برای پیشرفت امور و ایجاد ساختار عملی برای تشکیل و تأسیس یک حکومت اسلامی صالح، چهار مرحله را در مسیر عملکرد و اقدامات خود در نظر گرفته بود: ۱. مرحله کادرسازی برای تغییر؛ ۲. مرحله فعالیت رسمی سیاسی؛ ۳. مرحله در دست گرفتن قدرت؛ ۴. مرحله تشکیل رهبری و اجرا. شهیدصدر در همه مراحل چهارگانه، فعال بود و همکارانش در تأسیس حزب نیز هر کدام به نوبه خود اقداماتی به عمل می‌آوردند؛ اما اداره امور فکری و نظری با شهیدصدر بود و در واقع او به مثابه رهبر و ایدئولوگ حزب شناخته می‌شد.

حزب‌الدعوه با توجه به تأیید رسمی و همه جانبه مرجعیت در نجف اشرف، توانست گسترش و نفوذ فوق‌العاده‌ای در سراسر عراق به دست آورد و البته گرایش بخش عظیمی از عناصر حوزوی و در طلیعه آنها طلاب و فضلای فرهیخته و جوان، یک عنصر اساسی در پیشرفت و پیروزیهای معنوی حزب به شمار می‌رفت.

دیدگاه رهبری حزب در اداره حکومت، تأسیس «حکومت اسلامی شورائی» بود؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شهیدصدر طرح جدیدی درباره نوع حکومت که آمیخته‌ای از «شورا» و «ولایت فقیه» بود، مطرح ساخت که این طرح مورد موافقت کامل بعضی از اعضا و کادرهای اصلی حزب قرار نگرفت. متأسفانه این اختلاف فکری مصادف شد با سرکوب حزب از سوی حاکمیت جدید عراق که حزب‌الدعوه خواستار سرنگونی‌اش شده بود.

در مارس ۱۹۸۰ «قانون محکومیت به اعدام همه اعضای حزب‌الدعوه»، با امضای صدام حسین که به اینک همه‌کاره «حزب بعث» شده بود، صادر گردید و با اعدام آیت‌الله صدر و خواهرش بنت‌الهدی، فشار و اختناق به اوج رسید و بسیاری از اعضای اصلی حزب مجبور به فرار از کشور و هجرت به ایران و لبنان و بحرین و... شدند؛ ولی شاخه نظامی حزب که به عنوان «شاخه جهادی» شناخته می‌شد، به اقدامات مسلحانه علیه مراکز پلیسی رژیم و حتی ترور ناموفق صدام در شمال بغداد دست زدند.

در مراحل نخستین این فشار و اختناق شدید، حزب‌الدعوه دچار انشعابهای متعددی گردید؛ مثلاً سازمان حزب در بغداد و کمیته «الکراده» (به رهبری سامی البدری) اعلام استقلال کرد؛ همچنین در سال ۱۹۷۵ گروه دیگری به رهبری شیخ محمدهادی السبتی و شیخ علی الکورانی به وجود آمد که «قیاده العراق» نام داشت. در سال ۱۹۷۸ **شیخ محمد مهدی آصفی** مسئولیت شاخه حزب در بصره را به عهده گرفت و پس از دو کنفرانس عمومی حزب در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰، «الدعوه» با همکاری آیت‌الله سیدکاظم حائری، آیت‌الله آصفی و شیخ علی کورانی به وجود آمد و در «مؤتمر الشهیدالصدر» شیخ محمد مهدی آصفی و دکتر ابراهیم الجعفری برای گردآوری عناصر اصلی در یک واحد و رفع تشتت و افتراق، در ایران مستقر شدند؛ اما خودخواهی بعضی از عناصر و تمامیت‌خواهی آنان برای حضور در جرگه رهبری حزب، باعث گردید که در سال ۱۹۸۴ آیت‌الله حائری و آیت‌الله آصفی تشکیلات «حزب الدعوه الاسلامیه المجلس الفقهی» را سامان دادند تا کارهای حزبی، در زیر لوای «المجلس الفقهی» بر اساس موازین شرعی انجام پذیرد.

اما در «مؤتمر الحوار» که سال ۱۹۸۸ که مرحله گرایش یا پذیرش کامل خط ولایت فقیه در حزب بود، گروه دیگری انشعاب کردند و هر کدام برای خود سازمان و حزبی با نامهای جدید و پسوند «الدعوه» تشکیل دادند: «حزب الدعوه ـ تنظیم العراق» به رهبری خضیر موسی جعفر و «حزب الدعوه الاسلامیه» به رهبری دکتر ابراهیم جعفری و «الدعوه الاسلامیه» (جناح البصره) و سرانجام «حرکه الدعوه» به رهبری عبدالزهره عثمان (معرف به عزالدین سلیم) که نامبرده پس از سقوط صدام، به مجلس عراق راه یافت؛ ولی به هنگام ورود به پارلمان به شهادت رسید.

یک نکته مهم که در تاریخ حزب الدعوه باید تبیین شود، همکاری یا عدم همکاری آن با حرکتهای اسلامی و یا آزادیخواه همسو در عراق و یا بلاد اسلامی دیگر است!

حزب الدعوه‌الاسلامیه، پس از آنکه از مرحله مخفی بودن فعالیتها بیرون آمد و شهدایی هم در این راه تقدیم حرکت اسلامی نمود، روابطش را با حرکتهای اسلامی توسعه داد. در بلاد عربی علاوه بر جمعیت اخوان‌المسلمین مصر، عراق، سوریه، لبنان، سودان و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، با سازمانهای سیاسی آسیا به ویژه شبه‌قاره هند ارتباط وثیقی برقرار نمود که از آن جمله همکاری با جماعت اسلامی پاکستان و مرحوم مولانا سید ابوالاعلی مودودی بود.

در منطقه عربی نیز همکاری همه جانبه‌ای با سازمانهای فلسطینی مبارز، به ویژه الفتح داشت که در این راستا، در صدور فتواهای مراجع عظام در وجوب کمک به جهاد رهایی‌بخش فلسطین نقش عمده و سیاسی داشت.

در داخل عراق سازمانهای سیاسی اسلامگرا یا چپ‌گرا در میان برادران اهل سنت و کردها وجود داشت که نقش الدعوه در این میان روشن نیست!

اتفاقاً اسناد معتبر زیادی در این زمینه در اختیار است که نشان‌دهنده همکاری و هماهنگی کامل الدعوه با آنها و مبارزه بر ضد رژیم فاشیستی حزب بعث می‌باشد. من فقط به گوشه‌ای و نمونه‌ای از همکاری الدعوه و رهبری آن، که در این برهه عملاً به عهده آیت‌الله آصفی بود، اشاره می‌کنم: کردستان عراق یک منطقه مظلوم در دوران حکومت پادشاهی و جمهوری عراق بود و آنها همواره به طور بی‌رحمانه و به هر نحو ممکن، در سرکوب مردم کرد می‌کوشیدند؛ اما دیدگاه علمای بزرگوار و مرجعیت شیعه و رهبری حزب‌الدعوه، درست در نقطه مقابل این حکومتهای جائر بود. مراجع به صراحت فتوا داده بودند که جنگ با کردهای مسلمان جایز نیست و باید در رفع ظلم از آنها کوشید.

روابط الدعوه با کردهای مسلمان عراق، گسترش و عمق یافته بود و پس از کودتای بعثی‌ها به ویژه از سال ۱۹۶۹به بعد، دیدارهایی بین رهبری الدعوه و بعضی از رهبران حرکتهای مسلحانه کرد رخ داد که هدف از آن، ایجاد وحدت عملی در نبرد بر ضد حکومت بعثی و رفع شرّ آن از کل عراق بود. در اعلامیه‌های سیاسی حزب‌الدعوه، کردهای عراق به مثابه بخشی از مردم مسلمان عراق مورد خطاب و احترام قرار گرفتند و همواره برای تمسک به مشترکات و دوری از موارد اختلاف تأکید داشتند. در یکی از بیانیه‌های حزب آمده است: «برادران کرد عراقی! به نام حزب الدعوه الاسلامیه که خواستار برقراری زندگی سالم اجتماعی ـ سیاسی برای همه مسلمانان عراق است، با شما سخن می‌گوییم که هم امروز بر ضد حکومت ظالم مزدور قیام کرده‌اید. ما یادآوری می‌کنیم که مرجعیت شیعه و علمای عراق همواره در کنار شما بوده‌اند. هرگز کسی فراموش نخواهد کرد که مرحوم آیت‌الله سیدمحسن حکیم در فتوایی صریح، از ارتش عراق خواست که در جنگ علیه کردها شرکت و دخالت نکنند.

حزب ما بر این باور است که راه حل اسلامی، تنها راه طبیعی برای حل مشکلات گوناگون شما و همه قومیتهای موجود در عراق است؛ چرا که اسلام همه را یکسان و برتری را فقط در سایه تقوا و پرهیزگاری می‌داند. حاکمیت مزدور عراق همواره برای ایجاد اختلاف کوشیده و حکومت تروریستی کنونی هم جز روش جاهلانه مزیتها و برتریهای قومی ـ قبیله‌ای، به هیچ ارزشی قائل نیست...»

***تأسیس «جماعه‌العلماء» در نجف با شرکت شخصیت‌های برجسته حوزوی که مورد تأیید همه مراجع عظام تقلید قرار گرفت، بستری برای نشر اندیشه تحزب و سازماندهی سیاسی در حوزه بود که بتواند در همه زمینه‌ها به تربیت افراد بپردازد. جماعه‌العلما پیوندهای استواری با حزب‌الدعوه داشت**

به دنبال این بیانیه رسمی حزب، سازمان امنیت عراق در گزارشی به صدام، همکاری همه‌جانبه حزب‌الدعوه با کردهای عراقی به‌ویژه ملا مصطفی بارزانی را اطلاع می‌دهد که اینها به طور مشترک علیه نیروهای دولتی سلاح برداشته‌اند. سازمان امنیت عراق در گزارش خود می‌افزاید: «... الدعوه برای پیشبرد اهداف خود لباس مذهبی و فرقه‌ای را به دور انداخته و با استفاده از امکانات حزب دمکرات کردستان به رهبری ملا مصطفی بارزانی و حزب سوسیالیست کردستان به رهبری دکتر محمود عثمانی به توطئه دشمنانه خود ادامه می‌دهد و اعضای آن از طریق کردستان عراق، به راحتی به ایران سفر کرده و اسلحه و مهمات تهیه نموده و به عراق منتقل می‌سازند...»

واقعیت امر این است که در این برهه حزب‌الدعوه می‌کوشد همه نیروهای مبارز را (اعم از کرد و ترکمان و سنی و شیعه) متحد سازد تا در مبارزه علیه رژیم پیروز گردد. حزب در این راستا و در مرحله نخست با شعبه اخوان‌المسلمین در کردستان که نزدیکترین گروه از لحاظ فکری ـ عقیدتی به الدعوه بود، به تشریک مساعی پرداخت، به ویژه که سازمان اخوان، دارای رابطه حسنه‌ای با گروههای دیگر کرد بود و در روستاهای کردنشین از نفوذ معنوی خاصی برخوردار بود و از لحاظ بین‌المللی هم ارتباطات وسیعی به دیگر گروههای اسلامی بلاد دیگر داشت. سازمان امنیت عراق در گزارش خود اضافه می‌کند: «در مرحله بعدی رهبری حزب روابط خصوصی با شخصیت‌های مذهبی و ملی کرد ایجاد می‌کند تا اختلافات مذهبی را کنار بگذارد و در حد توان خود به کردهای عراق کمک‌رسانی نماید و با تفسیر آیات قرآنی و نقل احادیث وحدت‌آفرین، به نوعی وحدت فکری ـ عملی برسد...»

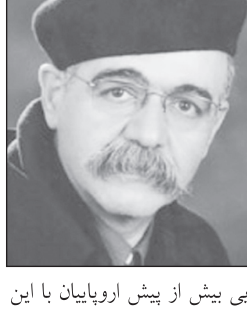
متن کامل این گزارش در کتاب «حزب‌الدعوه و الدور و المرسوم» که سازمان امنیت بعثی تهیه کرده بود، منتشر شده است. طبق اسناد به جامانده، الدعوه در راستای ایجاد وحدت هدف و عمل، برای رهایی عراق از فاشیسم بعثی، در مناطق کردنشین بسیار فعال شده بود به ویژه که در داخل عراق، سرکوب و اعدام بی‌رحمانه رژیم روبرو بود و تنها راه فرار و عبور و خروج نیز، منطقه کردستان بود و به همین دلیل بعضی از رهبران الدعوه با رهبران حزب دمکرات کردستان (بارزانی‌ها) و حزب اتحاد میهنی کردستان (جلال طالبانی) و حزب الوحده الاسلامیه (شیخ عثمان عبدالعزیز) و دیگر تشکل‌ها و سازمانها ملاقات نموده و آنها را به همکاری دعوت کردند و در نتیجه به نوعی هماهنگی در هدف و عمل رسیدند. این اقدام با توجه به دستورالعمل و یا رهنمود بخشی از رهبران اصلی الدعوه که در رأس آنها علامه عسکری و آیت‌الله آصفی قرار داشتند، انجام گرفت و نتایج بسیار ارزشمندی در راه تکامل و توسعه مبارزه ـ به ویژه در بخش جهادی و مسلحانه ـ از خود به یادگار گذاشت.

ادامه دارد

حماسه ملی ایران در اعتقاد علویان یارسان

حماسه ملی ایران

دکتر محمدعلی سلطانی — بخش هشتم



آیین علویان یارسان

این آیین کهنسال که پیشتر مورد توجه‌مستشرقین‌قرارگرفته‌است،تاکنون صدها کتاب و مقاله پژوهشی درباره آن نوشته آمده، نخستین رساله را در ایران محمدحسن خان اعتمادالسلطنه درباره این نحله به فارسی نوشت.[۲۷] سپس در سالهای ۱۹۰۴ـ ۱۹۰۸ که مینورسکی در ایران بود، درباره این آیین پژوهشی گسترده انجام داد. هرچند نوشته‌هایش خالی از اشکال نیست، اما به هر حال با نگارش مقالاتی معتبر موجب آشنایی بیش از پیش اروپاییان با این نحله گردید.[۲۸]

مینورسکی با اکثر اکابر متأخر اهل حق مراوده و مکاتبه داشت؛ از جمله سیدمحمد کلاردشتی[۲۹] و حاج نورعلی‌الهی.[۳۰] دیگر از مطلعین مسلّم و مسلط این آیین، دکتر سعیدخان کردستانی[۳۱] از دوستان نزدیک حاج نعمت‌الله جیحون‌آبادی است که سالیان متمادی همنشین و همدم او بود و اکثر مآخذ کمیاب کلیسا مانند عهدقدیم و جدید و... را دکتر سعیدخان در آن ایام که دسترسی میسر نبود، در اختیار ویقرار می‌داد. حاج نعمت‌الله جیحون‌آبادی و فرزندش حاج نورعلی از دیده‌داران متأخر و مطلعین مسلم و مسلط آداب یارسان بودند که درباره آنان روشنگری‌های مؤثر داشتند و در مسیر تاریخی و اعتقادی یارسان و گسترش آن تأثیرگذار بودند. در اینجا سخن ما بر کالبدشکافی آداب و مناسک این نحله نیست، بلکه در مقدمه بررسیهای تاریخی نکات تازه‌یاب و ناگفته و دیگر ارائه متون اعتقادی علویان یارسان در پیوند ریشه‌ای با زبان فارسی و زبانهای پیرو (کُردی، ترکی) و حضور هسته‌ای حماسه ملی ایران در کتاب دینی آنها به نام «سرانجام» و اشارات و شواهدی از سایر متون آیینی آنان است. در اینجا معرفی مختصر کتاب سرانجام و محورهای اصلی موضوعی آن کتاب ضروری می‌نماید.

ادامه دارد

پی‌نوشتها:

۲۷ـ اعتمادالسلطنه: محمدحسن خان (صنیع‌الدوله) که بعدها معروف و ملقب به اعتمادالسلطنه گردید (ف. ۱۳۱۳ق) از نزدیکان و محارم دستگاه ناصرالدین شاه و وزیر انطباعات عصر ناصری، از رجال برجسته و اهلقلم که روزنامه خاطرات او آیینه تمام‌نمای دوران سلطنت ناصرالدین شاه است. اعتمادالسلطنه دارای تألیفات متعددی است از جمله مرآةالبلدان، مطلع‌الشمس، المآثر و الآثار و منتظم ناصری در تاریخ و... مقاله تحقیقی با عنوان تحقیق در مذهب و طریقه علی‌اللهی که به نصیری و غالی و اهل حق نیز معروف می‌باشند(؟!) اولین مطلب مکتوب به فارسی درباره علویان (یارسان) است که در ایران نوشته شده است.

از جمله مأخذ تحقیق و مورد مصاحبه اعتمادالسلطنه در این مقاله جناب سیدمحمد کلاردشتی بوده است؛ چنان که در روزنامه خاطرات می‌نویسد: «۱۰ جمادی‌الثانیه‌ق رساله‌ای در شرح حال نصیری‌ها می‌نویسم. می‌خواستم عقاید این طایفه را از یکی بپرسم، شنیدم که میرزا سیدمحمد، علی‌اللهی که پارسال از کلاردشت به آن تفصیل وارد تهران کردند و حبس بود، امسال هفدهم محرم به توسط نایب‌السلطنه از حبس بیرون آوردند، آزاد است، در کوچه‌ها می‌گردد و ماهی بیست تومان از دولت به او مخارج می‌دهند. فرستادم خانه او را پیدا کردند. امروز عصر آوردندش، بسیار سید خوشرو و خوش‌منظری است؛ بعضی تحقیقات مذهبی از او نمودم. مختصر احسانی به او نمودم و رفت.» (سه گفتار تحقیقی در آیینی اهل حق، اعتمادالسلطنه، دکتر سعید خان کردستانی، مینورسکی، ترجمه و توضیحات: محمدعلی سلطانی، مریم بانو رزازیان، نشر سُها، تهران، ۱۳۷۸، ص۶۰)

۲۸ـ مینورسکی (Minorski): ولادیمیر ندورویچ مینورسکی (۱۸۷۷ـ ۱۹۶۶) دانشمند و خاورشناس عالیقدر روسی که در کرچوا (شهر کوچکی در کنار ولگا) متولد شد. در دانشگاه مسکو نخست حقوق و پس از آن در انستیتوی لازارف مسکو زبانهای شرقی آموخت و به خدمت وزارت خارجه روسیه درآمد و در ایران، ترکستان و ترکیه مأموریت یافت. از ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۸ در ایران به سر برد و در سال ۱۹۱۳ جزو هیأت بین‌المللی مأمور رفع اختلافات مرزی ایران و ترکیه بود. در ۱۹۱۹ به فرانسه رفت و پس از چندی به تدریس فارسی و ترکی و تاریخ ملل اسلامی پرداخت. در ۱۹۳۲ به دانشگاه لندن رفت و معلم زبان و ادبیات فارسی و تاریخ ایران در مدرسه السنه شرقیه شد. آثار وی متعدد و متنوع است و به زبانهای روسی، فرانسه، انگلیسی انتشار یافته است. مقالات وی در دایره‌المعارف اسلامی از دقیق‌ترین مقالات است. از آثار مهمش ترجمه و شرح حدودالعالم است به انگلیسی در سال ۱۹۳۷ و طبع و ترجمه تذکره‌الملوک در ۱۹۴۳. روی هم از وی بیش از ۲۰۰ مقاله و کتاب به زبانهای مختلف درباره ایران و اسلام به چاپ رسیده است. «مقاله اهل حق» از جمله مقالات معتبر و تحقیقی و مستند مینورسکی می‌باشد که برای نخستین بار نگارنده با همکاری مریم بانو رزازیان ترجمه و چاپ و منتشر نموده است. (سه گفتار تحقیقی در آیین اهل حق، ص۶۰)

۲۹ـ سلطانی، محمدعلی؛ تاریخ خاندانهای حقیقت و مشاهیر متأخر اهل حق در کرمانشاه، نشر سُها، تهران، ۱۳۸۴، ص۱۴۸.

۳۰ـ زنده‌یاد مینورسکی در نامه مورخ ۱۹۶۱/۱۲/۲۶ به شادروان استاد دکتر ایرج افشار می‌نویسد: «... مسئله سوم اینکه دو ماهقبل برای آقای نورعلی‌الهی مؤلف کتاب برهان‌الحق عکسی حاضر کردم از نسخه اثر پدرش سیدنعمت‌الله جیحون آبادی.* چون آدرس آقای نورعلی را درست نمی‌دانستم، از ناشر کتابش آقای دکتر تقی تفضلی رئیس کتابخانه مجلس سؤال کردم؛ ولی او به کاغذ من جواب نداده است. حال عکس فرقان اخبار را به آقای نورعلی چطور برسانم؟ از مساعدت سرکار در این باب خیلی ممنون می‌شوم. (مجله گلستان، نیویورک، شماره ۳ و ۲، سال اول، ۱۳۷۶، ص۹۲) * عنوان سید برای حاج نعمت‌الله و املای جیحون‌آبادی عیناً از مینورسکی است.

۳۱ـ دکتر سعیدخان کردستانی، فقیه سعید در سال ۱۲۴۲ش در سنندج متولد شد. پدرش ملارسول در اوایلقرن سیزدهم از ترکیه به ایران هجرت کرد. در ابتدای ورود مدتی در مریوان و سپس در سنندج اقامت گزید و در کنار تدریس علوم مقدماتی در مکتب، در یکی از مساجد شهر امام جماعت بود. دکتر سعیدخان در اوان کودکی به رسم متداول به تحصیل علوم دینیه پرداخت و به «فقیه سعید» معروف گردید. استعدادی سرشار و ذهنی پویا داشت. در سیزده سالگی پدر را از دست داد و بالاجبار همراه تحصیل، برای امرار معاش به تدریس پرداخت. در سال ۱۲۵۸ش یکی از مبلغان مسیحی (به نام یوحنا) از ارومیه مأمور تبلیغ سنندج گردید و در کلیسای شهر اقامت گزید؛ چون با زبان کردی آشنایی نداشت و فارسی را هم به‌خوبی نمی‌دانست، فقیه سعید را به عنوان معلم زبان کردی و فارسی خود انتخاب کرد و او را تحت‌الحمایه خودقرار دارد. ضمناً به تبلیغ وی پرداخت و او را به تحصیل زبان سُریانی و مطالعه انجیل تحریض و تشویق نمود. فقیه سعید برای تسلط بر مواد کتاب مقدس سعی بلیغ نمود و عاقبت محبت‌های یوحنا و توجهات جامعه مسیونر بین‌المللی و کمبودهای مادی و... موجب گرایشش به دین مسیح گردید. زمانی که پس ازقریب یک ماه مباحثه علنی در مسجد جامعه سنندج، مبلغان مزبور راه به جایی نبردند و مغلوب استدلالات و احتجاجات علمای شهر از جمله شیخ عبدالمؤمن امام جمعه کردستان گردیدند که حاصل آن کتاب «ردالنصاری» شیخ مرحوم است. مبلغان شبانه مجبور به ترک شهر شدند و فقیه سعید از شدت اضطرار به اغوای خواجه باری مسیحی پسر خواجه یوسف (مشهور به شیطان) به همراه آنها شهر را ترک نمود و از بیم عواقب امر به کردستان بازنگشت.

در سال ۱۲۶۰ش کشیش همدان (جیمز هاکس) درگذشت و ابلاغ جانشینی او به نام سعیدخان صادر گردید. سعیدخان در این مأموریت هم مدرس زبان فارسی کلیسا و هم مبلغ دینی آنها بود و در ضمن به فراگیری زبان انگلیسی پرداخت و مترجم دکتر الکساندر مسیحی در درمانگاه همدان شد و به دانش پزشکی روی آورد و دستیار دکتر الکساندر شد. سفری به تهران کرد که از هر جهت برای خدمت به جامعه مسیحیت و انجام خواسته‌های مسیونر بین‌المللی مصمم گردید؛ زیرا آنان تمام همّ خود را صرف جذب و وابستگی دکتر سعیدخان کردند.

در سال ۱۲۶۶ دکتر الکساندر، سعیدخان را با خود به همدان آورد و در خرداد ۱۲۶۷ با دختر سیمون کشیش مسیحی همدان (به نام ربکا) ازدواج کرد که تا آخر عمر در کنار هم بودند. دکتر سعیدخان که در طب قدیم و جدید صاحب مطالعات گسترده بود، در کناره‌گیری دکتر الکساندر، ویزیت، داروسازی و طبابت و پرستاری بیماران مراجع درمانگاه همدان را به عهده گرفت. در فروردین سال ۱۲۷۲ دکتر هالمز از آمریکا به عنوان جانشین دکتر الکساندر وارد همدان شد و دکتر سعیدخان بهقصد تکمیل تحصیل پزشکی از خدمت میسیون استعفا و با کمک مالی دوستان عازم سوئد گردید. در سال ۱۸۹۳ وارد استکهلم شد و پس از توقف کوتاهی از آنجا به انگلستان رفت و مدت دو سال در لندن با دکتر وارن به همکاری پرداخت و دوره‌های تخصصی کالبدشکافی و فیزیولوژی را در دانشگاه کوک لندن گذرانید و درباره داروسازی و میکروب‌شناسی به مطالعه و تحقیق پرداخت، در رشته چشم پزشکی به دریافت تخصص نایل شد و در سال۱۲۷۴ش به ایران بازگشت و در همدان به طبابت پرداخت. در ۱۲۸۱ش بار دیگر به انگلستان رفت و به عضویت پلی‌کلینیک لندن درآمد و به تکمیل مطالعات تخصصی خود پرداخت و به وسیله دکتر پاتریک دوستقدیمش با دکتر هانس کاشف باسیلهای مرض جذام آشنا شد و در این زمینه اطلاعاتی سودمند را کسب نمود. در ۱۹۰۵م از همدان به تهران کوچ کرد و هفت سال اقامتش در تهران به طول انجامید (۱۲۸۴ ـ ۱۲۹۱ش) سپس به دعوت سران مذهبی و مردمی کردستان پس از سی سال غربت به وطن بازگشت و مدتی به وجه حسبت به معالجه بیماران منتطقه پرداخت.

در کودتای ۱۲۹۹ش ساکن تهران بود و در دهه اول شمسی با مجالست بزرگان علم و ادب، از جمله صاحب‌نظران ادبی و تاریخی و مذهبی به شمار می‌رفت که در مقالات تحقیقی غالباً به سخنان وی استناد کرده‌اند؛ دکتر سعیدخان علاوه بر تخصص در علم الادیان و علم الابدان، در نسخه‌شناسی و تهیه آثار فرهنگی و تاریخی کردستان تلاش مستمر داشت و مآخذی منحصر به فرد در جستجوها و کندوکاوهای خود به دست آورد که با نوشتن مقالاتی به زبان انگلیسی در اروپا درباره دست‌یافته‌های خود اشتهار درخور یافت و سپس با بهای چشمگیر به موزه‌های آن سو فروخت و تعدادی نیز در اختیار مینورسکیقرار داد از جمله دست‌یافته‌های او مآخذیقابل توجه درباره اهل حق و اورامان بود.

وی در سال ۱۳۲۲ش/ ۱۳۶۲ق در همدان درگذشت. او به زبانهای انگلیسی، سریانی، عبری، عربی، کُردی و فارسی آشنایی داشت وقسمتی از انجیل را به گویش اورامی به نظم درآورد و به نام «نزانی» در سال ۱۳۰۹ به چاپ رساند. مقاله «فرقه اهل حق» از مجله وزین جهان اسلام از جمله مقالات تحقیقی او به زبان انگلیسی است که برای اولین بار به اهتمام صاحب اینقلم ترجمه و منتشر شد. (همان، ص۶۱ ـ ۶۲)

سوآپ نفت؛ ضرورت اصلاح تصمیمات گذشته

اجرای سوآپ نفت میان ایران و کشورهای همسایه در سال های اخیر مخالفان فراوانی داشته که از ۵ سال قبل موجب توقف فرآیند مذکور در صنعت نفت شده است. با این وجود توجه به نکات مثبت آغاز مجدد سوآپ با کشورهای همسایه می‌تواند در جهت گیری و برنامه ریزی آتی اقتصاد نفتی ایران مؤثر باشد.

به گزارش شانا مهندس سید پیروز موسوی مدیرعامل شرکت پایانه‌های نفتی معتقد است که قطع ناگهانی عملیات سوآپ یک شوک بزرگ به عملیات نفتی کشور بود. کسی انتظارش را نداشت آن هم زمانی که ۲۲۶ هزار بشکه نفت خام را معوض و به پالایشگاههای کشور ارسال می‌کردیم. تاسیساتی که برای انتقال نفت خام و تولید فرآورده در پالایشگاههای کشور برای این کار احداث کرده بودیم با این تصمیم، ناگهان دلیل وجودی خود را از دست دادند.

به گفته وی،در عملیات سوآپ، نفت باکیفیت بالاتر را از کشورهای حاشیه دریای خزر دریافت می‌کردیم و در اختیار پالایشگاههای تهران و تبریز برای تبدیل به فرآورده قرار می‌دادیم و از آن طرف نفت خام سنگین خود را در آبهای خلیج فارس به شرکت‌های سوآپر تحویل می‌دادیم.

موسوی می گوید: با قطع سوآپ ، تاسیسات پرهزینه و نیروی انسانی کارآمدمان در پایانه نکا بیکار شدند و درآمدی را که می توانستیم از محل سوآپ به دست بیاوریم، صفر کردیم، آن هم به این بهانه که قرارداد قبلی اشتباه بوده و منافع ایران را تامین نمی‌کرده است.

موسوی می گوید: در مورد هزینه‌های صورت گرفته برای عملیاتی شدن پایانه شمال برای انجام سوآپ، باید بگویم که نیم میلیارد دلار را فقط برای اجرای پایانه هزینه کردیم و ۱۷۰ میلیون دلار هم برای خط لوله هزینه شد. در این سالها، تجربه زیادی کسب کردیم اما از ۲۵ تیر ۹۱ دیگر سوآپی نداشتیم؛ البته رسما از سال ۸۹ سوآپ قطع شد و در این مدت بخشی از تعهدات باقی مانده بود که آن را انجام دادیم. استراتژی کشورهای آسیای میانه پس از قطع عملیات سوآپ ایران به سمت حوزه‌های دیگر مخصوصا ترکیه و خط لوله باکو – جیهان رفت. این اتفاق کار ما را برای احیای سوآپ از روز نخست هم سخت‌تر کرده است. کشورهای حوزه خزر زمانی آرزو داشتند با دریای آزاد ارتباط داشته باشند و بهترین کشور برایشان ایران بود، ولی الان وضع تغییر کرده است. هر چند که هنوز هم این تمایل وجود دارد، اما به این دلیل که یک جایگزین برای سوآپ خود پیدا کرده‌اند، قطعا به راحتی تغییر نظر نمی‌دهند. بسیاری از کارشناسان معتقدند که حضور ایران در بازار سوآپ می‌تواند منجر به سرریز شدن این بازار شود و در نتیجه، دوباره بازار ما احیا شود. به هر حال، خط لوله باکو – جیهان به عنوان یکی از سه رقیب کاری ما فعال است. البته دیپلماسی کشور بیکار نبوده است و وزیر نفت هم دست کم دو سفر را به کشورهای آسیای میانه داشته است و مذاکراتی را همراه با مسئولان وزارت امور خارجه در این زمینه صورت داده‌اند.

محمود آستانه عضو هیأت مدیره شرکت نیکو و مشاور وزیر نفت هم می گوید: تقریبا همه کارشناسان نسبت به این که انجام سوآپ از ابتدا یک تصمیم درست بوده و ادامه آن در شرایط تحریم، به نفع ایران است، همداستان هستند. اما قطع سوآپ با آن شیوه‌ای که اتفاق افتاد لطمه‌های جبران ناپذیری به اعتبار شرکت ملی نفت ایران، شرکت نیکو و مجموعه عملیاتی که در زمینه سوآپ داشتیم، وارد کرد.

به گفته وی، این تصمیم درسال ۱۳۷۵ بین دو رئیس جمهوری ایران و قزاقستان در زمان دولت آقای هاشمی رفسنجانی گرفته شد. قرار بود روزانه ۳۰ هزار بشکه نفت از قزاقستان به ایران حمل و از طریق پایانه‌های نکا در داخل ایران مصرف شود و معوض آن هم در اختیار سوآپ کنندگان قرار بگیرد. برای این کار، سرمایه‌گذاری بسیار خوبی صورت گرفت. با سرعت زیاد خط انتقالی از نکا تا ری و تبریز احداث شد. سپس عملیات انجام سوآپ به شرکت نیکو واگذار شد. در شرکت نیکو اینطور برنامه ریزی کرده بودیم تا عملیات سوآپ را در دو مرحله کوتاه مدت و بلندمدت به سامان برسانیم. برنامه کوتاه‌مدت‌مان این بود که زیربنای سوآپ را به نحوی تامین کنیم تا کشورهای حاشیه خزر مسیر ایران را برای سوآپ انتخاب کنند و کم کم بتوانیم زمینه ارتباطمان را با سوآپرها و کشورهای تولیدکننده برقرار کنیم. در گام دوم باتوجه به ظرفیت هایی که ایران از نظر جغرافیایی دارد، به هاب انرژی منطقه بدل شویم. برای فاز دوم که در برنامه بلندمدت قرار داشت، خط نکا- جاسک را با ظرفیت انتقال یک میلیون بشکه در روز تعریف کردیم.

آستانه می گوید: متاسفانه با تصمیم غلطی که درباره قطع سوآپ گرفته و به صورت یکطرفه قراردادهای بین ایران و کشورها یا شرکت های سوآپ کننده لغو شد، عملا کار بر روی خط لوله نکا- جاسک متوقف شد و پروژه‌هایی که در این زمینه پیش بینی شده بود یکی پس از دیگری با علامت سئوال مواجه شدند، آن هم درست در شرایطی که تحریم شده بودیم وبه شدت به ارتباط با کشورهای دنیا و شرکت های مختلف نیازداشتیم.

آستانه معتقد است که سود ۱۰ دلار برای هر بشکه سوآپ امکان پذیر نیست، شاید چنین سودی برای ۱۰ تن امکان پذیر باشد، اما در یک بشکه هرگز چنین سودی عاید هیچ کشوری نمی شود. با این حال وزیر نفت در دولت قبل اصرار داشت که بابت هر بشکه نفت ۱۰ دلار سود دریافت کنیم.

آستانه می افزاید: اساسا بنای ما این نبود که با سوآپ درآمد اقتصادی کسب کنیم. استراتژی کلان حاکمیت بر این مبنا بود که ایران در حوزه خزر به هاب انرژی بدل شود و موضوع خط باکو- جیهان کمرنگ شود. اما تصمیم دولت قبل به قطع سوآپ منجر شد و رقبای ما هم بیکار ننشستند و در منطقه شرق دریای خزر، مسیر محور قزاقستان به چین را فعال کردند، آمریکایی ها هم در فعال کردن این خط نقش پررنگی داشتند. همچنین روس ها مسیر دیگری را در شمال خزر ایجاد کردند. به این ترتیب ملاحظه می‌کنید که آهسته آهسته مسیرهای دیگر در خلال تعطیلی خط ایران شروع به کار کردند و برنامه کوتاه‌مدت و بلندمدت ما در خزر با ناکامی هایی مواجه شد. البته امیدوارم با گشایشی که در مذاکرات هسته‌ای بوجود می‌آید، بتوانیم دوباره این خط را فعال کنیم. هم‌اینک مذاکراتی را با برخی شرکت ها شروع کرده‌ایم که امیدوارم در آینده بتوانیم این مسیر را احیا کنیم. نظر آقای زنگنه وزیر نفت هم این است که بتوانیم این خط را احیا کنیم. البته برگرداندن آب رفته به جوی کار سختی است.

مشاور وزیر نفت می گوید: طی ۱۰ – ۱۲ سال اخیر با ۱۶ شرکت خارجی قرارداد سوآپ داشتیم. شرکت های بزرگی مانند ویتول با ما قرارداد داشتند که روزانه تا سقف ۵۰ هزار بشکه عملیات سوآپ را انجام دهند. در کنار این کارها ظرفیت مان را هم در پایانه نکا افزایش داده و انبارهای مان را تقویت کرده بودیم.

وی معتقد است: بزرگترین خسارتی که قطع سوآپ برای ایران بوجود آورد، این بود که به نوعی به اعتماد شرکت هایی که مسیر کشورمان را برای انتقال نفتشان انتخاب کرده بودند، خدشه وارد شد و تا بخواهیم این اعتماد از دست رفته را برگردانیم،کار سنگینی را باید انجام دهیم. متاسفانه ما با این تصمیم نادرست فضا را برای رقبای مان در حوزه خزر فراهم کردیم. خط لوله بی‌تی‌سی از محور دریای خزر تا بندر جیهان ایجاد شد با این که مسیر دشواری بود و باید از چند کشور عبور می‌کرد و بالغ بر ۲۰ هزار پرونده حقوقی داشت، با طول بیش از یکهزار و ۶۰۰ کیلومتر ایجاد شد تا وابستگی کشورها به مسیر ایران از بین برود. این فضا را ما برای آنها فراهم کردیم.

دکتر سید حمید حسینی عضو هیأت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی هم می گوید: سوآپ یعنی استفاده از ظرفیت تجاری یک کشور. ما خیلی به این مسئله توجه نکرده ایم. اگر این کار را انجام می‌دادیم، دست کم می‌توانستیم از این ظرفیت نهایت استفاده را ببریم. هر کشور دیگری که موقعیت ایران را به لحاظ جغرافیایی و استراتژیک داشت بیشترین استفاده را از این مزیت خود می‌برد، اما ما چه کردیم؟ دست کم در یک مورد کاری را که در منطقه شروع کرده بودیم و ابتکار عمل با ما بود، با تصمیم غلط وزیروقت نفت در سال ۸۹ فرصت را از دست دادیم و امروز افسوس گذشته را می‌خوریم. خوب یادم می‌آید، همان زمان هرچه نشستیم و صحبت کردیم، عدد و رقم آوردیم، توجیه و استدلال کردیم و گفتیم این تصمیم اشتباه است، ایشان عکس العملی نشان ندادند و ما را به تیم‌های کارشناسی ارجاع دادند؛ وقتی نزد کارشناسانی که وزیر ارجاع داده بودند، رفتیم بازهم همان بحث ها و استدلال ها را آوردیم، کارشناس‌ها هم حرفهای ما را می‌پذیرفتند و می‌گفتند این استدلال‌ها درست است، اما حاضر نمی شدند این کار را قبول کنند. چرا؟ چون آقای وزیر تصمیم اشتباهی گرفته بودند و حاضر نبودند از این تصمیم اشتباهشان برگردند. ما فکر می‌کردیم مشکل آنها استدلال‌فنی و کارشناسی است، بنابراین، یک تیم کارشناسی در اتحادیه صادر کنندگان فرآورده های نفت و پتروشیمی تشکیل دادیم و ماه ها روی این موضوع کار کردیم و با عدد و رقم نشان دادیم کسانی که در سالهایی که سوآپ برقرار بود چقدر هزینه کردند و چقدر سود نصیب‌شان شد. در مواقعی سوآپ کننده ۷ دلار سود می‌کرد و در مواقعی هم کمتر از این رقم. بارها و بارها با سند و مدرک گفتیم این که شما می‌گویید در هر بشکه ۵ دلار سود سوآپ است، اصلا با هیچ منطقی جور در نمی آید. متوسط قیمت ها و اختلاف قیمت‌های شمال و جنوب را در آوردیم. یک جدول کارشناسی تهیه کردیم.

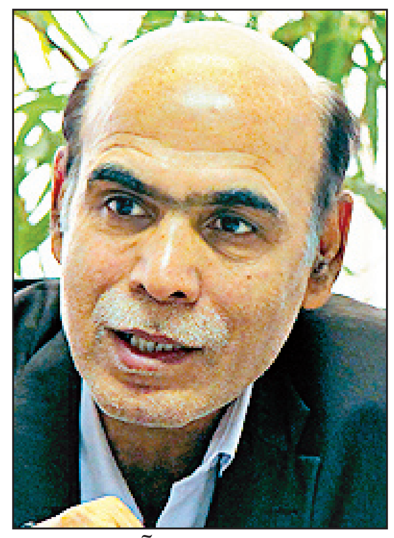
وی می گوید:حدود چهار تا پنج ماه روی این جدول کار کردیم، چون فکر می کردیم مشکل آقایان بحث کارشناسی و فنی است، بنابراین می‌خواستیم با استدلال های کارشناسی به آنها بگوییم عددی که می‌گویند درست نیست. این بحث‌هایی که عرض کردم ابتدا با آقای میرکاظمی مطرح کردیم؛ ایشان ابتدا گفتند که من نمی دانم چه می‌گویید؛ بعد گفتند که ما با دپارتمان اقتصادی و برنامه‌ریزی بحث کارشناسی داشته باشیم. با هرکدام از این دوستان که نشستیم و صحبت کردیم، گفتند که حرفهای شما منطقی است. حتی گفتیم اگر به عدد و رقم هایی که می‌گوییم شک دارید، بفرمایید این ها قیمتهای خرید، هزینه حمل سوآپ و اختلاف قیمت شمال و جنوب در همه سالهایی است که عملیات سوآپ انجام شده است. در یک سالهایی سوآپر سود کرده و در یک سالهایی هم متضرر شده است.

همه اسناد و مدارکی را که تهیه کرده بودیم از ما گرفتند؛ اما دیدیم که هیچ خبری نشد. نگران بودیم این تصمیم ادامه یابد و فرصتی که در خزر به دست آورده بودیم از بین برود. بنابراین ناامید نشدیم و پیش آقای قلعه بانی (مدیرعامل وقت شرکت ملی نفت ایران) رفتیم. دوباره همان حرفها را تکرار کردیم؛ اما ایشان هیچ واکنشی به این گزارش نشان ندادند و پاسخشان، سکوت بود. حتی وقتی که فرد دیگری وزیر نفت شد، نزد ایشان هم رفتیم و دوباره همان حرفها را گفتیم. ایشان در نهایت گفتند ما نمی‌توانیم ۵ دلار برای هر بشکه کم کنیم، حالا ببینید می توانید ۳/۵ دلار برای هر بشکه سود بگیرید تا این کار انجام شود. گفتیم، این سخنان باید مبنای کارشناسی و اصولی داشته باشد، براساس چه مبنایی این حرف را می‌زنید؟ نرخهای خط بی تی سی را که از سه کشور عبور می‌کرد، آوردیم و نشان دادیم که سود، برای هر بشکه ۱/۵ دلار یا در نهایت یک دلار بود. اصلا در نفت از این خبرها نیست که برای هر بشکه سوآپ ۱۰ دلار سود بگیریم. در همه معامله‌ها سودی که در هر بشکه به دست می‌آید نهایت ۲۰ تا ۳۰ سنت است. حالا اگر بخواهند خیلی سود کنند، بشکه‌ای ۳۵سنت می شود. آن وقت شما براساس چه مبنایی این حرفها را می‌زنید؟ اما مثل این که هیچ اراده‌ای برای اصلاح این رویه وجود نداشت. همین طور فرصت از دست می‌رفت و ما هم اعتماد طرف مقابل را از دست دادیم و هم این که حلقه رابطه با کشورهای همسایه خزر را هم ضعیف‌تر کردیم؛ مثلا ببینید الان برای مراوده معمولی با کشورجمهوری آذربایجان یا ترکمنستان باید حتما از ویزا استفاده کنیم، چرا این اتفاق افتاده؟ برای این که آنها حس می‌کنند دیگر به ما نیازی ندارند. ما امروز به دلیل برخی حرکت‌های غیراصولی و غیرکارشناسی موقعیت مان را در منطقه از دست دادیم و تضغیف شدیم. فکر می‌کردیم این مزیت ها همیشه باقی می‌ماند، اما خیر مزیت‌های نسبی تا یک زمانی باقی می‌ماند. وقتی شما از مزیت‌های نسبی تان استفاده نمی‌کنید، معلوم است دیگران می‌آیند و از خلاء شما بهره می‌برند. از آن طرف آمریکایی‌ها به شدت در حال برنامه ریزی هستند تا سوآپ گاز را از مسیر ترکمنستان و قزاقستان انجام دهند. با این اوصاف اگر همینطور بلاتکلیف بمانیم و به دنبال سود بالا باشیم، گاز هم ما را دور می‌زند. همین الان ما می توانیم از مزیت گازمان بهره ببریم و به سوآپ بپردازیم، چون ممکن است خط لوله تاپی که به چین می رود، فعال شود و بازهم نرخهایی که ما می گوییم به کار نیاید. البته دولت یازدهم نشان داده است که عزم دارد تا سوآپ را فعال کند. فقط امیدوارم بموقع درباره سوآپ گاز تصمیم گیری شود تا دوباره چهار یا پنج سال بعد افسوس بازاری را که از دست داده ایم، نخوریم.

آستانه عضو هیأت مدیره شرکت نیکو و مشاور وزیر نفت در تکمیل صحبت های دکتر حسینی می‌گوید: اختلاف قیمت بین نفت دریای خزر و خلیج فارس چیزی حدود ۸ تا ۱۰ دلار است. چون خزر دریای بسته‌ای است و به آبهای آزاد راه ندارد، بنابراین، هزینه حمل ونقل آن برای خریدار گرانتر تمام می‌شود. به عنوان مثال اگر قیمت نفت در حوزه دریای شمال یا خلیج فارس مثلا ۵۵ دلار یا ۶۰ دلار باشد، همین نفت در حوزه خزر حدود ۸ تا ۱۰ دلار ارزانتر است. سود شرکتی که سوآپ می‌کند، در همین حد ۸ تا ۱۰ دلار است. اشتباه نکنید وقتی می گویم سود آنها بین ۸ تا ۱۰ دلار است، به این معناست که سوآپ کننده باید برود نفت را از میان خریداران مختلف جمع آوری کند؛ در کشورهای دیگر، بر خلاف ایران، بخش خصوصی بخشی از فروش نفت را بر عهده دارد؛ خب اینجا دلال‌ها نفت را جمع آوری می‌کنند بعد با سوآپر قراردادی می‌بندند؛ سوآپرباید پولی به دلال بدهد تا نفت را جمع کند.

بعد باید نفت را در مخازنی در سواحل دریا انبار کند. اینجا هم باید پول انبارداری بدهند، باید بروند کشتی بخرند یا اجاره کنند تا این نفت انبار شده را از کشتی تا نکا حمل کنند، اینجا هزینه حمل و افت کالا هم هست. اینجا سوآپر به دنبال سود است.

ادامه دارد



مهندس محمود آستانه



دکتر سید حمید حسینی



مهندس سید پیروز موسوی

* قطع ناگهانی عملیات سوآپ یک شوک بزرگ به عملیات نفتی کشور بودکه کسی انتظارش را نداشت

* با قطع سوآپ، تاسیسات پرهزینه و نیروی انسانی کارآمدمان در پایانه نکا بیکار شدند و درآمدی را که می توانستیم از محل سوآپ به دست بیاوریم، صفرشد



* قرارنبود که با سوآپ درآمد اقتصادی کسب کنیم. استراتژی کلان حاکمیت بر این مبنا بود که ایران در حوزه خزر به هاب انرژی مبدّل و موضوع خط باکو- جیهان کمرنگ شود

* با تصمیم غلط وزیر نفت وقت در سال ۸۹ فرصت را از دست دادیم و امروز افسوس گذشته را می‌خوریم

شرکت پتروشیمی شازند (سهامی‌عام)

مجمع عادی سالانه این شرکت تصویب کرد:

۱۰۰۰ ریال سود برای هر سهم پتروشیمی شازند

شرکت پتروشیمی شازند با حضور بیش از ۹۳ درصد سهامداران به مجمع رفت این مجمع که به ریاست آقای محمودی و نظارت آقای خالق و خانم یزدانیان و به دبیری آقای علی اکبری برگزار شد، پس از قرائت گزارش هیأت مدیره به مجمع، علاوه بر تصویب صورتهای مالی و انتخاب مؤسسه به عنوان حسابرس و انتخاب روزنامۀ اطلاعات به عنوان روزنامۀ رسمی، به هر سهم خود ۱۰۰۰ ریال سود اختصاص داد.

* شرکت پتروشیمی شازند (اراک)

مجتمع پتروشیمی شازند (اراک) یکی از طرح‌های استراتژیک و زیربنایی کشور است که در راستای سیاست راهبردی و اصولی توسعه صنعت پتروشیمی، با اهداف مهمی از قبیل تامین نیاز صنایع داخلی کشور به محصولات پایه پلیمری و شیمیایی، تربیت نیروهای کارآمد انسانی برای توسعه آینده این صنعت و انتقال دانش فنی، در سال ۱۳۶۳ توسط شورای عالی اقتصاد به تصویب رسید و در سال ۱۳۶۹ رسماً عملیات این طرح عظیم و ملی آغاز و در سال ۱۳۷۲ فاز اول آن به بهره‌برداری رسید.

در حال حاضر این شرکت با سوابق و تجربیات ارزشمند بیش از دو دهه فعالیت موثر در بازار، توانایی تولید بیش از یک میلیون و هشتصد هزار تن محصولات میانی و نهایی از انواع پلیمری و شیمیایی و جانبی را دارد. در همین راستا در سال ۱۳۹۳ این شرکت با وجود اجرای پروژه عظیم تعمیرات اساسی موفق به تولید ۱/۶۸۹/۶۷۴ تن محصول شد و با چهار پله صعود، موفق به کسب مقام چهل و نهم در بین یکصد شرکت برتر کشور شد.

این مجتمع با داشتن ۱۵ واحد تولیدی فعال، ترکیبی کم‌نظیر از محصولات پلیمری را در سبد محصولات خود عرضه می‌کند و با توجه به انحصار تولید بعضی محصولات حیاتی از قبیل اکسیداتیلن، وینیل استات، دواتیل هگزانول، نرمال بوتانول، ایزو بوتانول، اتانول آمین‌ها، اتوکسیلات‌ها و پلی بوتادین رابر، نقش این مجتمع در تامین نیازهای راهبردی صنایع مختلف کشور را می‌توان بی‌نظیر دانست.

به طور کلی با لحاظ دو شاخص تنوع محصول و ظرفیت تولید، این مجتمع تولیدی مهم‌ترین و بزرگ‌ترین واحد تولیدی در حوزه صنعت پتروشیمی در نیمه مرکزی و شمالی کشور محسوب می‌شود.

حفظ ارزش‌ها و سرمایه‌های انسانی و احترام به شئون همه کارکنان و ارتقای سطح زندگی همکاران محترم در کنار افزایش ارزش و سود هر سهم، سرلوحه اهداف مدیریت این شرکت است، بدیهی است هر حرکت سازنده‌ای در این راستا، نیاز به همکاری همه جانبه همه ارکان و دست اندرکاران دارد؛ بر همین اساس مدیریت و کارکنان شرکت تلاش خواهند کرد با برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، در سرنوشت سازمان خود اثرگذار بوده و به گونه‌ای عمل کنند که جایگاه این شرکت در عرصه صنعت پتروشیمی مانند همیشه ممتاز باشد.

* پیام هیات مدیره

خرسندیم که پس از یک سال تلاش و کوشش به یاری و عنایات خداوند متعال، مجالی دوباره یافتیم تا کارنامه تلاشگران شرکت پتروشیمی شازند (اراک) را تقدیم حضورتان کنیم.

بسیار مفتخریم اعلام کنیم که با وجود محدودیت‌ها و شرایط خاص حاکم بر اقتصاد جهان و بالطبع کشور عزیزمان توانستیم با اتکال به خداوند بزرگ و همراهی شما سهامداران گرانقدر و بهره‌گیری از اراده استوار و با تلاش جمعی، ضمن حضور فعال در عرصه اقتصاد کشور، ارزش آفرینی را برای همه ذی نفعان، از اندیشه به عمل برسانیم و شرایطی را مهیا کنیم تا بتوان در راستای برنامه‌های استراتژیک شرکت قدم برداشته و با تخصص، همدلی و درک مناسب مدیران و کارکنان در سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی، موفق به کسب افتخارات و دستاوردهای جدیدی به شرح زیر در سال مالی ۱۳۹۳ شویم:

۱- انجام تعمیرات اساسی کل واحدهای تولیدی مجتمع پس از گذشت ۷ سال از آخرین تعمیرات اساسی و همچنین تعویض کاتالیست واحد اتیلن اکساید بدون همکاری شرکت‌های خارجی و با استفاده از توان فنی کارشناسان شرکت

۲- تکمیل و بهره‌برداری از طرح توسعه واحد پلی اتیلن سبک همزمان با انجام تعمیرات اساسی پس از گذشت ۱۱ سال از تاریخ شروع پروژه

۳- کسب بالاترین رکورد تولید و صادرات محصول هیدروکربورهای هیدروژنه A۸۰ وA۹۲ از بدو تاسیس شرکت تاکنون به میزان بیش از ۲۱۵ هزار تن

۴- تولید و صادرات محصول هیدروکربور هیدروژنه A۹۲ برای نخستین بار در شرکت

۵- همکاری گسترده و موثر با انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی به منظور حذف پنج درصد عوارض موضوع بند (ک) تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور که منتج به عدم شمول عوارض مذکور به مواد اولیه تحویلی به شرکت‌های پتروشیمی با اثر مالی بیش از ۸۰۵ میلیارد ریال برای این شرکت شد.

۶- همکاری همه‌جانبه با انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی به منظور حذف پنج درصد عوارض موضوع جزء ۲۱ بند ۳ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور که تا حصول نتیجه نهایی پیگیری خواهد شد.

۷- فروش سرمایه‌گذاری بلندمدت در شرکت توسعه پتروشیمی کوهدشت و بانک گردشگری در راستای انجام تکالیف مجامع عمومی سالانه سنوات قبل

۸- افزایش توان بارگیری محصولات هیدروکربورهای هیدروژنه A۸۰،A۹۲ و PGH تا حدود دو برابر سنوات قبل

۹- ساخت و بهره‌برداری از خط لوله انتقال پروپیلن پالایشگاه امام خمینی(ره) شازند به مجتمع پتروشیمی شازند

۱۰- ساخت و بهره‌برداری از مخازن ذخیره نفتا و مخازن کروی به ترتیب با ظرفیت ۱۶ و ۶ هزار مترمکعب و برنامه‌ریزی برای ساخت و راه‌اندازی دو مخزن دیگر با ظرفیت ۱۶ هزار مترمکعب تا خردادماه سال ۱۳۹۴

۱۱- تسریع در فرآیند عملیات ساخت مخازن صادراتی ماهشهر با ظرفیت بیش از ۱۴ هزار مترمکعب به منظور جلوگیری از توقف واحدهای تولیدی در مواقع اضطراری و افزایش ظرفیت انبار محصولات مایع در بنادر صادراتی

۱۲- تاسیس اتاق‌های فکر چهارگانه تولید و تکنولوژی تولید، اقتصادی و بازرگانی، منابع انسانی و پروژه‌ها

بنابراین به سهامداران گرانقدر اطمینان می‌دهیم که این شرکت همواره خود را مفتخر و متعهد و ملزم به رعایت، حفظ و صیانت منافع همه افراد ذی نفع می‌داند و این مهم را با جدیت ادامه خواهد داد. افتخار ما تحقق خواسته‌های بحق مشتریان، کارکنان و سهامداران است، بی‌تردید رشد و بالندگی روزافزون شرکت و کسب موفقیت‌های فوق بدون در نظر گرفتن منافع ذی نفعان میسر نخواهد بود.

اعتقاد داریم توجه سهامداران به عملکرد این دوره و ارائه نظرات خود در بهبود هرچه بیشتر و بهتر عملکرد دوره آتی موثر خواهد بود و انتظار داریم با ارائه پیشنهادات سازنده خود، این مجموعه را یاری کنند. امید است با حمایت‌ها و راهنمایی سهامداران محترم و با تکیه بر الطاف خداوند متعال، هیات مدیره بتواند گام‌های موثر و مفیدتری برای رشد و ارتقا برداشته و آنچه برای آینده برنامه‌ریزی شده به واقعیت تبدیل کند.

طرح‌های توسعه‌ای در دست اقدام در شرکت پتروشیمی شازند (اراک):

۱- پروژه ساخت دو دستگاه مخزن با ظرفیت کلی ۱۶۰۰۰ مترمکعب در محل پایانه صادراتی ماهشهر با ۷۲/۶ درصد پیشرفت فیزیکی در پایان سال ۱۳۹۳ که انتظار می‌رود این پروژه در شهریورماه سال ۱۳۹۴ به بهره‌برداری برسد.

۲- ساخت و بهره‌برداری از دو دستگاه مخازن ذخیره خوراک در مجتمع.

۳- پروژه ساخت دو دستگاه مخازن ذخیره خوراک دیگر در مجتمع با ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی در پایان سال ۱۳۹۳ و پیش‌بینی تکمیل آن تا پایان خردادماه ۱۳۹۴.

۴- ساخت و بهره‌برداری از مخازن کروی TK۸۱۰، TK ۸۱۱ برای ذخیره‌سازی پروپیلن که در اسفند ماه سال ۱۳۹۳ به بهره‌برداری رسیده است.



شرکت پتروشیمی شازند (سهامی عام)
گزیده اطلاعات سال مالی منتهی به ۲۹اسفند ۱۳۹۳
صورت سود و زیان شرکت اصلی

	یادداشت	سال ۱۳۹۳ میلیون ریال	سال ۱۳۹۳ میلیون ریال	(تجدید ارائه‌شده) سال ۱۳۹۲ میلیون ریال
درآمدهای عملیاتی	۲۳		۲۶,۸۰۶,۳۸۱	۲۹,۸۸۱,۵۰۸
بهای تمام شده در آمدهای عملیاتی	۲۴		(۲۱,۱۶۲,۵۰۱)	(۲۳,۱۴۸,۰۴۹)
سود ناخالص			۵,۶۴۳,۸۸۰	۶,۷۳۳,۴۵۹
هزینه‌های فروش، اداری و عمومی	۲۵	(۱,۸۴۱,۱۱۳)		(۱,۶۸۵,۶۹۲)
سایر اقلام عملیاتی	۲۶	۴۷۷,۲۲۹		۱,۲۳۲,۴۸۵
			(۱,۳۶۳,۸۸۴)	(۴۵۳,۲۰۷)
سود عملیاتی			۴,۲۷۹,۹۹۶	۶,۲۸۰,۲۵۲
هزینه‌های مالی	۲۷	(۱۷,۴۲۵)		(۱۴,۴۱۹)
سایر در آمدهای غیرعملیاتی	۲۸	۲۹۳,۵۹۳		۳۵۷,۶۰۱
			۲۷۶,۱۶۸	۳۴۳,۱۸۲
سود عملیات در حال تداوم قبل از مالیات			۴,۵۵۶,۱۶۴	۶,۶۲۳,۴۳۴
مالیات بر در آمد	۱۴		(۴۹۴,۴۸۲)	(۵۸۱,۵۷۲)
سود خالص عملیات در حال تداوم			۴,۰۶۱,۶۸۲	۶,۰۴۱,۸۶۲
سود پایه هر سهم:				
عملیاتی			۱,۵۲۰	۴,۷۷۶
غیرعملیاتی			۹۸	۲۵۹
سود پایه هر سهم ـ ریال			۱,۶۱۸	۵,۰۳۵
میانگین موزون تعداد سهام	۲۹		۲,۵۱۰,۷۴۴,۱۰۱	۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰
سود پایه هر سهم ـ ریال (براساس سرمایه ثبت‌شده)			۱,۱۲۸	۵,۰۳۵
گردش حساب سود انباشته				
سود خالص			۴,۰۶۱,۶۸۲	۶,۰۴۱,۸۶۲
سود انباشته ابتدای سال		۷,۹۲۵,۳۱۰		۵,۰۶۵,۶۰۲
تعدیلات سنواتی	۳۱	(۴۳۸,۳۷۶)		(۲۰,۵۳۰)
سود انباشته ابتدای سال ـ تعدیل شده		۷,۴۸۶,۹۳۴		۵,۰۴۵,۰۷۲
سود سهام مصوب		(۶,۰۰۰,۰۰۰)		(۳,۶۰۰,۰۰۰)
			۱,۴۸۶,۹۳۴	۱,۴۴۵,۰۷۲
سود انباشته پایان سال			۵,۵۴۸,۶۱۶	۷,۴۸۶,۹۳۴

از آنجائیکه اجزای تشکیل‌دهنده صورت سود و زیان جامع محدود به سود دوره و تعدیلات سنواتی بوده، صورت مزبور ارائه نشده است.
یادداشتهای توضیحی همراه، بخش جدایی‌ناپذیر صورتهای مالی است.

شرکت پتروشیمی شازند (سهامی عام)
گزیده اطلاعات سال مالی منتهی به ۲۹اسفند ۱۳۹۳
ترازنامه شرکت اصلی

دارایی‌ها:	یادداشت	۱۳۹۳/۱۲/۲۹ میلیون ریال	(تجدید ارائه‌شده) ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ میلیون ریال	بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام	یادداشت	۱۳۹۳/۱۲/۲۹ میلیون ریال	(تجدید ارائه‌شده) ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ میلیون ریال
دارایی‌های جاری:				بدهی‌های جاری:			
موجودی نقد	۳	۹۵۹,۵۴۳	۵۶۳,۸۴۶	پرداختنی‌های تجاری و غیرتجاری	۱۳	۶,۲۵۹,۳۴۵	۶,۶۳۲,۱۳۵
سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت	۴	۱۷۴,۱۳۸	۱,۳۰۰,۷۰۷	مالیات پرداختنی	۱۴	۷۲۲,۳۸۲	۱,۱۳۴,۲۷۳
دریافتنی‌های تجاری و غیرتجاری	۵	۳,۹۹۴,۷۸۰	۴,۶۵۸,۳۸۹	تسهیلات مالی	۱۵	۱,۰۱۷,۴۲۵	۳۱۲,۸۵۶
موجودی مواد و کالا	۶	۵,۰۵۹,۰۳۱	۵,۶۲۶,۹۵۲	پیش دریافت‌ها	۱۶	۱،۰۶۷,۹۴۲	۹۶۱,۷۷۴
پیش‌پرداخت‌ها	۷	۱,۳۸۵,۷۸۳	۶۵۲,۰۸۵	جمع بدهی‌های جاری		۹,۰۶۷,۰۹۴	۹,۰۴۱,۰۳۸
دارایی‌های نگهداری شده برای فروش	۸	۸,۹۷۳	۸,۹۷۳	بدهی‌های غیرجاری:			
جمع دارایی‌های جاری		۱۱,۵۸۲,۲۴۸	۱۲,۸۱۰,۹۵۲	ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان	۱۷	۹۶۶,۱۴۳	۵۸۶,۵۳۲
				جمع بدهی‌های غیرجاری		۹۶۶,۱۴۳	۵۸۶,۵۳۲
				جمع بدهی‌ها		۱۰,۰۳۳,۲۳۷	۹,۶۲۷,۵۷۰
دارایی‌های غیرجاری:				حقوق صاحبان سهام:			
سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت	۹	۱,۱۶۱,۹۰۳	۱,۱۷۵,۷۵۶	سرمایه	۱۸	۱,۲۰۰,۰۰۰	۱,۲۰۰,۰۰۰
دارایی‌های نامشهود	۱۰	۱۸,۶۴۴	۶,۵۲۸	افزایش سرمایه در جریان	۱۹	۲,۴۰۰,۰۰۰	۰
دارایی‌های ثابت مشهود	۱۱	۵,۷۶۳,۵۴۰	۴,۱۸۰,۷۲۲	اندوخته قانونی	۲۰	۱۲۰,۰۰۰	۱۲۰,۰۰۰
سایر دارایی‌ها	۱۲	۷۷۷,۳۰۳	۲۶۲,۳۳۱	سایر اندوخته‌ها	۲۱	۱,۷۸۵	۱,۷۸۵
جمع دارایی‌های غیرجاری		۷,۷۲۱,۳۹۰	۵,۶۲۵,۳۳۷	سود انباشته		۵,۵۴۸,۶۱۶	۷,۴۸۶,۹۳۴
				جمع حقوق صاحبان سهام		۹,۲۷۰,۴۰۱	۸,۸۰۸,۷۱۹
جمع دارایی‌ها		۱۹,۳۰۳,۶۳۸	۱۸,۴۳۶,۲۸۹	جمع بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام		۱۹,۳۰۳,۶۳۸	۱۸,۴۳۶,۲۸۹

صدور مجوز پذیره‌نویسی صندوق سرمایه‌گذاری جدید

مجوز پذیره‌نویسی صندوق سرمایه‌گذاری گنجینه امید ایرانیان از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار صادر شد.

مدیر عامل شرکت تأمین سرمایه امید از آغاز پذیره‌نویسی صندوق سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت گنجینه امید ایرانیان در تاریخ ۱۸ خرداد ۹۴ خبر داد.

به گزارش فارس، حبیب رضا حدادی در مورد نحوه فعالیت صندوق گفت: صندوق‌های سرمایه‌گذاری از جمله نهادهای مالی هستند که فعالیت اصلی آنها سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار شامل: سهام، حق تقدم سهام و اوراق بهادار با درآمد ثابت است و دارندگان واحدهای سرمایه‌گذاری در واقع مالکان صندوق بوده و به نسبت سرمایه‌گذاری خود، در سود و زیان صندوق شریک هستند.حدادی در مورد نحوه فعالیت صندوق گفت: صندوق‌های سرمایه‌گذاری از جمله نهادهای مالی هستند که فعالیت اصلی آنها سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار شامل: سهام، حق تقدم سهام و اوراق بهادار با درآمد ثابت است و دارندگان واحدهای سرمایه‌گذاری در واقع مالکان صندوق بوده و به نسبت سرمایه‌گذاری خود، در سود و زیان صندوق شریک هستند.حدادی اظهار داشت: صندوق سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت گنجینه امید ایرانیان از انواع صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت و پیش‌بینی سود است که فقط در اوراق بهادار با درآمد ثابت و سپرده بانکی سرمایه‌گذاری می کند و از این رو حداقل ریسک را برای سرمایه‌گذاران به همراه دارد. نرخ سود پیش‌بینی شده صندوق حداقل ۲۲ درصد روز شمار علی‌الحساب و مقاطع پرداخت سود آن به صورت ماهانه به سرمایه‌گذاران خواهد بود.مدیر عامل تأمین سرمایه امید در مورد ساز و کار صندوق اعلام کرد: بر اساس تدابیر اندیشیده شده پیش‌بینی می شود که نرخ بازدهی صندوق از نرخ اعلام شده نیز فراتر رود و صدور واحدهای سرمایه‌گذاری به خالص ارزش دارایی‌های (NAV) روز و ابطال آن به خالص ارزش دارایی‌های (NAV) روز قبل صورت خواهد گرفت.حدادی گفت: مدیریت و ضمانت نقدشوندگی صندوق به عهده شرکت تأمین سرمایه امید است و بانک سپه به عنوان نخستین بانک ایرانی و با گستردگی شعب خود وظیفه مدیریت ثبت صندوق را بر عهده دارد.سرمایه‌گذاران می‌توانند با مراجعه به شرکت تأمین سرمایه امید یا شعب منتخب بانک سپه در سراسر کشور تا ۲۳ خرداد ۹۴ نسبت به خرید واحدهای سرمایه‌گذاری اقدام کنند.لازم به ذکر است اخیرا صندوق سرمایه‌گذاری گنجینه آینده روشن واحدهای سرمایه گذاری این صندوق را از طریق بازار سوم فرابورس ایران پذیره‌نویسی کرد.

پذیره‌نویسی این صندوق با درآمد ثابت با نماد "صایند" از روز ۱۶ خرداد به مدت سه روز کاری آغاز شد ضمن آنکه کارگزاری بانک تات مدیر صندوق و تأمین سرمایه آرمان به عنوان بازارگردان تعیین شده بود.مبلغ اسمی این اوراق ۱۰ هزار ریال بوده و از مجموع ۵۰ میلیون واحد سرمایه‌گذاری قابل انتشار این صندوق، یک میلیون به صورت ممتاز پذیره‌نویسی شده و ۴۹ میلیون واحد به طور عادی پذیره نویسی خواهد شد.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۶۲۹۵۲/۳	۶۳۲۱۰/۳	۶۲۹۵۲/۳	(۲۳۵)	(۰/۳۷)
شاخص۳۰شرکت بزرگ	۲۸۶۲/۶	۲۸۷۵/۹	۲۸۶۲/۶	(۱۲)	(۰/۴۲)
شاخص آزادشناور	۷۱۶۱۰	۷۲۰۷۴	۷۱۶۱۰	(۴۶۹/۹)	(۰/۶۵)
شاخص بازاراول	۴۵۲۳۷/۴	۴۵۴۶۱/۶	۴۵۲۳۷/۴	(۲۲۳/۵)	(۰/۴۹)
شاخص بازاردوم	۱۳۱۰۳۵/۸	۱۳۱۳۵۵/۴	۱۳۱۰۳۵/۸	(۱۴۹/۲)	(۰/۱۱)
شاخص صنعت	۵۲۰۶۹/۷	۵۲۲۱۳/۳	۵۲۰۶۹/۷	(۱۱۶/۴)	(۰/۲۲)

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (دوشنبه۹۴/۳/۱۸)

مجموع حجم معاملات	۷۴۰/۳۰۵/۷۷۶ سهم
مجموع ارزش معاملات	۱/۳۹۸/۵۹۶ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۴۹۰۵۸ معامله
ارزش بازار	۲/۷۷۵/۵۵۴ میلیارد ریال

تغییر در واگذاری پرسپولیس و استقلال

مشاور رئیس سازمان خصوصی‌سازی گفت: احتمال تغییر در شکل و فرایند واگذاری سرخابی‌ها با توجه به مدت زمان در نظر گرفته شده وجود دارد و در نهایت باید هیات واگذاری برای آن تصمیم بگیرد.

سیدجعفر سبحانی در گفتگو با فارس، با اشاره به موضوع واگذاری دو تیم استقلال و پرسپولیس، اظهار داشت: طبق آخرین نظر دو تا سه ماه فرآیند واگذاری متوقف شده و هنوز برای این موضوع تصمیمی گرفته نشده است.

مشاور رئیس سازمان خصوصی‌سازی با بیان اینکه یکی از مصوبات هیأت واگذاری در مورد سرخابی‌ها مدت زمان واگذاری و در نهایت انحلال این دو تیم است، تصریح کرد: تا ۳۱ تیر هیأت واگذاری فرصت دارد، نسبت به این مصوبه تجدید نظر کند و یا مدت آن را افزایش دهد.

وی با اشاره به دلایل متوقف شدن واگذاری سرخابی‌ها بیان داشت: اگر مجلس راجع به این دو تیم نقطه نظری داشته باشد، با توجه به این فرجه زمانی می‌توان مباحث را لحاظ کرد و همچنین موضوع دیگر لطمه نخوردن به سرخابی‌ها بوده، زیرا فصل آینده نزدیک است و از لحاظ فنی مشکل برای آنها ایجاد نشود.

سبحانی تأکید کرد: احتمال چگونگی و شکل واگذاری با نظر هیأت واگذاری و یا مجلس وجود دارد و در آینده با روشن شدن دیدگاه‌ها مشخص خواهد شد.

تداوم کاهش قیمت اوراق تسهیلات مسکن در فرابورس

رئیس اداره ابزارهای نوین مالی فرابورس ایران با اشاره به کاهش قیمت اوراق تسهیلات مسکن در ماه‌های اخیر، فزونی عرضه بر تقاضا را مهمترین دلیل تداوم کاهش قیمت‌ها بیان کرد.

به گزارش روابط عمومی فرابورس ایران، علیرضا توکلی درباره آخرین وضع قیمت اوراق تسهیلات مسکن اظهار داشت: گزارش‌های آماری از وضع قیمت اوراق تسهیلات مسکن در اردیبهشت ۹۴ حاکی از آن است که روند نزولی قیمت اوراق بر مبنای قیمت میانگین ماهانه در این ماه ادامه داشته است.

رئیس اداره ابزارهای نوین مالی فرابورس ایران افزود: میانگین قیمت ماهانه این اوراق که در شهریور ۹۳ به رقم بی سابقه ۹۵ هزار تومان رسیده بود، از مهر گذشته روند نزولی خود را به صورت مستمر ادامه داده است به گونه‌ای که میانگین قیمت معاملاتی این اوراق در اردیبهشت امسال به ۷۲ هزار تومان رسیده است.

توکلی تصریح کرد:اگر بخواهیم دلیل تداوم کاهش قیمت اوراق تسهیلات مسکن را واکاوی کنیم باید فزونی عرضه نسبت به تقاضا را دلیل اصلی کاهش قیمت اوراق در هشت ماه گذشته دانست.

به گفته وی، در هشت ماه گذشته، بیش از ۴ هزار میلیارد تومان تسهیلات مسکن توسط بانک مسکن در فرابورس عرضه شد که از این حجم، فقط ۳ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان توسط مردم مورد استفاده قرار گرفته و همین کاهش نسبی تقاضا در مقایسه با عرضه اوراق، سبب کاهش قیمت این اوراق شده است.

توکلی اضافه کرد: البته اوراق تسهیلاتی که طی این دوره توسط بانک مسکن در بازار عرضه شده اما توسط مردم استفاده نشده است، ممکن است در ماه‌های آینده توسط مردم مورد استفاده قرار بگیرد کما اینکه در سال ۹۳ برای مدتی تقاضا از عرضه پیشی گرفت و اوراق استفاده نشده ماه‌های قبلی، طی آن دوره توسط مردم مورد استفاده قرار گرفت.

ایسنا هم گزارش داد: بعد از مصوبات اخیر شورای پول و اعتبار در رابطه با افزایش توان تسهیلات‌دهی



مسکن از طریق صندوق پس انداز (وام ۸۰ میلیون تومانی خانه اولی‌ها) و همچنین تسهیلات ۶۰ میلیونی برای همه مردم که هر دو با اقساط و بازپرداخت نسبتا سنگینی برای متقاضیان همراه است، این گونه به نظر می‌رسد که ورود لیزینگ به این حوزه نیز نتواند کمک خاصی به رفع این مشکل کند.

حدود یکسال از طرح پیشنهادی برای راه اندازی لیزینگ مسکن و تمامی اما و اگرهای آن می‌گذرد و حتی برای مدتی بانک مرکزی آن را منتفی اعلام کرد، اما بعد از اینکه در سال گذشته دو طرح دیگر برای افزایش سقف وام خرید مسکن در قالب صندوق پس انداز مسکن و تسهیلات ۶۰ میلیونی مطرح شد، بحث لیزینگ ها هم نسبت به قبل پررنگ تر شده و حتی آیین نامه‌های آن در بانک مرکزی در حال نهایی شدن است.

در حالی لیزینگ مسکن در نوبت بررسی در شورای پول و اعتبار است که تصویب وام های اخیر روی چندان خوشی به متقاضیان دریافت تسهیلات با درآمد متوسط رو به پایین یا به عبارتی اقشار کم درآمد نشان نداده است. مصوباتی که هنوز به طور کامل به بانکها ابلاغ نشده اما به طور مشخص از اقساط ماهانه یک میلیون به بالا برخوردار بوده و این روزها به چالشی برای متقاضیان خرید و حتی فعالان بازار مسکن تبدیل شده است.

صندوق پس انداز مسکن که تا سقف ۸۰ میلیون تومان کمک هزینه خرید مسکن در شهر تهران را پوشش داده و طی ۱۲ سال مبلغی بالغ بر ۱۶۵ میلیون تومان را از گیرنده خود طلب می‌کند تکلیف مشخصی دارد و به وضوح از سوی مسئولان اعلام شده که جایی در بین کم درآمدها نداشته و فقط گروه‌های متوسط به بالا که توان مالی برای بازپرداخت را دارند، قادر به دریافت آن خواهند بود.

تکلیف تسهیلات خرید و ساخت وام ۶۰ میلیونی که تمامی بانکها به جز بانک های تخصصی مجاز به پرداخت آن هستند هم اگر چه هنوز کاملا روشن نیست ولی به نظر نمی رسد فضای ایده آلی برای کم درآمدها رقم بخورد، چرا که جدا از شرایط و نوع خرید، با سود ۲۱ درصدی تعیین شده و بدون نیاز به خرید اوراق مانند وام ۳۵ میلیونی یا سپرده نظیر وام‌های صندوق پس انداز مسکن، اقساط قابل توجهی را به همراه خواهد داشت؛ به گونه ای که برای وام ۶۰ میلیونی در طول ۱۲ سال قسط ماهانه حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان را به همراه دارد.

اقساطی که البته ممکن است با کاهش سقف زمانی از سوی بانکها برای بازپرداخت، تا دو میلیون تومان هم پیش برود.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۵,۱۹۹	۳۹۲	فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۲,۴۹۶	-۱۳۱	پتروشیمی مبین	۳,۱۰۷	-۱۰۲
کارخانجات‌داروپخش	۵,۵۸۸	۲۶۶	سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱,۶۴۲	-۶۰	سیمان کارون	۴,۴۵۰	-۲۱۰
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۹,۷۸۱	۴۶۵	دارویی لقمان	۳,۴۵۲	-۱۸۱	لیزینگ رایان سایپا	۲,۰۴۵	-۱۱
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۸,۳۹۱	۳۹۹	ماشین سازی اراک	۲,۸۱۰	-۳۱	گلتاش	۷,۱۹۳	-۳۷۸
پتروشیمی خارک	۱۸,۸۹۶	۸۹۹	پتروشیمی شازند	۴,۸۳۵	-۶۸	گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲,۴۲۰	-۱۱۵
سیمان‌خاش	۶,۱۶۹	۱۸۰	پاکسان	۲,۶۷۰	-۳۱	کمک‌فنرایندامین	۸۹۳	-۴۷
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۴,۵۹۹	۶۷	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۹۱۹	-۱۰۰	گروه مپنا (سهامی عام)	۶,۵۸۰	-۲۹۶
صنعتی آما	۳,۷۷۶	۱۷۹	سیمان‌غرب	۳,۱۶۰	-۱۴۶	ح . لیزینگ رایان سایپا	۹۰۱	۰
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۳,۲۴۰	۹۲	گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۱,۹۳۵	۱۴	پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۰۲۰	-۵۳
پالایش نفت بندرعباس	۴,۸۸۰	۹۳	سیمان‌هگمتان	۳,۰۵۰	-۳	بیمه ملت	۱,۴۶۶	-۷۷
کنتورسازی‌ایران	۹,۸۵۰	۱۱۷	تجارت الکترونیک پارسیان	۲,۹۹۹	-۵۴	سیمان داراب	۱,۴۱۷	-۶۲
پالایش نفت بندرعباس	۴,۷۳۱	-۵۶	بانک پاسارگاد	۱,۷۳۵	-۱	سیمان خوزستان	۳,۰۷۰	-۱۴۴
ایران‌ارقام	۲,۲۴۰	۳۳	سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۶۵۹	-۷۱	بانک ملت	۲,۰۶۷	-۶۹
لنت ترمزایران	۳,۷۸۴	۱۴۹	داروپخش (هلدینگ	۱۴,۰۰۱	-۱۶۵	سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۱,۱۳۸	-۵۷
پارس پامچال	۱۲,۱۸۰	۵۸۰	چرخشگر	۱,۶۰۹	-۸۳	پارس خودرو	۷۶۸	-۲۷
شرکت ارتباطات سیار ایران	۲۶,۲۵۰	۲۷۷	سالمین	۲,۲۳۵	۵	تکنوتار	۱,۴۵۷	-۷۶
کارخانجات قند قزوین	۱,۴۰۵	۲۸	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۷,۲۰۰	-۸۱	فرآورده‌های‌نسوز آذر	۳,۶۶۱	-۱۳۷
پارس دارو	۱۵,۳۳۹	۲۱۷	شهد	۵,۷۶۰	-۳۰۳	سیمان شرق	۱,۰۰۰	-۲۶
پتروشیمی پردیس	۱۷,۰۱۲	۱۱	سامان گستراصفهان	۱,۴۷۵	-۱۹	کشت‌وصنعت‌پیاذر	۳,۴۸۳	-۱۷۲
پارس سرام	۳,۰۵۲	۱۲۵	پارس‌سویچ	۳,۷۰۱	-۱۹۴	ح . پارس دارو	۷,۷۵۷	-۳۹۱
قنداصفهان	۲,۲۲۰	۱۱	صنایع‌شیمیایی‌سینا	۶,۲۲۳	-۳۲۷	ملی سرب‌وروی ایران	۱,۰۵۳	-۴۶
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۱,۵۳۴	۳۶	مارگارین	۳,۱۰۰	۷	شیشه و گاز	۳,۶۰۳	-۱۸۹
گروه دارویی سبحان	۶,۲۶۴	۱۰۲	سیمان‌شاهرود	۲,۸۰۰	-۱۲۸	لیزینگ‌ایران	۲,۰۲۰	-۶۸
بهنوش ایران	۴,۳۲۹	۲۹	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۲,۴۶۴	-۳۸	سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱,۰۰۲	-۳۳
ملی صنایع مس ایران	۱,۸۴۲	-۴۵	نورد آلومینیوم	۱,۹۵۶	-۱۰۲	سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۰۱۲	-۳۵
گسترش نفت و گاز پارسیان	۳,۱۲۴	-۵۲	سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۵۵۵	-۲۵	سرمایه گذاری خوارزمی	۱,۱۹۵	-۳۹
پتروشیمی‌فارابی	۹,۱۲۹	۴۳۴	جام‌دارو	۱۱,۱۰۰	-۴۷۱	ایران‌دارو	۴,۷۵۲	-۲۰۸
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۹۹۹	۰	سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۱,۳۸۰	-۹	داده‌پردازی‌ایران	۱,۴۲۱	-۷۴
شهد ایران	۲,۱۳۲	۱۰۱	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۳,۰۱۲	-۱۱۲	ح . عمران‌وتوسعه‌فارس	۶۸۸	-۶۴
دارویی رازک	۲۸,۰۰۰	۱۲۲۵	سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۰۱۲	-۱۷	تراکتورسازی‌ایران	۴,۷۵۵	-۱۷۸
نفت سپاهان	۱۰,۱۲۹	-۶	س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۲,۲۲۵	-۴۶	آبسال	۲,۳۹۴	-۱۲۶
ایران ترانسفو	۸,۰۴۹	۳۸	سیمان‌اصفهان	۱۴,۹۴۱	-۷۸۶	فنرسازی‌خاور	۲,۵۹۰	-۱۲۵
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۱۰,۲۵۰	۶۷	کاشی سعدی	۲,۴۲۱	-۸۵	لبنیات پاک	۴,۹۴۴	-۲۶۰
نساجي بروجرد	۲,۷۱۰	۱۲۹	معادن بافق	۲,۷۵۴	-۱۴۱	صنعتی بهشهر	۶,۹۰۸	-۲۳۲
داروسازي‌زهراوي	۴۱,۰۰۰	۵۳۰	پالایش نفت تبریز	۷,۴۱۳	-۳۹۰	فولاد خوزستان	۴,۳۷۳	-۲۳۰
خدمات‌انفورماتیک	۱۲,۱۱۱	۸۴	سیمان فارس و خوزستان	۱,۷۲۴	-۷۹	سرمایه گذاری شاهد	۱,۲۰۰	-۵۸
تولیدی‌مهرام	۷,۹۱۰	۳۷۶	داروسازی سینا	۱۱,۸۰۰	-۴۳۷	بانک تجارت	۸۶۵	-۴۵
تهران شیمی	۲۷,۲۷۱	۱۲۹۸	سیمان‌ارومیه	۴,۵۷۴	-۲۴۰	گروه‌بهمن	۲,۰۴۲	-۱۰۱
درخشان تهران	۳,۴۲۳	-۱۸۰	معدنی و صنعتی گل گهر	۳,۰۶۴	-۱۶۰	لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱,۱۳۶	-۵۹
صنایع سیمان دشتستان	۲,۱۵۹	-۱۱۳	دوده صنعتی پارس	۲,۱۰۰	-۱۰۶	کمباین سازي ایران	۸۲۲	-۳۷
نوردوقطعات فولادی	۴,۰۵۴	۱۹۳	ذغال‌سنگ نگین طبس	۱,۶۳۶	-۶۹	نوسازی‌وساختمان‌تهران	۲,۷۹۷	-۱۴۷
صنایع شیمیایی فارس	۵,۳۴۰	۹۴	بانک کارآفرین	۲,۶۰۰	-۶۴	لامپ پارس شهاب	۶,۰۰۱	-۲۱۰
سیمان‌هرمزگان	۱۰,۲۶۲	۰	سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۰۷۲	-۵۶	مس شهیدباهنر	۱,۲۲۳	-۴۲
معدنی املاح ایران	۱۰,۲۱۰	۴۸۱	توسعه‌معادن‌وفلزات	۱,۳۲۰	-۱۹	فنرسازی‌زر	۱,۴۲۹	-۷۵
قند مرودشت	۲,۰۰۱	۰	بیمه پارسیان	۱,۹۱۵	-۸۳	سرمایه‌گذاری‌ملت	۶۰۰	-۲۱
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۴۳۰	-۲۲	ح . توسعه‌معادن‌وفلزات	۲۱۷	۳	تولیدمحورخودرو	۱,۵۷۷	-۸۳
س.صندوق بازنشستگی کارکنان بانک	۱,۰۶۰	-۸	فیبر ایران	۲,۹۶۹	-۱۵۳	بیمه البرز	۱,۱۴۰	-۲۲
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۶۷۶	-۳۸	مخابرات ایران	۲,۰۱۲	-۴۲	لیزینگ ایرانیان	۱,۴۴۰	-۳۸
کارت اعتباری ایران کیش	۲,۷۲۴	۰	پارس مینو	۲,۶۰۰	-۶۴	کالسیمین	۱,۹۹۹	-۷۳
گروه صنعتی پاکشو	۱۰,۰۲۶	۱۹	فولاد مبارکه اصفهان	۱,۹۳۹	-۵۳	نیرو محرکه	۱,۹۳۲	-۱۰۱
ح . سرمایه گذاری آتیه دماوند	۳۵۰	-۲	سرمایه گذاری توسعه صنعتی ایران	۹۸۰	-۱۳	زامیاد	۱,۲۴۷	-۶۵
ح . صنایع بهشهر(هلدینگ	۱,۰۰۰	۰	صندوق سرمایه‌گذاری صنوین-مختلط	۱۱,۷۲۴	-۶۰	تایدواترخاورمیانه	۴,۴۲۰	-۲۱۶
البرزدارو	۱۱,۴۰۰	۱۷	سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۳,۴۷۸	-۱۶	تولیدی کاشی تکسرام	۱,۰۷۹	-۵۶
سازه پویش	۱۹,۸۱۶	-۱۰۴۲	سرمایه‌گذاری سپه	۱,۵۳۹	۱۵	صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۴,۲۷۹	-۲۲۵
سیمان آرتا اردبیل	۱۷,۳۱۷	-۹۱۱	لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۲۹۸	-۲۰	صنایع آذرآب	۲,۴۵۰	-۱۲۰
سیمان سفیدنی‌ریز	۱۶,۸۱۰	-۸۸۴	سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۲۸۰	-۲۹	سایپا دیزل	۹۱۱	-۴۶
داروسازی اسوه	۱۵,۹۸۰	۳	صندوق شاخص۳۰ شرکت فیروزه- سهام	۱۰,۱۹۴	-۵۵	گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱,۴۶۰	-۷۶
موتوژن	۵,۷۱۷	-۲۷۸	ایران مرینوس	۱۳,۴۵۶	-۹۴	کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۲۳۱	-۶۴
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۴,۸۹۹	-۹	پشم‌شیشه‌ایران	۵,۳۳۵	۱	ح . ایران‌ارقام	۱,۰۱۸	-۴۸
نفت بهران	۱۳,۰۱۶	-۷۵	ایرکا پارت صنعت	۵,۶۹۹	-۱۱	چینی ایران	۲,۰۴۶	-۱۰۷
کشاورزی ودامپروی مگسال	۲۵,۸۰۰	۳۴۵	پارس الکتریک	۷,۳۳۲	-۱۷۷	رینگ‌سازی‌مشهد	۲,۰۴۲	-۴۷
ایران‌یاساتایرورابر	۴,۰۶۰	-۱۲۰	توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۲,۰۳۴	-۵۴	سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۲,۷۳۹	-۱۴۴
داروسازی ابوریحان	۱۲,۰۰۱	-۱۶	ح . سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۶۱۰	-۱۳	آلومینیوم‌ایران	۵,۳۲۹	-۲۸۰
قند لرستان	۳,۵۸۱	-۱۸۸	سیمان فارس نو	۴,۵۰۰	-۱۵۷	ح . سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۴۹۶	-۲۳
داروسازی زاگرس فارمد پارس	۷,۱۰۰	-۱۷۴	سیمان کرمان	۲,۸۹۵	-۱۵۲	پلی‌اکریل	۱,۸۵۶	-۹۷
صندوق س. پاداش سهامداری توسعه۱	۱۰,۴۲۰	۱۳	حمل‌ونقل‌توکا	۲,۲۰۵	-۵۵	ایران خودرودیزل	۷۵۳	-۳۰
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۶,۲۲۰	-۵۱	تولیدموادا‌ولیه‌والیاف‌مصنوعی	۲,۸۹۰	-۱۱۴	صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۷,۰۹۹	-۳۷۳
سیمان بهبهان	۲۶,۳۴۳	-۱۳۸۶	پالایش نفت اصفهان	۴,۷۷۶	-۸۵	مهرکام‌پارس	۱,۴۹۹	-۷۸
قندنقش‌جهان	۹,۵۹۸	-۵۰۵	گروه صنعتی ملی (هلدینگ	۴,۲۹۷	-۲۲۶	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۱,۵۱۷	-۷۹
سرمایه گذاری دارویی تامین	۵,۰۲۱	-۷	محورسازان‌ایران‌خودرو	۲,۲۰۶	-۱۱۲	فرآورده‌های نسوز پارس	۳,۱۷۵	-۱۶۷
قندهگمتان	۲,۳۵۰	-۱۲۲	فراورده های نسوزایران	۹,۳۳۰	-۴۴	الکتریک خودرو شرق	۱,۴۶۱	-۷۶
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۲,۴۵۳	-۱۸	بانک صادرات ایران	۸۱۰	-۲۲	بیمه دانا	۱,۶۰۳	-۸۴
سیمان تهران	۲,۴۴۲	-۲۶	سرما آفرین	۱,۹۹۲	-۸۴	سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۲,۷۵۱	-۱۴۴
فروسیلیس ایران	۲,۲۷۵	-۹۸	بیمه آسیا	۱,۱۶۱	-۵۱	ایران تایر	۲,۶۱۴	-۱۳۷
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۱۰,۶۰۰	-۲	سرمایه گذاری پردیس	۷۴۰	-۲۹	مهندسی‌نصیرماشین	۳,۷۶۱	-۱۹۷
بانک خاورمیانه	۱,۹۵۲	-۴۶	بانک انصار	۲,۶۳۰	-۹۹	داروسازی روزدارو	۵,۳۲۰	-۲۴۱
کاشی الوند	۱,۷۴۸	-۹۱	لیزینگ‌خودروغدیر	۲,۱۸۰	۶۲	افست	۳,۱۹۰	-۱۶۷
گلوکوزان	۳۹,۶۴۰	-۲۰۸۶	معادن‌منگنزایران	۱,۹۳۰	-۱۰۱	توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۲,۳۹۹	-۱۲۶
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱,۶۳۵	-۷۲	کاشی پارس	۷,۱۸۴	-۳۷۸	بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۲۴۵	-۶۵
بانک‌پارسیان	۱,۶۹۴	-۹	یاما	۳,۴۸۰	-۹۴	تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۲,۷۰۵	-۱۴۲
کیمیدارو	۶,۷۰۰	۳۶	قند نیشابور	۸۴۵	-۴۴	ساپاشیشه	۱,۶۶۳	-۸۶
فولاد آلیاژی ایران	۱,۵۱۳	-۷۹	پمپ سازی ایران	۲,۶۴۳	-۱۳۹	ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۲,۱۰۴	-۱۱۰
فرآورده‌های تزریقی ایران	۸,۶۵۱	-۴۴۵	لعابیران	۱,۶۱۴	-۸۴	ح . لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۳۴۷	-۲۰
داروسازی جابرابن‌حیان	۸,۹۶۰	-۲۰	شیشه همدان	۵,۳۷۰	-۱۵۳	آلومراد	۲,۶۷۷	-۱۴۰
ح . ماشین سازی اراک	۱,۳۵۰	-۵۰	رادیاتور ایران	۵,۷۰۰	۶۸	حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱,۷۴۹	-۹۲
کشت و صنعت چین چین	۵,۱۶۶	-۲۷۱	سیمان‌سپاهان	۱,۱۸۳	-۶۲	داروسازی فارابی	۸,۸۲۱	-۴۶۴
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۶,۸۹۹	-۲۵۹	داروسازی امین	۲,۰۱۰	-۸۷	ح . کشت‌وصنعت‌پیاذر	۱,۴۸۰	-۳۲
داروسازی اکسیر	۹,۱۰۱	-۳۲۸	عمران‌وتوسعه‌فارس	۲,۱۰۰	-۴۸	ح.فولاد آلیاژی ایران	۲۵۰	-۱۷
کویر تایر	۱۳,۵۷۹	۷۶	تامین ماسه ریخته‌گری	۷,۴۵۷	-۵۷	ح . مس شهیدباهنر	۲۰۱	-۱۷
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۶,۶۱۴	۰	حفاری شمال	۳,۷۶۱	-۱۷۶	ح . سرما آفرین	۸۸۱	-۷۶
بانک‌اقتصادنوین	۲,۰۵۰	-۷۴	سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۱,۸۳۸	-۲۵	ح.سرمایه گذاری خوارزمی	۲۸۴	-۳۱
نیروکلر	۲,۸۰۵	-۱۰۰	ایران خودرو	۲,۵۰۴	-۱۰۲	ح . لامپ پارس شهاب	۳,۲۳۲	-۳۵۹
بیسکویت گرجی	۳,۶۵۰	-۵۷	سرمایه گذاری پارس توشه	۲,۲۴۰	-۷۰	ح . توکافولاد(هلدینگ	۱۱۴	-۱۲
شکرشاهرود	۹۰۰	-۲۲	صنایع لاستیکی سهند	۴,۴۰۰	-۱۵۸	جودامی تحویل ۹۴۰۶ انبار زالوآب	۸,۵۰۰	-۱۵۰۰
سیمان شمال	۱,۷۱۴	-۹۰	سایپا	۱,۲۱۸	-۲۰	جودامی تحویل ۹۴۰۶ انبار روانسر	۸,۵۰۰	-۱۵۰۰
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۵,۱۷۰	-۱۳۰	حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۲,۱۲۷	-۱۱۱	(سیمان فارس و خوزستان (عمده	۱,۳۷۰	-۴۳۳

اخبار کوتاه شهرستانها

۱۱ کشته در حوادث درون و برون شهری استان اصفهان

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: تصادفات حوزه درون شـــهری و برون شـــهری اســـتان اصفهان در ۳ روز تعطیلات هفته گذشته ۱۱ کشته و ۱۲ مجروح بر جای گذاشت. سرهنگ رضایی، رئیس پلیس راه استان اصفهان با اعلام این مطلب، سرعت غیرمجاز، سبقت در نقاط ممنوعه، انحراف به چپ، رانندگی با حالت خستگی و خواب آلودگی و همچنین نقص سیستم روشنایی را از علل تصادفات رخ داده اعلام کرد.

کشف حشیش

همچنین سرهنگ سعیدپور، سرپرست معاونت عملیاتی فرماندهی انتظامی استان اصفهان از کشف ۵۱ کیلو و ۷۰۰ گرم حشیش از یک خودرو عبوری در ایستگاه ایست و بازرسی شهید امامی شهرضا خبر داد وگفت: در این رابطه ۲ نفر دستگیر شدند که جهت سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی تحویل داده شدند.

شبکه سازمان یافته گدایان در شیراز متلاشی شد

شیراز: مدیر اداره پیشگیری و ساماندهی آسیب دیدگان اجتماعی شـــیراز گفت: یک شبکه متشکل از گدایان سازمان یافته، در شیراز متلاشی شد و اعضای آن دستگیر شدند.

علیرضا ذاکرعباسعلی افزود: با هدف شناسایی و مبارزه قاطعانه با گدایان حرفه‌ای و سازمان یافته، پس از انجام فعالیت تحقیقاتی، از وجود یک گروه سازمان یافته متشکل از گدایان که از استان‌های مجاور برای انجام اعمال خلاف قانون وارد شهر شیراز شده بودند، اطلاعاتی به دست آمد و با تلاش مجموعه شهرداری و نیروی انتظامی و هماهنگی دستگاه قضایی، افراد فعال در این گروه دستگیر شدند.

سرقت ۱۴ تن سیم و ۳۰ دستگاه ترانس برق در کهکیلویه

دهدشت ـخبرنگار اطلاعات: ۱۴ تن سیم و ۳۰ دستگاه ترانس برق فشار ضعیف در شهرستان کهکیلویه به سرقت رفت.

رئیـــس اداره توزیع برق کهکیلویه با اعلام این خبر افزود: این میزان ســـرقت در طول ســـال گذشته صورت گرفته و موجب وارد آمدن خســـاراتی به شـــبکه برق و ایجاد نارضایتی شدید مردم این شهرستان شده است.

کاظم زرمه گفت: این شرکت با کمک مسئولان قضایی و انتظامی تعدادی از سارقان را شناسایی و دستگیر کرد که بعد از زندانی شدن آنها، میزان سرقت‌ها و خسارت ها کاهش یافت.

وی افزود:با توجه به گرمای طاقت‌فرسای این مطنقه ۱۲ دستگاه ترانس برای تقویت ولتاژ در شبکه برق این شهرستان نصب شده است و ۲۷۰۰ انشعاب غیرمجاز برق نیز در بخش دیشموک و روستاهای تابعه آن شناسایی و جمع‌آوری شد.

شهرستان کهکیلویه دارای بیش از ۲۵۲۵۷انشعاب برق است که از این تعداد ۱۶۶۵۹ انشعاب شهری و بقیه روستایی است.

جمع‌آوری ۲۱ هزار قرص غیرمجاز از مغازه‌ها و دکه‌های رامهرمز

رامهرمـــز ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانـــده انتظامی رامهرمز، از جمع‌آوری ۲۱ هزار قرص غیرمجاز و روانگردان از مغازه‌ها و دکه‌های این شهرستان خبر داد و گفت: در این زمینه ماموران تعدادی مغازه و دکه را پلمب کردند.

ســـرهنگ حجت‌الله سفیدپوســـت هدف از این اقدام را تأمین سلامت و امنیت مردم اعلام کرد و افزود: جمع‌آوری ۲۶۰۰ عدد قلیان از مغازه‌ها و دکه‌ها از دیگر برنامه‌های پلیس این شهرستان بود.

کیفیت آب آشامیدنی در دامغان پایین است

دامغان ـ خبرنگار اطلاعات: امام جمعه دامغان با انتقاد از پایین بودن کیفیت آب آشامیدنی این شهر از استاندار سمنان خواست به این موضوع مهم رسیدگی کند.

حجت‌الاسلام سید محمود ترابی گفت: سنگینی آب آشامیدنی این شهر ۱۴۰۰ میلی‌گرم در لیتر است که طبق نظر کارشناسان این رقم باید حداکثر ۸۰۰ ملی‌گرم در لیتر باشد.

وی همچنین از ایجاد مدرسه حافظان قرآن در این شهرستان خبر داد و گفت: این امر در زمینه شکل‌گیری حوزه علمیه ویژه حافظان قرآن است که نمونه آن در شهر قم و در مدرسه علمیه امام رضا(ع) ایجاد شده است.

به گفته او هم‌اکنون حافظان قرآن در مدرسه علمیه امام رضا(ع) در شهر قم تحصیل می‌کنند که به همین شیوه و با ظرفیت ۵۰ نفر این مدرسه در شهرستان دامغان ایجاد خواهد شد.

استاندار کرمان: عرصه مبارزه با مواد مخدر نیازمند روش های نو است

کرمان‌ـخبرنگاراطلاعات:استاندار کرمان گفت: روند فزاینده کشفیات مواد مخدر و شمار معتادان نشان می‌دهد برخوردها تاکنون به خوبی کارساز نبوده و باید با روش‌های نو در عرصه مبارزه با مواد مخدر وارد شویم.

علیرضا رزم حسینی در نشست شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر اســـتان کرمان که با حضور قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر برگزار شد، افزود: به نظر می‌رسد این روش‌ها به اندازه کافی مؤثر و اساسی نیستند.

وی اظهار داشت: کارنامه گذشته نشـــان داده که این مبارزه با توجه به هزینه گزاف و تعداد شهدا، جوابگو نبوده است.

او پیشگیری را اقدامی دائمی در حوزه مبارزه با مواد مخدر دانست و گفت: یکی از فعالیت‌های چشمگیر استان کرمان در این حوزه بوده است.

استاندار کرمان ادامه داد: در حوزه مقابله با مواد مخدر، روش تعیین‌شده را دنبال می‌کنیم و جلو می‌رویم اما انتظار داریم تیمی روش‌های جدید مبارزه با این پدیده را پیدا کند.

وی تأکیـــد کرد: باید در حوزه مقابله با تولید، عرضه و فروش مواد مخدر با برنامه های مدیریتی مناسب اقدام کنیم و در کنترل کشت و نابودی در مبدا نیز می‌توانیم وارد شویم.

رزم حسینی گفت: کرمان گرچه اســـتانی مرزی نیست اما هزینه‌های زیادی در حوزه مبارزه با قاچاق مواد مخدر پرداخت می‌کند.

وی با اشاره به این‌که در کنترل بخشـــی از مرز موفق بوده‌ایم، اظهار داشت: قاچاقچیان به مسیرهای جدید رفته‌اند و بر همین اســـاس باید در روش‌های مبارزه نیز تجدیدنظر شود.

او به انتظارات اســـتان کرمان از ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور برای برخورد بهتر بـــا پدیده مواد مخدر اشـــاره کرد و گفت: کمبود اعتبارات، حوزه‌های مختلف از جمله درمان را با مشکل روبرو می‌کند و باید در این راستا به استان کرمان کمک بیشتری انجام گیرد.

استاندار کرمان گفت: سعی کنید سفرها را به استان ما بیشتر کنید زیرا حضور شما کمک می‌کند تا از نزدیک مطلع باشید و این حضور به حرکت مبارزه با مواد مخدر کمک می‌کند.

وی همدلی موجود بین اعضای ستاد مبارزه با مواد مخدر استان کرمان را مثبت ارزیابی کرد و گفت: گرچه استان کرمان پارسال رتبه برتر کشوری را در زمینه برخورد با مواد مخدر داشته اما خوشحال نیستیم و انتظار داریم مواد مخدری وجود نداشته باشد که لازم باشد با آن مقابله کنیم.

رزم حسینی افزود: سیاست ستاد مبارزه با مواد مخدر استان کرمان مبتنی بر همراهی، همدلـــی و وفاق همه دستگاه‌های عضو ستاد است.

وی اضافه کرد: کرمان از استان‌های پیشرو در زمینه مبارزه با پدیده شوم مواد مخدر در کشور شناخته می‌شود.

پروتکل درمانی برای مواد مخدر صنعتی نداریم

قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدرنیز در این نشست، با اشاره به این که پروتکل درمانی برای مواد مخدر صنعتی در کشور وجود ندارد، گفت: درمان افرادی که به مواد مخدر صنعتی بویژه «شیشه» معتاد شده‌اند، بسیار دشوار است.

علیرضا جزینی افزود: مواد مخدر قلمرو جنسیتی، زمانی و مکانی ندارد و در ایـــران و جهـــان رو به افزایش است.

وی به تغییر رویکرد مصرف مواد مخدر در کشـــور اشاره کرد و گفت: افزایش رویکرد به استفاده از آمفتامین و مت آمفتامین را در سطح دنیا و ایران شاهد هستیم و مصرف این نوع مواد رو به افزایش و موضوع بسیار مهمی است.قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با موادمخدر با اشـــاره به این‌که در اکثر اجلاس‌های بین‌المللی به مواد مخدر صنعتی بیشتر پرداخته می‌شود، گفت: برای مبارزه با مواد مخدر به ویژه مواد مخـــدر صنعتی نیز تلاش جمهوری اسلامی در همه اجلاس‌ها مورد توجه بوده است.

وی مصـــرف آمفتامین و مت آمفتامین برای لاغری زنان در آرایشگاه‌ها را مورد اشاره قرار داد و گفت: یکی از عوامل افزایش مصرف مواد مخدر صنعتی به دلیل تبلیغات غلط است و آثار منفی آنها را باید در جامعه بیشتر در محیطهای آموزشی ترویج دهیم. جزینی خاطر نشان کرد: مرگ و میر معتادان در جریان تصادفات بیشترین میزان مرگ و میر در کشـــور است و به این علت ستاد مبارزه با موادمخدر تلاش می‌کند که جوانان به سوی مواد صنعتی و روانگردان ها نروند.وی با اشـــاره به این که آموزش و پرورش و ســـایر محیطهای آموزشی نقش مهمی در پیشگیری از اعتیاد جوانان بـــر عهده دارند، گفت: معتقدیم باید استفاده حداکثری از ظرفیت سازمان‌ها و واحدهای عضو ستاد مبارزه با مواد مخدر در استان‌ها انجام شود.

جزینی اظهار داشت: در حوزه درمان افزایش خوبی در مراکز ماده ۱۶ انجام شـــده است و با نظارت هرچه بیشـــتر بر این مراکز می‌توان به روند درمان امیدوار شد.

وی گفت: آمادگی داریم نمایشگاه ثابت پیشگیری از اعتیاد را با همکاری استانداری و شهرداری کرمان راه‌اندازی کنیم

جزینی همچنیـــن امحای مواد مخدر را نمادی از مبارزه با این پدیده دانست و گفت: این کار در حال حاضر در ۱۰ استان کشور انجام می شود.

وی افزود: امحای مواد مخدر از سوی دیگر نشانگر اقتدار یک کشور در حوزه مقابله با این پدیده است.

او اظهار داشـــت: در پاسخ به درخواست فرمانده انتظامی استان کرمان مبنی بر ایجاد مرکز نگهداری ســـگ موادیاب در کرمان، گفت: معتقدیم این مرکز باید راه‌اندازی شود.

جزینی گفت: برای ســـاخت بازداشتگاه‌هایی دراستان کرمان اعتباراتی را پرداخـــت کرده‌ایم که در صورت جوابگو نبودن این میزان اعتبارات، باید برآورد جدید ارایه شود و برای کمک به این موضوع آمادگی داریم.

به گفته قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر، ساخت و تکمیل پنج مجتمع قضایی در اعتبارات آینده ستاد مد نظر است و کرمان نیز در این فهرست قرار دارد.

جزینی اضافه کرد: تلاش خوبی در استان کرمان در زمینه مقابله با مواد مخدر انجام شده است و می‌طلبد این کار به صورت شورایی ادامه یابد.

*** تقویت استـــان های شرقی کشور**

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی نیز گفت: استان‌های شـــرق و جنوب شرق کشور به ویژه اســـتان کرمان از نظر نیرو، امکانات و اعتبارات مورد نیاز برای مقابله با پدیده مواد مخدر تقویت می‌شوند.

ســـردار علی مؤیدی افزود: بر اســـاس تدبیر فرمانده ناجا بخشی از برنامـــه مبارزه با پدیده مواد مخدر در منطقه شرقی کشور در استان کرمان اجرا می‌شود.وی افزود: بیشترین تلفات قاچاقچی مســـلح را در استان کرمان داشـــته‌ایم و در ایـــن باره ۲۰ نفر از سابقه دارترین قاچاقچیان به هلاکت رسیده‌اند و برخی از قاچاقچیان مهم نیز دستگیر شده‌اند.

کاشت ۱۳۵ هزار نشاء گل‌های تابستانی در بندرعباس



بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شـــهرداری بندرعباس از کاشـــت بیش از ۱۳۵ هزار نشاء گل‌های تابستانی در بوستان‌ها و فضاهای سبز این شهر خبر داد.

امید ذاکری گفت: ســـازگاری گل‌های کاشته شده با شرایط آب و هوایی بندرعباس، مهمترین ویژگی این اقلام کاشته شده است.

وی افزود: این گل‌ها شامل گل ناز به تعداد ۵۵۰۰ نشاء، پریوش ۴۵ هزار و ۸۹۰ نشاء، رعنا زیبا ۵۷ هزار نشاء و کوکب کوهی ۱۵۸ هزار نشاء است.

وی گفت: نشاء‌های کاشته شده در رنگ‌بندی‌های مختلف شامل پریوش صورتی، قرمز، سفید، گل ناز قرمز و سفید، کوکب کوهی زرد، رعنا زیبا زرد و قرمز کاشته شده‌اند.

وی افزود: این گل‌ها از ابتدای اردیبهشت و در بولوار امام خمینی(ره)، بولوار امام حسین(ع)، بولوار غدیر، بولوار ساحلی، بلوار امام سجاد(ع)، بولوار جمهوری اسلامی، بوستان‌ها و گلدان‌ها و فلاور باکس‌های شهر کشت شده است.

او گفت: کاشت گل‌های فصلی در رنگ‌ها و انواع مختلف از برنامه‌های این سازمان است، به گونه‌ای که در پاییز و زمستان پارسال حدود یک میلیون نشاء از انواع گل‌های فصلی در فضای سبز شهر کاشته شد.

ایجاد واحد رسیدگی به امور ورشکستگی در دادگستری خراسان شمالی

بجنـــورد ـ خبرنگار اطلاعات: دستگاه قضایی خراسان شمالی در نظر دارد برای کمک بیشـــتر به واحدهای تولیدی اســـتان، اقدام به ایجاد واحد رســـیدگی به امور ورشکستگی در دادگستری این استان کند.

محمد جاجرمی رئیس کمیسیون صنعت، اتاق بازرگانی خراسان شمالی با اعلام این مطلب افزود: در جلسه‌ای که با رئیس دادگســـتری استان درباره مشـــکلات واحدهای تولیدی استان برگزار شد، ریاست دادگستری استان قول داد برای مساعدت به واحدهای تولیدی در استان چنین واحدی را دایر کند تا پس از آن واحدهایی که دارند با مشکلات تولید دست و پنجه نرم می‌کنند، بتوانند اعلام ورشکستگی کنند و از حمایت‌های لازم برخوردار شوند.

وی افزود: در این جلسه همچنین قرار شد برای رسیدگی سریع به مشکلات واحدهای تولیدی استان یک شعبه ویژه قضایی فعال شود.

وی اولین نتیجه مثبت این نشست را توقـــف صدور آرای اجرایی برای واحدهـــای تولیدی ذکر کرد و افزود: با این کار فرصت بیشتری به واحدها برای پرداخت اقساط و حل مشکلات کسب وکار داده شد.جاجرمی در ادامه تشکیل شورای حل اختلاف ویژه برای چک‌های بانکی و مشکلات قضایی واحدهای تولیدی را نیز از دیگر ثمرات نشست با قوه قضائیه استان بیان کرد.

وی با تاکید بر لزوم ایجاد همدلی و همگرایی مناســـب بین مدیران کل استان با صنعت، متذکر شد: لازم است به جای برگزاری جلســـات مکرر که نتیجه چندانی نیز برای رونق اســـتان دربر نداشته، خود ما آستین همت را بالا بزنیم و از محصولات واحدهای تولیدی استان که استانداردهای لازم را دارند، استفاده کنیم چرا که با خرید این محصولات و حمایت از آنها دیگر این واحدها نیازی به دریافت تسهیلات از بانک‌ها نخواهند داشت.

معرفی رئیس جدید اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کهکیلویه

دهدشت ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس جدید اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان کهکیلویه معرفی شد.

به همین منظور مراسمی با حضور مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کهکیلویه و بویراحمد و جمعی از مسئولان استانی و محلی برگزار شد.

در این مراســـم، ایرج کاظمی به‌عنوان رئیس جدید اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کهکیلویه معرفی شد و از زحمات آزاد خردمند رئیس و صالح درسته سرپرست قبلی این اداره قدردانی به‌عمل آمد.

انتصاب مدیران آبفار بافت و ارزوئیه

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی استان کرمان در حکمی محمد جلال اشرف‌زاده را به عنوان سرپرست امور آب و فاضلاب روستایی شهرستان بافت و «مهدی سلطانی» را به عنوان سرپرست امور آب و فاضلاب روستایی شهرستان ارزوئیه منصوب کرد.

فرماندار ارزوئیه در این مراســـم با قدردانی از مجموعه آبفار در امر آبرسانی به روستاها گفت: به دلیل خشکسالی‌های متوالی در این شهرستان روستاهایی وجود دارد که با مشکل آب روبه‌رو هستند که نیاز به پیگیری بیشتری دارد.

حســـن موســـی علی از مسئولان خواست تا مدیر جدید امور آب و فاضلاب روستایی این منطقه را حمایت و همراهی کنند تا مسائل و مشکلات مردم در بخش آب برطرف شود.

ممنوعیت استقرار صنایع بزرگ در محور دشت عقدا ـ مهریز

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: محور دشت عقدا ـ مهریز، ظرفیت ایجاد صنایع بزرگ را ندارد و معتقدیم به جای ایجاد واحدهای بزرگ در این منطقه، باید به سمت صنایع کوچک رفت.

این مطلب را سیدحسین سادات موسوی مدیرکل محیط‌زیست استان یزد در جمع خبرنگاران به مناسبت هفته محیط‌زیست اعلام کرد و افزود: عده‌ای تلاش می‌کنند منطقه ویژه فولاد در دشت عقدا ـ مهریز ایجاد شود که این منطقه ویژه در وسعت ۱۰۰۰ هکتار پیش بینی شده بود اما مخالف این موضوع هستیم و اجازه استقرار آن را نخواهیم داد و با جدیت در مقابل آن خواهیم ایستاد.

وی گفت: ســـرمایه‌گذاری خوبـــی در مجتمع فولاد یزد برای خرید فیلترهای کاهش آلایندگی هوا شده است، در صورتی که اگر واحد ذوب فلزات این واحد صنعتی به محل دیگری منتقل شـــود، مشـــکل چندانی را شاهد نخواهیم بود.

سادات موسوی افزود:۵۰ درصد مشکلات فولاد یزد حل شده است اما در نهایت به دنبال گرفتن برنامه از این واحد برای انتقال آن هستیم اما تا آن زمان فیلترها کمک قابل توجهی به کاهش آلودگی هوا می‌کند.

او گفت:کوره‌های آجرپزی در کنار برخی صنایع آلاینده از چالش‌های مهم زیست‌محیطی استان یزد به ویژه در دشت عقدا ـ مهریز به شمار می‌روند اما تلاش شده است با نظارت و گازرسانی به آنها از حجم آلایندگی آنها کاسته شود.مدیرکل محیط‌زیست استان یزد با بیان این‌که برخی کوره های آجرپزی از سوخت‌های غیرمتعارف نظیر زغال سنگ و لاستیک استفاده می‌کنند به سرعت تعطیل و پلمپ خواهند شد، افزود: استفاده از گاز شهری به عنوان سوخت، توانسته است تا حد زیادی مشکل آلایندگی کوره‌ها را برطرف کند.

سادات موسوی ادامه داد: کوره‌ها تا زمانی که به طور کامل به خارج از شـــهر انتقال پیدا نکرده‌اند، باید از گاز به عنوان ســـوخت استفاده کنند و هر واحدی که از زغال ســـنگ یا لاســـتیک به عنوان سوخت استفاده کند، به سرعت تعطیل خواهند شد.وی گفت: موضوع ریزگردها مربوط به تمام کشور است و ما از سال‌ها پیش با مالچ پاشی تپه‌های شن‌های روان، شن‌ها را تثبیت کردیم، اما نتیجه آن ایجاد یک منبع آلاینده زیست‌محیطی بود و بعدها نیز به روش‌های نانو و طبیعی روی آوردیم.او افزود: در این زمینه نیاز به آموزش همگانی وجود دارد با این که مقابله ارگانیک با ریزگردها بهترین و پایدارترین روش موجود خواهد بود.وی گفت: البته پراکندگی ریزگردها در هوا تاکنون در یزد به ۵ تا ۶ برابر حد استاندارد رسیده است و مشکل حادی در این زمینه وجود نداشته و ریزگردهای پراکنده در هوا در یزد در مقایسه با استان‌هایی نظیر خوزستان و کرمانشاه که بیش از ۵۰ درصد میزان استاندارد نیز رسیده ناچیز است.

حسن اکبری معاون محیط طبیعی محیط‌زیست استان یزد گفت: آب بزرگترین قربانی سه دهه تخریب محیط‌زیست استان یزد بود و اگر کالبد شکافی انجام دهیم، می‌بینیم که تعداد چاه‌هایی که در دهه ۶۰ واگذار شد، قابل مقایسه با هیچ دوره‌ای نبود.

او بـــا بیـــان این‌که یزد هم به لحاظ آلاینده‌ها هم به لحاظ منابع آبی و هم به لحاظ سطح زیر کشت جنگل، پایین‌تر از میانگین کشوری قرار دارد، افزود: باید برای محیط زیســـت یزد برنامه‌ریزی اساســـی کرد و همه برای اجرای آن پای کار بیایند.اکبری با اشـــاره به برخی تعرضات انجام شده در منطقه شـــیرکوه افزود: از ســـال‌ها پیش حفاظت از شیرکوه در دستور کار محیط‌زیست قرار گرفته است اما عملاً کار قابل توجهی انجام نشده و با این شرایط اگر هر چه سریعتر کاری برای شیرکوه نشود، دیگر نمی توان صدمات آن را جبران کرد.

وی ادامه داد: در سطح استان اقدام‌های لازم در این زمینه انجام شده است اما پرونده هنوز در سازمان جنگل‌ها است که لازم است با سرعت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد تا زمان برای نجات شیرکوه از دست نرود.

گروه صنعتی بارز به هر سهم خود ۲۱۰۰ ریال سود داد



مجمع عمومی عادی سالانه گروه صنعتی بارز به ریاست آقای علی کریمی و نظارت آقایان ملکی و توکلی و دبیری آقای مهندس عباسی برگزار شد.
این مجمع که با حضور بیش از ۹۴ درصد سهامداران برگزار شد علاوه بر تصویب صورتهای مالی و انتخاب مؤسسه بهمند به عنوان حسابرس، روزنامهٔ اطلاعات را به عنوان روزنامهٔ رسمی خود انتخاب کرد.
لازم به یادآوری این مجمع با پرداخت ۲۱۰۰ ریال سود برای هر سهم خود موافقت کرد.

پیام هیأت مدیره

سهامداران گرامی

سال ۱۳۹۳ نیز همچون چند ساله اخیر متضمن تغییرات مهمی در محیط بیرونی و درونی گروه بود که در نهایت با پیش‌بینی‌های به‌موقع و مدیریت عملکرد مناسب، گروه شاهد رشدی قابل توجه در سودآوری خود بود. ذیلاً به‌صورت اختصار نگاهی به این تغییرات می‌افکنیم.

الف) تغییرات محیط بیرون

در سال ۱۳۹۳، با تداوم بهبود نسبی فضای سیاسی ـ اقتصادی کشور و پیش‌بینی‌پذیری برخی متغیرهای کلیدی اقتصادی از جمله نرخ ارز، تورم، رشد اقتصادی، تقاضای تایر در بخش بازار فروش به خودروساز (OE) و فروش به مصرف‌کنندگان نهایی (RE) افزایش یافت.

براساس آمارهای رسمی در سال ۱۳۹۳ تولید انواع خودرو با رشد ۵۳ درصدی از ۷۳۶ هزار و ۹۴۸ دستگاه در سال ۱۳۹۲ به یک میلیون و ۱۳۰ هزار و ۱۶۴ دستگاه در سال ۱۳۹۳ افزایش یافت. هرچند تحقق این رشد، چشم‌انداز بازار OE را بهبود بخشید، اما به دلیل ورود خودروسازان چینی به سبد محصولات خودروسازان بزرگی همچون شرکت سایپا، این خودروسازها فرصت مصرف تایرهای چینی را به رایگان به خریداران خودروهای خود اهدا نمودند و بدین‌ترتیب سونامی واردات تایر، بازار تایر کشور را درنوردید.

این شرایط سخت در بازار تایر کشور به گونه‌ای ادامه یافت که گروه صنعتی بارز برآن شد که مطالعه‌هایی را در خصوص تحلیل تطبیقی تعرفه تایر در ایران در مقایسه با سایر کشورهای دنیا به انجام رسانده و نتایج این تحلیل‌ها را در محافل تصمیم‌گیری کشور ارائه نماید. خوشبختانه پیگیری‌های انجام شده توسط مسئولین گروه در این زمینه در نهایت به این نتیجه منجر شد که تعرفه واردات تایرهای سواری و باری از ابتدای سال ۱۳۹۴ در کشور افزایش یابد. البته این اقدام با امضای موافقت‌نامه تجاری ایران با کشور ترکیه و برقراری تخفیف‌های ترجیحی در تعرفه‌های بین دو کشور، از جمله کاهش ۳۰درصدی تخفیف تعرفه برای واردات تایرهای ساخت ترکیه، تا حدی کم‌اثر گردیده بویژه این که الزام الصاق برچسب تایر در ترکیه امکان استفاده از این فرصت را برای صادرات تایر ایران به کشور ترکیه با تأخیر مواجه می‌سازد.

از دیگر تغییرات مهم محیطی سال ۱۳۹۳ که در سال ۹۴ نیز بی‌تردید ادامه خواهد داشت، افزایش تنوع خودروها در کشور و به‌تبع آن افزایش تنوع تایرهای مصرفی در بازار تایر خواهد بود. گروه صنعتی بارز در جهت پاسخگویی به این تغییر، در نظر دارد با چابک‌سازی فرآیند توسعه محصولات جدید، بتواند با سرعت مطلوب نیازهای روز بازار را تأمین کرده و تنوع سبد محصولاتی خود را افزایش دهد. در اجرای همین رویکرد گروه خوشبختانه در سال ۱۳۹۳ تولید تایر خودروهای مگان، مزدا۳ و کیا سراتو و تایید آن‌ها را از سوی خودروسازان با موفقیت به نتیجه رسانید.

اما مشکلات تحریم‌ها و نقل و انتقال پول به خارج کشور هنوز مشکل جدی قالب بنگاه‌ها از جمله گروه صنعتی بارز است. هر چند گروه با تغییر منابع تأمین مواد اولیه و قطعات مصرفی خود از غرب به شرق بر این مشکل تا حد وسیعی فائق آمد، اما تغییر مبدا این منابع و استفاده از منابع داخلی و چین، منجر به کاهش قدرت چانه‌زنی شرکت در مقابل تأمین کنندگان مواد اولیه و قطعات (با توجه به کاهش تعداد تأمین کنندگان یا انحصاری بودن آنها) گردیده که این تغییر، خود را در افزایش هزینه‌های کیفیت شرکت و خرابی‌ها و دوباره‌کاری‌ها در فرآیند تولید تایر نشان داده است.

از بعد مالی با تشدید تحریم‌ها و کوتاه شدن دوره اعتبار LCها و در نهایت برچیده شدن امکان خرید اعتباری همراه با مشکلات نقل و انتقال ارز، جریان نقدینگی گروه در این سال به منظور تأمین سرمایه در گردش خریدهای نقدی، تحت تنگنای مالی شدیدی قرار گرفت.

هرچند رفع تحریم‌ها که در بیانیه سوئیس در طلیعه سال ۱۳۹۴ زمزمه‌هایش، امیدهایی را در دل‌ها تازه کرده است، اما اثرات این توافق تاریخی خود با بیم و هراس‌هایی همراه است. از یک سو با رفع تحریم‌ها و حضور رقبای قدرتمند خارجی در بازار تایر و خودرو کشور، درهای واردات زودتر از درهای صادرات گشوده شده و مشکلات فروش، ورودی جریان نقد شرکت‌های داخلی را مختل می‌سازد و از سویی دیگر امر صادرات کالا را که نیازمند برنامه‌ریزی، بازاریابی و برندسازی در کشورهای هدف صادراتی است با کندی و رکود مواجه خواهد نمود. با این توضیحات ضروری می‌نماید که سهامداران گرامی ضمن ذخیره سود انباشته در درون شرکت‌ها، جهت ایجاد منافع بلندمدت و سود پایدار، ریسک‌های کوتاه‌مدت فعالیت برون مرزی شرکت‌های زیرمجموعه را پذیرا باشند.

از بعد فناوری، با برداشته شدن تحریم‌ها و ورود شرکای تجاری به صنعت خودرو و رقبای تجاری به صنعت تایر کشور، افزایش کیفیت محصول و خدمات پس از فروش از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد شد و گروه صنعتی بارز نیز ضرورتاً بر مقوله کیفیت بیش از پیش اهتمام خواهد ورزید. به منظور افزایش کیفیت محصول علاوه بر لزوم تأمین مواد اولیه با کیفیت، بازنگری در فرآیندهای گروه که در طی چند سال اخیر دنبال گردیده، هم‌چنان استمرار خواهد داشت. قابل توجه است که تأمین کننده‌ی فناوری گروه (شرکت کنتی ننتال آلمان) در انتهای سال ۱۳۹۳ تمایل خود را بعد از یک دوره انقطاع ۲ ساله به از سرگیری روابط با گروه صنعتی بارز ابراز نموده است که بی‌تردید می‌تواند در عرصه ارتقاء کیفیت محصولات شرکت تأثیرگذاری قابل توجهی داشته باشد، بویژه این که مشکلات ناشی از تحریم‌ها و تجارب کسب شده توسط کارشناسان شرکت از رهگذر بررسی بیشتر مدارک و مستندات فناوری ماشین‌آلات در این دوره انقطاع، ظرفیت کسب دانش فنی بارز را افزایش داده است.

محیط درون شرکت

با عنایت به موارد برشمرده شده از تغییرات محیط بیرونی گروه، سازمان در سال ۱۳۹۳ اقداماتی انجام داد که بتواند از فرصت‌های محیطی بیشتر بهره‌مند شده و تا حد امکان از چالش‌های محیطی اجتناب نماید. اهم این اقدامات از این قرار است:

ایجاد زیرساخت نوآوری با مدیریت دانش در گروه صنعتی بارز

در ادامه موفقیت‌های بارز در تقویت بلوغ سازمانی و افزایش توانمندی فرایندهای شرکت، گروه صنعتی بارز بعد از اخذ تندیس بلورین تعالی سازمانی به عنوان یکی از ۱۸ شرکتی که تاکنون چنین جایزه‌ای در کشور دریافت کرده‌اند، در سال ۱۳۹۳ در جایزه جهانی مدیریت دانش (MAKE) نیز موفق به کسب تقدیرنامه مدیریت دانش گردید. شرکت در جایزه جهانی مدیریت دانش منجر به افزایش ماندگاری دانش فنی و نشر آن بین واحدهای اصلی و پشتیبان گروه شده و تدبیری است که برای پرکردن خلا ناشی از بازنشستگی نیروهای کلیدی و صاحب دانش کار بارز اندیشیده شده است. این اقدام همچنین برای افزایش توان نوآوری گروه حیاتی بوده و به عنوان زیرساخت آن تلقی می‌شود، چرا که برای استقرار فرآیند نوآوری در یک سازمان، سه مرحله در دسترس بودن دانش، ساز و کارهای انتشار دانش و استفاده از دانش در فرآیندهای اصلی بایستی مهیا باشد تا چرخه نوآوری سازمانی تکمیل شود. در گروه صنعتی بارز، حتی اگر ارتباط با کنتی‌ننتال به عنوان یک منبع دانش فنی قوی افتخارآمیز باشد، در دسترس بودن دانش و انتشار آن در سازمان، نیازمند استقرار ساز و کاری در شرکت همچون مدیریت دانش بوده که با شرکت در جایزه مدیریت دانش پایه‌ریزی‌های اولیه آن آغاز گردیده است.

برچسب تایر و اخذ استانداردهای بین‌المللی

امروزه شرکت‌های بزرگ و صاحبان فناوری در کشورهای توسعه یافته جهان، معمولاً قواعد رقابت در یک صنعت را خود تعیین می‌کنند و با ایجاد سطح بالایی از الزامات استانداردهای محصول، رسانه‌ای نمودن اهمیت ارتقاء سطح کیفی محصولات و مذاکره با دولت‌ها، دیوارهای بلندی در مقابل تازه واردین به عرصه صنایع بر پا می‌کنند، به‌طوری که علی رغم تعرفه‌های پایین ورود به بازارهای تحت سلطه آنها با دشواری‌های متعدد همراه شود.

گروه صنعتی بارز در ادامه جمع‌آوری اطلاعات پایه‌ای در کشورهای منطقه که از سال ۱۳۹۲ آغاز شده بود و اخذ استاندارد رایج در کشورهای اروپایی و شمال آسیا یعنی «Emark» در سال‌های گذشته اینک بدنبال اخذ تاییدیه‌های منطقه کشورهای حاشیه خلیج‌فارس موسوم به «GSO» بوده و هم چنین ارتقاء بازده سوختی تایرهای رادیال سواری خود را در برنامه کاری قرارداده (ارتقاء به رده E) تا همراه با اخذ تاییدیه‌ها و استانداردهای بین‌المللی به تقویت موقعیت برند محصولات خود در بازار به ویژه نزد مشتریان خودروساز (OE) بپردازد.

روابط برون سازمانی با جامعه و انتخاب روز بارز

گروه صنعتی بارز با توجه به مسئولیت اجتماعی که برای خود قائل است، در چند ساله اخیر به این مهم توجهی خاص مبذول داشته و با استقرار فرآیندی برای مدیریت روابط بیرونی گروه با جامعه و پایش سنجه‌های ارزیابی عملکرد آن فعالیت‌هایی را در این حوزه برنامه‌ریزی نموده است. صرف‌نظر از اشتغال‌زائی گروه در استان کرمان، گروه در راستای اجرای برنامه‌های اجتماعی خود، روز ۱۸ بهمن هر سال را به‌عنوان «روز بارز» به منظور ارتقای سطح مقبولیت اجتماعی شرکت نام‌گذاری کرده و هر ساله برآنست که با حضور اصحاب رسانه، جامعه را از فعالیت‌های گروه در این زمینه مطلع سازد.

زیر ساخت‌های اطلاعات یکپارچه فروش و بازاریابی

افزایش ظرفیت تولید در بارز و سایر تایرسازان داخلی، واردات تایر چینی در حجم بالا، حضور رقبای قوی خارجی در بازار تایر و بازار خودرو کشور، رقابت فروش را در سال ۱۳۹۳ به شدت افزایش داد. این رقابت که پیش‌بینی می‌شود در سالهای پیش‌رو هماهنگ با راهبردهای وزارت صنعت، معدن و تجارت دائر بر اضافه شدن رقابت‌های داخلی و افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی فزونی بیشتری یابد، لزوم یک برنامه‌ریزی قوی در حوزه بازاریابی و فروش و مدیریت راهبردها را در گروه صنعتی بارز ایجاب نموده است، به‌طوری که تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مورد اتحاد راهبردی با تایرسازان صاحب فناوری و استقرار شبکه فروش حرفه‌ای در بازار داخل و صادراتی را به جد در دستور کار رهبران گروه قرار داده است.

در این راستا، ادامه توسعه فروش منطقه‌ای برای توسعه و نفوذ بیشتر آن به بخش‌های جغرافیایی از کشور که تاکنون سهم بازار بارز در آنها قابل توجه نبوده و نیز ادامه رشد رویکرد خرده‌فروشی به‌منظور تقویت حاکمیت گروه بر بازار تایر کلان شهرها و همچنین شهرهای متوسط و کوچک کشور در ماموریت‌های یکی از شرکت‌های زیر مجموعه گروه یعنی شرکت سامان بارز قرار گرفته است. در همین ارتباط گروه در نظر دارد تا حداقل در ۵ منطقه کشور دفاتر بازاریابی خود را فعال سازد تا ضمن ارتباط نزدیک‌تر با مشتریان، بتواند خدمات مورد نیاز آنها را بیش از پیش با کیفیتی بهتر تأمین نماید.

در همین زمینه استقرار سامانه مدیریت ارتباط با مشتریان (CRM) در بخش بازاریابی و فروش گروه جهت یکپارچه‌سازی و ساختار بخشی به ارتباطات با نمایندگان و مشتریان بارز از جمله مواردی است که منجر به افزایش ارائه خدمات پس از فروش به مشتریان گردیده و در نهایت گروه این امکان را پیدا خواهد نمود که با ورود اطلاعات میزان خرید نمایندگان و مشتریان بارز، سیاست‌گذاری‌های دقیق‌تری در زمینه‌های تعیین قیمت‌ها/ تخفیف‌ها اعمال نموده و به تبع آن افزایش وفاداری مشتریان و مصرف‌کنندگان نهایی خود را باعث گردد.

تنوع بخشی به منابع تأمین مواد اولیه و تجهیز آزمایشگاههای کنترل کیفیت

در حوزه تدارکات و خرید، گروه صنعتی بارز در سال‌های اخیر به دلیل شرایط تحریم‌های شورای امنیت با دشوارهای زیادی در عملیات بانکی و نقل و انتقال پول مواجه بوده است. تضعیف و حتی در خیلی از موارد برچیده شدن نظام گشایش اعتبار (LC) در روابطه تجاری کشور و نقدی شدن تمام پرداخت‌های گروه به همراه فقدان مسیرهائی مطمئن برای انتقال وجه به حساب تأمین‌کنندگان مواد اولیه، نیاز به افزایش شدید نقدینگی در بخش خرید گروه را ایجاب نمود. از سوئی به‌دلیل کمی و محدود بودن تعداد منابع و فروشندگان مواد اولیه و قطعات مصرفی کارخانه و عدم وجود امنیت در جابجایی کالا و پول، امکان عودت مواداولیه بی‌کیفیت را منتفی نموده و همین امر نیز موجب گردید که در سال‌های اخیر مسئولین بخش آزمایشگاه اداره تضمین کیفیت کارخانه با حجم کار چند برابری و انجام آزمون‌های بیشتر و اعمال کنترل‌های دقیق‌تر بتوانند از توقف و ایجاد اختلال در خط تولید در نتیجه مصرف مواد اولیه غیراستاندارد ممانعت به‌عمل آورند.



در جهت کاهش چالش‌ها و مشکلات تأمین مواد اولیه کارخانه، اداره تدارکات گروه با افزایش سهم تأمین مواد و قطعات مصرفی از منابع داخلی و شناسائی و تأیید منابع و تامین‌کنندگان منطقه شرق آسیا تلاش در خوری نموده است تا تنوع مناسبی در منابع تأمین مواد اولیه و قطعات کارخانه ایجاد نموده و از این رهگذر با افزایش قدرت چانه زنی گروه، بخشی از بار نقدینگی مورد نیاز گروه را به شرکت‌های تأمین‌کننده منتقل نماید.

هیئت مدیره شرکت مناسب می‌داند اعلام کند که با توجه به مشکلات محیط بیرونی نظیر اعمال تحریم‌ها، افزایش واردات تایر، عرضه تایرهای چینی ارزان قیمت و افزایش نرخ ارز همراه با فشارهای نقدینگی پایین با برنامه‌ریزی مناسب و با یاری خداوند توانست سودآوری سال ۱۳۹۳ شرکت را به میزان ۴۸٪ نسبت به سال ۱۳۹۲ افزایش دهد، در حالیکه رشد فروش در این سال تنها ۳,۷٪ بوده است.

در اینجا هیئت مدیره ضمن قدردانی و سپاس گزاری از اعتماد سهامداران شرکت به مدیریت آن در اجرای طرح‌های توسعه و پیشبرد طرح‌های راهبردی شرکت، ضمن نگاهی گذرا به صنعت خودرو و تایر کشور بجا می‌داند، شمه‌ای از عملکرد سال ۱۳۹۳ را به نیز استحضار سهامداران محترم برساند.

صنعت خودرو

کشور ایران هجدهمین کشور وسیع جهان بوده و طبیعتاً صنعت حمل و نقل یکی از عوامل کلیدی و بنیادین آن به حساب می‌آید.

بررسی نوسانات تولید خودرو در دنیا، نشانگر این حقیقت است که خودروسازی ایران همواره به دور از طوفان بحران‌های جهانی بوده و مسیری نسبتاً جدا از خودروسازی کشورهای دیگر طی می‌کند. به‌عبارت بهتر در بیشتر این سال‌ها، «روند رشد تولید خودرو در ایران». عموماً شباهتی به «روند رشد تولید جهانی خودرو» نداشته و اغلب روندی صعودی داشته است. رتبه تولید ایران در میان خودروسازان جهانی در طی چند سال اخیر در جدول زیر ارائه شده است:

سال میلادی	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
رتبه ایران از جهت تولید خودروی سواری در جهان	۱۱	۱۶	۱۸	۱۵

قابل توجه است که هر چند افزایش حدود سه برابری قیمت خودرو در چند ساله اخیر همراه با تنگناهای مالی خودروسازان و اعمال تحریم‌های تجاری باعث شد که صنعت خودرو کشور در سال ۱۳۹۲ کاهش تولیدی را به میزان نصف تولید سال ۱۳۹۰ تجربه کند اما خودروسازان سال ۱۳۹۳ را در حالی پشت سر گذاردند که تولیدشان در سال ۱۳۹۲ افزایش قابل توجهی پیدا کرده و عملاً توانستند از بحران تولید فاصله بگیرند و ۹۴٪ پیش‌بینی وزارت صنعت، معدن و تجارت را محقق نمایند.

صنعت تایر

تایر سازان داخلی با توجه به مشکلات ناشی از تحریم در تأمین مواد اولیه در سال ۱۳۹۳ تقریباً تولیدی مشابه سال ۱۳۹۲ را رقم زدند که در این میان گروه صنعتی بارز با تولید ۷۸,۳۷۰ تن رشد وزنی تولیدی معادل ۳٪ را برای خود ثبت نمود و با سهم تولید ۳۵/۶ درصدی برای سیزدهمین سال پیاپی بیشترین سهم تولید داخلی را به خود اختصاص داد.

گفتنی است که گروه صنعتی بارز با افزایش تولید خود توانست سهم تولید خود را در کشور از ۳۴/۸٪ در سال ۱۳۹۲ به ۳۵/۶٪ در سال ۱۳۹۳ افزایش دهد.

راهبرد شرکت

وقفه‌های زمانی تشخیص و بازنگری، اخذ تصمیم و اجرا در پاسخ به تغییرات محیطی خاستگاه تدوین و برنامه‌ریزی راهبردی در همه سازمان‌ها است. در این راستا گروه صنعتی بارز با دو اقدام افزایش توان پیش‌بینی آینده و نیز استقرار نظامه پرداخت کارانه فرآیندی در مجموعه جبران خدمت کارکنان خود تلاش نموده است تا سرعت و دقت پاسخ‌گویی به محیط پیرامون پرتلاطم سازمان را افزایش دهد.

در اجرای این هدف یعنی افزایش ظرفیت پیش‌بینی پذیری آینده محیط اقتصادی/اجتماعی کشور و صنعت خودرو داخلی در تعاملات بین اداره‌ای، همچنین توانمند سازی فرآیندهای اصلی شرکت از طریق تعریف پروژه‌های مشترک با فرآیندهای مالی سازمان، ارتقاء توان آینده پژوهی فرآیندهای اصلی سازمان چندی است در برنامه‌های سالانه هر یک از صاحبان فرایندها قرار گرفته است. افزوده بر آن با استقرار نظام کارانه فرایندی و اتصال پاداش مدیران و کارشناسان هر فرآیند به تحقق سنجه‌های انتخاب شده، این تلاش نیز به عمل آمده تا انگیزه‌های بهبود فرآیندها در شرکت بیش از پیش افزایش یابد.

تشدید روز افزون رقابت‌ها، جهانی شدن اقتصاد و اهمیت یافتن موضوع حفاظت از محیط زیست، از تحولات محیط پیرامونی هر صنعتی از جمله گروه صنعتی بارز تلقی می‌شود. هر چند توجه به محیط زیست و لزوم حفظ آن هنوز در ایران و در قوانین و مقررات آن چندان جدی نشده، اما گروه صنعتی بارز با درک اهمیت تأثیر این روندهای زیست محیطی بر صنعت و جامعه، با احداث خط تولید تایرهای باری ـ اتوبوسی رادیال که مصرف آنها کاهش ۱۵ درصدی مصرف سوخت را در بردارد و از طول عمر تقریباً دو برابری نیز نسبت به تایرهای بایاس باری ـ اتوبوسی برخوردار هستند و همچنین طرح احداث کارخانه روکش تایر به منظور کاهش ورود تایرهای مستعمل به محیط زیست، پیشاپیش گام‌های مثبتی در این عرصه برداشته است.

جایگاه محیط زیست و پاسداری از آن در توسعه پایدار کشور تا بدانجا در گروه صنعتی بارز مهم بوده و هست که احترام به محیط زیست جزو ارزش‌های گروه قرار گرفته و رصد فعالیت‌های مرتبط با آن از اولویت‌های مهم گروه به حساب می‌آید. تصویر بعدی، مجموعه بیانیه‌های مدیریتی گروه از جمله ارزش‌های بارز را نشان می‌دهد.

چشم انداز

گروه صنعتی بارز قصد دارد تا در افق چشم انداز ۱۴۰۴ خود، ضمن حفظ جایگاه نخست در کشور، ۲۵٪ از تولیدات خود را صادر نماید.

ماموریت

ارزش آفرینی و نوآوری در حوزه ترابری جاده‌ای، با به کارگیری فناوری‌های روز دنیا در تولید و عرضه انواع تایر خودرو همراه با تأکید بر تأمین نیازهای مشتریان داخلی و منطقه‌ای گروه و سایر ذینفعان آن.

ارزش‌های سازمانی

مشتری محوری/ نوآوری/ کارتیمی/ تصمیم‌سازی مبتنی بر مطالعه و تحلیل / رعایت نظم و آراستگی / احترام به محیط‌زیست

تهدیدها

* کاهش قدرت خرید مردم در اثر افزایش تورم یا حذف یارانه‌ها
* افزایش قیمت بنزین یا گازوئیل و متعاقب آن کاهش، تقاضای تایر جایگزین (کاهش پیمایش)
* تحریم‌های بین‌المللی
* عدم توانایی تأمین‌کنندگان داخل در تولید مواد اولیه با کیفیت و استاندارد
* کاهش تعرفه واردات تایر
* واردات تایر از مجاری غیرقانونی (قاچاق تایر)

فرصت‌ها

* افزایش رشد و حجم بازار تایرهای جایگزینی رادیال سواری به دلیل تولیدات زیاد خودروهای سواری در سالیان اخیر
* افزایش حجم و رشد بازار تایرهای رادیال باری
* لزوم توسعه و نوسازی ناوگان تجاری و عمومی
* نرخ بالای رادیال گرایی تایرهای باری و اتوبوسی در خاورمیانه و کشور
* بازار نوظهور تایر رادیال وانتی و کامیونتی
* گرانی تایرهای خارجی به‌علت بالا رفتن قیمت ارز
* لغو تحریم خودروسازان ایران

اهداف راهبردی گروه تا سال ۱۳۹۵

* رساندن تولید به ۱۰ میلیون حلقه تایر
* رساندن سهم بازار داخلی تایر تعویضی به ۳۰٪
* کسب سهم بازار تایر تجهیزی تا ۳۵٪
* دستیابی به صادرات ۱۰۰ میلیون دلار
* دریافت تندیس سیمین تعالی



راهبردهای اصلی گروه صنعتی بارز

* افزایش مقیاس تولید با احداث و توسعه
* گسترش شبکه توزیع و ایجاد تمایز نسبت به رقبا
* حفظ همکاری با خودروسازها
* توسعه صادرات به کشورهای هدف
* سرآمدی عملیاتی از طریق مهندسی مجدد فرایندها

تولید عملکرد شرکت

تولید ناخالص شرکت در سال مورد بحث ۷۸,۳۷۰ تن بوده که در مقایسه با سال ۱۳۹۲ نشانگر ۳/۴٪ رشد وزنی و رشد ۷٪ تعدادی تایر می‌باشد. قابل توجه اینکه رشد تولید وزنی تایرهای رادیال باری گروه در سال مورد بحث ۱۰/۸٪ بوده است.

گروه در این سال توانست همگام با افزایش مقیاس تولید تنوع محصولات خود را افزایش دهد، بطوریکه در سال ۱۳۹۳ شرکت توانست ۶ طرح جدید تایر سواری، ۲ طرح جدید تایر رادیال باری و ۱ طرح جدید تایر کشاورزی را به محصولات تولیدی خود اضافه نماید.

فروش

واردات ۱۵۰ هزار تن تایر در سال گذشته (با رشد ۵۰٪ نسبت به سال ۹۲) در حالیکه واردات تایرهای ارزان قیمت چینی نیز سهم عمده‌ای از آن را به خود اختصاص می‌داد، موجب رقابی شدن بیش از پیش بازار تایر گردید و در نتیجه فروش تایر با حفظ قیمت‌های قبلی امری دشوار و درپاره‌ای موارد غیرممکن شد. قرائن موجود و تحلیل‌های تعدادی از صاحب نظران صنعت این دیدگاه را تأیید می‌نماید که این رقابت در سال آتی نیز هم چنان ادامه داشته و مشکل فروش یکی از چالش‌های مهم رهبران این صنعت خواهد بود.

با وجود این مشکلات، گروه صنعتی بارز توانست با فروش ۷۴,۷۰۱ تن معادل ۹,۲۷۲ میلیارد ریال در سال ۹۳ رشد وزنی ۱/۴٪ و مبلغی ۴٪ را به ترتیب تجربه نماید.

با توجه به یکی از راهبردهای بارز که بر حفظ همکاری شرکت با خودروسازها تأکید دارد، گروه صنعتی بارز با فروش ۲,۷۶۶ میلیارد ریال به خودرو سازان داخلی از رشد ۵۳٪ نسبت به سال ۱۳۹۲ برخوردار بوده بطوری که سهم فروش به خودرو سازان در سال ۱۳۹۳، ۳۰٪ از کل فروش را به خود اختصاص داده است.

تدارک و پشتیبانی تولید

همانطور که قبلاً اشاره شد در ادامه تحریم‌های ناشی از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و به‌دنبال تحریم‌های یکجانبه در ارتباط با بانک‌های دولتی و عملیات ارزی بین بانک‌ها، هر چند سال ۱۳۹۳ نیز همانند سال‌های گذشته سال نسبتاً دشواری در تأمین مواد اولیه، قطعات و ماشین‌آلات بوده است، اما خوشبختانه با یاری خداوند و با اهتمام و همکاری مجدانه کارکنان اداره خرید در این سال مشکلی، در تأمین مواد اولیه کارخانه پیش نیامد.

در این میان، اداره خرید استفاده هرچه بیشتر از ارز مبادله‌ای را در دستور کار خود قرارداد به‌طوری که در پایان سال ۱۳۹۳ به میزان ۴۴ میلیون دلار ارز مبادله‌ای و ۴۶ میلیون دلار ارز با حواله صرافی جهت خرید مواد اولیه پرداخت گردید که با توجه به سهم ۴۹٪ ارز مبادله‌ای در کل خرید مواد اولیه شرکت، صرفه‌جویی قابل ملاحظه‌ای در خریدها انجام شد. در زمینه خرید قطعات و ماشین‌آلات نیز ۹ میلیون دلار ارز مبادله‌ای و ۴,۳ میلیون دلار ارز با حواله صرافی پرداخت شده است که سهم حواله مبادلاتی در این حوزه ۶۷,۷٪ بوده است.

برنامه‌های سال ۱۳۹۴

شرکت علاوه بر پیگیری اجرای طرح‌های توسعه خود نظیر پروژه‌های «لاستیک بارز کردستان»، «توسعه رادیال باری ـ اتوبوسی» و «میدان آزمون»، پروژه هایی را در جهت تحقق راهبردهای خود در فرایندهای مختلف در سال ۱۳۹۴ اجرا خواهد نمود که اهم آن عبارتند از:

* توسعه صادرات
* ارتقای Cp و Cpk مواد اولیه، محصولات میانی و تایر
* طراحی و تولید ۱۵ محصول جدید
* استقرار فرایند معرفی محصول جدید
* استقرار برچسب تایر
* مدیریت دانش
* بهینه‌سازی مصرف انرژی
* ادامه پروژه اخذ استاندارد ISO 17025 در آزمایشگاه‌ها
* ادامه پروژه اخذ استاندارد سیستم مدیریت دارایی‌ها ISO 15001
* ادامه پروژه اخذ استاندارد و رسیدگی به شکایات مشتری ISO 10002

گروه صنعتی بارز (شرکت سهامی عام)
ترازنامه
در تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۹۳

دارایی‌ها:	یادداشت	۱۳۹۳/۱۲/۲۹	(تجدید ارائه‌شده) ۱۳۹۲/۱۲/۲۹	بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام	یادداشت	۱۳۹۳/۱۲/۲۹	(تجدید ارائه‌شده) ۱۳۹۲/۱۲/۲۹
		میلیون ریال	میلیون ریال			میلیون ریال	میلیون ریال
دارایی‌های جاری:				بدهی‌های جاری:			
موجودی نقد	۵	۲۳۳,۸۷۷	۲۷۳,۵۳۹	حساب‌ها و اسناد پرداختنی تجاری	۱۶	۵۲۴,۰۸۶	۲۳۹,۸۲۲
سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت	۶	۴۳۴,۴۴۸	۵,۳۷۰	سایر حساب‌ها و اسناد پرداختنی	۱۷	۸۷۴,۹۲۴	۶۸۸,۴۱۱
حساب‌ها و اسناد دریافتنی تجاری	۷	۱,۴۲۷,۵۰۸	۹۶۵,۱۱۷	پیش‌دریافت‌ها	۱۸	۴۲,۷۳۹	۱۴۳,۲۸۱
سایر حساب‌ها و اسناد دریافتنی	۸	۱۷۲,۵۰۷	۱۷۶,۴۸۸	ذخیره مالیات	۱۹	۶۸۰,۴۷۱	۵۶۷,۰۴۵
موجودی مواد و کالا	۹	۱,۹۷۸,۹۴۸	۲,۰۰۳,۳۷۷	سود سهام پرداختنی	۲۰	۱۸۱,۱۶۴	۳۶۴
سفارشات و پیش‌پرداخت‌ها	۱۰	۶۸۳,۰۷۴	۶۲۱,۴۸۹	تسهیلات مالی دریافتی	۲۱	۴۴۷,۱۹۳	۵۱۱,۰۱۳
جمع دارایی‌های جاری		۴,۹۳۰,۳۶۲	۴,۰۴۵,۳۸۰	جمع بدهی‌های جاری		۲,۷۵۰,۵۷۷	۲,۱۴۹,۹۳۶
دارایی‌های غیرجاری:				بدهی‌های غیرجاری:			
دارایی‌های ثابت مشهود	۱۱	۱,۷۳۴,۸۴۰	۱,۴۰۳,۷۲۱	حساب‌ها و اسناد پرداختنی بلندمدت	۲۲	۱۷,۳۲۰	۲۸,۵۲۳
دارائی‌های نامشهود	۱۲	۳۲,۱۲۱	۳۸,۶۲۴	تسهیلات مالی دریافتی بلندمدت	۲۱	۹۷۶,۳۱۴	۱,۱۶۸,۰۴۸
سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت	۱۴	۱,۲۱۴,۹۳۸	۷۷۵,۴۸۷	ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان	۲۳	۱۷۰,۴۸۵	۱۶۳,۹۳۸
سایر دارایی‌ها	۱۵	۲۸,۵۶۸	۳۲,۱۵۳	جمع بدهی‌های غیرجاری		۱,۱۶۴,۱۱۹	۱,۳۶۰,۵۰۹
جمع دارایی‌های غیرجاری		۳,۰۱۰,۴۶۷	۲,۲۴۹,۹۸۵	جمع بدهی‌ها		۳,۹۱۴,۶۹۶	۳,۵۱۰,۴۴۵
				حقوق صاحبان سهام:			
				سرمایه	۲۴	۸۳۳,۱۲۵	۶۶۶,۵۰۰
				افزایش سرمایه در جریان	۲۴ـ۳	۸۰۱,۷۸۱	۱۶۶,۶۲۵
				اندوخته قانونی	۲۶	۸۳,۳۱۳	۶۶,۶۵۰
				سود انباشته		۲,۳۰۷,۹۱۴	۱,۸۸۵,۱۴۵
				جمع حقوق صاحبان سهام		۴,۰۲۶,۱۳۳	۲,۷۸۴,۹۲۰
جمع دارایی‌ها		۷,۹۴۰,۸۲۹	۶,۲۹۵,۳۶۵	جمع بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام		۷,۹۴۰,۸۲۹	۶,۲۹۵,۳۶۵

یادداشت‌های توضیحی همراه، جزء لاینفک صورت‌های مالی است.

گروه صنعتی بارز (شرکت سهامی عام)
صورت سود و زیان
برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۳

	یادداشت	سال ۱۳۹۳	سال ۱۳۹۳	سال ۱۳۹۲
		میلیون ریال	میلیون ریال	میلیون ریال
فروش خالص	۲۷		۹,۱۷۰,۷۶۸	۸,۸۲۶,۷۹۲
بهای تمام شده کالای فروش رفته	۲۸		(۶,۴۳۷,۱۹۹)	(۶,۵۹۰,۲۰۴)
سود ناخالص			۲,۷۳۳,۵۶۹	۲,۲۳۶,۵۸۸
هزینه‌های فروش، اداری و عمومی	۲۹	(۲۵۸,۶۲۶)		(۲۱۴,۸۳۱)
خالص سایر درآمدها و هزینه‌های عملیاتی	۳۰	۵۱,۰۰۰		۶۷,۳۵۹
			(۲۰۷,۶۲۶)	(۱۴۷,۴۷۲)
سود عملیاتی			۲,۵۲۵,۹۴۳	۲,۰۸۹,۱۱۶
هزینه‌های مالی	۳۱	(۱۵۸,۹۳۷)		(۱۲۷,۳۶۵)
خالص سایر درآمدها و هزینه‌های غیرعملیاتی	۳۲	۳۵۰,۶۷۱		(۵۸,۱۸۷)
			۱۹۱,۷۳۴	(۱۸۵,۵۵۲)
سود قبل از مالیات			۲,۷۱۷,۶۷۷	۱,۹۰۳,۵۶۴
مالیات بر درآمد	۱۹		(۵۷۰,۳۳۹)	(۴۵۴,۲۶۳)
سود خالص			۲,۱۴۷,۳۳۸	۱,۴۴۹,۳۰۱
گردش حساب سود (زیان) انباشته				
سود خالص			۲,۱۴۷,۳۳۸	۱,۴۴۹,۳۰۱
سود انباشته در ابتدای سال		۱,۹۲۶,۱۴۵		۵۵۱,۱۳۴
تعدیلات سنواتی	۳۳	(۴۱,۰۰۰)		۱۸۴,۶۳۵
سود انباشته در ابتدای سال ـ تعدیل شده			۱,۸۸۵,۱۴۵	۷۳۵,۷۶۹
سود قابل تخصیص			۴,۰۳۲,۴۸۳	۲,۱۸۵,۰۷۰
تخصیص سود:				
اندوخته قانونی	۲۶	(۱۶,۶۶۳)		۰
سود سهام مصوب	۲۰	(۱,۷۰۷,۹۰۶)		(۲۹۹,۹۲۵)
سود تخصیص داده شده طی سال			(۱,۷۲۴,۵۶۹)	(۲۹۹,۹۲۵)
سود انباشته در پایان سال			۲,۳۰۷,۹۱۴	۱,۸۸۵,۱۴۵

از آنجائیکه که اجزای تشکیل‌دهنده صورت سود و زیان جامع شرکت محدود به همان اجزاء تشکیل‌دهنده سود و زیان سال و تعدیلات سنواتی است، ارائه سود و زیان به عنوان سود و زیان جامع موردی نداشته است.
یادداشت‌های توضیحی همراه، جزء لاینفک صورت‌های مالی است.

پوشش زنان در ایران باستان
قسمت دوم و پایانی

در مورد پوشش زنان عهد ماد باید گفت تنوع الگوی لباس‌ها زیاد نبوده است. زنان در مقایسه با مردان فاقد کفش بودند که شاید به دلیل نوع کار و محل اشتغالشان به آن نیاز نداشته‌اند. مادها بعد از تشکیل دولت مرکزی و روی آوردن به ثروت، در وضع ظاهری خود هم نیز تغییراتی به وجود آوردند. ویل دورانت در این مورد می‌نویسد: مردم طبقات بالای اجتماع، بنده مُد و زندگی تجملی شده بودند، مردانشان شلوار قلاب دوزی شده می‌پوشیدند و زنان خود را با غازه «سرخاب» و جواهر می‌آراستند، حتی زین و برگ اسبان را با طلا زینت می‌دادند»

تاریخ نویسان درباره پوشاک زنان هخامنشی سخنی به میان نیاورده‌اند و با سکوت از آن گذشته‌اند. این سکوت درباره پوشاک زنان آن دوره یا به علت تماس نداشتن با آنان براثر نزاکت اخلاقی ایرانیان بوده که زنان در مجامع عمومی راه نداشتند یا به علت همانندی لباس آنان با لباس مردان پارسی بوده که تذکر این شباهت عادی و معمولی را ایجاب نکرده است. زن‌های بومی این دوره پوشش‌های جالبی دارند، پیراهن ساده، بلند، دارای آستین چین و آستین کوتاه و از زانو به پایین دامن شرابه‌هایی تا به مچ آویزان است. چادری مستطیل شکل بر روی سر و لباس‌های خود می‌انداختند و در زیر آن یک پیراهن دامن بلند و زیر این یک نیز پیراهنی دیگر و بلندتر تا مچ پا می‌پوشیدند. زنان از نوع لباسی که مردان هخامنشی می‌پوشیدند نیز استفاده می‌کردند. این گفته را تصویر روی یک ظرف گلی که امروزه در موزه ارمیتاژ موجود است تایید می‌کند. شکل این لباس از نظر دامن و بالا پوش به نحوی است که شانه و آستین آن چون مانند شنل است به هر هیکلی متناسب می‌آید و دامن نیز در صورتی که قد مرد و زنی با هم زیاد اختلاف نداشته باشد می‌تواند مناسب باشد. بنابر این لباس زنان این دوره ممکن است که اختلافی با لباس مردان پارسی نداشته باشد. شاهد دوم برای تایید گفتارمان نقش فرشی است که در پازیریک سیبری به‌دست آمده است. این فرش متعلق به دوران هخامنشیان است و زنانی را نشان می‌دهد که لباسی چون لباس مردان پارسی به تن دارند و کفشهایشان نیز همان است که پارسیان به پا می‌کردند. فقط اختلافی که در لباس زنان با مردان وجود دارد تزئینات پیش سینه و شکل یقه آنان است که در برخی زیگزاگ مشاهده می‌شود.

زنان عهد اشکانی قبایی تا زانو بر تن می‌کردند و شنلی بر سر می‌انداختند، نقابی نیز داشتند که معمولا به پشت سر می‌آویختند از پوشش‌های بسیار گرامی سر که شیوه‌ای نسبتاً پیچیده و بغرنج داشت نیم تاجی فلزی بود با دستاری بلند بر فراز آن، که شکل شنل یا نقاب بر روی آن انداخته یا بسته می‌شد. موهای خود را به سبک یونانیان – از میان سر، فرق باز می‌کردند– آرایش می‌کردند. لباس زنان این دوره پیراهنی بلند تا به روی زمین، گشاد پر چین، آستین دار و یقه راست بود. پیراهن دیگری داشتند که روی اولی می‌پوشیدند که اندازه این کوتاهتر از اولی و در ضمن یقه باز بود و روی این دو پیراهن چادری به سر می‌کردند.

پیراهن‌ها از پارچه‌های منقش و مخصوصا قلابدوزی شده تهیه می‌شد و کفش ساده مردان اشکانی را به پا می‌کردند. کمربند آنان منحصر به نواری بود که برای جمع کردن گشادی پیراهن در زیر سینه می‌بستند. نقش بر جسته‌ای از پالمیر (مسجد سلیمان) در موزه لوور فرانسه موجود است که زنی از دوره اشکانی را نشان می‌دهد که چادری بر سر دارد و از زیر آن عمامه‌ای که طرز بافت آن مشخص شده نمایان است.

با نگاه کردن به تصاویر مربوط به زنان اشکانی از نوع پوشش و چادری که به سر می‌کردند نمایان است که در این دوره زنان پارتی حجاب خود را حفظ کردند و حتی از یونانیان نیز در بعضی زمینه‌ها چیزهایی را فرا گرفتند.

پوشاک بانوان دوره ساسانی مانند دوره‌های قبل از آن را می‌توان فقط از روی نقوش سنگی یا طرح‌های روی ظروف جستجو کرد. برای لباس بانوان ساسانی مدارکی از نقوش سنگی آناهیتا، الهه زیبایی و ثروت و چند طرح در بشقاب‌هایی که در موزه‌های کشورهای خارجی موجود است که شکل‌هایی از انواع لباس بانوان این دوره را نشان می‌دهد. بانوان ساسانی پیراهن بلند، بسیار پرچین و گشاد می‌پوشیدند و آن را با نواری در زیر سینه مانند بانوان اشکانی جمع کرده می‌بستند. کریستن سن با بیان و توضیح نقوش داخل غار طاق بستان نشان می‌دهد که الهه‌ای که به شاه افسری می‌بخشد «تاج» قبای سبک یونانی دارد و در روی آن بالا پوشی ستاره نشان پوشیده و تاجش شبیه تاج اهورامزدا است. از زیر آن چهار رشته گیسو بر دوش و سینه‌اش افتاده است و این بنا بر شیوه عادی زنان ایرانی عهد ساسانی است.

زنان ساسانی از پوششی استفاده می‌کردند که به شبیه چادرهای امروزی بوده. این را می‌توان از نقوشی که بر روی ظروف باقیمانده از آن دوره به دست آمده است متوجه شد.

مسعود بهرامیان
دانشجوی دکتری تاریخ

رونق کسب و کار فرهنگی با درایت معاون مطبوعاتی

تاریخ مطبوعات ایران با فراز و نشیب‌های متعددی مواجه بوده است. با این حال فضای فعالیت رسانه‌ای، اغلب یا گرفتار آسیب فروبستگی و محدودیت‌های شدید بوده یا دچار ماجراجویی‌های افراطی شده است.

بدین ترتیب و بر اساس تجربه‌های تاریخی تکرار شونده این تصور در ذهن بسیاری ایجاد شده که آزادی و آرامش دو روی متضاد یک سکه هستند که نمی‌توان آنها را در کنار هم مشاهده کرد. این مسأله، یکی از موانع رونق کسب و کار مطبوعات بوده است.

چنین شرایطی باعث شده است در این مدت روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و فراجناحی جایگاه کمتری در مالکیت بنگاه‌های مطبوعاتی داشته باشند و رسانه‌ها، عمدتاً در اختیار نهادهای دولتی یا باندهای سیاسی موافق یا مخالف دولت‌ها قرار گیرند و سهم رسانه‌های غیر سیاسی، به حداقل ممکن برسد.

طبیعی است این حد از تنوع یعنی تنوع سیاسی، در عین فوایدی که دارد، نمی‌تواند ظرفیت‌های رسانه‌ها را شکوفا کند. خوشبختانه با رویکرد جدیدی که معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد در دولت یازدهم اتخاذ کرده است، روند بهتری پیش رو است که در نتیجه آن، هر دو عنصر گشایش و آرامش مطبوعات، در کنار هم دنبال می‌شود. برای نخستین بار در تاریخ فعالیت دبیرخانه هیأت نظارت بر مطبوعات، شاهد ثبت نام آنلاین و صدور مجوز مطبوعات در فاصله زمانی مقرر در قانون مطبوعات کمتر از ۶ ماه هستیم که نتیجه آن صدور حدود ۳۰۰ مجوز نشریه در هر ماه و تعداد بیشتری پایگاه خبری است. به تعبیر اهالی مطبوعات، گرفتن مجوز نشریات که پیش از این از وزیر و وکیل شدن هم سخت‌تر بود، اکنون فرایندی بسیار آسان و شبیه باز کردن یک ایمیل پیدا کرده و در عین حال حساسیت‌های امنیتی و قضایی نیز علیه مطبوعات تحریک نشده است.

خوشبختانه اکثر مجوزهای صادره هم به کسانی اعطا شد که از سابقه حرفه‌ای در حوزه رسانه برخوردار هستند و بدین ترتیب بساط اجاره و فروش امتیاز در این حوزه برچیده شده است. این در حالی است که تا همین دوسه سال پیش تعدادی مجوز به افراد فاقد صلاحیت حرفه‌ای داده می‌شد و روزنامه‌نگاران حرفه‌ای مجبور بودند مبالغ زیادی بابت خرید امتیاز به آنها بپردازند؛ آن هم در شرایطی که قانون مطبوعات، خرید و فروش و اجاره رسمی امتیاز را به شدت محدود کرده بود و به رغم آن قراردادهایی خارج از دید نظارتی قانون و با تبعات شخصی و عمومی بسته می‌شد.با اصلاح این فرایند، همچنین دیگر نیازی نیست که برای راه‌اندازی یک کسب و کار فرهنگی و مطبوعاتی، شاهد مراجعه حضوری اهالی فرهنگ و طی مسیر کسالت‌آور، زمان بر و تحقیرآمیز مراحل اداری در واحدهای مختلف معاونت مطبوعاتی باشیم. البته پایین بودن نشاط اقتصادی جامعه باعث شده که اکنون درصد کمی از مجوزهای صادر شده در دو سال اخیر، به مرحله انتشار برسند ولی زیر ساخت‌های لازم برای جهش مطبوعات به‌ویژه برای نشریات تخصصی و محلی پس از خروج از رکود اقتصادی فراهم شده است.

بخشی از این زیرساخت‌ها، امتیازهای صادر شده و بخش دیگر، هدفمندی یارانه‌های مطبوعاتی به سمت تقویت نشریات جوان، تخصصی و محلی، ایجاد شبکه‌های توزیع نوین و تنوع نقاط و شیوه‌های عرضه است که نتایج خوبی را در سال‌های آتی به نمایش خواهد گذاشت. نکته جالب توجه این است که به رغم آن که همواره جناح اصلاح طلب از شعار توسعه رسانه‌ها بهره می‌گرفت، همه این دستاوردها در دوره معاونت مطبوعاتی یک اصولگرا یعنی حسین انتظامی رخ داده است.

مهدی خاکی فیروز

برق‌دزدی و قول برخورد وزیر نیرو

وزیر محترم نیرو اوایل اردیبهشت به روزنامه اطلاعات آمد و پس از بازدید از مؤسسه و انجام مصاحبه اختصاصی، نکته‌ای از خبرنگار روزنامه شنید مبنی بر این که به دلیل زیرپوشش بیمه نبودن نیروهای بخش حوادث شرکت‌های برق، آنان بعد از پایان ساعت اداری مسئولیتی در قبال جلوگیری از برق‌دزدی‌ها ندارند و این مسأله باعث شده است که به شکل وسیع برق‌دزدی اتفاق افتد و افراد متخلف بدون ترس، از این شرایط سوء استفاده می‌کنند.

وزیر در پاسخ ضمن اعلام این نکته که با این مسأله به عنوان موضوعی تازه برخورد کرده است، قول رسیدگی داد. در این زمینه برای نمونه به ایشان عرض شد که در جاده ملارد ـ فردیس (شهرستان ملارد) به‌ویژه در حوالی سه‌راهی اندیشه به طرف شمال و جنوب سالهاست افراد بسیار زیادی با گاری دستی، خودرو و دکه‌های سیار، به محض تاریک شدن هوا اقدام به فروش میوه و تربار، وسایل بهداشتی، کباب، اسباب‌بازی و... در حجم وسیع می‌کنند آنها برای روشنایی هرکدام با انداختن سیم روی مدار اصلی کنار خیابان و استفاده از ۴ـ۵ لامپ پرمصرف شمعی و تا نیمه‌های شب مشغول فروش کالا می‌شوند. می‌شود گفت این بلوار یک نمایشگاه دائمی شبانه است که فروشندگان بی‌مزاحمت و بی‌پرداخت هزینه آب و برق و مالیات و... سودجویی می‌کنند و بار اضافی بر شبکه هم باعث افت شدید ولتاژ می‌شود. این مسأله را بارها به اداره برق ملارد، اداره برق غرب تهران و مسئولان توانیر در فواصل سال‌های گذشته اعلام کرده‌ایم، در روزنامه‌ها هم نوشتیم، ولی دریغ از اندکی احساس مسئولیت! ظاهراً این شیوه برق‌دزدی منع قانونی ندارد! اما عجیب است که مشترکان خانگی برای نپرداختن مثلاً ۴۰ هزار تومان قبض، تهدید به قطع برق می‌شوند و در نهایت این کار هم انجام می‌شود! درحالی که یک جگرکی در بلوار ملارد شاید در یک شب به اندازه ۲ ماه یک مشترک خانگی برق مصرف می‌کند و از او هیچ بازخواستی نمی‌شود! آقای وزیر نیرو اگر یادشان آمد که چنین قولی داده‌اند، لطفاً اقدام فرمایند.

یک خبرنگار به نمایندگی از ساکنان منطقه ملارد ـ سرآسیاب و مارلیک

مشکل یک خیابان در فیروزکوه!



طی چند روز گذشته کمیسیون طرح ترافیک شهرستان فیروزکوه با اختصاص دو طرف خیابان بلوار شهید ملا جعفری به پارکینگ عمومی برای استفاده خودروهای سواری و وسائط نقلیه موافقت کرده است و این اقدام نه تنها مشکل ترافیک مردم این شهر را حل نکرده بلکه لطمه شدیدی به کسب وکار و اصناف صاحبان فروشگاه‌ها زده و همچنین نگرانی آنان و شهروندان را فراهم کرده است.

با اجرای این طرح هر روز صبح و بعدازظهر تعداد زیادی خودروهای سواری و وسائط نقلیه سرتاسر دو طرف خیابان شهید ملاجعفری در مقابل فروشگاه‌ها به‌ویژه جلوی درب ورودی دفتر نمایندگی و خبرنگاری روزنامه اطلاعات و داروخانه شفا که در کنار هم قرار دارند ساعت‌ها توقف می‌کنند این مهم مشکلات فراوانی را برای مراجعین به دفتر روزنامه اطلاعات برای خرید مطبوعات و همچنین بیماران برای تهیه دارو به وجود آورده است. در عکس تهیه شده از توقف خودروهای سواری در مقابل درب ورودی نمایندگی اطلاعات و داروخانه شفا را نشان می‌دهد.

لازم به ذکر است دو طرف خیابان شهید ملاجعفری دارای متجاوز از پنجاه فروشگاه مختلف و همچنین مراکز درمانگاه شهداء ۷تیر مجهز به داروخانه شبانه‌روزی و آزمایشگاه به اضافه دو داروخانه بخش خصوصی مرکز فیزیوتراپی ـ دفتر نمایندگی و خبرنگاری اطلاعات ـ ادارات آموزش پرورش ـ حوزه۴ مقاومت بسیج ـ میدان ایستگاه راه آهن ـ بازار میوه و تره‌بار شهرداری ـ پارک کودک ـ پاساژ امید ـ دفتر نشریه محلی بازتاب ـ نمایندگی روزنامه جام جم ـ دو فروشگاه تعاونی فرهنگیان ـ شبکه بهداشت و درمان است.

فرج‌الله عموزاده

کُلیه‌فروشی چرا؟!

در روزنامه اطلاعات مورخ ۹۴/۲/۲ در صفحه ۱۴ مطلبی خواندم که وزیر محترم بهداشت عدم رضایت خود را از فروش کُلیه ابراز کرده و راهکارهایی هم جهت ترویج اهدای کُلیه توسط بستگان بیماران داده بود. اتفاقاً چند روز پیش‌تر در یکی از روزنامه‌ها از طرف انجمن حمایت از بیماران کُلیوی قیمت فروش کُلیه ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان تعیین شده بود!

یعنی کسی حق ندارد کُلیه را بیشتر یا کمتر بفروشد؛ اگرچه داوطلب خرید وجود داشته باشد و طبق تجربه همیشه پس از قیمت‌گذاری در هر کالایی پس از مدتی قیمت آن چندبرابر خواهد شد! که امیدوارم این اتفاق نیفتد. به‌طور کلی اگر مروری به روند خرید و فروش کُلیه داشته باشیم متوجه می‌شویم که موضوع پیچیده است.

از یک طرف بیماران دیالیزی وجود دارند که نیازمند پیوند کُلیه هستند و از طرفی دیگر عده‌ای از افراد جامعه به علّت مشکلات عدیده مالی مانند هزینه‌های بیماری، تهیه جهیزیه، خرید ماشین برای کسب درآمد روزمره زندگی و... احتیاج شدید به پول دارند که حاضرند حتی یکی از مهمترین اعضای بدن خود را بفروشند و چه بسا در آینده خود گرفتار شوند، مخصوصاً اینکه امروزه با مصرف بی‌رویه و خودسرانه داروهای مسکن و ضدالتهابی غیراستروییدی ممکن است این صدماتی به کُلیه سالم وارد شود. حال سئوالی که مطرح است این که آیا در کشورهای پیشرفته دنیا بیماران دیالیزی وجود ندارند و پیوند کُلیه در آنجا انجام نمی‌شود؟ جواب منفی است. پس آنها چه می‌کنند که قادر به انجام آن نیستیم؟ البته تا آنجا که اطلاّع دارم در این کشورها قوانینی وجود دارد که تهیّه کلیه آسان است و تیم‌های امدادی پیوند کلیه متشکل از جراح پیوند ـ جراح عروق ـ متخصّص ایمونولوژی و حتی مددکار اجتماعی در تمام مدت شبانه‌روز آماده هستند به محض دریافت خبر تصادف‌های شدید منجر به فوت یا بیماران دچار مرگ مغزی دست به‌کار بشوند.

البته قابل ذکر است که مشخصّات بیماران گیرنده کُلیه تماماً در کامپیوتر آنها ضبط است تا چنانچه مشخصّات دهنده و گیرنده کلیه با هم تناقضی نداشته باشد. پیوند انجام شود و پدیده‌ای بنام خرید و فروش کُلیه وجود ندارد. خوشبختانه تیم پیوند اعضاء و کُلیه در مملکت ما هم وجود دارد که با استادان عالی‌مقام و متخصّص و سایر همکاران مشکلی در انجام پیوند وجود ندارد ولی تهیه کُلیه سخت است.

به‌نظر من می‌شود راهکارهایی پیدا کرد که کم‌کم تهیه کُلیه آسانتر شود.اول اینکه در کشور اسلامی ما که مردم مسلمانند و اعتقادات مذهبی دارند اگر علماء و مجتهدین در این خصوص توصیه کنند مردم هم آماده پذیرش خواهند شد تا در تصادفات منجر به فوت یا پس از مرگ مغزی، دادن کُلیه، رایج شود.

نمایندگان مجلس هم در این موضوع وارد شوند و قوانینی وضع نمایند و اجازه دهند که در شرایط خاص گفته شده تیم‌های پزشکی با خیال راحت و بدون دغدغه قانونی عمل پیوند کلیه را انجام دهند و در روزنامه‌ها و رسانه ملّی و مساجد روشنگری و تبلیغات وسیعی جهت رضایت افراد انجام شود و فرهنگ‌سازی صورت گیرد تا مجبور به فروش کُلیه خود نشوند!

دکتر شاهرخ مجلسی متخصص خون
عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی (بازنشسته)

در کنارگاه زندگی

یادگارهای ارزشمند

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
یادگاری که در این گنبد دوار بماند

آنچه با عشق و علاقه انجام شود ماندنی است، نثار عشق و محبت به چیزی و کسی آن را ماندنی می‌کند.

به ثمر رساندن فرزند صالح که یادگار ارزشمند پدر و مادر باشد تنها با همتی عملی می‌شود که زاییده عشق واقعی و آموزش و پرورش پیوسته است. آموزشی که از خود پدر و مادر آغاز می‌شود زیرا فرزند به آن چیزی می‌گرود که می‌بیند نه به آن چه که فقط می‌شنود. پروردن فرزند شایسته به آن معنی است که سرمشق‌های او نیز باید شایسته باشند و این مجاهدتی عظیم می‌خواهد. پرورش بوته گل سرخی زیبا و چشم نواز باغبانی می‌خواهد خستگی ناپذیر.

یادگارهای ارزشمند حاصل عشق و علاقه‌اند. مساجد زیبای اصفهان را عشق معمار و مهندس و کارگر به خداوند ساخته است که این چنین زنده و شادابند حتی بیستون را که گفته‌اند: بیستون را عشق کند و شهرتش فرهاد برد.

جلوه‌های زیبایی از آفریده‌های خداوند ساطع است و یادگارهای ارزشمند چه فرزند صالح و چه شاگرد شایسته و چه آثار هنری و صنعتی سرانجام آشکارکننده زیبایی او هستند مانند ترجیع بند زیبای‌هاتف اصفهانی که چون از عشق برخاست، یادگار ارزشمند او در عرصه هنر شد:

یار بی پرده از در و دیوار — در تجلی است یا اولی الابصار
پا به راه طلب نه و از عشق — بهر این راه توشه‌ای بردار
شود آسان ز عشق کاری چند — که بود پیش عقل بس دشوار
پی بری گر به رازشان دانی — که همین است سر آن اسرار
که یکی هست و هیچ نیست جز او — وحده لا اله الا هو

از: دکتر فرید فدائی، روانپزشک

«جماران»؛ میراث فرهنگی که می‌درخشد و می‌ماند

جماران هر سال در ایام سالگرد رحلت امام خمینی(ره) انعکاس جهانی می‌یابد و با حضور خبرنگاران و عکاسان کشورهای مختلف از قاره‌های امریکا، آسیا و اروپا پوشش خبری می‌یابد.

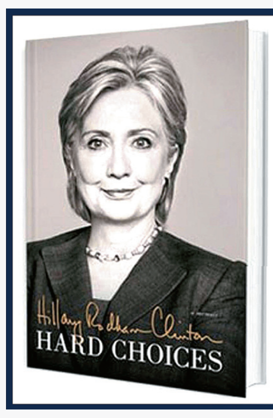
البته برای تداوم این حرکت در طول سال باید از طریق سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی در سراسر گیتی ،جهت دیدار از جماران تبلیغ شود.

دو مرکز ثقل موجود در جماران اقامتگاه امام و حسینیه جماران است. این دو مرکز بود که دنیا را متوجه کرد رهبری انقلاب از میان کاخ یا عمارتی تشریفاتی مثل واتیکان انقلاب را مدیریت نمی‌کند.

فیدل کاسترو رهبر کوبا که در زمان حیات امام به جماران آمده بود، با دیدن خانه کوچک ولی نورانی امام در جماران به خبرنگاران گفت: همه رهبران انقلاب‌های بزرگ جهان در خانه‌های کوچکی انقلاب خود را فرماندهی کرده‌اند.

میراث فرهنگی باید با وسواس خاص بکوشد خانه‌های سنتی و کاهگلی و کوچه‌های باریک و چنارهای کهن جماران را حفظ کند. برای حفظ آثار تاریخی اطراف اقامتگاه امام و حسینیه ،درمانگاه بقیةالله جماران را به بیرون از محله جماران منتقل کنند و محل درمانگاه را به صورت موزه با حفظ اتاق‌های آن و محل مداوا و معالجه امام با تصاویر مستندسازان نزدیک به واقعه رحلت حضرت امام(ره) هر چه گویاتر نشان دهند.مسجد جامع جماران که با معماری اصیل اسلامی در سال‌های اخیر بسیار باشکوه ساخته شده،یکی از مراکز دیدنی جماران در مسیری نزدیک به اقامتگاه و حسینیه قرار گرفته است. با همکاری هیات امنای مسجد با حفظ قداست این مرکزباید ترتیبی اتخاذ شود که در دیدار از جماران بازدیدکنندگان بتوانند این مسجد بسیار باعظمت را هم مشاهده کنند.جماران یکپارچه تاریخ و هنر است.

میراث فرهنگی درباره جهانی‌شدن آن می‌تواند اقدام کند زیرا جماران اقامتگاه شخصیتی بود که ۲۵۰۰ سال حاکمیت پادشاهی را با همه قدرتی که از سلاح و نیرو در اختیار داشت سرنگون کرد.جماران به عنوان آخرین اقامتگاه امام قبل از رحلت در کنار آثار تاریخی معروف جهان جای ویژه‌ای خواهد داشت. برنامه‌ریزان و راهنمایان گردشگران خارجی برنامه خود را طوری تنظیم کنند که در یک روز دو اقامتگاه نزدیک به‌هم یعنی کاخ نیاوران (اقامتگاه شاه) و محله جماران (اقامتگاه امام) را به گردشگران خارجی نشان بدهند و قضاوت را به‌عهده گردشگران بگذارند.



۲۵۹

گزینه‌های دشوار

هیلاری کلینتون

وزیر امورخارجه ایالات متحده امریکا
۲۰۰۹-۲۰۱۳

ترجمه:
علی اکبر عبدالرشیدی

فتح به این دلیل چند کرسی را از دست داد که در حوزه‌هایی که حماس فقط یک نامزد داشت فتح دو نامزد را در انتخابات شرکت داد. این اشتباه پرهزینه‌ای بود. اگرچه فتح اقتدار خود را در کرانه باختری حفظ کرد اما مردم فلسطین بین دو قدرت رقیب و دو چشم انداز کاملا متفاوت نسبت به آینده تقسیم شدند. چنین شکافی باعث شد دورنمای از سرگیری مذاکرات صلح بعید به نظر برسد و اکراه اسرائیل را هم نسبت به این مذاکرات افزایش داد. به دلیل چنین آرایش غیرعادی، هر دو طرف توانستند نظراتشان را در حیطه اقتدار خود به آزمایش بگذارند. نتیجه این آزمایش هر روز در محله‌ها و خیابان های فلسطین قابل مشاهده است.

در همین حال ایالات متحده و دیگر شرکای بین‌المللی به خصوص اردن به بالا رفتن کفایت و قابل اعتماد بودن نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان کمک کرده‌اند زیرا این امر از اولویت های اصلی اسرائیل است. تشکیلات خودگردان شروع به ساخت مدرسه و بیمارستان و آموزش معلم و کادر درمانی کرد. سیاست های مسئولانه تر مالی، حمایت از طرف جامعه بین‌المللی– شامل صدها میلیون دلار کمک سالانه امریکا که فلسطین را به دریافت کننده عمده این کمک ها تبدیل کرده است– ، بهبود امنیت و حکومت قانون منجر به رشد اقتصادی در مناطق تحت کنترل تشکیلات خودگردان شده است. علیرغم چالش های اقتصادی روزمره، فلسطینی‌های بیشتری در کرانه غربی موفق به پیدا کردن شغل و بهبود شرایط نامطلوب اقتصادی که بعد از انتفاضه دوم در سال ۲۰۰۰ به وجود آمد شدند.

با وجود این پیشرفت ها هنوز کارهای زیادی مانده که انجام پذیرد. هنوز تعداد کسانی که بیکار مانده یا بلاتکلیف هستند زیاد است. امیدواریم اصلاحات بیشتری صورت گیرد تا وابستگی فلسطینی‌ها به کمکهای خارجی کاهش یابد. روز به روز باور کردن این امر ساده تر به نظر می رسد که یک فلسطینی مستقل بتواند بر خود حکومت کند، مسئولیت های خود را بر عهده بگیرد و امنیت شهروندان خود و همسایگانش را تضمین کند. در سپتامبر ۲۰۱۰ کرانه باختری اعلام کرد که تشکیلات خودگردان به تعهدات خود در ساختن نهادها و ارائه خدمات عمومی عمل کرده و بدین ترتیب در شرایطی قرار گرفته است که بتواند در هر لحظه از آینده، کشور خود را تشکیل دهد. در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ در دیدارهای خود از کرانه باختری از نزدیک شاهد این پیشرفت ها بودم. من به هنگام عبور به سمت رام‌الله مجتمع های آپارتمانی و برج های اداری جدیدی را می‌دیدم که روی تپه‌ها قد برافراشته بودند. اما وقتی به چهره زنان و مردانی که از خانه‌ها یا مغازه‌هایشان بیرون آمده بودند خیره می شدم نمی توانستم تاریخ دردناک مردمی را فراموش کنم که هرگز کشوری از آن خود نداشته‌اند. پیشرفت های اقتصادی و نهادی اهمیت دارد و واقعا مورد نیاز است اما کافی نیست. آرزوی مشروع ملت فلسطین برآورده نخواهد شد مگر اینکه راه حل مبتنی بر وجود دو کشور محقق شود و شأن، عدالت و امنیت همه فلسطینی‌ها و اسرائیلیان را تضمین کند.

من همیشه بر این اعتقاد خواهم بود که در اواخر سال ۲۰۰۰ و اوایل سال ۲۰۰۱ یاسر عرفات اشتباه بزرگی کرد و آن، این بود که حاضر نشد به نخست وزیر ایهود باراک تأسی کند و «مولفه های بیل کلینتون» را بپذیرد. طرح کلینتون یک کشور فلسطینی را در کرانه باختری و غره به فلسطینی ها عرضه می کرد که پایتخت آن هم شرق بیت‌المقدس بود. حالا با عباس مشغول کار هستیم. او مدت های مدید به سختی کار کرده تا رویاهای ملتش را محقق کند. اعتقاد دارد که قرار داشتن یک کشور مستقل فلسطینی در کنار اسرائیل با صلح و امنیت، هم ممکن است و هم ضروری. من گاه فکر می کنم که اگرچه عرفات شرایط مناسب را برای تامین صلح داشت، اما اراده لازم را نداشت. حالا عباس ممکن است اراده لازم را داشته باشد اما شرایط لازم و مناسب را در اختیار ندارد. البته بعضی اوقات که حسابی گرفتار یأس و سرخوردگی بوده‌ایم نسبت به اراده او هم تردید کرده ایم.

ادامه دارد

گفتگو با مهدی بشارت؛ کاردار پیشین ایران در بغداد ■ بخش‌دوم

ناگفته‌های ۴۰ ماه حصر در سفارت

هفت ماه و نیم از خدمتم در اداره رمز می‌گذشت که سرپرست دبیرخانه وزیر تلفن کرد و گفت آقای امیرخسرو افشار سفیر ایران در لندن به تهران آمده‌اند و در تالار آینه هستند، زود نزد ایشان بروید.

آقای افشار بلندپایه‌ترین عضو وزارت امور خارجه به شمار می‌آمد و پیش از رفتن به لندن، به عنوان سفیر در آلمان و فرانسه و نیز قائم‌مقام وزیر امور خارجه خدمت کرده بود و نه تنها برای دکتر خلعتبری وزیر وقت که برای هویدا نخست‌وزیر هم به اصطلاح تره خرد نمی‌کرد زیرا هر دو آنان در گذشته کارمند زیردستش بودند.

درباره خلق و خو و رفتار آقای افشار داستانها می‌گفتند ولی تا آن روز ایشان را ندیده بودم. معروف بود که آدمی است متکبر، بدبین، سختگیر و کینه‌توز و روی هم رفته همه با احترام آمیخته با ترس از او یاد می‌کردند. تنها خاطره‌ای که از ایشان داشتم مربوط به چند سال پیش از آن بود که در اداره پنجم سیاسی متن نطقی را که قرار بود آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه در مهمانی شام به مناسبت سفر وزیر امور خارجه هند به تهران ایراد کند نوشته بودم و این متن پس از تصویب رئیس اداره و مدیرکل سیاسی و معاون سیاسی وزیر، برای تأیید نهایی به دفترآقای افشار قائم‌مقام وزیر فرستاده شده بود.

ایشان بر سر یک واژه ایراد نابجایی گرفته و متن را برای اصلاح شدن پس فرستاده بودند. وقتی ماجرا را با خنده و ابراز شگفتی برای آقای دکتر صدریه تعریف کردم گفت در این باره دیگر با کسی حرف نزنید و به جای واژه قبلی واژه دیگری با همان معنا بگذارید؛ حرمت چنین کسانی را بیش از اینها باید داشت.

با این پیشینه ذهنی به تالار آیینه رفتم. آقای افشار پشت میز مجللی نشسته بود و کنار دیوار آقایان دکتر شاپور بهرامی معاون اداری و مالی وزیر، محسن گودرزی سرکنسول در نیویورک و ناصر مجد رئیس کارگزینی ایستاده بودند.

پس از آنکه زیرلبی پاسخ سلامم را داد پرسید در کدام اداره هستید؟ دیدم می‌خواهد اولین ضربه را بزند. می‌دانست و پرسید. پاسخ دادم اداره رمز. پرسید به کارهای رمز مسلط هستید؟ گفتم بهٍ هیچوجه. گفت اصلاً؟ گفتم اصلاً. پرسید در آنجا چه کار می‌کنید؟ پاسخ دادم تلگرافها و گزارشها را می خوانم و اصلاح می‌کنم. پرسید به کار رمز علاقه دارید؟ گفتم نه. پرسید پس چرا به آنجا رفته‌اید؟ گفتم چون پارتی نداشتم مرا به آنجا فرستادند. گفت: من از همکارانم تنها رازداری و وفاداری می‌خواهم.

آنگاه پرسید امروز چندم اردیبهشت است؟ گفتم پانزدهم. دستش را برای دست دادن که نشانه خداحافظی بود دراز کرد و گفت هفته آینده شما را در لندن خواهم دید، به سلامت!

هاج و واج مانده بودم و می‌خواستم حرفی بزنم ولی با اشاره آقای مجد دم فرو بستم و بیرون آمدم. در سرسرا ایستادم تا آقای مجد آمد. به محض دیدن من گفت زدی و بردی! ما اطلاعات کامل درباره تو به آقای افشار داده بودیم. با کسان دیگری هم صحبت کرده و پرونده‌ات را دیده بود و بنابراین شناخت کلی از تو داشت و فقط می‌خواست خودت را از نزدیک ببیند که دید و از رک‌گویی و سر و وضعت خیلی خوشش آمد؛ بهترین نشانه هم اینکه با تو دست داد، چون وسواس دارد و با کمتر کسی دست می‌دهد.

پاسخ دادم چند ماه پیش هم که مأموریت آتن پیشنهاد شد گفتم که آماده رفتن به مأموریت نیستم. حالا هم حرفم همان است، بخصوص به عنوان متصدی رمز و محرمانه، زیر دست آقای افشار و با ضرب‌الاجل یک هفته‌ای. گفت نپذیرفتن پیشنهادآقای افشار به معنای خودکشی اداری است. شانس کار کردن از نزدیک با ایشان را هم هر کسی پیدا نمی‌کند. کارت نیز پس از چندی عوض خواهد شد و این وعده را داده است.

به هر حال مرا به لندن فرستادند و آمد به سرم از آنچه می‌ترسیدم!

حجم کار بسیار زیاد بود و وقتگیر. به ظاهر همکاری داشتم که کارها می‌بایست با او تقسیم می‌شد، ولی او گرفتار فشارهای عصبی و تحت درمان بود و از مرخصی استعلاجی استفاده می‌کرد و جانشینی هم از مرکز درخواست نمی‌شد.

دقت و وسواس سفیر هم باورنکردنی بود. هر گزارش و تلگرام پیش از فرستاده شدن به تهران بارها و بارها اصلاح و تایپ می‌شد.

به یاد دارم که شبی یک تلگرام یازده بار اصلاح شد و ماشین‌نویس بدبخت یازده بار آن‌را تایپ کرد!

در مورد گزارشها و تلگرافهای مهمی که به تهران فرستاده می‌شد، می‌بایست متن آن را بلند بلند برای سفیر بخوانم تا ببیند در صورتی که وزیر آن متن را برای شاه قرائت کند، واژه‌ها و جمله‌ها چگونه به گوش می‌نشینند!

در دوسال‌ونیم اوّل، حتی یک روز به من مرخصی داده نشد. شنبه‌ها و یکشنبه‌ها هم که سفارت تعطیل بود، می‌بایست صبح و شب در آنجا باشم. پیش آمد که نزدیک به ۷۲ ساعت نتوانم به خانه بروم.



***به یاد دارم که شبی یک تلگرام یازده بار اصلاح شد و ماشین‌نویس بدبخت یازده بار آن‌را تایپ کرد! در مورد گزارشها و تلگرافهای مهمی که به تهران فرستاده می‌شد، می‌بایست متن آن را بلند بلند برای سفیر بخوانم تا ببیند در صورتی که وزیر آن متن را برای شاه قرائت کند، واژه‌ها و جمله‌ها چگونه به گوش می‌نشینند!**

مذاکرات و پی‌گیری مسائل مربوط به جزایر تنب و ابوموسی نیز در سفارت ایران در لندن متمرکز بود و همین، برسنگینی کارها می‌افزود. با این همه، گله‌ای نداشتم چون چیزهایی بود که سختی‌ها را جبران می‌کرد. اعتماد بی‌چون و چرای سفیر و قدرشناسی او برای من بسیار ارزش داشت و این قدرشناسی به گونه‌ای ابراز می‌شد که معنای آن را تنها خودش و کسانی که او را از نزدیک می‌شناختند در می‌یافتند.

برای مثال، اگر به عنوان عیدی به همه کارمندان یک قواره فاستونی یا سکه می‌داد، نصیب من یک پرچم رومیزی بود زیرا به گفتهٔ خودش، این بچه یزدی را نمی‌بایست با پاداش مادی تشویق کرد. یا اگر برگه ارتقاء مقام تو را با دست خود تکمیل و امضا می‌کرد و برگه همکارانت را به نفر دوم سفارت می‌سپرد، می خواست نشان دهد که در چشمش با دیگران فرق داری.

به هر صورت از این مرد شریف، درستکار و میهن‌دوست که مهربانی و مناعت طبعش را پرده‌ای از رفتارهای خشک و سرد می‌پوشاند، بسیار آموختم و ارزش واقعی و کاردانی او و هنگامی برای من و دیگر همکاران روشنتر شد که با جانشینانش رو به رو شدیم.

به جای آقای امیرخسرو افشار، آقای محمدرضا امیرتیمور که پیش از آن در دهلی نو و مسکو سفیر بود، به لندن آمد.

دیپلماتی بود باسواد، خوش‌قلم و با ذوق ولی خوش‌گذران و بی‌پروا در گفتار و رفتار که چندان به وظیفه اصلی خود نمی‌رسید. با آمدن او، فضای سفارت دگرگون شد و تنی چند چاپلوس سبکسر میداندار شدند. سفیر امضای خود را زیر بعضی از گزارشها می‌گذاشت بی‌آنکه آنها را خوانده باشد و یکی دو پیشنهاد هم به مرکز کرد که خشم بالادستی‌ها را برانگیخت. چندی نگذشت که خبرهایی نامناسب دربارهٔ او در چند روزنامه به چاپ رسید که تا اندازه‌ای ریشهٔ گرفتاریهای مالی‌اش را نیز آشکار می‌کرد. همه اینها سبب شد که به شیوه‌ای ناخوشایند به مأموریتش پایان دهند.

در مهمانی عصرانه‌ای که برای خداحافظی برگزار کرد، دیگر از آن هیبت و جلال و سرزندگی خبری نبود. با مردی در هم شکسته و تلخکام روبه‌رو شدیم که بیش از گرفتاری‌های خانوادگی و خشم دربار و از دست رفتن اعتبار، دورویی و نمک‌نشناسی اطرافیان و زیردستان او را به زانو در آورده بود. در آن مهمانی، نیمی از اعضای سفارت و آنان که تا دیروز از سرچاپلوسی، سفیر را سردار خطاب می‌کردند و دستش را می‌بوسیدند حضور نداشتند، زیرا برای استقبال از سفیر تازه به فرودگاه رفته بودند. از شنیدن سخنان کوتاهی که ایراد کرد و شعری که خواند چنان دلم به درد آمد که به همسرم گفتم اگر به جای او بودم خودکشی می‌کردم و از قضا چنین نیز شد.

همان شب از سفارت به خانه شخصی‌اش رفت و دست به خودکشی زد. دو روز بعد پیکر بی‌جانش را در آپارتمانش یافتند در کنار چند صفحه دست‌نویس بعنوان وصیتنامه که در آن یاران و همکارانش را به مردم کوفه تشبیه کرده بود!

بگذریم. و امّا سفیر تازه چه کسی بود؟ یک ژیگولوی کم مایه و سبک رفتار و از خود راضی که در سایهٔ برخی «ویژگیها» یکباره با جهشی تقریباً ده ساله سفیر شده بود، آنهم در جایی چون لندن که همواره جای نخست‌وزیران و وزیران امورخارجه و نامدارانی چون علی سهیلی و حسین علاء و تقی‌زاده و محسن رئیس و قدس نخعی و... بود.

آزار دهنده‌تر اینکه این تحفهٔ نطنز دست به کمر می‌زد و می‌گفت این دم و دستگاه و رولزرویس و سفارت در دربار سنت جیمز برای من جاذبه‌ای ندارد و تنها به خواهش آقای هویدا و... به اینجا آمده‌ام. براستی که نشاندن پرویز راجی بر این کرسی، دهن کجی آشکار به اساسنامه وزارت امورخارجه و همه دیپلماتهای استخواندار و مایه آزردگی و خشم کارمندان سفارت ایران در لندن بود. خوشبختانه ناگزیر نبودم رنج کار کردن با او را برای مدتی دراز تحمل کنم چون مأموریت من رو به پایان بود و مرکز با تمدید آن موافقت نکرده بود. برای به پایان رساندن دورهٔ فوق لیسانس در دانشگاه لندن نیز درخواست یک سال مرخصی بدون حقوق کردم که فقط با سه ماه موافقت شد.



***مذاکرات و پی‌گیری مسائل مربوط به جزایر تنب و ابوموسی نیز در سفارت ایران در لندن متمرکز بود و همین، برسنگینی کارها می‌افزود**

یکسال و نیم در تهران

پس از بازگشت به تهران در دبیرخانه وزیر امور خارجه و سپس در اداره همکاریهای فنی بین‌المللی به کار پرداختم تا موضوع دومین مأموریت در خارج پیش آمد. نخستین پیشنهاد از آقای مجد سفیر ایران در توکیو بود. ولی براساس مقررات، پس از مأموریت در یکی از کشورهای پیشرفته غربی می‌بایست به شرق بروم و ژاپن را کشوری همتراز کشورهای اروپای غربی به حساب می‌آوردند.

بنابراین با همه تلاشی که آقای مجد کرد، حکم مأموریت من در توکیو امضاء نشد. دومین پیشنهاد از آقای دکتر فریدون زند فرد سفیر در اسلام بود. هر چند به هیچ وجه دلم نمی‌خواست به پاکستان بروم ولی چون درباره نجابت و پاکدلی آقای دکتر زند فرد بسیار شنیده بودم و در گوش داشتن این پند که با «رئیس خوب به جهنم برو ولی با رئیس بد به بهشت نرو»، به پیشنهاد ایشان پاسخ مثبت دادم و کارگزینی هم حکم را صادر کرد. ولی چند روز بعد که در منزل خوابیده بودم، آقای دکتر صدریه زنگ زد و گفت باید بیایی بغداد پیش ما.

داستان را برایش تعریف کردم. گفت چهار پنج سال پیش هم که در رومانی بودم، لندن را به بوخارست ترجیح دادی ولی این بار هیچ عذر و بهانه‌ای را نمی‌پذیرم و خودم کارها را رو به راه می‌کنم. در آن روزها درگیر مهمترین آزمون در دوران خدمتم در وزارت امور خارجه بودم. برای ارتقاء از دبیر دومی به دبیر اولی می‌بایست در امتحانات کتبی و مصاحبه پذیرفته می شدیم.

آزمون کتبی را پشت سرگذاشته بودم ولی مرحلهٔ دلهره‌آور، مصاحبه بود که نمی‌دانستم مصاحبه کنندگان چه کسانی هستند، چه سلیقه و طرز فکری دارند و پرسشها در چه زمینه‌هایی خواهد بود. رایزنهای درجه دو نیز پس از درجا زدن سه ساله برای رسیدن به رایزنی درجه یک می‌بایست همین مراحل را بگذرانند. آزمون‌های زمستان ۱۳۵۶ آخرین آزمونهایی بود که پیش از انقلاب در وزارت امور خارجه برگزار شد و تا آنجا که می‌دانم پس از انقلاب هم چنین آزمونهایی درکار نبوده است.

دربارهٔ اهمیت این مصاحبه و سطح هیأت داوران هم به این نکته بسنده کنم که ریاست جلسه با مرحوم نصرالله انتظام بود و پرسشها را شادروان محمود فروغی مطرح می‌کرد که درباره شخصیت و مقام والای آنان نباید چیزی بگویم. به هر صورت پس از آزمون کتبی، مصاحبه را نیز بسیار خوب پشت سر گذاشتم و همراه با دوست عزیزم آقای فریدون مجلسی و خانم شهناز وخشورفر که امروزه کنتسی است در بلژیک، بهترین نمره‌ها را در میان دبیر دومها و رایزنان به‌دست آوردیم. به خاطر این موفقیت قرار شد یکسال ارشدیت به هر یک از ما بدهند که ندادند و سپس اعطای تقدیرنامه را نیز به خوردن قهوه‌ای با وزیر تقلیل دادند که دیگر موضوع را دنبال نکردیم.

روز بعد از مصاحبه، آقای دکتر عباس نیّری که او را نمی‌شناختم و نمی‌دانستم که از داوران بوده است تماس گرفت و گفت به عنوان سفیر عازم قاهره است و پیشنهاد کرد که به آنجا بروم. داستان آقایان صدریه و زندفرد را به او گفتم. پاسخ داد من خودم مسئله را با آنان حل می‌کنم و شما آمادهٔ آمدن به مصر باشید. به هر صورت، حرف آقای دکتر صدریه به کرسی نشست و نتیجهٔ آن سرسنگین شدن دو سفیر دیگر با من بود.

ادامه دارد

آغاز عملیات ساخت بزرگترین طرح پتروشیمی ایران



سرویس شهرستانها: متاسفانه تجربه تاریخی ایران از مدیریت منابع درآمدی نفت تجربه خوبی نیست زیرا در دورانی که وفور درآمدی منابع نفت را داشتیم، بدترین سیاستگذاری‌ها انجام گرفت که آثار سوء آن تا مدت‌ها گریبانگیر کشور است و مسائلی همچون تورم و زمینگیر کردن بخش خصوصی را به دنبال داشته است.

این مطلب را دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهوری دیروز درمراسم آغاز عملیات اجرایی پالایشگاه‌های میعانات گازی سیراف در استان بوشهر اعلام کرد و افزود: این یک ضعف در سیاستگذاری است که حتماً باید اصلاح شود و امیدوارم در دولت تدبیر و امید توانسته باشیم مدیریت صحیحی بر درآمدهای نفتی کشور حاکم کنیم.

او همچنین به درآمدهای نفتی در سال‌های گذشته و مقایسه آن با شرایط فعلی اشاره کرد و گفت: در سال ۹۰ میزان درآمد نفت و گاز کشور ۱۱۸ میلیارد دلار بود و اکنون این درآمد به کمتراز ۵۰ میلیارد دلار کاهش یافته است.

وی تاکید کرد: ما باید بتوانیم از این منابع محدود بهترین استفاده و بهره‌برداری را داشته باشیم و با مدیریت صحیح اقتصاد کشور را به حرکت درآوریم.

او از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به عنوان یک ظرفیت بسیار خوب برای توسعه اقتصاد کشور نام برد و گفت: متاسفانه برخی افراد درک صحیحی از این سیاست‌ها ندارند و گاهی آن را در حد درک خود تنزل می‌دهند و حتی دولت را نیز متهم می‌کنند که به این سیاست‌ها توجه نداشته است اما وقتی از آنان سؤال می‌کنیم که از نظر شما اقتصاد مقاومتی چیست، مسائلی را مطرح می‌کنند که حکایت از یک اقتصاد سنتی دارد.

جهانگیری با اشاره به این‌که طرح فراگیر پالایشی سیراف برای نخستین بار به دو امر مهم در اصل ۴۴ قانون اساسی تحقق بخشید، گفت: در این طرح هم شاهد واگذاری و هم شاهد مشارکت آحاد مردم در اقتصاد کشور هستیم.

پول‌ها چه شد؟

وی به اقدام‌های انجام گرفته در سال‌های گذشته با هدف اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی اشاره کرد و افزود: در سال‌های قبل، واگذاری‌ها به آن شیوه انجام شد و پولش را هم گرفتند و ما نمی‌دانیم این پول‌ها چه شد و هیچکس هم هیچ وقت رسیدگی نخواهد کرد.

معاون اول رئیس‌جمهوری اظهار داشت: بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از کارخانه‌های مهم در بخش‌های مختلف از جمله مخابرات، فولاد، پالایشگاه، نیروگاه و معادن مس را فروختند و امید است که پولش را در راه پیشرفت کشور هزینه کرده باشند.

وی ادامه داد: در طرح فراگیر پالایشی سیراف با تدابیر وزارت نفت به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده است که بخش خصوصی بتواند در این طرح سرمایه‌گذاری کند.

جهانگیری یکی دیگر از نکات مثبت و حائز اهمیت این طرح را مشارکت آحاد مردم در آن دانست و گفت: براساس برنامه‌ریزی‌های انجام گرفته باید ۳۵ درصد از این طرح پس از بهره برداری به مردم واگذار شود و این یک الزام و شرط ضمن عقد است که سرمایه‌گذاران متعهد هستند به آن عمل کنند.

*** مقابله با خام‌فروشی**

وی مقابله با خام فروشی و ایجاد ارزش افزوده را از ویژگی‌های طرح پالایشی سیراف دانست و گفت: علاوه بر این موضوع این طرح توسط بخش خصوصی اجرا خواهد شد و قرار است آحاد مردم نیز در آن مشارکت داشته باشند که همه این مسائل در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است.

معاون اول رئیس‌جمهوری در ادامه با بیان این‌که وزارت نفت به جهت مسائل مالی در شرایط دشواری قرار دارد، افزود: برخی سوء مدیریت‌ها و تصمیم‌های ناصحیح در گذشته باعث شد که امروز وزارت نفت برای تکمیل و اجرای پروژه‌ها با محدودیت جدی مواجه باشد که البته با تدابیر وزیر نفت اطمینان داریم که این مسائل برطرف خواهد شد.

وی یکی از کارهای مهم و خوب مهندس زنگنه را تمرکز بر فروش نفت از طریق شرکت نفت دانست و گفت: در این دوره به هیچکس و هیچ نهادی نفت برای فروش واگذار نشد و هرچه بوده مربوط به دوره گذشته است که نفت به نهاد و اشخاصی داده شد تا بفروشند که پول آن برنگشت.

او ادامه داد: دولت زمینه‌ساز حضور بخش خصوصی در میدان اقتصاد کشور است.

*** حل مشکلات پارس جنوبی**

معاون اول رئیس جمهوری از بخش‌های مختلف فاز ۱۹ پارس جنوبی هم دیدن کرد و با توضیحات وزیر نفت در جریان میزان پیشرفت فیزیکی، مشکلات و طرح توسعه این فاز قرار گرفت.

دکتر جهانگیری در سفر به عسلویه، پس از آغاز عملیات اجرایی طرح پالایشی سیراف، در جلسه‌ای با حضور مدیران، مجریان و پیمانکاران طرح‌های توسعه پارس جنوبی حضور یافت.معاون اول رئیس جمهوری در این جلسه با قدردانی از تلاش و خدمات مدیران، مجریان و پیمانکاران طرح‌های توسعه پارس جنوبی گفت: مهمترین پروژه‌های کشور در بخش نفت و گاز در پارس جنوبی وجود دارد و یکی از بخش‌هایی که در دوران تحریم متحمل فشار شد، همین پروژه‌هاست.

وی با اشاره به مشکلات مربوط به تکمیل و توسعه فازهای پارس جنوبی افزود: این اراده در دولت جدی است که باید راهکارهایی برای حل مشکلات فازهای پارس جنوبی پیدا کنیم.

او افزود: به زودی جلسه‌ای با حضور مسئولان شرکت نفت، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس هیات‌عامل صندوق توسعه ملی و دیگر مسئولین ذیربط برگزار و برای حل مشکلات پارس جنوبی و تامین مالی، راهکارهایی پیدا خواهیم کرد.وزیر نفت با اشاره به این‌که سیاست وزارت نفت جلوگیری خام‌فروشی نفت و میعانات گازی است گفت: با بهره‌برداری از طرح‌های پالایشی سیراف و سایر پالایشگاه‌های استفاده‌کننده از خوراک میعانات گازی، خام‌فروشی میعانات به پایان رسیده و همه این تولیدات به پروژه‌های داخلی اختصاص می‌یابد.بیژن نامدار زنگنه در این مراسم اظهار داشت: با ایجاد همه فازهای پارس جنوبی روزانه یک میلیون بشکه میعانات گازی در کشور تولید خواهد شد.

زنگنه اضافه کرد: قرار است ۳۰ تا ۳۵ درصد از سهام این پالایشگاه‌ها از طریق بورس به سرمایه‌گذاران خرد اختصاص پیدا کند که در صورت تخطی سرمایه‌گذاران از این تصمیم، میزان تخفیف خوراک آنها را کاهش خواهیم داد.

اظهارات سخنگوی قوه قضائیه درباره اخلال در سخنرانی رئیس جمهوری ،فوتبال، پدیده شاندیز و بازداشت معاون رئیس جمهوری سابق

سرویس خبر:سخنگوی قوه قضائیه با ابراز تاسف ازحادثه مسمومیت و مرگ شهروندان عربستانی در هتلی درمشهد اظهار داشت:درپی این حادثه تاکنون ۵ نفر بازداشت شده‌اند اما هیچ سرنخی مبنی بر عمدی بودن حادثه به دست نیامده است.در این زمینه بازپرس ویژه قتل اقدامات لازم را پیگیری کرده و نتایج آزمایش‌ها بزودی اعلام می‌شود.همچنین این هتل پلمب شده است.

حجت الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در هشتادمین نشست خبری خود با رسانه‌ها افزود: از هوا، آب و غذایی که این افراد استفاده کرده بودند، نمونه برداری شده واز دست اندکاران هتل نیز تحقیق شده است.دراین حادثه متأسفانه ۲۴ نفر مسموم شدندکه ۴ نفر از آنها فوت کردند و بقیه پس از معالجه مرخص شدند.

*** بازداشت بقایی**

سخنگوی‌قوه‌قضائیه‌گفت:حمید بقایی معاون رئیس‌جمهوری سابق پرونده اتهامی در قوه قضائیه داشت که بازپرس پرونده این فرد را برای بازجویی احضار کرد وپس از برگزاری جلسه بازپرس پرونده برای او قرار بازداشت صادر کرد امابه دلیل مسائل قانونی از بیان جزئیات اتهامی این فرد معذورم.

او افزود: ۵ نفر از افرادی که اقدامات ضدامنیتی و انقلابی در فضای مجازی داشتند دستگیر شدند و ۵ نفر دیگر هم در تهران و کرمان به واسطه ترویج فسادو فحشا بازداشت شدند.

وی گفت:فردی هم که با مدارک جعلی وبا سوء استفاده برای تحصیل پول، افرادی را به صورت غیر صحیح به هم مرتبط می‌کرد و مبلغ ۱۷۰ میلیون تومان کسب درآمد کرده بود به دلیل این سوءاستفاده بازداشت شد.

وی از رفع تصرف ۳۱هکتار از زمین‌های تصرف شده در استان البرز از دست متصرفان هم خبرداد.

سخنگوی قوه قضاییه درخصوص پرونده بنیادتعاون ناجا هم اظهارداشت: فرمانده سابق ناجا نسبت به موضوعاتی که در بنیاد تعاون ناجا گذشته بود، گزارشی داده و خواستار رسیدگی شده است که به دنبال بررسی موضوع فساد مالی آن ۶یا ۷ نفر بازداشت شدند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای با بیان این که پرونده بدهکار نفتی با عنوان محاربه به دادگاه نرفته است، افزود: یکی از اتهامات این بدهکار نفتی اخلال در نظام اقتصادی است، حال باید برای دادگاه محرز شود که آیا فساد فی‌الارض بوده یا نه. اگر قصد ضربه زدن به نظام را داشته، اعدام می‌شود و اگر چنین چیزی محرز نشود، ۵ تا ۲۰ سال زندان دارد.سخنگوی قوه قضائیه، ناجا را مسئول پیشگیری از بروز اخلال در برگزاری اجتماعات دانست و گفت: قوه قضائیه در صورت گزارش نیروی انتظامی به مساله ورود می‌کند.

*** فرار مالیاتی**

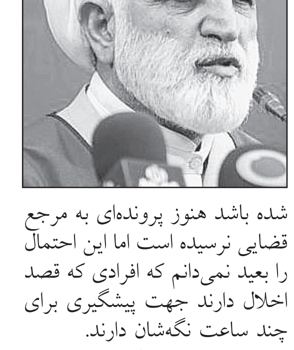
او درباره پرونده‌های فرار مالیاتی اظهار داشت: مردم انتظار دارند نظام مالیاتی به شکلی باشد که افرادی که به آنها مالیات‌های بالا تعلق می‌گیرد، مالیات خود را بپردازند چرا که کارگران و کارمندان به طور کامل پیش از دریافت حقوق خود مالیات را پرداخت می‌کنند.

سخنگوی دستگاه قضا در رابطه با وضع پرونده پدیده شاندیز گفت: دراین پرونده قرار شد یک عده از سهامداران در یک بازه زمانی پول خود را از پدیده شاندیز دریافت کنند و هنوز آن مدت پایان نیافته است. ضمن این که از ادامه فعالیت پدیده شاندیز جلوگیری نشده است.

وی درباره آخرین وضع پرونده برادران (ر) گفت: یک نفر در این پرونده با قرار وثیقه آزاد شده اما متاسفانه رسیدگی به این پرونده بسیار طولانی شده است.

سخنگوی قوه قضائیه در رابطه با پرونده یکی از مدیران فوتبالی، گفت: اگر منظورتان آقای «س» است پرونده این فرد با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شده است.

سخنگوی دستگاه قضا درباره اخلال در سخنرانی رئیس‌جمهوری در مرقد امام، گفت: از دادستان تهران و شهر ری در این خصوص سئوال کردم.اگر هم کسی دستگیر شده باشد هنوز پرونده‌ای به مرجع قضایی نرسیده است اما این احتمال را بعید نمی‌دانم که افرادی که قصد اخلال دارند جهت پیشگیری برای چند ساعت نگه‌شان دارند.



او افزود: انحلال موسسه میزان اعلام شده است و درباره این موسسه هیات تسویه گذاشته‌اند و مشغول هستند.

معاون اول قوه قضائیه گفت: پرونده ۲ موسسه بزرگ از این دست در این کارگروه در حال رسیدگی است و احتمال دارد انحلالشان بزودی اعلام شود.

۲ عامل شهادت مأمور انتظامی البرز به هلاکت رسیدند

کرج ـ فرمانده انتظامی استان البرز گفت:٤ عامل شهادت ستوانیکم جواد مرادی شناسایی شدند که ۲ تن از آنان در درگیری با پلیس کشته شدند و دو نفر دیگر به دام افتادند.

به گزارش ایرنا؛ ٤ سارق مسلح ۲۰ ماه گذشته در منطقه مشکین دشت شهرستان استان البرز هنگام تعقیب و گریز با شلیک گلوله ستوانیکم جواد مرادی از پرسنل اداره آگاهی فردیس را به شهادت رساندند و از صحنه گریختند.

سردار بخشعلی کامرانی صالح اظهار داشت: در پی شهادت ستوانیکم مرادی؛ عملیات پلیس برای شناسایی سارقان مسلح آغاز شد تا اینکه پس از مدتی پلیس توانست آنان را شناسایی کند.

او گفت: ۲ نفر از این افراد در خرم‌آباد لرستان در درگیری مسلحانه با پلیس کشته شدند و ۲نفر دیگر به دام افتادند که به استان البرز انتقال یافتند.

موانع سرمایه‌گذاری در برنامه ششم توسعه برداشته شده است

سرویس شهرستانها: معاون پارلمانی رئیس جمهوری گفت: در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، موانع سرمایه‌گذاری برای حضور بخش خصوصی برداشته شده است.

حجت الاسلام والمسلمین مجید انصاری دیروز در مراسم کلنگ‌زنی کارخانه ذوب آهن شهرستان رومشکان لرستان افزود: سال ۹۱ کل اعتبارات عمرانی کشور ۱۱۰ هزار میلیارد ریال و قیمت نفت ۱۰۴ دلار و صادرات روزانه نفت ۲ میلیون بشکه بود.

او منابع عمومی کشور را محدود دانست و گفت: پروژه‌های نیمه تمام زیادی از دولت قبل به این دولت به ارث رسیده و از طرفی کاهش صادرات نفت فشارهای مالی سنگینی به کشور وارد کرده است.

بهره‌برداری از آزاد راه حرم تا حرم تا ۴ سال آینده

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: وزیر راه و شهرسازی از بهره‌برداری آزادراه حرم تا حرم در ۴ سال آینده خبر داد و گفت: طرح بودجه فاز سوم نیز در حال بررسی است.

عباس آخوندی در حاشیه مراسم آغاز عملیات اجرایی آزادراه حرم تا حرم از محور مشهد، اظهار داشت: ۲۵۰۰ میلیارد تومان برآورد اجرای این بخش از آزادراه حرم تا حرم است.

آخوندی گفت: تردد ۱۷ میلیون خودرو در جاده‌های کشور سبب فرسودگی جاده‌ها شده و با پیش‌بینی انجام شده تا چند سال آینده بیش از ۵۰ میلیون خودرو در جاده‌های ایران تردد خواهند داشت، پس برای توسعه راه‌ها باید فکری جدی داشت و تنها به منابع دولتی متکی نبود.

***افتتاح مسجد امام خمینی(ره)**

همچنین با حضور وزیر راه و شهرسازی طرح عمرانی از جمله مسجد امام خمینی(ره) در بافت پیرامون حرم رضوی در زمینی به وسعت ۵۰۰ متر مربع و با ۱۴۵۰ متر مربع زیربنا با هزینه ۸۰ میلیارد ریال به بهره‌برداری رسید.پروژه بهاران با ۸۰ واحد مسکونی از پروژه‌های «طرح مسکن ثامن» نیز در سفر آخوندی به مشهد به بهره‌برداری رسید.

غرب در برابر کشتار مردم بیگناه بی تفاوت است

سرویس خبر: دبیر ستاد حقوق بشر در دیدار هیات پارلمانی اتحادیه اروپا گفت: غرب به اعدام قاچاقچیان درایران حساس، اما دربرابر کشتار مردم بیگناه توسط متحدانش بی تفاوت است.

محمدجواد لاریجانی ادامه داد: حساسیت اروپایی‌ها در خصوص بالا بودن نرخ اعدام در ایران و یا درباره چند پرونده خاص، اگرچه قابل احترام، اما بسیار تناقض‌آمیز و بحث برانگیز است. لاریجانی با اشاره به جریان‌های تروریستی، اظهار داشت: اروپا و غرب خود را داعیه دار حقوق بشر و مبارزه با تروریسم معرفی می‌کنند اما در عمل خطرناک‌ترین و خونریزترین تروریست‌های دنیا در پایتخت‌های اروپایی به راحتی رفت و آمد می‌کنند حال آنکه اسناد و مدارک مرتبط با ترور بیش از ۲۰ هزار انسان بیگناه توسط این گروهک تروریستی که در اروپا منزل کرده موجود است.

اعلام جزئیات حمله مسلحانه به جایگاه عرضه بنزین در کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات :جانشین فرماندهی انتظامی استان کرمان گفت: ۲ سارق مسلح که پس از سرقت یک خودرو وارد جایگاه پمپ بنزین شده و ضمن سرقت، با ایجاد رعب و وحشت از محل گریخته بودند، در عملیات ضربتی پلیس آگاهی کرمان دستگیر شدند.

سرهنگ عبدالرضا ناظری افزود: یک راننده ترانزیت محور «ایران ـ عراق» که ۳۶ سال سن دارد، به همراه یک جوان ۲۲ ساله دستگیرشدگان این عملیات هستند که متهم ردیف اول بارها با جرائم مرتبط با مشروبات الکلی دستگیر شده و متهم دوم نیز سابقه کیفری ندارد.

وی افزود: متهمان ابتدا با تهدید سلاح و استفاده از اسپری فلفل، راننده یک خودرو سمند را مجبور به ترک خودرو کردند سپس با خودرو سرقتی به سمت پمپ بنزین به راه افتادند.

او اضافه کرد: در این سرقت، راننده خودرو که یک خانم بود، هنگام توقف جلو منزل، در حالی که فرزند خردسالش داخل ماشین بود برای باز کردن در پارکینگ خودرو خود را در حالت روشن ترک کرده بود که این وضع فرصتی را برای سارقان مهیا کرد و آنان با چهره‌ای پوشانده، خودرو را ربودند.

وی ادامه داد: این سارقان که به سلاح شکاری مسلح بودند، با ورود به یکی از جایگاه‌های پمپ بنزین ضمن سرقت ۱۰ میلیون ریال پول نقد، با ۲ نفر از کارکنان جایگاه سوخت درگیر شدند و آنان را مجروح کردند.

ناظری انگیزه متهمان را زورگیری اعلام کرد و گفت: با به کارگیری اقدامات فنی و اطلاعاتی، یکی از متهمان در سیرجان شناسایی شد و پس از تعقیب فرد سیرجانی و دستگیری وی، همدستش نیز در کرمان شناسایی و دستگیر شد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:

- * موضوع پیام ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- * پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- * خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند .
- * چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

سئوالی در مورد تابلوی سهراب سپهری

در روزنامه اطلاعات اعلام شدکه تابلوی سهراب سپهری ۲میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان به فروش رفته است. من این تابلو را سال ۵۰ در راهروی ورودی استودیوی رادیو و تلویزیون ملی ایران دیدم، بنابراین این تابلو مال آن سازمان است. آیا این سازمان آن را فروخته است؟ چگونه شده که سازمان صدا و سیمای کشور دست به فروش این تابلو زده است؟

یک کارگردان

مصرف کم و تشویق صرفه‌جویی‌کنندگان

شرکت ملی گاز اعلام کرده است که ۱۵ درصد بر مبلغ گازمی‌افزاید. حداقل این شرکت برای کسانی که مصرف گازشان کم است بابت تشویق مبلغ آبونمان را کمتر حساب کند.

مشترک شرکت گاز

مشکلات مراجعان به بیمه آتیه‌سازان

ای کاش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی چند نفر از بی‌پناهان را که برای پول پرداختی به بیمه آتیه‌سان حافظ مراجعه می‌کنند، رصد کند تا ببیند چه بدبختی می‌کشند؟

یکی از مراجعان به بیمه آتیه

نگرانی از عاقبت صنعت سیمان کشور

در حالی که ایران از نظر تولید سیمان بعد از چین، هند و ترکیه رتبه چهارم جهان را دارد، متأسفانه به دلیل عدم توجه دولت، این صنعت دچار مشکلات جدی شده است به نحوی که بیشتر شرکت‌های سیمان در بورس، سقوط قیمت‌های شدیدی داشتند و خبری هم از افزایش بودجه عمرانی و افزایش ساخت و ساز در کشور نیست. لطفاً دولت دست از محافظه‌کاری و ملاحظه‌کاری بردارد و اجازه ندهد که این صنعت هم به سرنوشت نساجی دچار شود.

تماس با خط ارتباطی

۳۰ ثانیه برای معاینه!

در شهرستان بروجرد از استان لرستان برای ویزیت چشم به یکی از بیمارستان‌های تأمین اجتماعی مراجعه کردیم. دکتر مربوطه برای معاینه چشم فقط ۳۰ ثانیه وقت گذاشت. آیا این درست است؟

سید محمد کشفی از بروجرد

چه کسی این همه پول دارد؟

در روزنامه اطلاعات نوشته بودید که تابلوی سهراب سپهری به مبلغ ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان به فروش رسید. این تابلو به چه کسی به فروش رسیده است که تابلوی خانه‌اش ۲ میلیارد تومان است؟ پس قیمت خانه‌اش چقدر است؟ پس قیمت ماشینش چقدر است؟ آیا یارانه هم می‌گیرد؟

خوانندهٔ روزنامه اطلاعات

تفاوت و تبعیض تا کجا؟

عده‌ای تابلوهای میلیاردی برای خانه‌های خود می‌خرند، در خانه‌های میلیاردی می‌نشینند و بر ماشین‌های میلیاردی سوار می‌شوند، اما عده‌ای حقوق‌های یک میلیون تومانی می‌گیرند و زیر خط فقر زندگی می‌کنند! تفاوت طبقاتی و تبعیض از کجاست تا به کجا؟

تلفن به خط ارتباطی

سوال از دولت

با توجه به طرح جابجایی پایتخت که دولت با آن موافقت کرده است برای پر شدن پایتخت جدید آیا دیگر در روستاها جمعیتی باقی می‌ماند تا تهران جدیدی بسازیم؟

شهروندی از گیلان

جزئیات شهادت ۱۷۵ غواص

در روزنامه نوشته شده بود که کربلای ۴ باعث شهادت ۱۷۵ نفر غواص جوان شد،اما جزئیات آن و اینکه چگونه این ۱۷۵ غواص جوان به شهادت رسیدند چیزی نوشته نشده است. ای کاش این موضوع را با جزئیاتش شرح می‌دادید.

خواننده روزنامه اطلاعات

قیمت بالای اجاره بها

من یک دختر تنها هستم و در خانه‌ای اجاره‌ای زندگی می‌کنم. هر سال صاحب خانه‌ام مبلغی را بر اجاره من اضافه می‌کند. امسال نیز ۳۵۰ هزار تومان بر اجاره بها اضافه کرده است! آخر براساس چه معیاری اینقدر روی اجاره بها می‌کشند؟ چرا دولت فکری به حال آدم‌هایی نظیر من نمی‌کند؟

یک شهروند از تهران

صعود ناگهانی قیمت دارو!

کپسول پیازکولدینگ را در نسخه قبلی ۱۴ هزار تومان خریداری کردم در صورتی که در نسخه جدید آن را ۳۹ هزار تومان قیمت گذاشته‌اند آخر چرا رعایت حال مریض‌ها را نمی‌کنند و اینقدر یکباره همه چیز گران می‌شود؟

تماس با خط ارتباطی

آیا حبس برای فساد مالی کافیست؟

فساد مالی چه آسان شده است!؟ در روزنامه اطلاعات خواندم که ۱۰ نفر را به خاطر فساد مالی از یک تا ۱۰ سال به حبس محکوم کردند. ۱۰ سال پیش ۷۰ میلیون تومان وام گرفتم و از من بابت آن ۲۰۰ میلیون تومان پس گرفتند تازه ۲۰ میلیون تومان دیگرش هنوز باقی است که باید بپردازم.

یک هموطن

جبران خطای قاضیان خطا کار!؟

خبری که در آن اعلام شد ۴ قاضی خطا کار رد صلاحیت شدند خبری مبارک برای پاکسازی دادگستری است، اما کسانی به خاطر این قاضی‌های رد صلاحیت شده از هستی ساقط شدند چگونه جای بازگشت و جبران دارند؟

خواننده روزنامه اطلاعات

تیم پزشکی یا باند پزشکی؟

در بعضی از بیمارستان‌ها به علت تبانی، سفارش و زیرمیزی تیم‌های پزشکی به باندهای پزشکی تبدیل شده‌اند. از مسئولان تقاضا می‌شود آنها را پاکسازی کنند تا سلامت مردم به خطر نیفتد.

حسینی از اصفهان

چرا داروی نقرس نایاب است؟

قرص کُلشی‌سین (مداسین) که مصرف آن برای مبتلایان به بیماری نقرس ضرورت دارد، از مدتی قبل در داروخانه‌ها نایاب شده و این در حالی است که داروی یادشده تولید داخلی است.

از بیماران مبتلا به نقرس

یک نظر ادبیاتی

به نظر من تبدیل حمزه عربی به «ی» جایز نیست و نمی‌شود آن را به «ی» تبدیل کرد به‌ویژه در نام فامیل‌هایی که در شناسنامه اشخاص با حمزه نوشته شده است مَانند رضائیان و...

اکبر پیروزفر

عدم رضایت از بیمه آتیه‌سازان حافظ

چرا وقتی بیمه آتیه‌سازان حافظ پارسال عملکرد خوبی نداشت و امسال نیز بیمه ایران مجوزش را برای بستن قرارداد تایید نمی‌کند، وزارت آموزش و پرورش اصراری برای بستن قرارداد با بیمه تکمیلی طلایی فرهنگیان با بیمه آتیه‌سازان دارد؟ ما از این بیمه راضی نیستیم.

فرهنگی بازنشسته

یک پیشنهاد یارانه‌ای

پیشنهاد می‌کنم اگر یارانه عده‌ای قطع شد، به یارانه قشر ضعیف جامعه اضافه شود تا به چرخش پول در جامعه کمک شود، اینطور قدرت خرید قشر ضعیف بالا می‌رود و این به سود کسبه و بقیه اقشار جامعه هم هست.

شهروندی از قائمشهر

مشکلات تعاونی‌های روستایی

تقاضا می‌شود مطلبی نیز در مورد مشکلات شرکت‌های تعاونی روستاها نوشته شود

تماس با خط ارتباطی

کمک بشر دوستانه به جوانان خودمان

ای کاش کمک‌های بشردوستانه دولت شامل حال جوانان بی‌کار نیز می‌شد تا نیاز نباشد آنها به کشورهای دیگر مهاجرت کنند.

شهروندی از سنندج

تیم ملی فوتبال، امروز به تاشکند می‌رود

برنامه سفر شاگردان کارلوس کی‌روش به ازبکستان و ترکمنستان، برای انجام یک دیدار تدارکاتی و یک بازی رسمی در چارچوب مرحله انتخابی جام جهانی – ۲۰۱۸ روسیه، اعلام شد.
طبق اعلام مسئولان تیم ملی فوتبال ایران، برنامه تمرینی تیم ملی فوتبال ایران، برای دیدارهای تدارکاتی و رسمی با تیم‌های ملی ازبکستان و ترکمنستان به این شرح است:بازیکنان، مربیان و کادر همراه تیم ملی فوتبال ایران، ساعت ۱۱ صبح امروز، تهران را به مقصد تاشکند ترک می‌کنند تا پنجشنبه در دیداری تدارکاتی به مصاف ازبکستان بروند. تیم ملی فوتبال کشورمان، فردا یک جلسه تمرین کرده و بعدازظهر پس فردا، دیدار تدارکاتی با ازبکستان را برگزار خواهد کرد.
شاگردان کی‌روش، بعد از بازی تدارکاتی با ازبکستان، یکشنبه هفته آینده با پرواز مستقیم از تاشکند به شهر «داش‌آغوز» ترکمنستان می‌روند تا سه‌شنبه هفته آینده مقابل تیم ملی فوتبال این کشور بازی کنند.
ملی پوشان فوتبال کشورمان، جمعه ۲۲ خرداد ریکاوری می کنند و شنبه، یکشنبه و دوشنبه هفته آینده زیر نظر کادر فنی تمرین کرده تا سه‌شنبه به مصاف تیم ترکمنستان بروند.

ترکیب تیم ملی شمشیربازی بانوان در مسابقات قهرمانی آسیا

ترکیب نهایی تیم ملی شمشیربازی بانوان ایران، اعزامی به مسابقات قهرمانی آسیا – ۲۰۱۵ سنگاپور، مشخص شد.
کادر فنی تیم ملی شمشیربازی بانوان کشورمان، اسامی هفت شمشیرباز اعزامی به مسابقات قهرمانی آسیا را به این شرح اعلام کرد:نجمه سازنچیان، فائزه رفیعی، پریماه برزگر و کیانا باقرزاده در رشته سابر، مهسا پوررحمتی، اعظم بختی و سکینه نوری در رشته اپه و الهه قهرمانی، سروناز مرتضوی و نگین کافی در رشته فلوره، نفرات اعزامی به مسابقات شمشیربازی قهرمانی بانوان آسیا هستند.
این شمشیربازان، پس از برگزاری رقابت های انتخابی، مشخص شدند. پنجمین و آخرین اردوی تیم ملی شمشیربازی بانوان ایران، از ۲۲ خرداد و قبل از اعزام تیم به سنگاپور در تهران برپا می‌شود. مسابقات شمشیربازی قهرمانی آسیا، از ۴ تا ۹ تیر برگزار خواهد شد.

حضور ایران در مسابقات جهانی کشتی ساحلی

رقابت های کشتی ساحلی قهرمانی جهان در ۳ رده سنی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان، از ۲۲ تا ۲۶ خرداد در شهر مانگالیای کشور رومانی برگزار می‌شود.
تیم های ملی کشتی ساحلی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان ایران، برای حضور در این دوره از رقابت های جهانی، پس فردا راهی رومانی می‌شوند.اسامی نفرات اعزامی به این شرح است:

نوجوانان
۶۰ کیلوگرم: رضا رضی پور و به اضافه ۷۰ کیلوگرم: مهراب کریمی
جوانان
۶۰ کیلوگرم: علی محمدزاده، ۷۰ کیلوگرم: سامان رحمانی، ۸۰ کیلوگرم: ابوالضل آهوپا و به اضافه ۸۰ کیلوگرم: سید امیرحسین میربابا‌شاهی
بزرگسالان
۷۰ کیلوگرم: محمد نادری، ۸۰ کیلوگرم: میلاد مهدی زاده، ۹۰ کیلوگرم: سید محمد ساداتی و به اضافه ۹۰ کیلوگرم: جابر صادق زاده

آغاز مسابقات وزنه برداری قهرمانی جوانان جهان در لهستان

نخستین نماینده تیم ملی وزنه برداری جوانان ایران، امروز روی تخته مسابقات قهرمانی جهان می‌رود.
علی میری، نخستین وزنه بردار تیم ملی جوانان ایران است که در مسابقات قهرمانی جهان – ۲۰۱۵ ورکلای لهستان، وزنه می‌زند. او با رکورد ورودی ۳۳۵ کیلوگرم، بعد از«آندرانیک کاراپتیان» از ارمنستان که رکورد ورودی ۳۵۰ کیلوگرم را دارد در مکان دوم گروه A قرار گرفته و نخستین شانس کسب مدال، برای تیم چهار نفره ایران است.
نخستین نماینده تیم ملی وزنه برداری جوانان ایران، از ساعت ۱۹:۳۰ دقیقه امروز به وقت تهران، روی تخته مسابقات قهرمانی جهان می‌رود.

رقابت های انتخابی تیم‌های ملی کشتی؛ پس فردا در مشهد



رقابت های انتخابی تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی ایران، برای حضور در مسابقات جهانی – ۲۰۱۵ لاس‌وگاس آمریکا، آخر هفته جاری با حضور همه مدعیان پوشیدن دوبنده تیم ملی در شهر مشهد مقدس آغاز می‌شود.
رقابت‌های انتخابی تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی ایران، پنجشنبه و جمعه این هفته در حالی در تالار شهید بهشتی شهر مشهد مقدس برگزار خواهد شد که با تصمیم فدراسیون کشتی، همه نفرات شاخص و عنوان‌دار کشتی ایران، ملزم به حضور در این پیکارها هستند و برای پوشیدن دوبنده تیم ملی، باید در رقابت های انتخابی روی تشک بروند و پنجه در پنجه حریفان بیاندازند؛ قانونی که در سال های قبل، تحت تاثیر سلیقه‌های شخصی قرار گرفته است، گویا امسال رعایت خواهد شد و غایبان مسابقات انتخابی، جایی در تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی ایران نخواهند داشت.
فدراسیون کشتی، فعلا بر رعایت قانون یادشده، پافشاری و اصرار فراوان دارد. اما آنچه تاکنون و در ادوار قبل به آن عمل نشده، رعایت قانون انتخاب قطعی ملی پوشان، از دل مسابقات انتخابی است.حال باید منتظر ماند و دید که فدراسیون کشتی به این قانون خود نوشته، عمل خواهد کرد یا بازهم بین «حرف تا عمل»، فاصله قائل خواهد شد.
معافیت از حضور در دور نخست رقابت های انتخابی تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی، ارفاقی است که فدراسیون کشتی به قهرمانان و مدال آوران مسابقات جهانی و بازی های آسیایی داده است تا علاوه بر اینکه آنان را مجاب به حضور در رقابت های انتخابی می‌کند، از فشار بیش از حد بر کشتی گیران و مصدومیت احتمالی آنان بکاهد.
حضور همه معاصران شاخص کشتی ایران، روی تشک های انتخابی تیم های ملی، دیگر کشتی‌گیران را به این باور می‌رساند که در شرایطی برابر با عنوان‌داران کشتی به دوبنده تیم ملی خواهند رسید و این بار از امکانی برخوردار خواهند شد که در کارزار کشتی و نه در میدان شعار، توانایی‌های خود را به منصه ظهور بگذارند. هر چند که برخی از نامداران، هنوز هم سعی می کنند تا این قانون را دور بزنند. اما عزم فدراسیون کشتی، فعلا برای برخورد با این افراد و اجرای قانون، جدی است؛ تا بعد چه پیش آید و مسند نشینان فدراسیون، میلشان به که افتد.

شیوه برگزاری انتخابی

شیوه برگزاری رقابت های انتخابی تیم های ملی کشتی آزاد و فرنگی، برای حضور در پیکار های جهانی –۲۰۱۵ لاس وگاس آمریکا و مرحله نخست کسب سهمیه المپیک – ۲۰۱۶ برزیل، پس از برگزاری جلسه مشترک شورای فنی تیم های ملی کشتی آزاد و فرنگی، اعلام شد.
با توجه به حساسیت و سنگینی رقابت های انتخابی، دیدارهای دور نخست بدون حضور مدال آوران رقابت های جهانی – ۲۰۱۴ تاشکند و دارندگان مدال طلای بازی های آسیایی – ۲۰۱۴ کره جنوبی و به صورت یک حذفی برگزار می‌شود.
مدال آوران رقابت های جهانی، از دور دوم رقابت ها به عنوان قرعه آخر هر وزن و قهرمانان بازی های آسیایی به عنوان قرعه نخست هر وزن به صورت دوره ای با نفرات برتر دور اول مسابقات، مصاف می‌دهند. همچنین قاعده پیروزی در دو مسابقه از سه مسابقه، بین نفرات برتر این رقابت ها در هر وزن به قوت خود باقی است.
این مصوبه، شامل کشتی گیران دارای مدال جهانی تاشکند و مدال طلای بازی های آسیایی اینچئون در سال ۲۰۱۴ که در اوزانی خارج از اوزان خود (اوزان کسب مدال) در رقابت های انتخابی تیم ملی کشتی خواهند گرفت، نخواهد بود.
همچنین در اوزانی که کشتی‌گیران مدال دار رقابت های جهانی تاشکند و دارندگان مدال طلای بازی های آسیایی – ۲۰۱۴ اینچئون حضور ندارند، رقابت ها از آغاز به صورت دوره ای برگزار می شود.

شرایط عادلانه

شرایط عادلانه‌ای برای همه کشتی‌گیران در رقابت‌های انتخابی فراهم شده است و یک کشتی‌گیر نمی‌تواند، نظر خود را به فدراسیون کشتی تحمیل کند.
علیرضا رضایی، سخنگوی فدراسیون کشتی با بیان مطلب بالا، افزود : متاسفانه در ۲۰ سال اخیر در کشتی یا انتخابی تیم ملی وجود نداشته یا با اما و اگر بوده است. تبصره و صحبت‌های درگوشی و قرار با قهرمانان بوده است که این موضوع، لطمات زیادی بر پیکره کشتی ایران وارد کرده و باعث شده است که پشتوانه سازی در کشتی صورت نگیرد.
او گفت: پس از قانونمند شدن رقابت‌های انتخابی تیم ملی به این شیوه از رقابت های انتخابی رسیدیم که دو سال است به اجرا در می‌آید. البته فدراسیون کشتی، اذعان دارد که این مساله بدون ایراد نیست و درصدد اصلاح معایب آن هستیم. امسال نسبت به دو سال قبل، شاهد ایرادات کمتری هستیم و سعی شده است که همه موارد در نظر گرفته شود. وی در باره برخورد فدراسیون کشتی با غایبان رقابت‌های انتخابی تیم ملی، تصریح کرد: هیچ عذر و بهانه ای برای شرکت نکردن در رقابت‌های انتخابی تیم ملی پذیرفته نیست. البته درباره مشکلات منطقی و عذر موجه، بررسی لازم خواهد شد.
رضایی، تاکید کرد: مطمئن باشید، کشتی‌گیرانی که در انتخابی حضور پیدا نکنند، حضورشان در تیم ملی منتفی است.
او درباره دلیل برگزاری مسابقات در دو روز، گفت: ما باید کشتی را هر چه بیشتر جذاب کنیم. به جای اینکه رقابت‌ها، روی سه تشک برگزار شود و تمرکز تماشاگران حاضر در سالن و بینندگان تلویزیونی، برای دیدن این رقابت‌های بسیار مهم و جذاب بهم بخورد، رقابت‌ها را روی یک تشک برگزار خواهیم کرد. مسابقات فینال نیز در روز دوم برگزار می‌شود. البته این شرایط برای همه برابر است و فدراسیون کشتی بدنبال این نیست که برخی کشتی‌گیران در روز دوم، سنگین تر یا سبک تر باشند. همچنین مشخص نیست که چه کسانی فینالیست می‌شوند.
وی درباره هماهنگی‌های انجام شده مبنی بر تست دوپینگ از کشتی‌گیران حاضر در رقابت‌های انتخابی، تصریح کرد: قطعا از فینالیست‌ها اوزان مختلف، تست دوپینگ گرفته خواهد در حین مسابقات نیز به صورت رندوم، از کشتی‌گیران تست دوپینگ گرفته خواهد شد.
او با اشاره به قانون رقابت‌های انتخابی، افزود: اگر دو فینالیست در دیدارهای مقدماتی با هم روبرو شده باشند، نتیجه آن در انتخاب نفر برتر، مدنظر قرار خواهد گرفت.

محبی در کمیته فنی

اعضای شورای فنی و کمیته فنی کشتی آزاد در مرحله نهایی رقابت‌های انتخابی تیم های ملی کشتی، معرفی شدند.
مرحله نهایی رقابت های انتخابی تیم های ملی کشتی آزاد و فرنگی بزرگسالان در حالی برگزار خواهد شد که منصور برزگر، ابراهیم جوادی، علی بیات، عسکری محمدیان و سید جواد رفوگر به عنوان اعضای شورای فنی و محمد حسن محبی، مجید ترکان، محمد طلایی، علی اکبر دودانگه، امیر توکلیان و رضا لایق به عنوان اعضای کمیته فنی بر این دوره از رقابت ها، نظارت خواهند کرد.

ممانعت از پخش تلویزیونی مسابقات فوتبال در فصل آینده



۲۱ نفر از اعضای مجمع فدراسیون فوتبال، خواستار ممانعت از پخش تلویزیونی دیدارهای فصل آینده لیگ برتر، جام حذفی و مسابقات تیم ملی فوتبال ایران در صورت تسویه نکردن حساب صداوسیما شدند.
دیروز در مجمع فوق‌العاده فدراسیون فوتبال، ۲۱ نفر از اعضای این مجمع درخصوص حق پخش تلویزیونی رقابت‌های فوتبال، فوتسال و فوتبال ساحلی، خواستار ممانعت از پخش تلویزیونی رقابت‌های سال آتی در صورت تسویه نکردن حساب صداوسیما با فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ شدند.
اعضای مجمع فدراسیون فوتبال با امضای نامه ای درخواست کردند که اگر صداوسیما، حق پخش تلویزیونی رقابت‌های فصل قبل را به صورت کامل با فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ برتر تسویه نکند، فدراسیون مجوز ادامه همکاری درخصوص ضبط مسابقات را نخواهد داد.
اعضای مذکور همچنین اعلام کرده‌اند که فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ، تعاملات لازم را با مدیریت صداوسیما تا قبل از آغاز فصل آتی فوتبال کشور، داشته باشد.
پس از این درخواست، وزیر ورزش و جوانان با تاکید بر اینکه سازمان صداوسیما، موضوع حق پخش تلویزیونی رقابت‌های فوتبال را غیر قانونی می‌داند، تصریح کرد: باید راهکاری ارائه شود که قانونی باشد. ما اجازه واگذاری این کالا یا خدمات را نمی‌دهیم و در انحصار صداوسیماست؛ فقط مانع ورود عوامل این سازمان در ورزشگاه ها می شویم.
قرارداد حق پخش تلویزیونی رقابت‌های فوتبال، امضا شده است، ولی مدیریت جدید متعهد به انجام آن نیست. شاید بهانه آنان، محدودیت منابع مالی باشد.
این مجمع، فقط تفویض اختیار می کند تا رییس فدراسیون یا فرد دیگری، پیگیر حق پخش تلویزیونی شود. ضروری نیست که اعضای مجمع، وارد جزئیات شوند و فقط با تفویض اختیار به رییس یا هیات رییسه فدراسیون فوتبال، موضوع را پیگیری می کنند.

MSNبرنده جدال با BBC

مثلث هجومی بارسلونا، از همه نظر بهتر از مثلث هجومی رئال مادرید، عمل کرده است.
بسیاری از اخبار فوتبال اروپا در آغاز فصل به درخشش مثلث هجومی بارسلونا (مسی، نیمار و سوآرس) و مثلث هجومی رئال‌مادرید (رونالدو، بنزما و بیل) اختصاص داشت که به صورت اختصاری به MSN و BBC معروف شدند.
پس از بررسی آمار این بازیکنان در پایان فصل فوتبال اروپا، مشخص شد که مثلث هجومی بارسلونا، بهتر از همتایان خود در رئال مادرید عمل کرده اند. شرایط تا پایان سال ۲۰۱۴ به گونه‌ای بود که همه کارشناسان، مثلث تهاجمی رئال را برنده این جدال می‌دانستند، ولی با گذشت زمان و آغاز سال ۲۰۱۵، ورق به نفع مثلث تهاجمی بارسا، برگشت و هر چه از فصل فوتبالی اروپا می گذشت، برتری مثلث بارسا بر مثلث رئال، بیشتر نمود می‌یافت. البته قضاوت نهایی، فقط در پایان فصل میسر بود.
حال که فصل فوتبال در اروپا پایان یافته، برتری آشکار مثلث تهاجمی بارسا بر مثلث تهاجمی رئال، عیان شده است. ثبت ۱۲۲ گل در طول یک فصل، آماری است که هیچ مثلث تهاجمی به آن دست نیافته است. فقط تیم‌های رئال مادرید و بایرن مونیخ بودند که در رقابت‌های این فصل فوتبال اروپا، بیش از ۱۲۲ گل به ثمر رساندند.تفاوت های مثلث تهاجمی بارسا و رئال به این شرح است:



تعداد جام

مثلث بارسا در این فصل، سه جام بدست آورد؛ مثلث رئال، بدون جام ماند.

آمار گلزنی در لالیگا

رونالدو ۴۸ گل در ۳۵ بازی، بنزما ۱۵ گل در ۲۹ بازی، بیل ۱۳ گل در ۳۱ بازی.در مجموع ۷۶ گل در ۹۵ بازی. میانگین ۰٫۸ گل در هر بازی، برای مثلث رئال ثبت شد.
مسی ۴۳ گل در ۳۸ بازی، نیمار ۲۲ گل در ۳۳ بازی، سوآرس ۱۶ گل در ۲۷ بازی.در مجموع ۸۱ گل در ۹۸ بازی. میانگین ۰٫۸۲۶ گل در هر بازی، برای مثلث بارسا ثبت شد.

آمار گلزنی در لیگ قهرمانان اروپا

رونالدو ۱۰ گل ، بنزما ۷ گل، بیل ۲ گل
مسی ۱۰ گل، نیمار ۱۰ گل، سوآرس ۷ گل
در مجموع مثلث بارسا ۲۷ – ۱۹ برنده شد.

آمار گلزنی در همه رقابت‌ها

رونالدو ۶۱ گل در ۵۴ بازی، بنزما ۲۲ گل در ۴۶ بازی، بیل ۱۷ گل در ۴۸ بازی.در مجموع ۱۰۰ گل در ۱۴۸ بازی. میانگین ۰٫۶۷۵ گل در هر بازی.
مسی ۵۸ گل در ۵۷ بازی، نیمار ۳۹ گل در ۵۱ بازی، سوآرس ۲۵ گل در ۴۳ بازی. در مجموع ۱۲۲ گل در ۱۵۱ بازی، میانگین ۰٫۸۰۸ گل در هر بازی .

نهمین برد پیاپی برزیل، پس از جام جهانی

تیم ملی فوتبال برزیل در نهمین دیدار خود پس از جام جهانی بیستم به نهمین پیروزی دست یافت تا «دونگا»، روند ۱۰۰ درصدی برد را با این تیم حفظ کند.
تیم ملی فوتبال برزیل – که برای حضور در «کوپا آمه ریکا» یا جام ملت‌های آمریکای جنوبی آماده می‌شود – در دیداری دوستانه به مصاف تیم ملی فوتبال مکزیک رفت و با دو گل به پیروزی رسید.این نهمین مسابقه برزیلی ها، پس از جام جهانی – ۲۰۱۴ بود که با برتری آنان به پایان رسید. «فیلیپه کوتینیو» و «دیگو تاردلی»، گلزنان برزیل در این دیدار بودند.
برزیل در آخرین دیدار دوستانه خود، قبل از آغاز جام ملت‌های آمریکای جنوبی، مقابل ملی پوشان فوتبال هندوراس به میدان می رود.

کاهش ۳۰ درصدی ساخت و ساز در قلب پایتخت

سرویس سیاسی – اجتماعی: شهردار منطقه ۶ تهران از کاهش ۳۰ درصدی صدور پروانه ساخت خبر داد و دلیل آن را مشکلات اقتصادی سازندگان دانست.
به گزارش خبرنگار ما، عظیم بابایی در جمع خبرنگاران گفت: شهرداری به هیچ عنوان پروانه ای را خارج از طرح تفصیلی صادر نمی کند و مواردی که فراتر از طرح باشد به کمیسیون ماده ۵ می رود ولی به دلیل شرایط نامناسب اقتصادی، صدور پروانه در سال گذشته با ۴۰ درصد افت روبرو بوده وامسال هم نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۳۰ درصد کاهش در تقاضای صدور پروانه را شاهد هستیم که امیدواریم این مشکل رفع و زمینه های لازم برای نشاط اجتماعی فراهم شود.
وی همچنین با اشاره به بهره برداری از ۷۴ پروژه فرهنگی ، اجتماعی وعمرانی تا پایان هفته، افزود: با افتتاح این پروژه ها ۲۰ هزارمترمربع به فضای فرهنگی و ورزشی منطقه اضافه می شود که از جمله طرح ها می توان به افتتاح مجموعه جهان آرا، شهربانو، تجهیز سه سرای محله وصال شیرازی، جهاد و جنت ، مرمت و بازسازی ۱۸ هزارمترمربع فضای سبز به ویژه در بوستان های لاله و ساعی ، مرمت و بازسازی ۲۷ هزار مترمربع در سایر بوستان های منطقه ، مرمت و بازسازی بیش از ۲۵ هزارمترمربع پیاده سازی در ۲۳ نقطه منطقه اشاره کرد. بابایی با بیان این که این منطقه قلب تهران است که بیشتر مراکز دانشگاهی، درمانی و میادین مشهوردرآن وجود دارد ، تاکید کرد: جمعیت در این منطقه در شب حدود ۳۰۰ هزار نفر و در روز به دلیل کارکرد فرامنطقه ای و ملی به بیش از ۱٫۵ میلیون نفر افزایش پیدا می کند. وی با بیان این که موضوع توجه به نخبگان از جمله موضوع های مورد توجه شهردار تهران است، افزود: در این راستا منزل مرحوم اخوان ثالث را آماده سازی کرده ایم که به زودی افتتاح می شود. بابایی همچنین کمبود پارکینگ را یکی از معضلات منطقه اعلام کرد وگفت: ما سال گذشته اعلام کردیم که هرکس در تامین پارکینگ با ما همکاری کند ما هم در مقابل سعی می کنیم تا تخفیف های لازم را در نظر بگیریم اما استقبال چندانی از طرح ما نشد.

کاهش قیمت بلیت سینماها در ماه رمضان

سخنگوی شورای صنفی نمایش از کاهش قیمت بلیت سینماها همزمان با ماه مبارک رمضان خبر داد.
غلامرضا فرجی به ایسنا، گفت: در جلسه امروز دوشنبه ۱۸ خردادماه شورای صنفی نمایش، مقرر شد تخفیف ویژه‌ای برای بلیت سینماها در ماه رمضان تعریف شود که براساس آن قیمت بلیت در سینماهای مدرن و ممتاز ۲۰۰۰ تومان و در سینماهای درجه یک ۱۰۰۰ تومان کاهش خواهد داشت. وی اضافه کرد: قیمت بلیت سینما در شهرستان‌ها را نیز اداره کل سینمایی تعیین می‌کند.
فرجی درباره دیگر مصوبات جلسه امروز توضیح داد: قرارداد فیلم «عصر یخبندان» در گروه استقلال ثبت شد و این فیلم بعد از فیلم «اسب سفید پادشاه» اکران خود را آغاز می‌کند. وی همچنین متذکر شد: قرار است فیلم‌هایی که در ماه رمضان اکران می‌شوند، سه هفته از اکرانشان در محاسبه کف فروش لحاظ نشود.
به گفته او در حال حاضر اکران دو فیلم «گینس» کار محسن تنابنده و «عصر یخبندان» به کارگردانی مصطفی کیایی در ماه رمضان قطعی شده است.
سخنگوی شورای صنفی نمایش افزود: شهرهایی که مجهز به سیستم مکانیزه فروش بلیت هستند، توسط سینماشهر مکلف‌اند نسبت به فروش مکانیزه بلیت اقدام کنند.
غلامرضا فرجی در پایان در پاسخ به این پرسش که با توجه به مجوزی که نیروی انتظامی برای اجرای طرح از افطار تا سحر (که به موجب آن فیلم‌های سینمایی از افطار تا سحر) نیز روی پرده می‌ماند چه برنامه‌ای دارید تا استقبال مخاطبان در ماه رمضان از سینما کاهش پیدا نکند، توضیح داد: براساس این مجوز شورای صنفی سریعا بلیت تخفیف‌دار ارائه کرد تا امسال شاهد استقبال خوب تماشاگران از فیلم‌های سینمایی باشیم.

واکنش وزیر بهداشت درباره مسمومیت مرگ زائران عربستانی در مشهد

وزیر بهداشت در خصوص بررسی های این وزارتخانه پیرامون علت مرگ چند زائر عربستانی در مشهد گفت: بر اساس گزارش آزمایشگاه سم شناسی دانشگاه علوم پزشکی مشهد مسمومیت با سم دلیل مرگ زائران عربستانی بوده است و هر مسمومیتی از نظر پزشکی ممکن است عمدی باشد مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.
دکتر هاشمی در جمع خبرنگاران اظهار داشت: گروهی از زائران عربستانی در یکی از هتل های مشهد با بروز نشانه های مسمومیت به یکی از بیمارستان‌ها منتقل شده بودند که نظر به بروز علایم مشابه، بلافاصله با پیگیری و اقدام سریع دانشگاه علوم پزشکی افراد بیمار مورد بررسی قرار گرفته و علائم آنها به دقت مورد آزمایش قرار گرفت. وی افزود: در همین زمینه با توجه به بهره مندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد از آزمایشگاه مجهز سم شناسی و با پیش بینی علت مسمومیت در این افراد، نمونه خون این بیماران مورد آزمایش قرار گرفت و علایم مسمومیت با سم در خون آنها مشاهده شد. دکتر هاشمی یادآور شد: همزمان با این اقدام بررسی های دقیق تر از اتاق محل استقرار این افراد در یکی از هتل های مشهد و تمامی مواد غذایی مورد استفاده شده صورت گرفت، همچنین احتمال ابتلا به ابولا و ویروس کرونا در این بیماران عربستانی به دلیل شیوع آن در عربستان نیز بررسی شد. وی گفت: متاسفانه ۴ نفر از این گروه فوت شده ، ۳ نفر سرپایی درمان شدند ، یک نفر در حال حاضر وضعیت عمومی مساعدی ندارد و در بخش مراقبت های ویژه است و تعداد ۲۹ نفر دیگر نیز در بیمارستان بستری هستندکه حال عمومی آنها خوب است. دکتر هاشمی اظهار داشت: بر اساس بررسی های صورت گرفته وزارت بهداشت در خصوص علل بروز این نوع مسمومیت، استفاده از نوعی سم که در اتاق های این مسافران استفاده شده بوده و در اثر استنشاق در فضای در بسته موجب بروز مسمومیت شده است را تاکنون گزارش کرده است. وی تاکید کرد: در خصوص اینکه این اتفاق به صورت سهوی اتفاق افتاده یا عمدی بوده است، باید دستگاه های مربوطه سریعا بررسی کرده و نظر خود را اعلام کنند ، همچنین اعلام نظر دقیق و بررسی به موقع موجب جلوگیری از نشر شایعات در جامعه خواهد شد. دکتر هاشمی همچنین عنوان کرد: هر مسمومیتی از نظر پزشکی ممکن است عمدی باشد مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. دکتر هاشمی اطمینان خاطر داد: آنچه که مربوط به وزارت بهداشت بوده شامل انجام آزمایشات تا اقدامات درمانی به موقع در اسرع وقت صورت گرفته است و نظر به حساسیت موضوع به نظر می رسد جامعه نیز انتظار دارد که با مقصران این حادثه برخورد شدید صورت بگیرد.

ابراز تمایل ۱۰۰ پیمانکار بزرگ دنیا برای مشارکت در طرح های صنعتی ایران

نخستین نمایشگاه بین‌المللی پیمانکاران خارجی در ایران بدون حضور شرکت های داخلی تحت عنوان نمایشگاه پروژه ایران از دیروز با موضوع صنایع ساختمانی و راه و شهرسازی، انرژی و صنایع تهویه در تهران برگزار شده است.
به گزارش خبرنگار ما، در این نمایشگاه ۱۰۰ شرکت تولیدی و پیمانکاری از کشورهای آلمان، ایتالیا، فرانسه، اتریش، رومانی، روسیه، اسپانیا، بلژیک، امارات متحده عربی، چین، کره جنوبی، ترکیه، جمهوری چک، لوکزامبورگ و هندآخرین دستاوردهای خود را در زمینه ساخت و سازهای شهری، تونل سازی، سد سازی، تجهیزات نیروگاهی و انرژی های نو و تجدید پذیر، تجهیزات حفاظت از محیط زیست، تجهیزات صنایع نفت و گاز و مصالح ساختمانی، فناوری سرمایش و تهویه با هدف سرمایه گذاری و اجرای طرح های مشترک با طرف های ایرانی عرضه کرده‌اند.حامد مظاهریان معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی اهمیت برپایی این نمایشگاه را در اشتیاق طرف های خارجی برای حضور در بازار بزرگ و رو به توسعه ایران قلمداد کرد و گفت: بسیاری از شرکت های حاضر در این نمایشگاه تمایل زیادی برای شناخت و حضور در بازار ایران دارند.
وی برگزاری این نمایشگاه را یکی از نشانه های شکسته شدن تحریم‌های یکجانبه‌غربی ها‌علیه‌جمهوری‌اسلامی ایران دانست .

ترحیم

بازگشت همه به سوی اوست



با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور شادروان **حاج میرطاهر طیبی**، بزرگ خاندان، حامی شریعت، خادم ملت و ارادتمند اباعبدالله الحسین(ع) را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان، آشنایان و همشهریان محترم می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ختم زنانه و مردانه در روز پنج‌شنبه ۱۳۹۴/۳/۲۱ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد. حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.

خانواده‌های: طیبی ـ جلفایی قدیم ـ حریری ـ شناسی ـ شفیع‌زادگان ـ عبدالرزاق‌زاده ـ اقدسی ـ دادرس ـ شبستری ـ مصطفوی ـ صوفی ـ محمد علیزاده و سایر وابستگان و آشنایان.

هوالباقی

با نهایت تأسف و تأثر و عرض تسلیت، درگذشت بزرگ مرد خاندان محترم طیبی **آقای حاج میرطاهر طیبی** را به اطلاع می‌رساند.

مجلس ترحیم آن بزرگوار در روز پنجشنبه ۱۳۹۴/۳/۲۱ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.

حضور شما سروران گرامی و همشهریان عزیز باعث شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.

علی‌اکبر دادرس و خانواده

اوست پایدار

بانهایت غم و تأسف **سرکار خانم دکتر مهین امامی تبریزی** همسر، مادر و خواهرمان به رحمت حق پیوست.

روز چهارشنبه ۹۴/۳/۲۰ از ساعت ۱۶ تا ۱۷/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب ـ خیابان حسن سیف ـ به سوگ خواهیم نشست.

دکتر سعید آل آقا ـ دکتر نیما آل آقا ـ دکتر الهه حسنی ـ دکتر بهمن امامی ـ مهناز امامی ـ مهندس بهرام امامی ـ علی امامی ـ بیژن امامی ـ رضا امامی

خانواده‌های: آل آقا ـ خیرخواه ـ لاریجانی ـ حسنی ـ اسعد ـ حسینیون ـ فتحی ـ وایت ـ پاک‌سرشت ـ سیدی ـ امامی تبریزی ـ مجتهدی ـ جوادی ـ شاهیده و سایر خانواده‌های وابسته

یاد بود

جناب آقای ابراهیم نفیسی بازرگان خوشنام فرش ایران و بزرگ خاندان در آمریکا به دیدار حق شتافت.

آئین نکوداشت آن شادروان روز جمعه ۲۲ خرداد از ساعت ۱۱/۱۵ تا ۱۲/۴۵ صبح در مسجد الرضا(ع) واقع در میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

حضور دوستان و همکاران موجب شادی روح آن درگذشته و سپاس خویشاوندان و بازماندگان ایشان خواهد بود.

خانواده‌های: نفیسی ـ خانلری ـ گلسرخی ـ رادمهر ـ مخلص الائمه ـ اطمینان راد ـ اردهالی و سایر بستگان

هوالباقی

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت مرحوم **آقای محمدباقر مستوفی افشار** را در خارج از کشور به اطلاع می‌رسانیم. خدمت همسر گرامی ایشان و فرزندان عزیزشان تسلیت عرض می‌نماییم.

مسعود زریو و بانو

انا لله و انا الیه راجعون

با قلبی آکنده از اندوه و تأثر درگذشت بانوی متقّی و پرهیزگار شادروان **حاجیه خانم سیده نرجس امامی گیلانی لنگرودی (بزرگ خاندان امامی)** و همسر جناب آقای محمدحسین دواچی لنگرودی را به اطلاع کلیه اقوام و آشنایان و همشهریان محترم می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ترحیم آن مرحومه در روز پنجشنبه مورخه ۹۴/۳/۲۱ ـ از ساعت ۶/۳۰ تا ۸ بعدازظهر در مسجد النبی(ص) واقع در انتهای خیابان امیرآباد شمالی ـ مقابل کوی دانشگاه برگزار می‌گردد. تشریف‌فرمایی شما سروران ارجمند موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.

خانواده‌های عزادار: امامی لنگرودی ـ دواچی لنگرودی و کلیه وابستگان.

بازگشت همه بسوی اوست

با کمال تأسف و تأثر درگذشت شادروان **جناب آقای دکتر علیرضا امیری قراگزلو** را به اطلاع اقوام، دوستان و همکاران محترم می‌رساند. مجلس ترحیم آن شادروان روز جمعه ۹۴/۳/۲۲ از ساعت ۵ تا ۷ بعدازظهر در هتل استقلال برگزار می‌گردد.

خاندان امیری قراگزلو ـ کیکاووسی ـ نواب ـ یغمایی ـ صمصام بختیاری و سایر خانواده‌های وابسته

بازگشت همه بسوی اوست

درگذشت **جناب آقای دکتر علیرضا امیری قراگزلو** بنیانگذار آزمایشگاه مرکزی پاتوبیولوژی، استاد گرانقدر دانشگاه تهران ـ دانشکده بهداشت که وجود پربرکتشان صرف خدمت به علم و دانش و بهبود علوم آزمایشگاهی گردید را به استحضار کلیه هموطنان و دوستداران علم و دانش می‌رساند.

بزرگداشت آن مرحوم روز جمعه ۲۲ خردادماه ۱۳۹۴ در هتل استقلال (هیلتون سابق) از ساعت ۵ تا ۷ بعدازظهر برگزار خواهد شد. حضورتان را سپاس می‌گذاریم.

هیئت مدیره و همکاران آزمایشگاه مرکزی پاتوبیولوژی

بازگشت همه بسوی اوست

درگذشت **جناب آقای دکتر علیرضا امیری قراگزلو**، همکار عزیزمان و بنیانگذار آزمایشگاه مرکزی پاتوبیولوژی را به استحضار همکاران و دوستداران می‌رساند.

بزرگداشت آن مرحوم روز جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۹۴ از ساعت ۵ تا ۷ بعدازظهر در هتل استقلال (هیلتون سابق) برگزار خواهد شد.

دکتر سید مهدی مقیمی ـ فریده کاوش ـ دکتر یدالله ظفری ـ دکتر محمد گروگان ـ دکتر بتول هدایتی ـ دکتر مریم عسگرپور ـ دکتر فرنگیس شریعت ـ دکتر ملیحه خدامی ـ دکتر یاسمن خادمی ـ دکتر افسانه بقایی ـ دکتر علی شهسواری ـ دکتر علیرضا کروریان ـ دکتر کتایون رحمت آبادی ـ دکتر سیامک شریعت ـ دکتر شهرام ثابتی ـ دکتر زهره علوی ـ دکتر نازیلا رستگارراد ـ دکتر سهیلا سرمدی

آزمایشگاه مرکزی پاتوبیولوژی

یادبود

با یاد استاد فقید دکتر ناهید پیشوا

در این باغ سروی نیابد بلند
که باد اجل بیخش از بن نکند

خرداد ماه یکهزار و سیصد و نود چهار شمسی، هجدهمین بهار در گذشت یار عزیز سفر کرده‌مان شادروان **دکتر ناهید پیشوا (بهادری)** استاد دانشمند گروه آسیب شناسی دانشگاه علوم پزشکی تهران است. همانند سالهای گذشته یاد این بانوی دانشمند گرانقدر مردم دوست، همسر گرامی، مادر دلسوز و باگذشت، خواهر مهربان، پزشک و معلم متعهد را ارج می‌نهیم و به روانش درود می‌فرستیم.

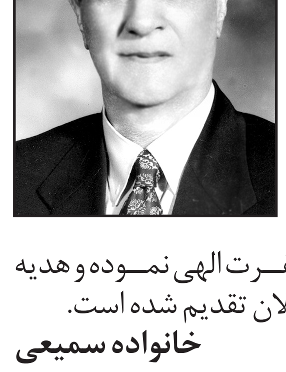
دکتر مسلم بهادری ـ منوچهر پیشوا ـ فرزندان

شعله‌ای خاموش گشت و خانه‌ای بی‌نور شد
گوهر ارزنده‌ای پنهان به خاک گور شد
مادری شایسته از این عالم ناپایدار
چشم خود بست و از چشم عزیزان دور شد

با نهایت تأسف و تأثر اولین سالگرد غروب ستاره پرمهر زندگیمان، مادر نازنینمان مرحومه **خانم مهرانور (زهرا) معینی** را در روز بیستم خرداد گرامی می‌داریم یاد و خاطره‌اش همیشه در قلب ماست.

فرزندان: زهره ـ ویدا و مهندس علی پور آقاباقر

اسرار اجل را نه تو دانی و نه من
وین حل معما نه تو خوانی و نه من
هست از پس پرده گفتگوی من و تو
چون پرده برافتد نه تومانی و نه من

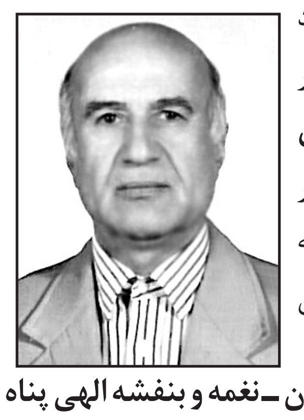


در خرداد ۱۳۹۴ دومین سالگرد درگذشت همسر و پدر عزیزمان شادروان **جناب آقای جعفر سمیعی** را که عمری را با صداقت در عرصه خدمت به حق و حقوق انسانی و اجتماعی و هدایت خانواده سپری نمود گرامی می‌داریم. برای آرامش روح آن مرحوم آرزوی مغفرت الهی نموده و هدیه نقدی نیز به انجمن روشندلان تقدیم شده است.

خانواده سمیعی

به نام آرام بخش دلها

روزها رفت ولی یاد تو کمرنگ نشد
سال‌ها رفت و دل ساده‌ی من سنگ نشد
ذهن من بستر صد خاطره با یاد تو بود
نامت از صفحه‌ی این خاطره کمرنگ نشد



در سومین سالگرد جاودانگی همسر و پدر نازنینمان **آقای مهندس سیف‌اله الهی پناه** برسر مزارش در روز پنجشنبه یاد و خاطرش را گرامی می‌داریم.

سودابه باقریان ـ نغمه و بنفشه الهی پناه

تسلیت

جناب آقای دکتر سعید آل آقا
رئیس محترم هیئت مدیره انتشارات خوارزمی

درگذشت همسر گرامی حضرتعالی، **خانم دکتر مهین امامی**، موجب تأثر و تأسف عمیق دوستان و ارادتمندان شما در انتشارات خوارزمی گردید با آرزوی صبوری برای شما و خانواده محترم امید است همدلی و همدردی و تسلیت صمیمانه ما را بپذیرید.

انتشارات خوارزمی

جناب آقای دکتر نصر آزادانی
مقام محترم معاونت ساخت و توسعه راه‌آهن، بنادر و فرودگاه‌ها

با ابراز تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

شرکت راهسازی ایران

مدیرعامل محترم شرکت مهندسی و توسعه نفت
جناب آقای مهندس حسین‌نژاد

با نهایت تأسف مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، سلامتی جنابعالی و خانواده محترم را از خداوند متعال آرزو داریم.

مدیرعامل و هیأت مدیره شرکت ناورود

پیام تسلیت جمعی از اعضای سابق دفتر تحکیم وحدت به مناسبت درگذشت دکتر امیر معتمدی

انا لله و انا الیه راجعون

دکتر امیر معتمدی رفت! این جمله کافیست، تا بسیاری از فعالان امروز و دیروز انجمن های اسلامی دانشجویان را در بهت و حیرت فرو برد.

امیر معتمدی رفت تا تلنگری باشد برای همه ما جوانان و غیر جوانان، که باید از این دنیای فانی به عالم باقی هجرت کنیم و چه نیکوست ما نیز چون امیر معتمدی خوش نام برویم.

اتاق‌های انجمن اسلامی دانشکده‌های دانشگاه تهران، به خوبی از نیک خلقی‌ها و از سلامت سیاسی و رفتاری امیر حکایت دارند. فعالان سابق انجمن‌های اسلامی، این روزها ذکر خیر خصایل نیکوی او را دارند.

خاطرات بچه‌های تحکیمی یکبار دیگر زنده شد و از ایمان و خلوص مثال زدنی امیر معتمدی حکایت‌ها دارند.

امیر، وارث پاک پدر شهیدش بود. او به خوبی راه متعالی این شهید هفتم تیر را در تداوم خط امام و مسیر اصلاح طلبی جستجو کرد و هیچ گاه از اعتقادات و باورهای دینی خود پای به عقب ننهاد.

امیر معتمدی، نمونه‌ای فاخر از تربیت شدگان انجمن‌های اسلامی دانشجویان بود که در مسیر آرمان‌های امام و انقلاب و مطالبات ملت صادق ماند و در جوانی در همین مسیر و در هنگامه نماز و ارتباط با معبود یکتا دار فانی را وداع گفت.

ما به عنوان جمعی از اعضاء سابق دفتر تحکیم وحدت و انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور، این مصیبت را به مادر گرانقدرش سرکار خانم دکتر اشرف بروجردی و همچنین برادران ارجمندش آقایان دکتر بشیر معتمدی و حسین حمدیه و همسر بزرگوارش سرکار خانم دکتر عباسی‌نژاد که از فعالان همین عرصه هستند، تسلیت گفته و از درگاه پروردگار برای ایشان صبر و اجر و برای روح امیر و پدر شهیدش، رحمت و رضوان الهی مسئلت داریم.

فاطمه آرام نژاد، زهره آقاجری، هدایت اله آقایی، مهرداد آگاهی، علی آمره، بهروز ابراهیمی، فرهاد ابوالفتحی، اسماعیل احمدی، حسین احمدی، مرتضی احمدی، امین احمدیان، علی احمدی نژاد، بهروز اسدنژاد، ابراهیم اسکافی، ابراهیم اصغرزاده، علی اصغر افتاده، اکبر افتخاری، امیر اقتناعی، بهرام الماسی، سعید اله بداشتی، رضا الهیاری، امید امانی، میثم امانی، علی امیدی نیا، مهدی امینی زاده، روح اله اوحدی، مصیب ایراندوست، علیرضا بابایی، علی باخرد، محمدرضا بزمشاهی، ناصر براتی، ایمان براتیان، عباس بزرگمهر، محسن بشمه، امیرحسین بلالی، مجتبی بیات، مهرداد پورمهران، شهاب پورقاسمی، محمدحسین پیروزی، علی تاجرنیا، مرتضی تحققی، فتانه تقی یاره، سمیه توحیدلو، زهرا توحیدی، مجتبی توسل، علی توکلی، کاوه ثروتی، خدیجه جدا، مرضیه جدا، علیرضا جلالی، مهدی جمارانی، علی جمالی، حمید چوبینه، سیاوش حاتم، امیر حاجی، مجید حاجی بابایی، علی حاجی کتابی، مصطفی حبیب اله زاده، محمد حبیبی، جواد حجتی، رضا حجتی، مهدی حسین نژاد، سیدحسن حسینی، محمد حسینی، مهدی حقایقی، فاطمه حقیقت جو، مهدی حمیدی، محمد حیدرزاده، فخرالدین حیدریان، جهانبخش خانجانی، آرش خاندل، مصطفی خسروی، خضر خلیلی، رامین خواجه نصیر، علیرضا خوشبخت، علیرضا خوش قلب، رضا دادجو، احسان داوری، داوود دشتبانی، حسن دقیق، مسعود ذهبیون، حسین رجب پور، بهرام رحمانی، کامران رحیمی، حسن رنجبر، مهدی رضاحسینی، حسن رئیسیان، نفیسه زارع کهن، محمد زارعی، نرگس زمردی، علی زیرک، سیدمجتبی سادات، مرتضی سالمی، تارا سپهری فر، محمود سعیدزاده، رضا سلیمان نوری، داوود سلیمانی، علی سمیعی زاده، شمس الدین سیاسی راد، علیرضا سیاسی راد، بهروز شاهرخ نیا، امیررضا شجاعی مقدم، حامد شجاعی، حجت اله شریفی، علی شکوری راد، عباس شکوهمند، روح اله شهیدی پور، ابراهیم شیخ، صابر شیخلو، بهمن شیردل، مهدی شیرزاد، محمد صادقی، بهمن صالحی، سمیرا صدری، سینا صفایی، علی محمد صفری، یحیی صفی آریان، احمد طالبی، بهزاد طالبی، نرگس عابدین زاده، وحید عابدینی، رضا عباسپور، عباس عبدی، فاضل عبیات، داریوش عربی، بهزاد عزیزی، علی عزیزی، قاسم عطایی عظیمی، روح اله عظیمی، جواد علایی، محمدباقر علایی، ابوالحسن علی قارداشی، عبدالرسول عمادی، حمزه غالبی، ساسان غفاری، محمدحسین غیاثی، مهدی فخرزاده، احمد فرجی، علی فرخی، سیدکاظم فرهنگ، مجتبی فتحی، مجید فراهانی، آرتا فرهودی، بهرام فیاضی، وحید قبادی دانا، علی قاسمی، پدرام قدرتی، علی قلیزاده، محمود قمشال، میثم قهوه چیان، بابک قیاسی، داوود کامگار، مهدی کاملان، هادی کحال زاده، داوود کرمی، علیرضا کفشکنان، علی کیوانلو، مهدیه گلرو، منوچهر گودرزی، نوید لطیفی، مجید لگزیان، امیر ملکی، حمیدرضا مالکی، میرصادق محمدی، محسن محمدی، حسین محمدیان، مهدی محمودی، احمد مدادی، محمود مرتضایی فرد، حمید مردانی، فرهاد مردانی، پژمان مظفری، علی مقیمی، حمیدرضا ملکی، علی‌اکبر موسوی خوئینی، مهدی موسوی، حسن موسوی نژاد، عبداله مومنی، عفت میرمومنی، مهدی نادمی، مجتبی نجفی، مسعود نجیمی، امین نظری، محمد نظری، سعید نعیمی، حسین نقاشی، جواد نوروزی، قاسم نوروزی، علی نیکونسبتی، میثم وره چهر، فرید هاشمی، محمد هاشمی، رضا یوسفیان

خانواده محترم دکتر ابوالقاسم امشه‌ای
استاد فرهیخته دانشگاه تهران

با عرض تسلیت درگذشت غم‌انگیز دوست عزیزمان **جناب آقای دکتر ابوالقاسم امشه‌ای** باعث تأسف و تأثر خاطرمان گردید. یادش گرامی باد

دکتر جلیلی ـ دکتر عامری ـ دکتر ثقفی

جناب آقای دکتر سیدحسن فاضلی عطار

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت خواهر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزدمنان برای آن مرحومه مغفرت و علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت می‌نماییم.

هیأت مدیره شرکت سهامی خاص پارت کلینیک

جناب آقای سیدامیرمهدی فاضلی عطار

بدینوسیله مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن عزیز از دست رفته غفران و برای بازماندگان صبر جمیل مسئلت می‌نماییم.

هیأت مدیره شرکت سهامی خاص پارت کلینیک

جناب آقای دکتر سیدحسن فاضلی عطار
جناب آقای سید امیرمهدی فاضلی عطار

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده و آرزو داریم که وسعت صبر خانواده‌ی آن مرحومه به اندازه‌ی دریای غمشان باشد.

پزشکان و کارکنان درمانگاه، رادیولوژی و آزمایشگاه پارت کلینیک

خاندان‌های محترم معتمدی و بروجردی

با نهایت تأسف درگذشت نابهنگام **جناب آقای دکتر امیر معتمدی** فرزند شهید والامقام شادروان **جناب آقای مهندس غلامعلی معتمدی** را تسلیت عرض می‌نمائیم.

دانش آموختگان دوره ۵۱ـ۱۳۴۶
دانشکده فنی دانشگاه تهران

آگهی تغییرات شرکت پادرا پایا پارس سهامی‌خاص
به شماره ثبت ۳۶۱۶۷۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۱۴۱۸۹۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطورفوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: خانم پونه وکیلیان به شماره ملی ۰۰۵۵۲۶۲۸۷۲ و آقای آرش سجادی به شماره ملی ۰۰۵۷۳۲۱۰۵۱ و آقای مرتضی ثمره گلستانی به شماره ملی ۲۹۹۲۵۴۲۳۶۹.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۵۳۲۶۶ـ۸۱۵۴۷۷۷/ م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت صندوق مالی توسعه تکنولوژی ایران
سهامی خاص به شماره ثبت ۷۱۸۱۱۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۲۹۷۰۲

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای پرویز احمدی با ک.م ۴۲۸۴۵۳۷۰۳۲ به نمایندگی از مؤسسه طرح و توسعه علم و فناوری ایرانیان با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۱۸۳۳۵ آقای وحید باقری خیرآبادی با ک.م ۱۴۶۵۳۱۵۴۹۷ به نمایندگی از مؤسسه توسعه فناوری نخبگان با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۳۴۵۶۹ آقای علی‌محمد طهوری با ک.م ۳۸۷۳۲۵۵۶۰۱ به نمایندگی از بانک صنعت و معدن با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۴۱۱۶۰ آقای روح‌الله لهرابیان با ک.م ۴۵۰۰۰۸۲۹۶۴ به نمایندگی از طرف بانک ملی ایران با شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۷۷۵۴۲ آقای رضا زرنوخی با ک.م ۰۴۵۰۴۹۸۶۴۶ به نمایندگی از طرف مرکز همکاری‌های فناوری و نوآوری ریاست جمهوری با شناسه ملی ۱۴۰۰۲۸۲۱۲۹۰ به عنوان اعضا هیأت مدیره برای باقی مانده تصدی هیأت مدیره تعیین شدند. اعضای هیأت مدیره به‌شرح ذیل برای باقیمانده دوره تصدی هیأت مدیره به سمت‌های ذیل تعیین گردیدند: آقای پرویز احمدی به کد ملی ۴۲۸۴۵۳۷۰۳۲ به سمت رئیس هیأت مدیره؛ آقای وحید باقری خیرآبادی به کد ملی ۱۴۶۵۳۱۵۴۹۷ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره، آقای علی محمد طهوری به کد ملی ۳۸۷۳۲۵۵۶۰۱ به سمت عضو هیأت مدیره؛ آقای روح‌الله لهرابیان به کد ملی ۴۵۰۰۰۸۲۹۶۴ به سمت عضو هیأت مدیره؛ آقای رضا زرنوخی به کد ملی ۰۴۵۰۴۹۸۶۴۶ به سمت مدیرعامل. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای دو نفر از اعضای هیأت مدیره با مهر شرکت، همچنین اوراق و مکاتبات عادی شرکت به امضای مدیرعامل و مهر شرکت معتبر می‌باشد. اختیارات مدیرعامل مطابق با ماده ۳۹ اساسنامه شرکت به ایشان تفویض گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۵۳۳۴۱ ـ ۸۲۹۷۳۸۹/م الف

آگهی تغییرات شرکت فهم الکترونیک سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۶۱۶۰۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۹۱۲۶۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد. اعضای هیأت مدیره بشرح ذیل به مدت دو سال انتخاب شدند: آقای فرهاد فتوره‌چی ک‌م ۱۷۰۹۳۵۰۶۴۴ به سمت مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره خانم سلماز علیزادگان ک.م ۱۳۷۶۵۴۰۳۳۹ به سمت نائب‌رئیس هیأت مدیره کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته و بروات قراردادها و عقود اسلامی با امضاء منفرد مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است. همچنین سایر اوراق و نامه‌های اداری با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. آقای روح‌الله مولایی (کد ملی ۰۰۷۶۲۶۴۵۳۱) و خانم زهرا توکلی شیراجی (کدملی ۰۰۶۱۶۳۴۲۷۱) به ترتیب به عنوان بازرسان اصلی و علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۵۳۳۴۵ـ۸۲۷۹۹۱۳/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت ترمیم و توسعه راه سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۴۱۳۴۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۲۰۹۷۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: خانم مریم صالحه باقری به شماره ملی ۰۰۵۵۰۱۰۵۰۴ را به عنوان بازرس اصلی و خانم اشرف صمیمی به شماره ملی ۱۵۸۲۰۲۶۵۵۶ را به عنوان بازرس علی‌البدل برای سال مالی ۱۳۹۳ انتخاب نمودند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۵۳۳۴۳ ـ ۸۲۵۸۷۹۲/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گذاری دستاورد دی سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۷۳۳۹۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۲۵۸۶۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۱ و تنفس مربوطه تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ به تصویب رسید. موسسه سخن حق به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۵۳۲۵۰ به عنوان بازرس اصلی و موسسه پارس ارکان تراز به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۴۷۶۹۲ به عنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای یکسال مالی انتخاب شد. روزنامه اطلاعات به‌عنوان روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های شرکت انتخاب شد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۵۳۳۲۰ ـ ۸۳۰۴۸۶۵/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت تولیدی فرآورده‌های گوشتی آندره
سهامی خاص به شماره ثبت ۷۹۱۵۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۳۹۶۸۶

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای لیون آهارونیان دارای کد ملی ۲۸۵۰۵۵۶۷۶۹ به سمت رئیس هیأت مدیره. آقای آلفریت برزگر مهرابی دارای کد ملی ۰۰۴۱۰۹۲۰۱۵ به سمت نائب رئیس هیأت مدیره. آقای واهه آهارونیان دارای کد ملی ۰۰۴۰۶۴۵۷۰۳ به سمت عضو هیأت مدیره تعیین گردیدند. آقای هنریک قنبریانس (خارج از اعضاء) دارای کد ملی ۰۰۴۹۹۹۰۰۴۷ به سمت مدیرعامل تعیین گردید. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از قبیل چک‌ها و سفته‌ها و بروات و غیره با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره و یا با امضای دو نفر از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات و مکاتبات اداری با امضای ذیل قراردادها، با امضای مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۵۳۳۴۲ ـ ۸۲۵۷۹۹۸/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت کشاورزی و دامپروری امید صد و ده
سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۸۲۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۱۹۰۰۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای مجید ربانی به شماره ملی ۰۳۸۱۱۳۱۰۷۶ بجای آقای محمد رضا چابکسوار کد ملی ۳۲۵۷۴۳۰۳۷۱ به عنوان عضو هیئت‌مدیره تا پایان مدت تصدی هیئت‌مدیره انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۵۳۳۱۹ـ۸۲۸۵۶۹۲/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت سبز گستران آداک شمال سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۲۳۵۶۱ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۵۹۲۷۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۹۲/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت. سرکارخانم پریسا بهروزی راد با کد ملی ۰۰۶۲۱۰۲۷۵۳ به عنوان بازرس اصلی و خانم مهدیه کریمی نسب با کد ملی ۰۰۸۰۹۸۱۱۰۰ به عنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای سال مالی ۱۳۹۳ انتخاب شدند. روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار شرکت در سال ۱۳۹۳ انتخاب شد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۵۳۳۱۸ـ۸۲۹۸۴۹۷/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت تعاونی تاکسی بار تهران وانت
به شماره ثبت ۱۹۲۵۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۴۶۹۷۵

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۰۳ و تائیدیه شمار ۹۳۲/۱۵/۱۱۲۵۵۶ مورخه ۹۳/۰۴/۳۱ اداره کل تعاون استان تهران در شرکت فوق تصمیماتی به شرح زیر اتخاذ گردید. آقای محسن مضیفیان به کد ملی ۰۰۵۰۱۸۷۶۶۱ به سمت رئیس هیئت‌مدیره و آقای شهراد فقیه نصیری به کد ملی ۴۸۳۹۶۵۲۶۶۱ به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره و آقای بهرام کبیری به کد ملی ۰۴۹۱۰۵۲۰۵۷ به سمت منشی هیئت‌مدیره و آقای نادر هوشمندیار به کد ملی ۰۰۵۹۲۳۳۸۴۲ به سمت مدیرعامل برای مدت ۳ سال انتخاب گردیدند. کلیه قراردادها و اسناد تعهدآور و اوراق بهادار شرکت با دو امضا ۱ـ آقای نادر هوشمندیار مدیرعامل به عنوان دارنده امضای ثابت ۲ـ آقای محسن مضیفیان رئیس هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت تعاونی دارای اعتبار خواهد بود. و در غیاب رئیس هیئت‌مدیره امضای نایب رئیس هیئت‌مدیره معتبر است. همچنین اوراق عادی شرکت با امضای مدیرعامل و شرکت معتبر است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۱۵۳۳۱۷ـ۸۲۹۴۸۰۳/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای امین پارسیان سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۳۷۱۴۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۸۰۴۰۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۱/۲۵ و به موجب مجوز به شماره ۹۳/۴۰۳/۱۵۷۴۶ مورخ ۹۳/۳/۲۶ مدیریت نظارت بر دفاتر خدمات بیمه‌ای تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۲/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی رایمند و همکاران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۰۵۹۹۹ به سمت بازرس اصلی و آقای فریبرز امین به کد ملی ۰۰۴۰۹۱۱۷۱۳ به سمت بازرس علی‌البدل شرکت برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۱۵۳۳۱۶ـ۸۲۵۴۹۸۹/م‌الف

* *

آگهی تغییر محل شرکت آباد آسفالت پارس سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۶۲۸۷۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۵۱۷۱۹۶

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۷ محل شرکت به تهران خیابان مطهری خیابان میرعماد کوچه یکم پلاک ۵ طبقه ۲ واحد ۴ کدپستی ۱۵۸۷۹۳۷۵۱۷ تغییر یافت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۱۵۳۳۱۵ـ۸۲۵۸۵۸۳/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت پاک فن بندر سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۳۳۴۵۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۴۴۴۶۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۵/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به سال مالی ۱۳۹۲ به تصویب رسید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید. آقای محمد ابوالقاسمی کد ملی ۰۰۴۰۸۳۲۱۲۰ به سمت بازرس اصلی و فاطمه رحیم پور کد ملی ۰۴۸۰۳۰۵۳۰۷ به سمت بازرس علی‌البدل به مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۵۳۳۱۴ ـ ۸۲۶۰۴۵۹/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت طراحی و مهندسی قطعات کرمان خودرو
سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۳۱۷۰ و شناسه ملی ۱۰۶۳۰۰۵۸۶۷۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۵/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضاء هیئت‌مدیره عبارتند از: شرکت صنایع خودروسازی کرمان (سهامی خاص) دارای شناسه ملی ۱۰۶۳۰۰۲۲۰۸۰ (شرکت کرمان موتور (سهامی خاص) دارای شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۵۱۹۷۴ و شرکت خودروسازان راین (سهامی خاص) دارای شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۲۶۵۵۶

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۱۵۳۳۰۶ـ۸۲۷۸۰۷۰/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گذاری پویا سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۱۷۵۱۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۸۸۵۲۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ و تاییده شماره ۱۲۱/۲۹۹۲۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ سازمان بورس و اوراق بهادار سرمایه شرکت از مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی با نام که تماماً پرداخت شده از طریق مطالبات حال شده تامین گردیده افزایش یافته و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق‌الذکر تکمیل امضاء گردیده است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۱۵۳۳۰۵ـ۸۲۰۱۰۱۷/م‌الف

اطلاعات

سال هشتاد و نهم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

نیروهای عراقی برای حمله به آخرین سنگر داعش در «صلاح‌الدین» آماده می‌شوند

سرویس خارجی: نیروهای عراقی که شهر بیجی در استان صلاح‌الدین را آزاد کرده‌اند اکنون آماده می‌شوند تا شهرستان «الشرقاط» آخرین پایگاه داعش در این استان را نیز از لوث وجود تروریست‌ها پاکسازی کنند. پاکسازی کامل صلاح‌الدین راه را برای آغاز عملیات بزرگ موصل هموار می‌کند. خالدالخزرجی، معاون کمیته امنیتی در شورای استانداری صلاح الدین اعلام کرد، حمله گسترده نیروهای عراقی به آزادسازی شهر بیجی انجامید و تروریست‌های داعش به سمت موصل پا به فرار گذاشته‌اند. به گفته الخزرجی در حال حاضر شهرستان الشرقاط آخرین پایگاه داعش در استان صلاح الدین محسوب می‌شود.

تقویم اطلاعات

سه‌شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۴
۲۱ شعبان ۱۴۳۶ ـ ۹ ژوئن ۲۰۱۵

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۳ دقیقه
غروب آفتاب	۲۰ و ۱۹ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۴۰ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۱۱ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۰۲ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۵ و ۴۸ دقیقه

پایان یکه تازی ۱۳ ساله حزب اردوغان در عرصه سیاسی ترکیه

سرویس خارجی: حزب اردوغان پس از ۱۳ سال اکثریت پارلمان ترکیه را از دست داد. در بیست و پنجمین دوره انتخابات پارلمانی ترکیه، حزب عدالت و توسعه فقط ۴۱ درصد آرا را به دست آورد و به این ترتیب حزبی که برای ۱۳ سال تحت هدایت اردوغان بلامنازع به نظر می‌رسید، اکنون باید برای تشکیل دولت، به فکر ائتلاف باشد. با اعلام این نتایج مهمترین احتمالات برای آینده سیاسی ترکیه، انتخابات زودهنگام و یا تشکیل دولت ائتلافی است؛ چرا که بر اساس قانون اساسی ترکیه با توجه به اینکه هیچ کدام از احزاب، اکثریت پارلمان را در دست ندارند، باید تا ۴۵ روز دیگر ائتلاف بین احزاب شکل گیرد و دولت تشکیل شود، و در غیر این صورت، انتخابات زودهنگام برگزار خواهد شد.

بر اساس نتایج نهایی، حزب عدالت و توسعه ۴۰,۸۹ درصد آرا را به خود اختصاص داد، حزب جمهوریخواه خلق ۲۴,۹۶ درصد آرا را کسب کرد، حزب حرکت ملی نیز ۱۶,۲۹ درصد آرا به دست آورد و حزب دموکراتیک خلق توانست با کسب ۱۳,۱۲ درصد آرا، به پارلمان راه پیدا کند. به این ترتیب، حزب عدالت و توسعه به عنوان حزب پیشتاز انتخابات موفق به کسب ۲۵۴ تا ۲۵۷ کرسی، حزب جمهوریخواه مردم ۱۳۲ کرسی، حزب حرکت ملی ۸۱ تا ۸۲ کرسی و حزب دموکراتیک خلق ۸۰ تا ۸۲ کرسی از پارلمان آتی ترکیه شدند. در پارلمان کنونی حزب عدالت و توسعه دارای ۳۱۱ کرسی، حزب جمهوریخواه ۱۲۵ کرسی، حزب حرکت ملی ۵۲ کرسی و نمایندگان وابسته به حزب دموکراتیک خلق ۲۹ کرسی را در اختیار دارند. میزان مشارکت مردم ترکیه در این انتخابات ۸۶ درصد از کل واجدین شرایط اعلام شد. با توجه به این نتایج هیچ کدام از احزاب سیاسی نخواهند توانست به تنهایی دولت تشکیل دهند، زیرا بر اساس قانون اساسی ترکیه، حد نصاب لازم برای تشکیل دولت ۲۷۶ کرسی است. بدین ترتیب اردوغان ناچار خواهد شد که برنامه تغییر قانون اساسی را که به دنبال اجرای آن در صورت پیروزی با اکثریت قاطع در انتخابات بود، کنار بگذارد. برنامه ای که قرار بود اختیارات رئیس جمهوری را در حکومت ترکیه افزایش دهد و این کشور را به یک نظام ریاستی تبدیل کند. حالا عدالت و توسعه که برای تشکیل دولت حدود ۱۷ کرسی کم دارد، باید به فکر تشکیل یک دولت اقلیت یا ائتلاف با سایر احزاب باشد.

در این حال،«رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه در اولین واکنش به نتایج انتخابات پارلمانی این کشور و عدم موفقیت حزبش برای کسب اکثریت کرسی‌های پارلمانی گفت:هیچ حزبی قادر نیست به تنهایی تشکیل کابینه دهد. وی اعلام کرد، مشارکت بالا در انتخابات نمایانگر عزم ترکیه برای دموکراسی است. وی از تمامی احزاب سیاسی درخواست کرد برای حفظ جو اعتماد و ثبات در کشور همکاری کنند. در همین حال «احمد داوداغلو»، نخست وزیر ترکیه نیز گفت: تصمیم مردم درست‌ترین تصمیم است. داود اوغلو افزود، همه باید بدانند حزب اول و پیروز انتخابات حزب عدالت و توسعه است و دیگر احزاب نباید پیروزنمایی کنند.

شگفتی این دوره از انتخابات، راه یافتن حزب چپ‌های دموکراتیک خلق بود. حزبی که از حمایت کردها برخوردار است و حدود ۱۳ درصد آرا را به دست آورد که برای حضور در مجلس قانون گذاری ترکیه کافی است. این حزب مدافع حقوق کردها، برای اولین بار به پارلمان راه می‌یابد.



شادمانی کردهای «دیاربکر» از موفقیت حزب دموکراتیک خلق در انتخابات پارلمانی

در این حال، شهر عمدتاً کردنشین «دیاربکر» در جنوب شرق ترکیه و مرکز فعالیت حزب دموکراتیک خلق، شاهد جشن و سرور هواداران حزب بود. رهبر این حزب نیز در اولین واکنش بعد از اعلام نتایج، ائتلاف با حزب عدالت و توسعه را مردود دانست و گفت: نتیجه انتخابات به بحث درباره تبدیل به یک نظام ریاست جمهوری پایان می‌دهد. صلاح‌الدین دمیرتاش افزود، پیروزی حزب دموکراتیک خلق، پیروزی تمامی مظلومین، کردها، ترک‌ها، ارامنه، علوی‌ها، ایزدی‌ها، سنی ها و ... در ترکیه بود. وی اضافه کرد، در مقابل یک رقابت نابرابر به پارلمان راه یافتیم. به گفته وی، در این دوره انتخابات دموکراسی، صلح و آزادی در مقابل فشار، اقتدارگرایی و کین و نفرت پیروز شد و با این پیروزی کردها نیز در این کشور با غرور در کنار سایر برادران خود زندگی خواهند کرد. «سیری ثریا اوندر»، معاون حزب دموکراتیک مردم نیز نتایج آرا را پیروزی دموکراسی بر فساد سیاسی و غلبه صلح بر جنگ توصیف کرد.

این در حالی است که،با اعلام نتایج انتخابات ترکیه و عدم موفقیت حزب حاکم عدالت و توسعه، ارزش لیر این کشور با کاهش قابل توجهی در برابر دلار روبرو شد و ارزش لیر به ۲,۷۵ در برابر یک دلار رسید. همچنین بازار سهام استانبول با افت شش درصدی روبرو شد. خبرگزاری رویترز نیز گزارش کرد، بانک مرکزی ترکیه از بیم سقوط ارزش لیر، تدابیر ویژه در دستور کار قرار داده است.

بازتاب در رسانه های جهان

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در گزارشی ناکامی حزب عدالت و توسعه برای حفظ اکثریتش در پارلمان ترکیه را سرزنش و گوشمالی رجب طیب اردوغان از سوی رای‌دهندگان توصیف کرد. این روزنامه این انتخابات را از آن نظر تاریخی خواند که حزب عدالت و توسعه و اردوغان به دنبال تغییر نظام حاکم بر ترکیه و بازنویسی قانون اساسی این کشور بودند تا نظام پارلمانی را به ریاستی تبدیل کند. از سوی دیگر، روزنامه «گاردین» گزارش داد، حال که امیدهای رئیس‌جمهوری ترکیه برای کسب اکثریت کرسی‌های پارلمان به ناامیدی تبدیل شده است و احتمال تشکیل دولت ائتلافی پایین است، احتمالاً ظرف ۴۵ روز آینده در ترکیه اعلام برگزاری انتخابات زودهنگام شود. شبکه خبری «دویچه‌وله» نیز نوشت، باید گفت انتخابات در ترکیه همه‌پرسی درباره جاه‌طلبی‌های اردوغان بود. قدرت‌های جدید روند دموکراتیک در ترکیه را تغییر دادند، ولی همچنان حزب اردوغان به عنوان قوی‌ترین حزب ترکیه فعالیت خواهد داشت. روزنامه آلمانی «فرانکفورترآلگماینه» نیز در گزارشی نوشت، چشم‌انداز سیاسی ترکیه به صورت زیربنایی تغییر کرد، چرا که احزاب چپ و حزب دموکرات مردم قدرت پیدا کردند. نشریه آلمانی «اشپیگل» هم نوشت، دموکراسی برای فردی مثل اردوغان به این معنی است که هر چهار سال یکبار در کشور انتخابات برگزار شود در غیر این صورت اطلاعات زیادی برای در اختیار مردم گذاشتن وجود نخواهد داشت. شبکه خبری العربیه نیز در تحلیلی درباره انتخابات ترکیه اعلام کرد، نتایج انتخابات پارلمانی ترکیه نه فقط ترمز رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه را کشید، بلکه شمشیر نظام ریاست جمهوری را به غلاف خود بازگرداند و تمایل شدید رئیس جمهوری برای رسیدن به رویای پوشیدن ردای امپراتوری را زنده به گور کرد.

در این حال، شیمون پرز رئیس سابق رژیم‌صهیونیستی ضمن اعلام خرسندی از نتیجه ضعیف حزب عدالت و توسعه در ترکیه، گفت: نباید اجازه داد ترکیه به ایرانی دیگر بدل شود. به نوشته روزنامه صهیونیستی «جروزالم‌پست»، پرز افزود، اردوغان می‌خواست ترکیه را به ایران تبدیل کند، خاورمیانه برای دو ایران جا ندارد.

ارتش لبنان برای نبرد با تروریست ها در «عرسال» به نیروهای حزب الله پیوست

سرویس خارجی: همزمان با ادامه درگیری‌ها میان حزب الله لبنان و تروریست‌ها در ارتفاعات عرسال، ارتش لبنان نیز در داخل این شهرک مستقر شد و به رزمندگان حزب الله پیوست. یگان‌های ارتش لبنان خودروهای نظامی و گشت زنی را در تمامی خیابان‌ها و مناطق این شهرک مستقر کرده و وارد مناطقی شده‌اند که اردوگاه‌های آوارگان در آنجا قرار دارد.

گفته می شود این اقدام احتمالاً مقدمه‌ای برای عملیات گسترده علیه تروریست ها در روزهای آتی باشد.این اقدام ارتش لبنان با استقبال گسترده ساکنان عرسال مواجه شد.

در همین راستا مسئولان حزب الله لبنان از دولت خواستند مسئولیت آزادسازی عرسال را به ارتش واگذار کند و تاکید کردند که حزب الله قصد ورود به شهرک عرسال را ندارد .

گفتنی است در حال حاضر ارتش سوریه و حزب الله لبنان مشغول انجام عملیات برای پاکسازی ارتفاعات عرسال و ارتفاعات قلمون از وجود تروریست‌ها هستند و به پیشروی گسترده در این ارتفاعات دست یافته‌اند.

در این حال شیخ نعیم قاسم معاون دبیرکل حزب الله لبنان تاکید کرد که مقاومت اسلامی، عملیات پاکسازی ارتفاعات منطقه مرزی عرسال را تا نابودی آخرین تروریست ادامه می‌دهد.

در چنین شرایطی شماری از نیروهای ویژه حزب الله لبنان توانستند در عملیاتی به عمق مناطق تحت نفوذ گروه تروریستی جبهه النصره در حومه «قنیطره» سوریه نفوذ کرده و سه پایگاه اصلی آن را منهدم کنند.

خبر دیگر اینکه گروهک تروریستی جبهه النصره که از تابستان سال گذشته شماری از نظامیان لبنانی را به گروگان گرفته است، اخیراً برخی از آنها را به حمل سلاح مجبور و تصاویر آنها را با هدف سوء استفاده تبلیغاتی در فضای مجازی منتشر کرده است.

ارتش سوریه، داعش را از شهر «حسکه» بیرون راند

سرویس خارجی: ارتش سوریه با پشتیبانی نیروهای دفاع ملی موفق شد شهر حسکه و اطراف آن را که تحت اشغال گروه تروریستی داعش بود، بازپس بگیرد.نیروهای سوری موفق شدند با حملات همه جانبه، تروریست های داعش را مجبور به عقب نشینی کنند .بر اساس گزارش های به دست آمده، تروریست های داعش بعد از متحمل شدن تلفات سنگین، چهار کیلومتر از شهر حسکه دور شدند. در همین ارتباط، بی‌بی‌سی هم تایید کرد که نیروهای ارتش سوریه عناصر تروریستی داعش را از شهر حسکه بیرون راندند. شهر مرزی حسکه از آن جهت برای داعش حائز اهمیت است که سیطره بر آن باعث می شود ارتباط این گروه تروریستی با مناطق تحت اشغال آن در عراق برقرار شود. در این حال داعش ۳۰ عضو خود را که از جنگ با ارتش سوریه در حسکه فرار کرده بودند اعدام کرد. در این حال وائل الحلقی، نخست وزیر سوریه تاکید کرد: سوریه متحد و استوار باقی خواهد ماند و این مساله ظرف چند روز آینده ثابت خواهد شد.

اعتراف عربستان به شکست در جنگ با انصارالله یمن

سرویس خارجی:سخنگوی ائتلاف عربی به رهبری عربستان در تجاوز به یمن با اعتراف به شکست این ائتلاف در جنگ با انصارالله یمن گفت: جنبش انصارالله سلاح های زیادی در اختیار دارد و ما نتوانستیم ظرف ۷۰ روز عملیات نظامی، این سلاح‌ها را نابود کنیم. «احمد عسیری» تصریح کرد، انصارالله با استفاده از این سلاح ها از جمله شلیک موشک‌های اسکاد قبل از نشست ژنو به دنبال دستیابی یک پیروزی تبلیغاتی است.

در تحولی دیگر، تجاوز جنگنده‌های عربستان به منطقه «الخضراء» شهر عدن واقع در جنوب یمن، شماری کشته و زخمی بر جا گذاشت. درهمین حال، جنبش انصارالله یمن از کشته شدن وزیر دفاع عبدربه منصور هادی، رئیس جمهوری فراری یمن در حمله جنگنده‌های عربستان خبر داد. در چنین شرایطی، منابع خبری یمن از کشته شدن روزانه ۱۰ کودک یمنی درحملات جنگنده‌های عربستانی به مناطق مختلف یمن خبر دادند.

افشای سرپیچی مقامات اسرائیل از دستور نتانیاهو برای حمله به تاسیسات هسته ای ایران

سرویس خارجی: افشای اختلاف نظر میان مقامات سابق رژیم صهیونیستی با نخست وزیر این رژیم در خصوص حمله به ایران و سرپیچی آنها از دستورات بنیامین نتانیاهو جنجال ساز شد.در همین رابطه «مئیر داگان» رئیس سابق دستگاه جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد) به همراه «گابی اشکنازی» رئیس سابق ستاد مشترک این رژیم، سخنانی را در اجلاس سالانه جروزالم پست در نیویورک ایراد کردند. «کارولین گلیک» ستون‌نویس روزنامه جروزالم‌پست در این کنفرانس سالانه با طرح این اتهام که داگان و اشکنازی از دستور نتانیاهو برای حمله به تاسیسات هسته ای ایران در سال ۲۰۱۰ سرپیچی کردند، آنها را به چالش کشید و گفت: اگر آنها در آن زمان این کار را انجام داده بودند، اکنون اوضاع چنین نبود.

داگان در واکنش به این سخنان، دستور نتانیاهو برای حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران را غیرقانونی خواند و گفت: به همین دلیل از اجرای آن سرپیچی کرده بود. داگان و اشکنازی بعد از این کنفرانس، در گفتگو با تلویزیون رژیم صهیونیستی نیز گفتند، نخست وزیر خواستار آماده‌باش نیروهای نظامی شد اما ما به او توضیح دادیم که در این صورت ایران نیز به حال آماده‌باش در می‌آید و بعد از آن، حتی اگر ما حمله نکنیم و هیچ کاری هم انجام ندهیم، در شرایطی قرار می‌گیریم که گلوله برف به حرکت در می‌آید و شما نمی‌دانید کجا متوقف خواهد شد.در خبری دیگر از فلسطین، نظامیان صهیونیست در ادامه جنایات خود، دو جوان فلسطینی را در بیت‌لحم به ضرب گلوله زخمی کردند.

کوتاه از سراسر جهان

مرکل: ایران بازیگری مهم در مبارزه با داعش است



ایرنا: آنگلا مرکل صدراعظم آلمان بر اهمیت نقش ایران در مبارزه با گروه تروریستی داعش تاکید کرد و گفت: ایران بازیگری مهم در مبارزه با داعش است. وی در پایان نشست دو روزه سران جی ۷ در جنوب آلمان به خبرنگاران گفت: توافق هسته ای بسیار مطلوب است، زیرا ایران یک نقش آفرین مهم در سوریه و در مقابله با داعش به شمار می رود. مرکل پیشتر گفته بود که جنگ با داعش، اولویت اصلی اجلاس گروه ۷ است.

مکزیکی‌های معترض، صندوق‌های رأی را به آتش کشیدند

فارس: رئیس مرکز انتخابات و مشارکت مردمی ایالت «گررو» مکزیک اعلام کرد که روند برگزاری انتخابات محلی در این ایالت به دلیل تظاهرات گسترده علیه موضوع ناپدید شدن ۴۳ دانش‌آموز این منطقه متوقف شده و عملا به حال تعلیق درآمده است.

آزمایش مشترک موشکی ژاپن و آمریکا با موفقیت انجام شد

ایسنا: آمریکا و ژاپن اعلام کردند نخستین شلیک آزمایشی موشک جدید کارخانه ریتون که با همکاری دو کشور به مبلغ دو میلیارد دلار ساخته شده، موفقیت آمیز بوده است. سخنگوی آژانس دفاع موشکی آمریکا گفت، شلیک این موشک از ساحل کالیفرنیا انجام گرفت که موفقیت‌آمیز بود.

حمله پلیس آمریکا با گاز اشک آور به جوانان نیوجرسی

ایسنا: پلیس نیوجرسی با گاز اشک آور، خودروهای زرهی و بالگرد به جوانانی که برای حضور در کنسرتی مقابل درهای محل برگزاری آن تجمع کرده بودند، حمله کرد. هزاران تن از جوانان مشتاق برای شرکت در یک کنسرت با درهای بسته ورزشگاه مت لایف رو به رو شدند و به تجمع و اعتراض پرداختند که پلیس نیز با حمله به آنها اقدام به متفرق کردن جمعیت کرد.

«کامرون»: انگلیس هزینه‌های ناتو را تامین نمی کند



فارس: دیوید کامرون نخست وزیر انگلیس درخواست باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا برای اختصاص دو درصد از درآمد این کشور به هزینه‌های نظامی ناتو برای پنج سال آینده را رد و تصریح کرد تکلیف بودجه این کشور پاییز آینده معلوم خواهد شد. از طرفی نخست‌وزیر انگلیس به وزرای محافظه‌کار دولت هشدار داد در صورت تشکیل کمپین برای جدایی انگلیس از اتحادیه اروپا، اخراج خواهند شد. اوباما نیز به انگلیس توصیه کرد که در اتحادیه اروپا بماند.

شهادت ۵ شیعه در حمله تروریستی کویته پاکستان

ایرنا: منابع پلیس ایالت بلوچستان پاکستان گزارش دادند، بر اثر حمله مسلحانه افراد ناشناس به گروهی از شیعیان هزاره در شهر کویته، دست کم پنج تن از شیعیان به شهادت رسیدند. از دیگر سو، در ادامه اقدامات اخیر دولت و احزاب مختلف پاکستان در محکوم کردن سکوت نهادهای بین‌المللی در قبال رنج مسلمانان «روهینگیا» در میانمار، شمار زیادی از مردم کراچی در اعتراض به سکوت نهادها و مجامع بین‌المللی و محکومیت کشتار مسلمانان میانمار تظاهرات کردند.

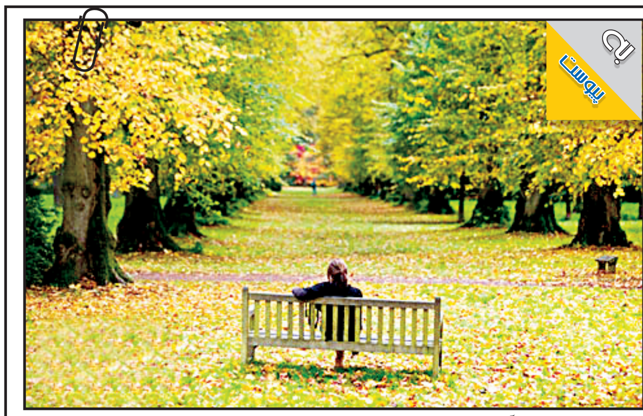
اوباما: رئیس جمهوری مصر مخالفان را سرکوب می کند

ایسنا: باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا در گزارشی رسمی به کنگره این کشور اعلام کرد، «عبدالفتاح سیسی»، مخالفان دولت خود را سرکوب می کند، اما ما نباید کمک ها به مصر را قطع کنیم. وی در این گزارش تاکید کرد، مصر در حال فاصله گرفتن از دموکراسی، سرکوب آزادی بیان و بازداشت هزاران مخالف سیاسی است.

موافقت سران «جی ۷» با تمدید تحریم ها علیه روسیه

سرویس خارجی: سران هفت کشور صنعتی جهان موسوم به جی ۷ متشکل از آمریکا، آلمان، کانادا، ژاپن، ایتالیا، فرانسه و انگلیس در حالی نخستین روز از نشست خود را در بایرن آلمان به پایان رساندند که محور گفتگوها و توافق مقامات مبتنی بر ادامه تحریم‌های روسیه بود. سران گروه هفت تاکید کردند، تا زمانی که مسکو و جدایی طلبان اوکراین، پایبندی کامل خود را به توافق مینسک نشان ندهند، تحریم‌ها علیه روسیه ادامه پیدا خواهد کرد. در این راستا، « دونالد تاسک» رئیس شورای اروپا خواستار موضع سخت این اتحادیه در مورد تحریم های روسیه شد. در همین حال، دیوید کامرون، نخست وزیر انگلیس در حمایت از سخنان تاسک از رهبران اتحادیه اروپا خواست تا علیرغم مشکلاتی که برای این اتحادیه ایجاد می‌شود، باز هم درخصوص حمایت از تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه، متحد بمانند.

۳۱۶
سه شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۴
سال هشتادو نهم- شماره ۲۶۱۷۵
ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات



فرق است میان آن که یارش در بر
با آن که دو چشم انتظارش بر در
«سعدی»

اول دفتر

تحلیلی بر پاپ آرت

تهی، اما سرشار از قدرت

محمد عارفی‌تبار

مدرنیته جنبشی اســـت که ساختار بصری آثار هنری و محتوای آن را دچار دگرگونی کرد وهنر مدرن روز به روز در تاریخ هنر نقشـــی متفاوت از خود به جای گذاشت.

همواره این تغییرات با جستجوی هنرمند همراه بوده و در این روند، خالقان اثر با در نظر گرفتن شرایط جامعه و تحت تاثیر تفکرات فلسفی، روز به روز به جستجوی بیشتر و اندیشه عمیق‌تر در خلق اثری تازه پرداختند. هنر مدرن با شکستن چهارچوب‌های سنتی، هم در محتوا و هم در عناصر بصری، بسیار آوانگارد عمل کرده است.

بـــر خلاف نظر دو هنرمنـــد پاپ آرت یعنی «راشنبرگ» و «اسپر جانز» که معتقدند نقاشی صرفاً یک جسم است با بافت و طرح و رنگ منحصر به خود و نه وسیله‌ای برای انتقال مفاهیم و پیام‌ها؛ هنر مدرن و جنبش‌های هنری مدرن، یکی پس از دیگری، خواسته و نا خواســـته محملی برای انتقال مفاهیم اجتماعی، سیاسی و مبارزات قرار گرفته‌اند.به واقع هنر مدرن سعی در مخاطب قرار دادن جامعه، درگیر شـــدن در فضای اجتماعی و بیان منویات هنرمند را دارد.



از میان جنبش‌های هنری قرن بیستم، جنبش پاپ آرت، نقـــش و جایگاه ویژه‌ای دارد. «هنر مردمی، هنر عامه یا هنر پاپ (به انگلیسی: Art Pop) یک جنبش هنری در زمینه نقاشی و مجسمه‌سازی بود که در اواسط دهه ۱۹۵۰ در انگلستان و آمریکا به طور مجزا به وجود آمده و در سال۱۹۶۰ به اوج بیان تصویری رسید.

دستمایه‌های اصلی هنرمندان پاپ غالب برگرفته از فرهنـــگ روزمره و مردمی، تولیدات انبوه، تبلیغات (محیطی و تلویزیونی) است. این سبک را می‌توان یک ســـبک روشنفکرانه با نگاهی انتقادی به مصرف‌گرایی دانست.»[1]

جنبش اکسپرسیونیسم انتزاعی که تا قبل از سال ۱۹۶۰ رواج یافت؛ هم در محتوا و هم در ظاهر بسیار مفهومی و مبهم بود و چندان نمی‌توانست با توده مردم ارتباط برقرار کند و جایگاهی بسیار شخصی داشت. پاپ آرت که در واکنش به اکسپرسیونیســـم انتزاعی شکل گرفت و رشد کرد، درصدد برآمد تا هنر را به زندگی روزانه مردم نزدیک کند.

از اینرو، پاپ آرت هدفش نزدیک شدن بیشتر به مخاطب و جستجوی محتوای ملموس‌تر بوده است.

بقیه در صفحه۳

نگاهی به کتاب تک گویی های شهید مرتضی آوینی

دلم گرفته با من سخن بگو

محمد رضا حیدرزاده

ای قدمگاه عاشـــقان، از خستگی پاها با من ســـخن بگو... ای خاک در خون خفته، از زمزمه‌های مردانت با من سخن بگو... آینه‌های غبار گرفته در غربت، از حســـرت ســـنگ با من ســـخن بگو... مردان حماسه ساز دیروز، از مظلومیت تنهایی با من سخن بگو... دلم گرفته، با من سخن بگو... اگر تو نیز دلت گرفته، با من سخن بگو... با من سخن بگو...

کتاب «بامن سخن بگو»، شامل گفته های شـــهید مرتضی آوینی، یک هفته پس از انتشار آن، در زمـــره پرفـــروش های بازار کتاب قرار گرفته است.

انتشارات روایت فتح، یک مجموعه پانزده جلدی از گفته های شهید آوینی را آماده چاپ کرده کـــه اخیراً پنج جلد آن روانه بازار کتاب شده است.

گفتنی اســـت کتاب "با من ســـخن بگو دوکوهه" شامل گفتار متن برنامه "روایت فتح" قبلاً از ســـوی انتشارات واحه روانه بازار کتاب شـــده بود که در آن، شهید آوینی نگاه احساس خود را به سمت "پادگان دوکوهه" گرفته و با او راز و نیاز می کند. آنهم به عنوان منزلگاه عشاق بی پیرایه بســـیجیان، و حرف های دلش را نثار دو کوهه کرده است:

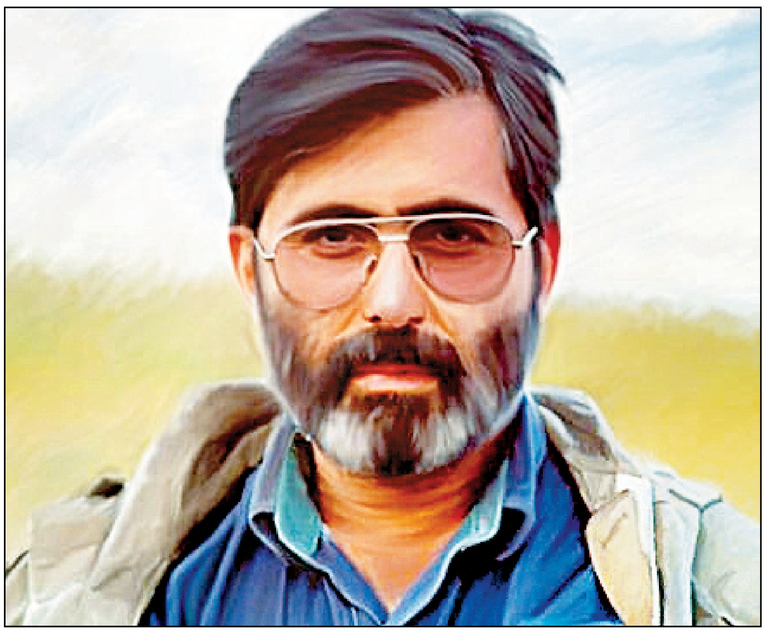
اگر بپرسی دوکوهه کجاست، چه جوابی بدهم؟ بگوئیم دوکوهه پادگانی است در نزدیکی اندیمشـــک که بســـیجی ها را در خود جای می داد و بعد سکوت کنیم؟...

شهید سید مرتضی آوینی در شهریور ۱۳۲۶ در شـــهر ری به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوســـطه خود را در شهرهای زنجان، کرمان و تهران به پایان رساند. او از کودکی با هنر انس داشت. شعر می‌سرود، داستان و مقاله می‌نوشت و نقاشی می‌کرد.

آوینی در ســـال ۱۳۴۴ به عنوان دانشجوی معماری وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد.

او در سال ۱۳۴۶ با مریم امینی زاده ازدواج کرد. به گفته همســـرش، آنها پیش از ازدواج، آشـــنایی چند ساله داشتند (از پانزده‌سالگی) و با هم کتاب ردو بدل می‌کردند، و به جلســـات سخنرانی می‌رفتند.

آوینی بعدها با اندیشـــه‌های امام خمینی آشنا و در سالیان بعد به یک انقلابی بدل شد و مسیر زندگی خود را تغییر داد. او درباره خودش گفته است:



«... تصور نکنید که من با زندگی به سبک و سیاق متظاهران به روشنفکری ناآشنا هستم. خیر، من از یک "راه طی شده" با شما حرف می‌زنم. من هم سال‌های سال در یکی از دانشکده‌های هنری درس خوانده‌ام وبه شـــب‌های شـــعر و گالری‌های نقاشی رفته‌ام.

موسیقی کلاسیک گوش داده‌ام و ساعت‌ها از وقتـــم را به مباحثات بیهوده درباره چیزهایی که نمی‌دانســـتم گذرانده‌ام. من هم ســـال‌ها با جلوه‌فروشی و تظاهر به دانایی بسیار زیسته‌ام؛ ریش پرفســـوری و سبیل نیچه‌ای گذاشته‌ام و کتاب "انسان موجود تک‌ساحتی" هربرت مارکوزه را ـ بی آنکه آن زمان خوانده باشمش ـ طوری دستم گرفته‌ام که دیگران جلد آن را ببینند و پیش خودشان بگویند: عجب! فلانی چه کتاب‌هایی می‌خواند، معلوم است که خیلی می‌فهمد...

اما بعد خوشـــبختانه زندگی مرا به راهی کشانده‌اســـت که ناچار شده‌ام رو دربایستی را نخست با خودم و سپس با دیگران کنار بگذارم و عمیقاً بپذیرم که "تظاهر به دانایی" هرگز جایگزین دانایی نمی‌شود، و حتی از این بالاتر، دانایی نیز با تحصیل فلسفه حاصل نمی‌آید.

باید در جســـت‌وجوی حقیقت بود و این متاعی است که هر کس براستی طالبش باشد، آن را خواهدیافت و در نزد خویش نیز خواهدیافت... و حالا از یک راه طی شـــده با شـــما حرف می‌زنم.»آن گونه که او خود نقل کرده است، با گرایش به اندیشـــه‌های انقلابی و اسلامی، تمام ســـیاه مشق ها و نوشته‌های پیشین خود را از بین می برد.

بقیه در صفحه۲

۲۴ خرداد؛ سالروز تولّد استاد داود گنجه ای

هنر اخلاق مداری

محمدرضاممتازواحد



«پیش از هنرمند بودن، انسان باشید»؛ مرحوم استاد حسین تهرانی همواره این نکته را به شاگردانش متذکر می شد؛ زیرا انسانیت و سجایای اخلاقی همواره مورد تأکید استادان و هنرمندان ایرانی بوده و هست.

استاد داود گنجه ای در زمره هنرمندانی است که در خصوص بررسی شخصیت هنری او، ابتدا باید خصوصیات اخلاقی ایشان و سپس مقوله هنری وی را مورد بحث قرار داد.

هنر اصلی گنجه ای را بایستی در ایجاد روحیه وحدت و یکدلی بین هنرمندان برشـــمرد. «وحدت»، اصل مهمی است که اگر به معنای واقعی کلمه (وحدت عمل و وحدتِ نظر) در بین اهالی موسیقی نهادینه می شد، حال و اوضاع موسیقی قطعاً بهتر از این بود.

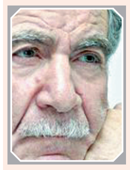
همانا رســـالتِ هنر در یکدلی و همدل کردن انســـان هاست و این هنر در نزد داود گنجَه ای دو افزون است؛ زیرا که او، هنرمندان را نیز با یکدیگر همدل می سازد.

متأســـفانه فضای هنر موســـیقی این روزها در حصار گفتار و کردار متفرعانه ای است که ساحت مقدس هنر را نیز گاه لکه دار و مخدوش و محصور ساخته است.

بقیه در صفحه۵

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»

رازِ راز



گفتگو از: کریم فیضی ۱۰۶

عقل و جهل

شبستری می‌گوید: عاجزتر از این افراد [آنان که اهل تعقُّل و تدبّر نیستند] در عالم وجود ندارد.

* البته تعبیر شبستری «محروم» است؛ یعنی این اشخاص خودشان را از جهان محروم کرده‌اند. در بیت بعدی بیانش این است که این اشخاص پای خودشان را با دست خودشان بسته‌اند:

چو محبوسان به یک منزل نشسته
به دست عجز، پای خویش بسته

کسی که اهل تعقل و تدبّر و تأمل نیست، مانند کسی است که در زندان اوین یا قزل‌قلعه، محبوس و زندانی باشد و پای خودش را با دست خودش بسته باشد؛ دست عجز. برای چنین کسی، تمام جهان زندان است و لازم نیست کسی او را بگیرد و به زندان اوین بیاورد. این قبیل اشخاص در هر جا باشند، در گوشهٔ زندان هستند و پای خودشان را بسته‌اند و همه جا برای آنها زندان است. زندانیی که عالم را برای خودش زندان کند، زندانش قوی‌تر و بزرگ‌تر است، چون برخلاف زندانیِ معمولی که روزی آزاد می‌شود، این زندانی اصلاً آزاد نمی‌شود و زمانی برای آزادی آنها قابل تصور نیست. کسی که پای فکرت را ببندد، یک زندانی است و هر کس که پای فکرت را ببندد، اهل انجماد است. انجماد از نظر من در حق کسی صادق است که پای فکر و عقل و فکر و اندیشهٔ خودش را با جهل و تعصب می‌بندد و فراتر نمی‌رود.

*** شبستری می‌گوید: این نوع افراد، اساساً از جهل خودشان تغذیه می‌کنند و سیر هم نمی‌شوند:**

نشستی چو زنان در کنج ادبیر
نمی‌گردی ز جهل خویشتن سیر!

اصل حرف درست است ولی کاش شیخ محمود شبستری نسبت به زنان کم لطفی نمی‌کرد! حماقت زن و مرد نمی‌شناسد و هر کس که احمق و نفهم باشد، کارش زار است و زن و مرد هم ندارد. در جهان ما هستند کسانی که از جهلشان سیر نمی‌شوند؛ یعنی از جهلشان خوششان می‌آید. این یک بدبختی است که انسان جاهل باشد، به جهلش هم راضی باشد و حاضر نباشد به نادانی خودش پی ببرد. نمی‌خواهم اسم ببرم ولی از جماعت فقها، کسی بود که دست می‌کشید به سینه‌اش و می‌گفت: تمام ابن‌سینا و ملاصدرا پیش من است!

*** تمام ابن‌سینا و ملاصدرا که نمی‌تواند پیش کسی باشد. مراد فلسفه‌اش یعنی فلسفه صدرا و سینا باید باشد.**

من عین عبارت را نقل کردم تا شما بدانید که چه جاهل‌هایی در روزگار ما هست که از جهلشان لذت می‌برند.

*** این اشخاص هرچه باشند، دلیر نیستند، چون:**

دلیران جهان، آغشته در خون
توسر پوشیده، ننهی پای بیرون

صحبت از جنگی خونین است که دلیران جهان پای در آن گذاشته‌اند. این جنگ ایران و عراق یا جنگ جهانی اول و دوم نیست، جنگ با جهل است.

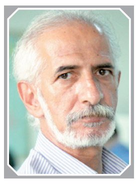
*** شاید هم بتوان گفت: جنگ ظاهر و باطن و اهل ظاهر و باطن.**

و اضافه کنید جنگ عقل و جهل. به نظر شما جنگ جهانی اول و دوم خونین‌تر بوده است یا جنگ ظاهر و باطن یا جنگ عقل و جهل؟ در جنگ‌های بشری، عده‌ای کشته می‌شوند و ماجرا تمام می‌شود ولی عواقب جنگ عقل و جهل، سهمناک است.

ادامه دارد

نگاهی به کتاب تک گویی های شهید مرتضی آوینی

دلم گرفته با من سخن بگو



محمدرضا حیدرزاده

بقیه از صفحه اول

او پس از انقلاب، معماری را با علاقه زیاد یادگرفت، ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بنا به ضرورت‌های انقلاب، آن را کنار گذاشت و به فیلمسازی پرداخت.از اولین کارهای او در گروه جهاد می‌توان به مجموعه شش‌روز در ترکمن صحرا، سیل خوزستان و مجموعه مستند خان‌گزیده‌ها اشاره کرد.گروه جهاد، اولین گروهی بود که بلافاصله بعد از شروع جنگ تحمیلی به جبهه رفت. دو نفر از اعضای گروه در همان روزهای اول جنگ در قصر شیرین اسیر شدند و نفر سوم، در حالی‌که تیر به شانه‌اش خورده بود، از حلقه محاصره گریخت.

پس از یک هفته که خرمشهر سقوط کرد، گروه که تازه توانسته بود شکل دوباره به خود بگیرد، راهی منطقه شد. آنها در جستجوی حقیقت ماجرا به خرمشهر و آبادان رفتند که سخت در محاصره بود. کار گروه جهاد در جبهه‌ها ادامه یافت.

عملیات والفجر هشت که شروع شد، گروه منسجم و منظم شده بود. سپس مجموعه تلویزیونی روایت فتح در همان حال و هوا شکل گرفت و تا آخر جنگ هم ادامه پیدا کرد. آوینی می گفت که انگیزش درونی هنرمندانی که در واحد تلویزیونی جهاد سازندگی جمع آمده بودند، آنها را به جبهه‌های دفاع مقدس می‌کشاند، نه وظایف و تعهدات اداری.

روح کارمندی نمی‌توانست در این عرصه منشأ فعل و اثر باشد. گروه‌های فیلمبرداری ما با همان انگیزه‌هایی که رزم‌آوران را به جبهه کشانده بود، کار می‌کردند. اینجا عرصه‌ای نبود که فقط پای تکنیک و یا هنر درمیان باشد.

در فاصله سال‌های پایانی جنگ و تأسیس مؤسسه روایت فتح، آوینی نوعی فعالیت هنری-مطبوعاتی را تجربه کرد. او در این دوره به سینما، هنر، فرهنگ واحد جهانی و مواجهه آن با مسائل مختلف فکر می‌کرد.

حاصل همه آن فکر کردن‌ها، تحقیق‌ها و مباحثات، نوشته‌هایی است که از او به جا مانده است. تأملاتی در ماهیت سینما که در فصل‌نامه فارابی به چاپ رسید و بعد مقالاتی با عناوین جذابیت در سینما، آینه جادو، قاب تصویر، زبان سینما و... که از فروردین سال ۱۳۶۸ در ماهنامه سوره منتشر می‌شد. مجموعه این مقالات در کتاب آینه جادو که جلد اول از مجموعه مقالات و نقدهای سینمایی اوست، جمع‌آوری شده است.

هرچند آشنایی با سینما در طول مدت بیش از ده سال مستندسازی و تجارب او در زمینه کارگردانی مستند و به‌خصوص مونتاژ، باعث شد که قبل از هر چیز به سینما بپردازد، ولی فکرها و حرف‌های او بیش‌تر از اینها بود.

او در کنار تألیف مقالات تئوریک درباره ماهیت سینما و نقد سینمای ایران و جهان، مقالات متعددی درمورد حقیقت هنر، هنر و عرفان، هنر جدید، اعم از رمان، نقاشی، گرافیک، تئاتر، هنر دینی و سنتی، هنر انقلاب و... تألیف کرد که بیشتر آنها در ماهنامه سوره به چاپ رسید.

طی همین دوران در خصوص مبانی سیاسی-اعتقادی نظام اسلامی و ولایت فقیه، فرهنگ انقلاب در مقابله با فرهنگ واحد جهانی و موضوعات دیگر تفکر و تحقیق کرد تا بتواند جواب‌هایی برای همه سؤال‌هایی که داشت پیدا کند.

اواخر سال ۱۳۷۰ مؤسسه فرهنگی روایت فتح



به دستور حضرت آیت الله خامنه‌ای تأسیس شد تا به کار فیلمسازی مستند و سینمایی درباره دفاع مقدس بپردازد و تهیه مجموعه روایت فتح را که بعد از پذیرش قطع‌نامه رها شده بود، ادامه دهد.

آوینی و بقیه گروه، سفر به مناطق جنگی را از سر گرفتند و طی مدتی کمتر از یک سال، کار تهیه شش برنامه از مجموعه ده قسمتی "شهری در آسمان" را به پایان رساندند و مقدمات تهیه مجموعه‌های دیگری را درباره آبادان، سوسنگرد، هویزه و فکه تدارک دیدند.

شهری در آسمان که به واقعه محاصره، سقوط و بازپس‌گیری خرمشهر می‌پرداخت؛ از تلویزیون پخش شد، اما برنامه وی برای تکمیل این مجموعه و ساختن مجموعه‌های دیگر ناتمام ماند.

آوینی روز بیستم فروردین ۱۳۷۲ در منطقه فکه در حال بررسی لوکیشن فیلم مستند شهری در آسمان بود که بر اثر اصابت ترکش مین باقی مانده از جنگ، به شهادت رسید.

بخش از تک گویی های شهید آوینی در کتاب "با من سخن بگو دوکوهه" چنین است:

اگر بپرسی دوکوهه کجاست، چه جوابی بدهم؟ بگوئیم دوکوهه پادگانی است در نزدیکی اندیمشک که بسیجی ها را در خود جای می داد و بعد سکوت کنیم؟

پس کاشکی نمی پرسیدی که دوکوهه کجاست؛ چرا که جواب گفتن به این سؤال بدین سادگی ها ممکن نیست. کاش تو خود در دوکوهه زیسته بودی که دیگر نیازی به این سؤال نبود. اگر آن چنان بود، شاید تو هم امروز به اینجا می آمدی، ماهها بعد از ختم جنگ، روز تحویل سال...

دوکوهه مغموم است، اما اشتباه نکنید، او جنگ را دوست ندارد، جمع با صفای بسیجی ها را دوست دارد، جمع شهدا را. آرزومند آن عرصه ای است که در آن کرامات باطنی انسان ها بروز می یابند...

قطارها دیگر در کنار دوکوهه نمی ایستند و بسیجی ها از آن بیرون نمی ریزند. قطار ها دوکوهه را فراموش کرده اند و حتی برای سلامی هم نمی‌ایستند و بی رحمانه می گذرند... اما شهدا انسی دارند با دوکوهه که مپرس. با ذره ذره خاکش. با زمینش. با دیوارهایش. با ساختمان‌هایش. با هر آن چه در چشم ما هیچ می آید. می گویی نه؟ از حوض روبروی حسینیه شهید حاج همت باز پرس که همه شهدای دوکوهه با آب آن وضو ساخته اند...

در حاشیه اطراف حوض، تابلو هایی هست که به یاد شهدا روئیده اند اما الفت شهدا با این حوض، نه فکری که به سبب تابلوهاست. من چه گویم؟ این ها سخنانی نیست که بتوان گفت. تو خودت باید دریابی وگرنه، دیگر چه جای سخن؟...

زمین صبحگاه نیز هنوز در جست و جوی رازداران خویش است. اگر زبان خاک را بدانی، نوحه اش را در فراق آنها خواهی شنید. هر چند او همه لحظات، آنچه را که دیده است و شنیده، به خاطر دارد...

جا دارد که دوکوهه، مزار عشاق باشد. زیارت گاه عشاقی که از قافله شهدا جا مانده اند. ای قدم گاه بسیجی ها، ای قدمگاه عاشق ترین عاشقان؛ تو خوب می دانی که چه سایه بلندی را از کف داده ای. بوسه های تو بر قدم هایی نشسته است که استوارتر از عزم آنان را زمین به یاد ندارد...

تو قدمگاه بسیجیان بوده ای؛ شب را به یاد بیاور که انیس عاشقان است. آن شب را بعد از عملیات والفجر یک را...

ای دوکوهه؛ تو را با خدا چه عهدی بود که از این کرامت برخوردار شدی و خاک زمین تو سجدگاه یاران خمینی شد؟ و حال چه می کنی در فراق پیشانی هایشان که سبب متصل ارض و سما بود و آن نجوا های عاشقانه؟...

دوکوهه ، می دانم که چقدر دلتنگی. می دانم که دلت می خواهد باز هم خود را به حبل دعای شهدا بیاویزی و با نمازشان تا عرش اعلی بالا بروی...

اینجا حرم راز است و پاسدار حریم آن شهدا هستند. شهدایی که در آن نماز شب اقامه کرده اند و با خدا رازها گفته اند. شهدایی که در حسینیه، چشم مکاشفه بر جهان غیب گشوده اند. شهدایی که همسفران عرشی امام بوده اند و اکنون میزبان او هستند...

دوکوهه مغموم است و در انتظار قیامت. دلش برای شهدا تنگ شده است. برای بسیجی ها...

این همه مغموم نباش دوکوهه. امام رفت، اما راه او باقی است. دیر نیست آن روز که روح تو عالم را تسخیر کند و نام تو و خاک تو و پرچم‌هایت مظهر عدالت خواهی شوند... دوکوهه، آیا دوست داری که پادگان یاران امام مهدی نیز باشی؟ پس منتظر باش...

امثال وحکم فارسی



محمدرضا سهرابی‌نژاد

اگر مردم مرد بود، کی رنگم زرد بود؟!

در گذشته‌های نه چندان دور، که خانواده‌های پرجمعیت متکی به درآمد یک مرد به عنوان سرپرست خانواده بودند و اکثراً آسیب‌پذیره.../... شغل بیشتر مردم فعلگی بود و از همین راه کارگری خانواده‌ای را اداره می‌کردند. در آن وضعیت فقر و فلاکت اگر مردی همت می‌کرد و با کارکردن در ساختمان و خشت زدن و... به سختی می‌توانست خانوادهٔ خود را اداره کند. بنابراین، فقر و محرومیت از کلیه لوازم و لذایذ زندگی، ره‌آورد این نوع زندگی بود.

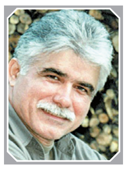
حال تجسم کنید خانواده‌ای را که نان‌آور آن همت ندارد، بیمار است، از کارافتاده است، ناتوان است، رنجور است و از همه مهمتر تنبل است. خب این خانواده چه وضعی خواهد داشت؟ وضعی رقت‌بار و در حال متلاشی شدن. اجاره‌نشینی، نداشتن غذا و لباس، توأم با طعنه و سرزنش مردم این مثل را بر لب زن خانواده جاری می‌کرد تا علت فقر خود را توجیه کند:

«اگر مردم مرد بود، کی رنگم زرد بود؟!»

نقدینه

معرفی مجموعه شعر «کاج‌های لجباز» / صابر سعدی‌پور / فصل پنجم/۹۳

یک آمبولانس صبور!



اکبر اکسیر

دهه هفتاد، دهه شعر امروز است. دهه رشد شاعران شورشی علیه تمام قراردادهای شعر معاصر. دهه‌ای که شعر سپید از سلطنت افتاد و نوعی از شعر شوخ و شنگ توسط جوانان مستعد، تیزهوش و خوشفکر پا به صحنه گذاشت که هنوز ناشناس مانده و صاحبان و سهامداران اصلی‌اش برای جامعه ادبی ایران معرفی کامل نشده است.

شعر فرانو در آغاز دهه هشتاد، برخاسته از خاکستر اندیشه‌های شعر دهه هفتاد است که بر سادگی و عینیت و کوتاهی و طنزآمیزی و... تکیه داده و تأکید کرده است. نوعی از شعر امروز که توسط شاعران جوان در سراسر ایران پیش می‌رود. صفحه سبزینه ویژه‌نامه ادب و هنر روزنامهٔ اطلاعات به سردبیری رضا رفیع در معرفی این شاعران موفق عمل کرده است. چرا که عبدالصابر کاکایی، خود از شاعران خردگرای فرانو، مسئولیت انتخاب شعرهای کوتاه این صفحه را با اجازه برادر بزرگتر جناب عبدالجبار کاکایی، شاعر و ترانه‌پرداز معاصر، بر عهده دارد.



یکی از شاعرانی که در این صفحه دیده شد، صابر سعدی‌پور بود:

جای سوزن انداختن نبود/ وقتی اجرا شروع شد/ مردی میان آسمان و زمین می‌رقصید/ آن‌قدر رقصید، رقصید تا از نفس افتاد/ و آمبولانس هیچ عجله‌ای برای رسیدن به بیمارستان نداشت!

گزارش هنرمندانه سعدی‌پور از وقایع اجتماعی با لحنی شاعرانه و نگاهی ویژه، شعرهای او را دل‌انگیز می‌کند. صابر سعدی‌پور اگر به شعر شوره‌مدار کوتاه توجه ویژه کند، بی‌شک نام مطرح محافل شعر امروز خواهد بود. شعرهای کوتاهی که با مهندسی ویژه و دقت فراوان تولید می‌شود و تأثیر شگرف و شگفتی در مخاطب نوجوی امروز دارد.

صابر باید صبور باشد. در چاپ کتاب دوم عجله نکند و شعرها را غربال کند. ده شعر برتر بهتر از ۶۰ شعر شرکت تعاونی سری‌دوزان است. در این مجموعه او تلاش‌های پیگیری در تثبیت نام شاعر کوتاه‌سرا به خرج داده است، اما ویروس دوم شخص مفرد مؤنث مفلوک، دست از سرش بر نمی‌دارد و او را به شعرهای معمول می‌کشاند و به تکرار سوژه‌هایی که دستمالی دیگران شده‌اند.

صابر توانایی آن را دارد که با غافلگیری در فینال شعر، زیباترین شعرهایش را بسراید. به تعلیق و گروتسک دامن بزند، نوعی از گزندگی طنز مرموز را به شعرش اضافه کند و دست از سر شعر بر ندارد تا کام دل برآید.

او هر چیز را یادداشت نکند، سوژه‌های ناگهانی را در ذهن خود به بازی بگیرد، مثل گربه بچه‌ای که با برگ خشک مانور موش‌گیری می‌کند، مدام با سوژه بازی کند و بعد آن را یادداشت نماید.

سعدی‌پور به‌سادگی از نوادگان سعدی است. باید در شعرهایش از رندی حافظ نیز برخوردار شود تا به نوعی از شعر رندانه امروز برسد.

نمونه‌های خوبی در مجموعه کاج‌های لج‌باز به چاپ رسیده که برای موفقیت این مجموعه کافیست.صابر سعدی‌پور مانند مجید سعدآبادی، شاعری غیرمترقبه است، باید در مراقبه باشد و گول جوایز و القاب و الواح تقدیر را نخورد. به شعر کوتاه خاص خود متمرکز شود و تمام ذهن و زبانش را در خدمت شعر خاص خود بگذارد تا شاعر فردای شعر امروز باشد.

به شعر کوتاه طنز و تراژدی صابر سعدی‌پور توجه کنید:

چقدر شاباش جمع کرده‌اند/ عروس داماد/ پس از تصادف!

**

برای صابر عزیز و رسیدن به شعر ماناصبر جزیل آرزومندم. امیدوارم دوستان صابر نیز در محافل ادبی بدرخشند و مطمئن باشند که در سایه تلاش، الله مع‌الصابرین است!

تحلیلی بر پاپ آرت

تهی اما سرشار از قدرت



محمد عارفی‌تبار

بقیه از صفحه اول

با توجه به مفهوم‌گرایی در هنر مدرن، اثر هنری می‌باید، در پی انتقال مفاهیم باشد و مخاطب را بتواند به سوی خود جذب کند. از منظر هنرمند پاپ آرت، شلوغی فضا و زندگی سریع و بدون توقف‌معاصر، فرصتی برای انسان نمی‌گذارد تا کمی تعلل کند و به اطرافش توجه نماید.

مدرنیزاسیون آمده تا آدمی را با خود ببرد و مجال اندیشه را از او بگیرد. تصاویر بصری شلوغ، رنگ‌های متنوع و آثار هنری پیچیده، دیگر تکراری است که جامعه فرصتی برای آن در زندگی ندارد. لذا هنرمند را وا می‌دارد تا برای خلق اثری نو از موادی ساده‌تر، دم دست‌تر و ملموس‌تر استفاده کند.

در این فرآیند، هنرمند پاپ آرت، بیش از پیش به اطرافش توجه نشان داده و این تلاش در به کار گیری اشیا در تکنیک کولاژ خود نمایی کرده است. «در سال ۱۹۶۱ نمایشگاهی با عنوان «هنر سر هم سازی»[2] با تکنیک کولاژ در موزه هنرهای مدرن نیویورک برگزار شد که بازتاب و واکنش‌های بسیار مثبتی را در پی داشت و این سرآغازی بر هنر پاپ است. همچنین ویلیام سی سیتنز، منتقد هنری، در مقدمه این نمایشگاه این گونه می‌گوید:

«موج اخیر سر هم‌سازی، یک تحول چشمگیر از هنر انتزاع‌گرایی ذهنی به سوی نوعی همراهی و تجانس با محیط را نشان می‌دهد.» (ویلیام سی، سیتز در مقدمه نمایشگاه کولاژ موزه هنرهای مدرن نیویورک. سال ۱۹۶۱)

«ساده‌گرایی کولاژ و ترکیب ساده مواد توانست جای خود را در آثار هنری باز کند و تا کنون نیز یک تکنیک بسیار مناسب برای خلق آثار هنری و تصویر سازی باشد.»[3] این آثاربسیار به زندگی روزمره شباهت دارند و به اشیا پیرامونمان نزدیک‌اند.

در تداوم این روند برای جذب مخاطب، هنرمند به سوی وحشت آفرینی پیش رفت. این ذهنیت که تنها انسان معاصر را با شوکه کردن و ایجاد شگفتی می‌توان متوقف و متوجه اطرافش کرد، در بین هنرمندان به یک جنبش هنری تبدیل شد به نام: «هنر وحشت.» این جنبش هنری نیز به دلیل ارتباط سریع و مؤثر با مخاطب و سادگی آن در حیطه هنر پاپ قرار می‌گیرد.

هنرمندانی چون ادوارد کین هولز، پل تک و بروس کونر از سرآمدان این جنبش به‌شمار می‌آیند. پل تک در اثری متفاوت و عجیب که بسیار شوکه‌کننده است، بسیار فراتر رفته و جسد یک مرد هیپی را در نمایشگاه شخصی خود به نمایشگاه گذاشته است.

این آثار در ایجاد فضایی که مخاطب را سریع و مؤثر جذب کند، تأثیر بسیار داشته است. از هنرمندان دیگر که بسیار خلاقانه نقشی موثر و ژرف باقی گذاشت، ایو کلاین است. کلاین در کنار واگویه‌های هنری اش که محتوا و مفهوم‌گرایی نقش عمده‌ای دارد، شخصیت خلاقانه‌اش بسیار در جذب مخاطب مؤثر بوده است. او در خلق اثر هنری خود سعی بر آن داشت تا مخاطبان را مشارکت دهد.این فکر به واقع به خلق اثر هنری و انجام آن درمقابل مخاطب منجر می‌شود. نمایشگاه جنجالی او که در سال ۱۹۵۸ در پاریس برپا شد، نمونهٔ یک خلاقیت و مفهوم‌گرایی عمیق است. تمام نمایشگاه سفید رنگ شده و در آن هیچ اثری یافت نمی‌شد؛ حتی یک صندلی. «آلبرت کامو نویسنده فرانسوی که از این نمایشگاه بازدید کرد در دفترچه یادبود آن نوشت: تهی اما سرشار از قدرت.»[4]

پاپ آرت در ادامه و در اوج خود در کشور آمریکا به یک جنبش انتقادی به مصرف گرایی تبدیل شد. هنرمند سرشناس و مطرح این جنبش اندی وارهول است. وارهول با استفاده از قوطی سوپ و کوکا کولا و جعبه‌های تجاری و حتی اسکناس، برخی از مهمترین آثارش را خلق کرد.این جنبش اعتراضی بسیار با ساختار جامعه هماهنگ پیش رفت و هنرمند متفکر نیز در بیان انتقاد از جامعه مصرف زده از عناصر و اشیا مصرفی در خلق آثارش سود جست.

سیر جنبش‌های هنری مدرن بسیار ملموس نشان دهنده علاقه و اشتیاق هنرمند به برقراری ارتباط با مخاطب است، اما پیچیدگی بصری تصاویر و محتواهای دور از ذهن اغلب این مسیر را با مشکل روبرو کرده است.در هنرپاپ «زندگی‌روزمره به اثرِ هنری بازگشت و به حد کمال‌رسید و مَسائل سیاسَی و اجتماعی و فرهنگی بعد ازجنگ جهانی دوم و روزگار جنگ سرد و دورَان رونقِ اقتصادیِ آمریکای سرمایه‌داری و اشاعه فرهَنگ مصَرفی نیزَ در قلبِ اثرِهنری، نقشِ اساسی ایفا کرد.»[5]

همچنین با ساده سازی بصری و ایجاد تکنیک‌های خلاقانه‌تر، این فضای مبهم در هنر مدرن شکسته شده. البته تمام حرکت‌هایی که در سایه جنبش پاپ قرار می‌گیرند، محتواگرا باقی نماندند و بیشتر به سمت فضای تجاری و ساخت غالب‌های گرافیکی پیش رفتند. همین‌طور که در حال حاضر هنر پاپ چنان فاخر نیست و کم اثری را می‌توان در هنر پاپ یافت که ارزش‌های فرهنگی و هنری درخوری داشته باشد.

در تحلیل پاپ آرت، همین‌طور که آلبرت کامو گفته است، تهی بودن از محتوای قابل درک به راز آلود بودن و قدرت داشتن اثر هنری، کمک کرده است. قدرتی که مخاطب را می‌تواند جذب کند و بسیار صریح پیامش را به او برساند.

آنچه که هنر پاپ را به یکی از جنبش‌های موثر هنر مدرن تبدیل کرد، ارتباط سریع و بدون واسطه با مخاطب است و همچنین بازنمایی فضای بصری جامعه. از این رهیافت می‌توان دریافت که هنر، هر اندازه بسط و گسترش بیشتری در میان مخاطبان داشته باشد و به همان اندازه غنی از بازخوردهای جامعه باشد و دغدغه‌های هنرمند را بیان کند، بسیار روند عمیق و تأثیرگذار و فراگیری را خواهد داشت. قدرت هنر در انتقال مفاهیم و گیرایی بیشتر بر روی مخاطب است.

آنچه که نتیجه بسیار مهمی را در جنبش‌های هنری مدرن رقم می‌زند بازخورد جامعه نسبت به اثر هنری است. هرچه اثر هنری گیراتر و به زندگی روزمره نزدیکتر باشد و به همان اندازه مفهومی‌تر می‌تواند مخاطب را به خود جذب کند. لذا همینطور در هنر پاپ به دلیل ارتباط مهم و اصلی که این هنر با مردم دارد، سعی در گیراتر شدن داشته و مفهوم در اثر هنری جایگاه بعدی را دارد.

پی‌نویس:

۱-ویکی پدیا تعریف پاپ آرت

۲ـ Assemblage of art The

۳ـ برگرفته از کتاب آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم، نوشته ادوارد لوسی اسمیت، ترجمه سمیعی آذر

۴ـ آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم. ادوارد لوسی اسمیت. ترجمه دکتر سمیعی آذر ص ۱۴۱

۵ـ فصلنامه کیمیای هنر،سال دوم شماره ۸، پاییز ۱۳۹۲، پژوهشی در مورد بازنمایی در هنر پاپ، داود میرزایی

در محضر مشفق



پرویز بیگی حبیب آبادی

بخش چهاردهم

***جناب عالی دربارهٔ کشف حجاب هم خاطراتی دارید؟**

ـ موقعی که موضوع کشف حجاب یعنی همان برداشتن چادر و مقنعهٔ زنان به میان آمد، به مردم بسیار ظلم کردند. دستور، دستور رضاخان بود و مأموران که همیشه خود را معذور می‌دانند، چادر را از سر زنان می‌کشیدند و به روحانیون هم آزار و اذیت فراوان می‌رساندند و عبا و عمامهٔ آنان را برمی‌داشتند.

مردم که هیچ چاره‌ای نداشتند و نمی‌توانستند مستقیماً مقابله کنند، تنها مقاومتشان آن بود که به زنان خود اجازه خارج شدن از خانه را نمی‌دادند. شرایط سختی حاکم شده بود. اگر کسی می‌خواست فامیل و بستگان خود را ببیند، مجبور بود در ساعات پایانی شب از خانه بیرون بیاید. چون هم عدهٔ پاسبان‌ها کمتر می‌شود و هم مردم کمتر در شب دیده می‌شدند.

بعضی مواقع اگر زنی مجبور می‌شد برای یک کار ضروری، روز از خانه بیرون بیاید، و پاسبان جلوی او را می‌گرفت، بلافاصله به او رشوه می‌دادند و پاسبان هم می‌گفت زود از اینجا برو و موضوع فیصله می‌یافت. در آن زمان رشوه‌گیری و اخاذی بسیار فراوان بود و جاری و ساری.

لطفاً درباره این وجه از اشعارتان و همین‌طور انگیزه سرایش آنها توضیح بفرمایید.

ـ درست است، من در کاشان غالباً اشعار طنز اجتماعی در روزنامه‌ها می‌نوشتم. به تهران که آمدم، طبعاً از وقایع سیاسی ـ اجتماعی کشور بیشتر تأثیر می‌گرفتم. مثلاً یادم هست پس از کودتای سیاه ۲۸ مرداد، موقعی که شاه مرتب مخالفانش را تیرباران می‌کرد و مخصوصاً وقتی در سال ۳۴ نواب صفوی و یارانش را تیرباران کردند؛ شعر «نقش دیگر» را گفتم، به این مطلع:

باز در پرده یکی نادره آهنگ زدند
نقش دیگر به سراپرده نیرنگ زدند

و با اشاره به مصرعی از حافظ و شهادت نواب و یارانش:

جای آن‌است که خون موج زند در دل لعل
زین همه گوهر تابنده که بر سنگ زدند
عرصه‌ی فتنه و آشوب چو دیدند فراخ
دامن حیلت و افسون به کمر تنگ زدند
تا ببندند زبان از حق و لب نگشایند
نیمه شب راه به مرغان شباهنگ زدند

ما آن زمان حرف‌هایمان را غالباً بین غزل‌هایمان می‌زدیم، مثلاً یادم هست در اوج تبلیغاتی که برای محمدرضا می‌کردند، غزلی از جامی در انجمن حافظ مطرح شد و بعد آن شعر را به اقتراح گذاشتند.

من غزلی سرودم که یک بیت آن این بود:

ایمن به جان خویش نشستن زابلهی است
آنجا که نقش راهبر و راهزن یکی است

از این نمونه‌ها در کار من فراوان است. آن موقع در وزارت فرهنگ کار می‌کردم. روز بعدش دیدم یک یادداشت توی پاکت آمده که شما فردا به ساختمان شماره فلان در خیابان مختاری مراجعه کنید. آن موقع در جمع شاعران هم افرادحقوق‌بگیر و خبرچین ساواک وجود داشتند که دستشان با ما در یک کاسه بود و در عین حال خیانت می‌کردند. آنها مأمور بودند اگر کسی جایی شعر سیاسی بگوید و یا حرفی مخالف دستگاه بزند، به ساواک گزارش بدهند.

ادامه دارد

گفتگویی نقدآمیز با «خورشید سیاه»؛ تنها گروه حامی محیط زیست

فرهاد، نیما و طبیعت



هومن ظریف

«بودن یا نبودن،مسأله این است». مسأله انسان بودن یا نبودن است، با هر اعتقادی که داشته باشیم. چه صاحب نگاه سهراب باشیم که معتقد بود سبزه‌ای را بچیند، خواهد مرد و چه نگاه مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی، که مورچه‌ای را به لانه‌اش می رساند. بحث ترحم نیست؛ آن گونه که سعدی می گفت میازار موری،بلکه بحث زیستگاه و طبیعت است. سخن از نیروی لایزال هارمونی«لودویگ فان بتهوون»است و«دشواری وظیفه» و پی‌بردن به هارمونی هرمنوتیک پیچیده انسان، خدا و طبیعت.

و در ساحت موسیقی امروز، در بیت‌های خالی و «بایت»های گهگاه نه چندان متعالی رپ، شنیدن اینکه گروهی با کالبد موسیقی راک ، خود را حامی محیط زیست معرفی کند، خود، ارزشمند و سپند است. مهم نیست که این گروه راک کشمیر ردیف نمی نوازد و راک غربی را نواخته است. مهم، نوازش طبیعت است. البته ،نگاه ترحم‌آمیز نسبت به طبیعت، ساده‌ترین واکنش نسبت به جریان تخریب طبیعت است. گرچه ترحم، از انفعال والاتر است، اما در برابر نگاه رواقیون و هراکلیتوس و چه بسا زرتشت، که رابطه تنگاتنگ در زمانی انسان و طبیعت را پاس می‌دارند، نازل تر است.

آنان به عنوان اجداد ابن عربی،از وحدت وجود سخن می گویند که طبیعت در زیر مجموعه بحث ایشان می تواند یکی از ساحت های تجلی آن باشد و اینکه،انسان چگونه می تواند از طبیعت برای کیفیت بخشیدن،یاری بگیرد ،باشد.کوتاه سخن اینکه ،سعادتی بود، که با هنرمندان آلبوم دوم گروه «خورشیدسیاه»؛یعنی «اشک سیاه»گفت و گویی داشتم. گروهی که برای یوزپلنگ آسیا ترانه ای ساخته است. پذیرای این گفت وگوی نقادانه، که با «جهانگیررها» خواننده، شاعر، نوازنده گیتار آکوستیک و «طاهر علیرمضانی» نوازنده گیتارباس و سرپرست گروه «خورشید سیاه» انجام شده است باشید.

***

* در قطعه نخست آلبوم «اشک سیاه» که به محیط بانان پارک ملی گلستان، تقدیم شده، آیا عدم موفقیت آنها در برابر آتشی که به صورتی سنتی، جنگل را در چنگال نیستی فرو برده، با اصل ترانه تناقض ندارد و رویکردی انتقادی ندارد.

ــ رها (شاعر): انتقاد ما به سیستم بالادست است. محیط بانان در میدان واقعه با دست خالی، خاک و سنگ و بیل و کلنگ دارند تلاش می‌کنند و قرار است که هلیکوپتری به آنها کمک کند. توجه داشته باشید که محیط‌بانان ما هلیکوپتر ندارند و کمکی به آنها نمی‌شود.

* این نوع قضایا یا با فرض محتوم ایجاد محیط بانی مجهز در محیط زیست آینده ایران، باعث نمی‌شود که اثر موسیقایی شما را دچار تاریخ مصرف کند؟ چه انگیزه‌ای باعث شده است که چند هنرمند، با علم بر اینکه این اثر می‌تواند تاریخ مصرف داشته باشد، همچون نهنگ عاشق، خود را به ساحل بکشانند؟

ــ رها: برخی چیزها موضوع روز است، ممکن است بعدها این نقص رفع شود. ما به این موضوع توجه داشتیم که بر وضعیت امروز تاثیر بگذاریم و شاهد اختصاص ۴ هلیکوپتر در جنگل گلستان باشیم. اگر چنین شود، اثر خود را گذاشتیم. آهنگ نمی‌ماند، اما اثر مثبت آن خواهد ماند.

ــ علیرمضانی (سرپرست): از نظر ما،هنرمند باید به محیط واکنش نشان بدهد. وقتی که می‌بینیم هر مساله‌ای در محیط زیست، وارد ساحت‌های اجتماعی و سیاسی می‌شود، احساس من این است که دچار تاریخ مصرف نخواهد شد. در قطعه هولوکاست جنگل فقط موضوع فقدان هلیکوپتر نیست. موضوع‌های دیگری هم وجود دارد که فرهنگی است و رفع آن زمانبر. جنگل گلستان می‌تواند یک نماد کلی باشد که گریبانگیر آتش است.

*در انتهای این قطعه، نوازنده گیتار الکترونیک، ملودی آشنایی با نام «Sabra dance »از آرام خاچاطوریان، شنیده می‌شود. چرا؟

ــ علیرمضانی : این پیشنهاد آهنگساز، یعنی جناب رها بود.

ــ رها: من احساس کردم که این رقص آتش خاچاطوریان است!

ـ خیر؛ من اتفاقاً پرنده آتشین استراوینسکی و رقص صبرا و رقص مردگان سن‌سان را با خودم آورده‌ام. گویا شما نیز همانند من اینها را با هم اشتباه گرفتید و از بابت تفاهم با شما در اشتباه گرفتن این قطعات محبوب مشترک برخود می‌بالم.

ــ رها: جالبه؛ همیشه این قطعه به‌عنوان رقص آتش در ذهنم بود.

* البته، این قطعه ای که شما تضمین کرده اید، شراره‌های آتش در جنگل گلستان را متبادر می‌سازد. از لحاظ ایجاد ایماژ موفق هستید. اما در قطعه «اشک سیاه» جیغ و سرکشتگی ناله گیتار الکترونیک، ایهام تبادری بجا ایجاد می کند که گویا این آخرین ناله‌های یوزپلنگ آسیاست. در کنار سر و صدای بی‌ربط گیتار الکترونیک در آلبوم‌هایی مشابه، ارتباط ناله گیتار در اینجا با ناله یوزپلنگ، رابطه بنیامتنیت آگاهانه‌ای ایجاد کرده است. آیا این گربه در شعر قطعه اشک سیاه، ارجاع به نقشه ایران نیز دارد؟

ــ رها: پهلو زده است، اما نخواستیم مشخصاً چنین چیزی بگوئیم؛ چون شعاری می‌شد. اصل قضیه، آن موجود زنده است ولی در نهایت یک همذات پنداری وجود دارد. حال و روزش خوب نیست، مثل خورشید سیاه است.

* چرا گروه خورشید سیاه حالش خوب نیست؟

ــ رها: وضعیت موسیقی را که شاهد هستید. اولین آلبوم ما «خرس سیاه بلوچی» بود که در اسفند۱۳۹۲ بعد از دو سال ضبط و صبر منتشر شد.

ــ علیرمضانی: انتشار نخستین آلبوم خیلی سخت بود.

ــ رها: این فشارها به کنار، برخی پیشنهادهایی برای رونق‌دادن کار به ما می‌دهند که با اهداف گروه سازگار نیست و با اینکه می‌دانند ما طرفدار محیط زیست هستیم، می‌خواهند به زعم خود، ما را با بازار آشتی بدهند!

* بگذریم؛ در آن قطعه، یوزپلنگ آسیا را پناهنده ما ایرانی‌ها گفته‌اید. اصلاً چه کسی به یوزپلنگ آسیا، اشک‌سیاه لقب داده است و چرا؟

ــ رها: به خاطر چهره این حیوان، که دو خط اشک‌سیاه دارد، گروه خورشید سیاه به این یوزپلنگ، چنین لقبی داد و خواستیم بر این اساس به آن بار دراماتیکی هم بدهیم. این حیوان، خاستگاهش کل ایران بوده است، اما در جاهای دیگر همه نابود شده‌اند و آخرین حیاتش در ایران است.

* در قطعه «خواب»، در نکوهش بیداری آدم‌ها سخن رفته است و خواب را ستوده‌اید. یادآور سخن سعدی که:«تو را خواب نیم روز تا در آن یک نفس، خلق را نیازاری». اصولاً چقدر به خواننده‌ای مثل مرحوم فرهاد مهراد و ترانه «بوی عیدی» در اینجا چه در شعر و چه در خوانش نزدیک شده‌اید؟

ــ رها: تأثیر آن فرهنگ می‌تواند باشد. البته این شعر که سروده«محمد ضمیری مفید» است، هجده سال پیش نوشته شده است. آن دوره از گذشته موسیقیدانان بیشتر از امروز متاثر از بوده اند. گرچه در واقع ربطی ندارد. اما در مورد خوانش، بله، من از فرهاد تاثیرزیادی گرفته‌ام. من از بچگی، فرهاد گوش می‌کردم. خوانش چکشی واژگان توسط فرهاد و آکسان کلماتش برایم مورد نظر است. از این جهت خیلی من بر روی کلمات تاکید دارم.

* البته نگاه و انتخاب فرهاد به اشعاری که درباره طبیعت است، نیز می‌تواند در شما تاثیر گذاشته باشد. انگارایشان ناتورالیست بود.

ــ رها: فرهاد بخشی از تاریخ موسیقی جدی



یا مؤلف معاصر ماست و در موسیقی امروز، مؤثر است. به هر حال هر رشته هنری ریشه‌ای دارد.

* شاید نخستین بار در ایران است که راک، رویکردی غیرعاشقانه و غیر مسائل اجتماعی حتی تجربه می‌کند و مثلاً برای «نهنگ» ذوق‌آزمایی می‌کند.البته در قطعه «کنسرو نهنگ»،بازهم صدای شیدای گیتار الکترونیک ،تقلای صدای نهنگ را گویا تداعی می کند؟

ــ علیرمضانی: در ایران چنین چیزی تابه حال نبوده است، اما در خارج از کشور من شنیده‌ام. معروف‌ترین آن ترانه «زمین» مایکل جکسون بود.

* منظور از عاشقانه‌های رنگی در این بند «عاشقانه‌های رنگی بیخ گوش ناوجنگی» چیست؟

ــ رها: می‌تواند حکایتگر وضعیت جنگی منطقه خلیج فارس باشد. منطقه خاورمیانه یا حتی در کل دنیا. در واقع هر اتفاقی که برای نهنگ اتفاق می‌افتد، می‌تواند استفاده از یک شخص باشد. حتی یک جامعه را با نماد نهنگ نشان بدهیم. باورتان شاید نشود، با یک معنا این نهنگ در ذهن من تجلی پیدا کرده و در عمل، معانی متعددی را یدک کشیده است. خود من هم برخی اوقات به‌عنوان مخاطب این ترانه را می‌شنوم. شما دقت کنید که نهنگ ها در هجوم این همه امواج بشری که فضای زمین و هوا و دریا را آلوده کرده اند،دیگر صدای خود را نمی‌شنوند. فضا بسیار آکنده از فرکانس شده است.

* در قطعه ریزگرد عربی، بنابر توضیحات بروشور، نکوهش مضاف «ریزگرد» است و «عربی» بودن آن دلالت بر چند سرزمینی است که به خاطر مدیریت نادرست حاکمان آن، تولید ریزگرد می‌کند. اما چرا ریتم این قطعه عربی است؟ هر چند می‌دانم اگر ایرانی بود می‌پرسیدم. چرا این قطعه ریزگرد عربی، ایرانی است؟!و اما، در قطعه «قاره کثیف» اتفاق موسیقایی خاصی نمی‌افتد اما هشدار به هنگام جالبی است. من پیش از رجوع به بروشور، تلقی استعاره از این ترکیب داشتم اما اکنون که بروشور را نگاه می‌کنم، متوجه ایجاد فاجعه اکوسیستمی برای دنیا شده‌ام. گرچه این را نقطه ضعف این ترانه می‌دانم که قائم به ذات نیست، اما دغدغه قابل احترام است.

رها ـ این فضا که آکنده از زباله است در بخشی وسیع در اقیانوس آرام ایجاد شده است. بین آمریکا و ژاپن. این زباله‌ها به وسعت چیزی به اندازه قاره استرالیا، در دریا جمع شده است. قاره کثیف Polluted Continent عنوان بین‌المللی آن است. برخی به آن قاره هفتم هم می‌گویند. حتی یک بطری آبی که در خلیج فارس رها می‌شود از طریق آب‌های آزاد ممکن است روزی به آن فضای زباله‌ای به‌وسیله چرخش آب‌های آزاد برسد.

علیرمضانی ـ اگر ترانه باعث شده است که شما درباره این معضل زیست‌محیطی پژوهش کنید، ما خود را موفق می‌دانیم.

ــ رها: اگر چنین قاره‌ای هم وجود نداشته باشد، یکسری مفاهیم دارد منتقل می‌شود و در حال هشداردادن است.

* داروک، شعر نیما یوشیج را انتخاب کرده‌اید که مضامین «طبیعت» آن کاملاً «استعاره» است. چرا آن را انتخاب کردید؟

ــ رها : آن را دوست داشتیم. این موسیقی را طاهر علیرمضانی ساخته است.

ــ علیرمضانی: من برداشت محیط زیستی از آن داشتم.

ــ رها: ما از شاعران بزرگ، چه در گذشته و چه در حال، اگردرباره طبیعت و اهداف ما اثری داشته باشند، استفاده می‌کنیم. نیما به‌عنوان پدر شعر نو و روحیهٔ طبیعت‌گرایی که دارد، برای ما دوست داشتنی است. ما زبانی که در ترانه‌های خودمان پیدا کرده‌ایم، بخشی از نیما وام گرفته شده است و حتی سهراب سپهری. شعر سهراب هم به زبان «اشک سیاه» و «نهنگ» آلبوم «خرس سیاه بلوچی» کمک کرده است.

*و اما قطعه «کرمان»؛ قضیه این «زیبا» چیست؟ صفت است یا اسم یا استعاره از شخصی چون «ریرا»؟

ــ رها: ما جذابیت‌های میراث طبیعی مثل «کلوت» و «لوت »و میراث فرهنگی مانند« بم» را در این اثر معرفی کردیم. کرمان نماد مردمی سختکوش است. از جهت تاریخی هم سختی زیادی کشیده‌اند. از قضایای دوران زندیه کرمان، بغضی در گلوی من ایجاد شده بود. همیشه ارادتی نسبت به کرمان داشتم که این سپاس و قدردانی و ادای دین با ساختن این ترانه انجام شد. زیبا یک نماد است. هر کسی که پیام برساند، زیباست. عین خود شما! خبر پیدایش دستخط مرا، برسان/ به رسانه‌های خوش‌خط جهان. این گردشگران و راهنمای آنها هم زیبا هستند.

* در قطعه هفتم‌تیر شصت‌و شش، برای سردشت، اولین شهر مسکونی در تاریخ که بمباران شیمیایی شد، سروده و نواخته شده است. بسیار عالی، اما در قطعه «چه جور بگم؟» انگار قطعه عاشقانه معمولی است که از جنبه مصلحت بازار مهمان آلبوم شده است. اما واژه «ایل» و اینکه حیاتی ایلیاتی را بازگو می‌کند. بیت‌الغزل این ترانه است: آموزه‌های ایل من/ یاد ندادن بهت بگم/که عاشقم، دوست دارم/ منو میخوای یا نمیخوای؟خود واژه «ایل» اصالت آلبوم را نشان می‌دهد. اما چرا هیچ موتیف محلی و مقامی زیر صدای خواننده اجرا نمی شود که یاد یکی از اقوام را در این قطعه زنده کند؟

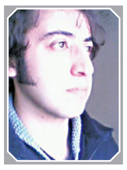
ــ رها: می‌توانست چنین اتفاقی بیفتد.

ــ علیرمضانی: یکی از نکته‌های مهم درباره گروه موسیقی «خورشید سیاه»این است که کارها اغلب با تنظیم اعضای گروه قوام پیدا می‌کند و همکاری گروهی مد نظر ماست. آنچه که شنیده اید، حاصل کار گروهی است.

* برای شما موفقیت آرزو می‌کنم و امیدوارم قطعه «قاره کثیف» ولی زیبای شما، به صورت انگلیسی اجرا و جهانی شود.

24 خرداد؛ سالروز تولّد استاد داود گنجه ای

هنر اخلاق مداری



محمدرضا ممتاز واحد

بقیه از صفحه اول
بدگویی و کم انصافی و نگاه های خودبرتربینی، هیچگاه نه زیبنده یک انسان واقعی، بلکه شایسته یک هنرمند هم نخواهد بود.

داود گنجه ای با اخلاق مداری و خلق و خوی خوبش نشان داد که گوهر اخلاق از گوهر هنر، باارزش تر است.اما در خصوص جایگاه هنری داود گنجه ای بایستی اذعان داشت که گنجه ای در زمره نسل اولِ هنرمندان عصر بازگشت به سنت است.



با این که وی پس از نوازندگی ویلن به کمانچه نوازی روی آورد، ولی او و آن نسل، نگاه معتدلانه و منصفانه خود به گذشته و امروز را حفظ کردند و اساساً این روحیه اعتدال و میانه روی، نه تنها در ایدئولوژی هنری گنجه ای، بلکه در اخلاق و سلوک او نیز دیده می‌شود.

داود گنجه ای از نخستین فارغ التحصیلان دانشکده موسیقی دانشگاه تهران، ردیف دان و نوازنده مسلط ویلن و کمانچه است.

نیمه دهه هشتاد بود که آلبوم بداهه نوازی های ایشان روانه بازار شد.

استاد داود گنجه ای در آن مجموعه روایتی از ردیف را مبتنی بر بداهه نوازی ارائه کرد و این شیوه روایت کمتر معمول است.

معمولاً روایات موجود بداهه نوازی نیست و راوی به صورت مَدرسی (مشقی) ردیف را روایت می کند؛ امّا در بداهه، ذوق و طبع بیشتری محسوس است.

در این حالت، تکه تکه نوازی جای خود را به یکسره نوازی داده و از این روست که ردیف مجلسی - که قدما با هر بار نواختن ردیف، روایتی نو و بدیع را خلق می کردند- بایستی بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

اشراف و احاطه داود گنجه ای به ردیف های معتبر سازی و آوازی و تحقیق و تتبع و تطابق و مقابله در این خصوص، ایشان را به بینشی عمیق از ردیف موسیقی سنتی ایران و روایات معتبر آن رسانده است.

کمانچه نوازی استاد داود گنجه ای، شیوه کمانچه نوازی قدما را یادآور می سازد و به قول شادروان استاد محمدرضا لطفی: « [داود گنجه ای] از معدود بازماندگان سبک سنتی کمانچه نوازی است.»

بررسی مکاتب موسیقی کلاسیک دنیا - ۳۱

موسیقی ایران زمین



عماد فرخ نیا

تاکنون درخصوص موسیقی سرزمین‌های بین‌النهرین، مصر، هندوستان، چین و ژاپن، سخن گفته شد و نیز در سه بخش تفصیلی به این مهم پرداخته شد که موسیقی کلاسیک چه نوع موسیقی بوده و خواهد بود. حال شایسته است به عنوان ادای دین به موسیقی ژرف و سازنده‌ای که می‌تواند برای هر فرد مشتاق هنر اصیل، نوعی کشش و شور ایجاد نماید، به موسیقی سرزمینی بپردازیم که مأنوس‌تر است به ذهن و جان هر ایرانی؛ موسیقی ایران. تمامی سرزمین‌های خاورزمین، مسلماً دارای تاریخی طولانی و پیشینه‌ای بسیار دور هستند که با اندک مطالعه‌ای درخصوص میراث مطوّل هر یک از سرزمین‌ها، بیش از هر جای دیگر در هنر این سرزمین‌ها و به‌ویژه در موسیقی و هنرهای تجسمی‌شان، انعکاس یافته است. هر چند که بسیاری از دستاوردهای کهن هر دو عرصه (یعنی موسیقی و هنرهای تجسمی) در طیِ تاریخ طولانی بشر تا قرن بیست و یکم، یا تماماً از بین رفته و یا به شکلی بسیار ناقص و ناچیز به دوران کنونی رسیده است.

اما همین دستاوردهای ناچیز، بی‌اندازه ارجمند و مغتنم است و به واقع همچون روزنه‌ای است به سوی افق‌های دوردست تاریخ، ذهن و حیات طی هزاران سال، و مبدل شدن به میراث کلی بشریت.

طی تمام سالیان پژوهش درخصوص فلسفه ـ هنر و به‌ویژه موسیقی کلاسیک، موسیقی سرزمین ما ایران همواره سبب تحیر و شکوفایی ذهن و آرامشی بوده است که این هنرناب توانسته در پیوند با جان‌های هنرمندی چون میرزا عبدالله، درویش‌خان، آقا حسینقلی، نی‌داوود، صبا، هرمزی، شهناز، فروتن، موسی، معروفی، برومند و در زمانه ما چونان علیزاده، مشکاتیان، طلائی و به‌ویژه محمدرضا لطفی، همواره سبب‌ساز آن بوده‌اند که تعالی شنیدن این نغمات سر به آسمان ساید.

پس آنچه موسیقی ایران را چنین معنا و عمقی می‌بخشد، قطع نظر از تمامی پیوندها مردمان این ملک با این هنر، ناب بودن و زلالی سرچشمه‌های هنر ناب است. باشد که یادی از همه آن شیدایان جاودانه باشد.

دوران کهن

تاریخ اساطیری هر سرزمین و تمدنی دارای پیوندهای قطعی و متفاوت با اقلیم، نوع سنن، آب و خاک و فراوانی هر یک و پیوند با آب‌های آزاد یا عدم این پیوند است و بسیاری از جنبه‌های مختلف هنری که در طی تاریخ هر تمدن و سرزمینی تحقق می‌یابد، منوط به بسیاری عوامل خاص جغرافیایی، مادی و نوع نگاه به هستی است.

ایران نیز همچون دیگر سرزمین‌ها دارای اقوامی بومی بوده و بسیار اقوامی مهاجر که هر یک به دلیل یا دلائلی، روی به این سرزمین نهاده و سعی در تکامل زندگی و حیات داشته‌اند. از همین دوران‌ها، اتفاقات خاص تاریخ هنر به آرامی و گاه به تسریع، رقم می‌خورد.

تعارض درون اغلب اجتماعات سبب ایجاد کمال و بهینه شدن توان و همچنین هنر آدمی بوده است. سازهای اولیه موجود در ایران‌زمین به همین دوران خاص یعنی حداقل به حدود ۵ تا ۶ هزار سال ق.م مسیح باز می‌گردد که بدون شک یکی از دلایل رشد و کمال جویی ساز «نی» یا فلوت‌های افقی و پیش‌تر از آن عمودی است که متأثر از اقتصاد دامپروری ساکنین این سرزمین و به‌ویژه مهاجرین هند و اروپایی بوده است.

نکته مهم درخصوص موسیقی کهن سرزمین ایران و البته در تشابه کامل با موسیقی‌های کهن هندوستان و نپال و تا حدود زیادی چین و ژاپن، این نکته است که دو واقعیت در تحقق اشکال و حالات موسیقی، نقش پررنگ و اساسی داشته است:

۱ ـ نوع معیشت آن قوم ۲ ـ اوقات شبانه روز و مفهوم زمان.

هرچند پیشتر درخصوص تأثیرات یزدانشناختی هر سرزمین بر هنر سخن گفتیم و این امر بدیهی است که باورهای متافیزیکی، نقش اساسی در هویت موسیقائی دارد. لیکن موضوع معیشت هر تمدن و هر قوم به تدریج حتی در گستره سازها و ساخت آنها تأثیر داشته جهت بخشید. به نحوی که تمامی حالات و کیفیات موسیقی ایران از نوع حیات و طبیعت ایران زمین تأثیرات کامل پذیرفته است که بعدها بیشتر سخن خواهیم گفت.

طنز در بوستان سعدی

۶۳



محمدعلی علومی

انواع موجود طنز از جمله طنز پنهان فلسفی، و طنز موقعیت و عبارت در این حکایت [حکایت حجّاج و کشتن نیکمرد] وجود دارد، با این توضیح که: در طنز پنهان، تضاد و تقابل میان آدم‌ها با یکدیگر و با اشیاء، صراحت خنده‌آور ندارند. مثلاً در این داستان (یا حکایت)، به نظر می‌آید که حجاج یوسف، ظاهراً پیروز و موفق بوده و انسانی نیک‌سرشت را از میان برده است، پس موضوع علی‌الظاهر خنده‌آور نیست اما در عین حال خنده‌آور است. چرا که در طنز پنهان، تضادها پوشیده‌اند. از باب نمونه در همین داستان و در تضاد و تقابل میان حجاج و آن نیک‌مرد، پیروز واقعی اوست:

دمی بیش بر من سیاست نراند
عقوبت برو تا قیامت بماند

می‌بینیم که عقوبت و مجازات نابجای حجاج، دمی و لحظه‌ای بیش نیست اما عقوبتی که به قول سعدی بر حجاج می‌رود، تا قیامت می‌پاید.

طنز فلسفی نیز هست؛ زیرا از جمله کارکردهای فلسفه، تعیین جایگاه انسان در هستی و مشخص ساختن نیک و بد رفتارها و توضیح علت‌هاست، حجاج در تاریخ اسلام به بی‌رحمی و سفاکی مشهور است و به جرم اندک بی‌اعتنایی دستور قتل یک نیک‌مرد را می‌دهد. آن هم مردی که هم زن و چهار فرزند دارد و هم جماعتی دوستدار اویند.

حجاج چنان مست و سرمست غرور است که پند فرزند خود را نیز نمی‌پذیرد اما به رغم این همه خودسری و خودخواهی، پیروزمند واقعی از منظری هستی‌شناسی و فلسفی همان نیک‌مرد کشته شده به دستور حجاج است. طنز فخیم و فاخر عبارت نیز وجود دارد، از جمله در این بیت:

نخفتست مظلوم از آهش بترس
ز دود دل صبحگاهش بترس

می‌گوید مظلوم اگرچه به ظاهر قوت و نیرویی ندارد اما آه دل او که به تعبیر فصیح و زیبای سعدی «دود دل» گفته شده است، کم‌کم باعث تغییر رفتار مظلومان و رفع ستم می‌شود.

شخصیت‌پردازی‌ها

اشخاص اصلی در این داستان (یا حکایت) عبارتند از «حجاج» و «نیک‌مرد». اشخاص فرعی که در پیشبرد داستان موثرند، عبارتند از «پسر حجاج» و «بزرگی» که شب آن نیک‌مرد مقتول را به خواب می‌بینند. «جلاد» نیز از اشخاص فرعی داستان است.

اشخاص اصلی، در ضمن اشخاص فعال و کنشگر داستان نیز هستند. حجاج، ستمگر، سفاک، بی‌رحم و خودخواه است. آن‌قدر که به صرف اینکه آن نیک‌مرد چنان که باید رسم چاکرمنشی در برابر صاحب‌منصبان و صاحبان موقعیت‌های مهم را رعایت نکرده و چنان رفتار زبونانه‌ای نداشته است: «که اکرام حجاج یوسف نکرد»، بر وی خشم می‌گیرد.

و البته حجاج یوسف آن‌قدر خودبین، مغرور و متکبر است که همین کردار را بهانه قتل نیک‌مرد می‌سازد. در تضاد با او شخصیت نیک‌مرد است که بر خلاف حجاج سفاک و منفور، او محبوب جماعتی است:

که خلقی برو روی دارند و پشت
نه رایست خلقی به یک بار کشت

پسر حجاج دلیل می‌آورد که این نیک‌مرد، پشت و پناه جماعتی است و درست نیست که با

ادامه دارد

تازه های کتاب

پرنده ی چهار بال

«پرنده ی چهار بال» عنوان گزیده ای از اشعار شاعر تُرک، فاضل حسنلو داغلارجا است که با ترجمه ی آیدین روشن و میراندا میناس و توسط انتشارات نیماژ در دسترس دوستداران شعر دیگر ملل قرار گرفته است. مترجمان در مقدمه ی کتاب اینگونه نوشته اند:

«فاضل حسنلو داغلارجا (۲۰۰۸-۱۹۱۴)، بی گمان پرکارترین شاعر تمام دوران های شعر ترک به حساب می آید که در این میان، چهارپاره ها حجم گسترده ای از کارنامه شعری وی را خود اختصاص داده اند ... نوآوری ها و حسابگری های داغلارجا در شعرها و به ویژه چهارپاره هایش، به اینها محدود نمی شود. بازی های زبانی و واژه سازی های وی در شعر مدرن ترکیه زبانزد است. علاوه بر اینها، وی برخی شگردهای هنرهای دیگر؛ از جمله تئاتر را نیز وارد شعر کرده است. داغلارجا شاید نخستین شاعر ترک باشد که شگردهایی چون فاصله گذاری یا دیوار چهارم که اول با ربرشت در تئاتر از آن استفاده کرد را در شعر ترک اجرا کرده است... چهارپاره های جای گرفته در کتاب، از میان حدود چهارهزارچهارپاره داغلارجا گلچین شده و معیار انتخاب نیز، جز ترجمه پذیری شعرها نبوده است».

این کتاب در بهار ۹۴ و با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و ۱۱۶ صفحه منتشر شده است. چند شعر از پرنده ی چهار بال را با هم بخوانیم:

(۱)
باور دارم
باز منتشر می شدند
روزنامه ها
حتی اگر کسی نمی خواندشان.

(۲)
نمی دانم کدامیک
روشنی، گیاه یا آب
همیشه
یکی زودتر از من بیدار می شود.



(۳)
حالا که خواندی
می توانی دور بیاندازی
روزنامه دیروز را
تمام دیروز را.

(۴)
می شنوم
سوراخ سوراخ شدن
شب را
به دست ستارگان

(۵)
همیشه نصف بیشتر
کشتی ها
مردمان
و عشق ها ناپیداست.

(۶)
تا پرندگان
فرود می آیند
زمین
لبریز می شود از آسمان.

«تو» در شعر دیروز و امروز

نویسنده: ماهان سیارمنش

هر کلامی که در روزمرگی هر روزمان برای مقصود به کار می بریم،مخاطبی را در نظر دارد. مخاطبان به عام ترین نوع می تواند افرادی باشند که هر روز می بینیم و با آنها چونان اشخاصی که همیشه با آنها سر و کار داریم برخورد می کنیم،یا مخاطبانی که گاه فقط در مترو،اتوبوس و دیگر جاها همراه ما هستند که در این نوع نیازهای عام مورد نظر است.در خاص ترین شیوه هم می تواند در درد و دل های درونی ما که گاه به شعر مبدل می شود،نمود پیدا کند.از این منظر،مخاطب گاه وجهی یکسر مجهول دارد که نمی تواند مورد مصداقی عینی قرار بگیرد و در این آنی که شعر بدین طریق بیانش می کند،می تواند شخصیتی کاملا مخلوق ذهنی آفرینشگر دانسته شود؛گاه هم می تواند بیان توالی های ذهنی شاعر پنداشته شود که سعی می کند خاطره ای را از چند گنگ و در عرصه ی ذهنش مدفون،به سطح آورد. گاهی هم شخصیتی خاص را مد نظر دارد،با این حال چون خواننده قادر به یافتن مصداق عینی ای که شاعر در مخیله اش پرورانده نیست،تنها به یاری نشانه هاست که می تواند قضاوت خود را در این باب که آیا مخاطب در شعر،شخصیتی ذهنی یا عینی ست روا بداند.

ما در شعر کلاسیک فارسی بسیار به این مشکل برخورده ایم.در بسیاری از اشعار قادر نیستیم مخاطب درون شعری را چه به صورت جلوه ای عینی و ذهنی از یکدیگر باز بشناسیم و این مشکل زمانی عمیق تر می شود که شاعری عرفانگرا را در حال شرح معشوقی زمینی می بینیم که در لفاف زبانی عاشقانه بیان شده است.

نگارنده اگر چه بر این باور نیست که شعر امروز با این گونه مضامین برخوردی به مراتب تعدیل یافته تر دارد،با این حال در شعر معاصر با اشعاری مواجه می شویم که سعی بر آن دارند مخاطب شعری را (که با ضمیر دوم شخص مفرد بیان می شود) از هاله ای مقدس که در شعر کلاسیک عرفانی به چشم می خورد،دور نگاه داشته و سعی اش بر آن است تا از تقدسی عرفانی به سوی کنشی انسانی تعامل پیدا کند و مانند وجدانی آسوده و جدا از تعلقات دنیوی ظاهر نشود.

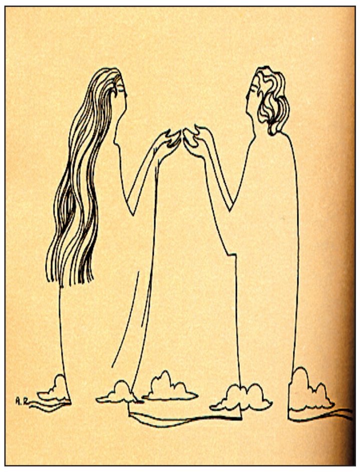
در اینجا شعری از یاور مهدی پور را برای ادامه ی بحث می آوریم:

«به خاطر یک مشت دلتنگی/به خاطر چند سطر/جای خالی تو/به خاطر قراری که در من گذاشتی/و دیگر سر جای خودش نیست/مثل ساعت شنی/از تو پرم/از تو/خالی»

همین وجه برتری و عینیت یافته ای را که در مخاطب قرار دادن ضمیر مورد بحث به چشم می خورد،خواننده را به سوی هر چه بیشتر جزئی کردن ودر نتیجه عامتر یافتن آن رهنمون می شود. در اینجا دو شعر که یکی از حافظ و دیگری از اخوان ثالث است را می آورم و تمیز و تفاوت را به شما واگذار می کنم:

«دیشب به سیل اشک،ره خواب می زدم/نقشی به یاد خط تو بر آب می زدم».

«امشب به یاد مخمل زلف نجیب تو/شب را چو گربه ای که بخوابد به دامنم/من ناز می کنم».



به نوعی شاعر بعد از مشروطه سعی کرد که هر چه بیشتر آن چه را که مخاطب قرار می دهد،شخصیتی به غایت ذهنی نباشد؛بلکه دستاوردهای نگاهی به بیرون از خود باشد.شعری از گروس عبدالملکیان را با هم می خوانیم:

«وقتی تو نیستی/تا میز را در انتهای کافه نشانت دهم/وقتی پرنده تنها پنج حرف الفباست/و پنجره/از دیوار پاسیو دورتر نمی رود/می توانم بنشینم/و آرام آرام/انگشت اشاره ام را ببُرم»

شاعر دیگر در پی جستجوی معشوقی آرمانی نیست که از دیده ها پنهان است و کسی توان رویارویی با او را ندارد.مثلا در شعری از حسین منزوی می خوانیم: «تب کرده بود ساعت پاییزی ام/وقتی نسیم وسوسه ام می کرد/عطری زنانه در نفس داشت/می گفتم این نسیم،بی تردید/آغشته با هوای تن تُست/وین جذبه ای که راه مرا می زند/حسّی به رنگ پیرهن تست...».

چه تفسیری از این شعر قادر است تا آن را تناقض ظاهری قلمداد و به گونه ای دیگر تأویل کند؟این امر دستاوردی را در شعر فارسی به ارمغان آورد که صورت تمایز بخشی که حتی در شعری واحد به چشم می خورد را دگرگون ساخت و موجب شد خواننده در پی معشوق ازلی شعر را کند و کاو نکند و یگانه تأویلی از آن را که به نظرش کافی و وافی می آید،با برداشتی به مراتب نادرست تر پیوند نزند و از این رهگذر یگانه عاملی که در نگاه او قدرتمند تر می آید،تفسیر دومی است.حال شاعر معاصر از این پیوند های عمیقا ناسازگار در گذشته به این اشعار رسیده است:

یاور مهدی پور: «خواب از هر کجای جهان/پلی ست/بر شانه های تو/ببین/وقتی که دور می شوی/پلک های من و قدم های تو/چه سنگین می شود».

گروس عبدالملکیان: «چشم های آبی تو/در این همه تاریکی/آواز باد بود/در ایوانِ برگ ها/افتادن قطره ی خون در آب:/ چگونه نامش را ننویسم/وقتی که لکه ی سرخِ آمدنش/به پیراهنم ریخته».

البته ادبیات جزئی نگر اروپا و تأثیرپذیری ادبیات ایران از آن به عنوان مرجعی تام و تمام،یکی از دلایلی است که باعث شد شعر از مبحث کلی گوئی محض به شیوه ای دیگر گرایش پیدا کند.نباید این نکته را نادیده انگاشت که بعد از مشروطه بسیاری از ارزشهای بنیادین دستخوش تغییر شدند و دیگر آن ایمان خدشه ناپذیر به چیزی واحد که نمونه ی کلی نگری بوداز میان رفت و به جای آن تک تک آحاد انسانی مورد بررسی قرار گرفت.

گونه گونی اطلاق به ضمیر دوم شخص مفرد از موارد قابل توجهی است که باعث شده تنها به عنوان ملتجای شاعر دانسته نشود.این نوع مفهوم هر چه بیشتر سعی بر آن دارد که معنای متعالی را از آن بزداید و تشخصی زمینی به آن ببخشد. شعری از یاور مهدی پور را می خوانیم:

«باران منم/حتی اگر این سوی پنجره آغاز شده باشم/تو چتر خواهی گشود/تو زود/خواهی رفت».

گروس عبدالملکیان:«چند اسکناس مچاله/ چند نخ شکسته ی سیگار/آه،بلیط یک طرفه!/ چیزی/غمگین تر از تو/در جیب های دنیا پیدا نکرده ام».

بنابراین وجه هر چه سنتی شعر مغلوب نگاه نو در شعر و موجب شده که حتی عینیت یافتگی و پنهان نکردن جنبه ای از کسی یا چیزی از تمهیدات شعری شود.

وانت پیکان

شهریار عطایی

در من نه اتوبوسی است
نه قطاری
ریشه‌ام به وانت پیکان برمی گردد
که قصد دارد اندامش را
به صنایع دیگر اهدا کند
وانت پیکان
آواز بخوان
آواز های خراسانی بخوان
در صدایت اندوهی است
که از شیشه های دو جداره
راحت عبور می‌کند
در کوچه ی ما
کسی آبگرمکن اضافی ندارد
اما برای دل خودت بخوان
سمسارها
مهارت نابی در آب کردن کالا دارند
قرار است از اندام نحیفات
چند اجاق گاز بسازند.

شعر نو

کاکتوس

مهدی مرادی

از آفتاب شنیدم
رؤیای کاکتوس اتاقم
این است:
پروانه ای بیاید و بنشیند
بر خارهای ریز و درشت او

آیین همسر داری از نظر داعش



مصطفی مشایخی

۱-- قال البغدادیِ (چلَ و خُلهُ) بغدادی می گوید: "ایهالرجل ؛ ای مرد . ابخِر الکشـــک " کشـــک بخر " و قُل بزوجتِک" به زوجه ات بگو: "اجلَسَـــی فی البیت و اُسابِ الکشکُ"؛ در خانه بنشین و کشکت را بساب!



هرگاه زنت گفت:"حوّل هذا الاُمُور به عَمَتکَ" ؛ یعنی این کار هارا به عمه ات محول کن "؛ اَضربها "اورا بَزن. "یَجَورُ" جوری که "تذهبُ الی الکُما "؛ به کما برود . وَ افکک پوستَها غلفتیاً؛ و پوست اوراغلفتی بکَن، " کمَثَلِ الخَیار"؛ مثل خیار.

***

۲- هرگاه به زنت گفتی " اُخوا هَمُ قرمهَ الخضرا" من قرمه سبزی می خواهم و او گفت " اُســـفارشُ البیتزا" یعنی زنگ زدم پیتـــزا بیاَورند . اُدخلُ جَعبَهُ البیتزا فی حلقِهـــا" جعبه ی پیتزا را در حلق او فرو ببر . "حتی تُخَفَهُ" تا خفه بشود.

***

۳- "اذا وصِلت الی البیت" اگر به خانه رفتی " و رایتَ کنترل التیوی فی ید الزوجِتک "کنترل تلویزیون را در دست زوجه ات دیدی "و هی تُشاهدَ سریالا او کلیباً" در حالی که سریال یا کلیپ نگاه می کند / پس به او بگو "اِعطی کنترلاً" کنترل را بده / واذا تُکَجُ لِب و لوچتِها " اگر لب و لوچه اش رابرایت کج کرِد" فَاُسروس دَهانها باللَگد" پس دهانش را با لگد سرویس کن" سرویساً شدیداَ" سَرویس کردنی شًدید.

۴- "اذا تُنظُـــرُ زوجتکَ "هرگاه دیدی که زنت " اند المسا ءِ" آخر شب ، فی الوایبریا اَو فیس بوکَهٔ" در وایبَر یا فیس بوک است / "فابِلک ها" اورا بلک کن "و اِبتل ها بالَهووآت " و اورا گرفتار هُوو بساز.

۵- به زنت بگو "اذا مَن یُزَنک" هرگاه کســـی زنگ بزند " وهیِ مجبورٌ اَن تَقولُ ماهو" . واو مجبِور شود بگوید کیست ؛ "یُلزِمُ اَن تَدخل شســـتَها فی الپُها " لازم استَ شستشِ را در لپش فرو ببرد ، "حتی صُوتَها خَشناً"تا صدایش خشن بشود

***

۶- هـــرگاه به زنت گفتی "ابزز لی کُروکُراً" برای من گرو گر بزا و او گَفت" تُخرّبُ الهیکلی" هیکلم خراب می شود" فانفَجِر ها "پس اورا منفجر کن مع تی ان تِیَ ؛ حتی درساً لاخلافٍ"تا درسی برای آیندگان باشد.

***

۷-استَفِد من الاُم الزوحتکَ فی العملیات الانتحاریه" از مادر زنت برایَ عملیاتَ انتحاری اســـتفاده کن که این خیر است هم برای او، هم برای تو.

نظارهٔ بالعِذاره الاختَ الزوجهِ لا مبارکٌ " دیدن چهره ی خواهر زن نامبارک است وَ سبب فقر و تنگدَستی می شود. "عَوض اخوان زوجتک" برادر زنانت را تند تند عوض کن تا برتو گستاخ نگردند.

از روزی که فهمیدم وقت طلاست

شهرام بهاروند

ـ وقتی فهمیدم وقت طلاست، سری به تقویم زدم، تقویم با آن همه روز تعطیل به یک دفترچه بانکی با برکت شبیه بود.

ـ از وقتی که فهمیدم وقت طلاست، همه اوقاتم را در گاوصندوق سپری می‌کنم.

ـ از وقتی که فهمیدم وقت طلاست، برای اوقات فراغم از بادیگارد استفاده می‌کنم.



ـ از وقتی که فهمیدم وقت طلاست، دریافتم ثروتم حتی از بیل‌گیتس هم بیشتر است.

ـ به عنوان یـــک ریچ کیدز (Rich Kids) همه وقتم را به سر خاراندن مشغول هستم.

ـ فقیرترین افراد آنهایی هســـتند که وقت سر خاراندن ندارند. تصمیم گرفته‌ام به عنوان یک خیر، بسیاری از اوقات سر این افراد را بخارانم.

ـ وقتـــی فهمیدم وقت طلاســـت، صورتحساب را برای وزیر کار فرستادم.

ـ دولت از وقتی فهمید وقت طلاست، پول یارانه بیکاران را که از ثروت بیکران وقت برخوردارند، به حسابشان واریز نکرد.

ـ دولت اعلام کرد که به زودی مالیات جدیدی برای اوقات فراغت وضع خواهد کرد. سخنگوی دولت اعلام کرد، این مالیات شامل افرادی که وقت برای ســـر خاراندن ندارند و همچنین افرادی که دارای چند شغل هستند، نمی‌شود.

ـ یکی از دلواپسان با خوشحالی ناشی از کاهش دلواپسی گفت: با وجود اوقات فراغت فراوان که در کشور موجود است، می‌توانیم تبدیل به ثروتمندترین کشور جهان شویم.

ـ از وقتی فهمیدم وقت طلاست، شب‌ها پای تلویزیون برای ثروتی که از دست می‌دهم با صدای بلند گریه می‌کنم.

ـ دادگاه، یکی از بازیکنان فوتبال را به علت وقت‌کشی به پرداخت سه هزار میلیارد تومن جریمه محکوم کرد. او هم‌اکنون با پرداخت وثیقه دوازده هزار میلیارد تومانی آزاد است. یکی از خبرنگاران، وی را دیشب در حال «دور دور» کردن با یک جیپ هومر زرد رنگ دیده است.

ـ موقع خواستگاری وقتی فهمیدند با سه سال بیکاری، یک عالمه از ثروتی به نام وقت پس‌انداز کرده‌ام، جواب مثبت دادند.

ـ وقتی بعد از یک ســـال از همسرم جدا شدم، احساس یک ورشکسته واقعی را داشتم. یکسال از وقت‌های طلایی‌ام غارت شده بود. حالا اول هر ماه، یک سکه طلا هم می‌خواهد. جداً عدالت کجاست!

ـ با چند نفر از دوستان به‌طور مشترک وقت‌های طلایی‌مان را پای پیک‌نیک معامله می‌کنیم.

ـ از دوســـتم خواستم یک ساعت از وقتـــش را به مـــن بدهد؛ او گفت که در عـــوض یک روز از وقت مرا می‌خواهد. دوستم یک نزولخور واقعی بود.

ـ هر روزه در معادن موسوم به ترافیک، کلی طلا اســـتخراج می‌شود. تهران با ترافیک‌های مملو از وقت، دارای بزرگترین معادن طلای کشور است.

ـ امروز یک ســـاعت از وقتم را در طلافروشـــی گذراندم. وقتی طلافروش موضوع را فهمید، آژیر مغازه را به صدا در آورد قبل از آنکه در قفل شود با یک انگشتر گرانقیمت زدم به چاک بعضی‌ها انگار به زبان خوش نمی‌فهمند وقت واقعاً طلاست.

ـ پس از آنکه پزشکان به عموی ثروتمندم گفتندکه فقط یک هفته زنده می‌ماند، او همه ثروتش را داد تا شـــش ماه بیشـــتر عمر کند. شش ماه بعد دکترها گفتند نتیجه آزمایش‌ها اشتباه بوده و او کاملاً سالم است. عمویم اکنون بیست سال است به صورت تمام وقت از روی تختش در تیمارســـتان به صفحه ساعت دیواری نگاه می‌کند و رأس هر ساعت با صدای بلند می‌گوید: کوکو، کوکو...

تبسم و تفکر



ابوالفضل محترمی

* متولد ۱۳۵۲ در تهران
* فارغ التحصیل تئاتر از دانشگاه هنر
* مدیر هنری روزنامه جوان
* شروع کار حرفه ای از ۱۳۷۰



از فرمایشات ما

سیستم بانکی خودبرداشت!

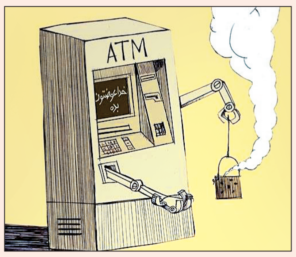


رضا رفیع

اخیراً یکی از بانک های کشـــور ــ که نخواســـتیم نامش در سطح ملی فاش شود ــ در عمل، ما را متوجه اختراع یک سیســـتم نوین بانکی در کنار دستگاه های خودپرداز کرد که به نظر مبارک ما می توان نام «خودبرداشت» را بر آن نهاد. تا نظر تخصصی عزیزان فرهنگســـتان زبان و ادب فارســـی چه باشد. (اگرچه بســـی بعید می نماید که در انتخاب اســـم،از ما خوش ذوق تر بوده باشند!)

ــ نوشابه باز کنم خدمتتان؟!...(بعضی ها عادت دارند انگار که حرفهای چرت و پرت بزنند. آن هم عدل وسط بیانات ارزشمند ما که باید با آب طلا بنویسند. آخه، وسط فرمایش های متین ما، وقت مناسبی برای باز کردن نوشابه است مرد حسابی؟!...)

اصل داغ خبر: در اخبار برخی جراید آمده بود که برخی از دارندگان حساب در بانک ،اواخر هفتهٔ گذشته، با کسر مبلغ ۵۰۰۰ تومان از حساب بی زبان خود مواجه می شوند که اولش نفهمند از کجا خوردند. ای بسا همچین خیال کردند که به قضیهٔ‌گران شدن بنزین ربطی دارد. در فضای مجازی به این جریان اعتراض می کنند و کم کم کاشف به عمل می آید که بانک مذکور این مبلغ را بابت پیامک های واریز و برداشت وجه از حساب اشخاص که برای آنها می فرستد،کســـر کرده که البته گفتند برای مدت شش ماه است و قبلاً هم به دارندگان حساب ها اطلاع داده شده که در صورت نداشتن تمایل،به سامانهٔ‌مربوط پیامک انصراف بزنند.



گمانه زنی فوری: اهل فضولی نیستیم،اما روحیـــهٔ تحقیق و تفحص ما، چنین به ما حکم می کند که مجموعهٔ فرضیات و حدســـیات خود را در این باب که چرا بانک مورد نظر، دست به چنین کاری زده و پول پیامک های دارندگان حســـاب را از حســـاب آنها کســـر کرده؛ به شرح زیر و خیلی شفاف و بدون بدگمانی های معمول، تقدیم حضور کنیم:

۱ـ کشـــیدن مو از ماست: شاید که پول پیامک،چیز قابل داری نباشـــد؛ اما بانک مذکور خواسته به مشتریان محترم خود بفهماند ــ آن هم در عمل ــ که در حساب و کتاب های خود، دقیق و رقیق است و مو را از ماست می کشد بیرون. مبادا کسی خیال اختلاس به سرش زند!

۲ـ قاطعیـــت و صمیمیت: بانک مذکور،هرچند که بانک شماســـت،اما صمیمیت و رفاقت سرجاش و شمردن گردوها سرجاش. حساب، حساب است و کاکا، برادر. با حساب گردوها که شـــل بگیرند،فردا نوبت حساب«سیبا»است. سر کیسه شاید گرفتن به بیل.....(ببخشید؛ اشاره می کنند که سر کیسه غلط است و سر چشمه درست است. مهم نفس کار است که درست باشد. حالا چه سر چشمه باشد،چه سر کیسه!)

۳ـ یادآوری نعمت: چون تا الآن پیامک های بانکی برای ما مجانی می آمده؛ عین داستان همان ماهی داخل آب که معروف است؛ برای ما ارزش مادی پیامک ها معلوم نبوده و ای بسا همچین خیال می کردیم که لابد وظیفهٔ مســـؤولان بانک هم هست که برای ما پیامک ارسال کنند که در طول هفته از تغییرات حساب مان با اطلاع باشیم و اصطلاحاً آنلاین باشیم. خب خواستند که ارزش این پیامک ها را به ما یادآوری کنند. البته قابل شـــما را ندارد. مهمان ما باشید.

۴ـ مدیریت زمان: حالا که همهٔ هوش و حواس ملت به آزاد شدن بنزین معطوف است، بهترین وقت است که مدیریت های زمان شناس، برخی طرح های جزئی موردنظرشان را پیاده کنند؛ بلکه کســـی بو نبرد و آب از آب تکان نخورد. اگر هم خورد،هزار و یک راهکار برای پاسخگویی،داخل آستین هست. یکیش این که خب موقت است این طرح!

۵ ـ احتیـــاج و نیـــاز: خـــدا هیچکس را محتاج نکند. تا نشوید،نمی فهمید چقدر سخت است. گاهی آدم مجبور می شود دست به کارهایی بزند که در حالت عادی دوست ندارد دست به آن کارها بزند. خب الان بانک های ما کلی بدهکاران کلان بانکی دارند که معلوم نیست پولی را که از بانک ها گرفته اند؛ چه کار کرده اند. حالا چه کار کرده اند، بخورد توی سرشـــان، معلوم نیست چرا پول های وام گرفته شده را پس نمی آورند و نمی آیند با بانک ها تسویه یا تصفیه کنند؟...خب،در این جور مواقع است که یک بانک، از پول یک پیامک ملت هم نمی تواند بگـــذرد. در حالتی که قطعاً یک موی بدنش راضی به این کار نیست و الآن از خجالت نمی توانند سرشان را بالا کنند.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۱۹ خرداد ماه ۱۳۵۴ (برابر با ۲۸ جمادی‌الاول ۱۳۹۵، ۹ ژوئن ۱۹۷۵) نقل شده است

ایران اخطار کرد افزایش قیمت نفت اجتناب‌ناپذیر است

لیبرویل ـ رویتر ـ ایـــران دیروز اخطار کرد که افزایش قیمت نفت بـــرای خنثی‌کردن زیانی که در نتیجه تورم در کشـــورهای باختری متوجه قدرت خرید کشورهای صادرکننده نفت میگردد اجتناب‌ناپذیر اســـت.با اینحال دکتر محمد یگانه مدیرعامل بانک مرکزی ایران به خبرنگاران اظهار داشت که تا قبل از اول اکتبر افزایشی در قیمت نفت حاصل نخواهد شد.اول اکتبر سال جاری پایان مدت نه ماهه‌ای است که کشورهای عضو اوپک وعده داده‌اند که در طول آن قیمت نفت خام را تثبیت شده باقی خواهند گذاشت.

وزیران اوپک درباره افزایش قیمت نفت و لغو محاسبه دلاری تصمیم میگیرند

لیبرویل ـ یونایتدپرس ـ دنیا در این هفته آگاهی خواهد یافت که آیا قیمت نفـــت باز هم افزوده خواهد شد یا خیر؟ محتمل‌ترین جواب این پرسش که انتظار میرود در کنفرانس وزیران کشـــورهای عضو اوپک در لیبرویل داده شود این است که: آری ـ قیمت نفت بار دیگر افزایش خواهد یافت و این افزایش در حدود ۳۰ سنت در هر بشکه خواهد بود که از نظر اقتصادی کوچک اما از نظر سیاسی بزرگ و به میزانی انفجارآمیز دارای اهمیت است.باحتمال زیاد وزیـــران اوپک در کنفرانس لیبرویل تصویب خواهند کرد واحد حق برداشـــت ویژه صندوق بین‌المللی پول (اس ـ د ـ ار) را بعنوان معیار محاسبه در قیمت نفت خام جایگزین دلار کنند و اگر اینکار انجام گیرد قیمت نفت اوپک از بشکه‌ای ۱۰٫۴۰ دلار کنونی به بشکه‌ای تقریبا ۱۰٫۷۰ دلار افزایش خواهد یافت.

حضرت آیت‌الله میلانی از ناراحتی دستگاه گوارش رنج میبرند

حال حضرت آیت‌الله حاج محمدهادی میلانی رضایت‌بخش است. یکی از پزشکان معالج حضرت آیت‌الله امروز بخبرنگار ما گفت، ناراحتی آیت‌الله میلانی فعلا ضعف عمومی و بی‌اشتهائی است و بهمین جهت یک سری آزمایشات پزشکی از دستگاه گوارشی ایشان بعمل آمده است.وی اضافه کرد حال عمومی حضرت آیت‌الله بطور کلی رضایت‌بخش است ولی ملاقات با ایشان را بکلی ممنوع کرده‌ایم حضرت آیت‌الله میلانی از روز گذشته پس از انتقال به تهران در بیمارستان پارس بستری شدند و سه تن از پزشکان متخصص قلب و عروق و داخلی تهران ایشان را تحت نظر گرفتند. آیت‌الله میلانی قبلا در بیمارستان شهناز مشهد بستری بودند.

دهکده ونک منطقه سبز و جنگلی اعلام شد

دهکده ونک برابر مفاد بند شش صورتجلسه مورخ ۵۳٫۱۲٫۴ شورای عالی نظارت بر گسترش تهران «منطقه سبز و جنگلی اعلام شد.این تصمیم به اداره کل ثبت ابلاغ شـــد و از این پس بدستور وزارت دادگستری، نقل و انتقال و تفکیک و افراز این اراضی ممنوع خواهد بود.منطقه سبز ونک برابر نقشه یک میلیون و پانصد هزار متر مربع مساحت دارد و سراسر دهکده ونک، اراضی باغات، قنوات و درختان کهنسال این روستا را دربرمیگیرد.

صنایع دستی ایران در سراسر فرانسه عرضه می‌شود

یک هیئت اقتصادی بیست نفری فرانسوی که برای فروش کالا و سرمایه‌گذاری مشترک به تهران آمده اســـت.عصر دیروز در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران درباره توســـعه همکاری‌های بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری مشترک در رشته‌های لوازم پزشکی، مواد غذائی، مواد آرایشی، آپارتمان‌سازی، تأسیست ساختمان و حمل و نقل مذاکراتی با بخش خصوصی ایران انجـــام داد.یکی از صاحبان صنایع فرانسه در این جلسه پیشنهاد فروش دستگاهی را داد که بر روی کامیون و ماشین‌های سنگین نصب میشود و بعنوان ترمز دوم وسیله نقلیه را در شیب جاده‌ها براحتی کنترل میکند.یک بازرگان دیگر فرانســـوی تقاضای خرید صنایع دستی ایران بخصوص سرامیک را داشت.وی تصمیم دارد در اواخر تابستان امسال اجناس ایرانی را در تمام فروشگاه‌های فرانسه بفروش برساند و بهمین مناســـبت هفته‌های ویژه ایران در فرانسه ترتیب خواهد داد.

قاب امروز



بر فراز کرواسی / منبع: تلگراف

داستانک

دستان نوازشگر

در یک دهکده کوچک معلم مدرسه از دانش آموزان خواست تا تصویری از چیزی که برایشان بسیار با ارزش است را بکشند.

اوباخود فکر می کرد کـــه این بچه های فقیر حتما تصویر بوقلمون و میز پر از غذا را می کشند. ولی وقتی یکی از بچه ها نقاشی ساده و کودکانه خود را تحویل داد، معلم شوکه شد. او تصویر یک دست را کشیده بود.

ولی این دست چه کسی بود؟ یکی از بچه ها گفت من فکر می کنم این دست خداست که به ما غذا می رساند. دیگـــری گفت که این دست کـــشاورزی است که گندم می کارد. معلم بالای سر آن کودک رفت و از او پرسید این دست چه کسی اســـت؟ کودک در حالی که خجالت می کشید گفت: خانم، این دست شماست.

معلم به یاد آورد که از وقتی این کودک پدر و مادرش را از دست داده بود به بهانه های مختلف پیش او می آمد تا خانم معلم دست نوازشی بر سر او بکشد.«ویکتور هوگو می گوید: ایـــمان داشته باش که کوچکترین محبت ها از ضعیف ترین حافظه ها پاک نمی شود.»

سرایه

تا ســـفر در خود نیاری پیش تو
کی به کنه خود رسی از خویش تو
گر به کنه خویـــش ره یابی تمام
قدســـیان را فرع خود یابی مدام
لیک تا در خود ســـفر نبود تو را
در حقیقت این نظـــر نبود تو را

عطارنیشابوری

پند بزرگان

● با رنج عمیق درون، آدمی از دیگران جدا می شود و والا می گردد.

فریدریش ویلهلم نیچه

● هر معبدی در انتظار نیایشگر تنهای خویش است.

دکتر علی شریعتی

● آنچه فرزند درباره پدر می اندیشـــد مهم نیست، چگونه پدر بودن مهم است.

گوته

امروز در تاریخ

«شهربراز» اسپهبد نامدار ایران

نهم ژوئن ســـال ۶۳۰ میلادی اســـپهبد شهربراز (شهروراز) ژنرال مشـــهور ایرانی و فاتح مصر در شهر تیسفون کشته شـــد. وی پس از مرگ مرموز (احیانا قتل) اردشیر سوم شاه ۹ ســـاله ایران عملا به مدت ۴۴ روز امور سلطنت ایران را به دست گرفت تا امپراتوری ما را از خطر اضمحلال برهاند. این ژنرال بود که اورشلیم و دمشق را از روم شرقی پس گرفت، صلیبی را که مسیح بر آن مصلوب شده بود به تیسفون (مدائن) منتقل کرد، مصر را متصرف شده و در اسکندریه، پادگان ایرانی را ساخت و مقام اداری گمارد. محبوبیت این ژنرال در جامعه ایران آن زمان باعث تحریک احساس بخل و حسد خسرو پرویز (شاه وقت) نسبت به او شده بود و نقشه برکناری، تبعید و حتی قتلش را کشیده بود که این خبر در جریان جنگ ایران با ارتش هراکلیوس امپراتور روم شرقی به گوش او رسید و وی را سست کرد و بعدا تا پایان کار خسرو پرویز عملا خود را منزوی ساخت.

با کمک ایران به سلطنت بازگشت ولی مدعی شهر کویته شد

همایونشاه پادشاه وقت هند که به دربار ایران (قزوین) پناهنده شـــده بود و از ایران یاری گرفته بود تا تاج و تخت خود را بازیابد در راه بازگشت به هند در سال ۱۵۴۳ چند روز در کویته (شهری پشتون ـ بلوچ نشین و در آن زمان در قلمرو ایران) که میان سه کوه واقع شده است اقامت کرد و با همین اقامت کوتاه، نهم ژوئن ۱۵۴۴ و پس از بازگشت به قدرت و استقرار در دهلی مدعی کویته شد که ایران در سال ۱۵۵۶ به آنجا لشکر کشید و هندیان را بیرون راند. همایونشاه پسر بابر و دومین امپراتور تیموری هند است که در دسامبر ۱۵۳۰ بر جای پدر نشست. وی در آغاز سلطنت با برادرش کامران میرزا نیز درگیری داشت.

نخستین دیپورت در تاریخ ایالات متحده

نهم ژوئن ۱۶۲۸ «توماس مورتون» که از انگلستان به آمریکای شمالی مهاجرت کرده و در منطقه ماساچوست به کار خرید و فروش پرداخته بود به عنوان «مهاجر نامطلوب» از آمریکا دی پورت (اخراج) شـــد. در آن زمان از استقرار انگلیسی ها در شمال آمریکا، تنها ۲۱ سال می گذشت.

جـــرم توماس مـــورتون فـــروش تـــفنگ به بومیان (سرخپوستان) بود. وی به جای پول از سرخپوستان پوست (خز) دریافت می کرد.

دیگر رویداد ۹ ژوئن

۶۸: نرون امپراتور روم که به خشونت معروف بوده خودکشی کرد.

جدول شرح در متن ۳۸۷۴

غلامحسین باغبان

کاشف آبله ـ بازیگر سریال «ستایش» ـ احتمال دارد ـ ضمیر غایب ـ عدد قرن ـ خموشانه ـ روشن و تابناک ـ ترک وطن ـ زیرکی و فرصت طلبی ـ ا ـ کارگردان تئاتر ـ کرگدن ـ فام ـ تنبل جالیزی ـ قیچی پشم‌زنی ـ بزرگ و سرور ـ حیوان بارکش ـ عدد پیشتاز ـ گوسفند قربانی ـ زنگ کاروان ـ خرید و فروش ـ جودوی چینی ـ حمله هوایی ـ کشور استکهلم ـ سبیل ـ دور کردن ـ سپاسگزاری ـ ماهی دریای جنوب ـ ویتامین جدولی ـ گل سرخ ـ واحد پول آفریقای جنوبی ـ به زور و اجبار ـ کمک کننده و یاور ـ گ ـ تره ـ نگریستن

حل ۳۸۷۳

معادل فارسی / تلویزیون	روش و طریقه / اهل ایل	م	پ	بنابر این / کج و خمیده	جام ورزشی / فرومایه	ک	ر	رزمنده میهن پرست
د	ا	ت	س	ا	د	ا	ی	آلبوم علیرضا افتخاری
و	ی	د	بدخوی افسانه ها / چرخ تانک	ر	و	پ	ی	ش
ر	ل	طایفه غرب ایران / زیارت کنندگان	ش	ی	ن	مقابل نوش / چهره	س	ساز دهان گشاد / سنگی قیمتی
ن	ی	ز	ن	ب	سوخت خودروها / سلاح انفجاری	ل	ع	ل
ش	ا	و	ی	آرام خودمانی / سوره غار	ب	ق	ل	نام افزون / SMS
ا	ت	ا	پدر آذری	ک	م	ا	ی	پ
ن	ی	ر	ت	ه	ب	خوب ترین / کجاوه	د	ک
				ف	پل عاطفه ی / فرهنگ ها	پ	ل	رمزینه / گونه
				کلاه ترکمن	ز	ا	و	ج
				ا	ب	ل	ا	پروانه کسب / دفاع بارسلون
				ب	ا	ک	ر	پدال دوچرخه / مرآت
				ه	ن	ی	ی	ا

سودوکو ۱۳۶۱

					۸			
۹							۳	
		۸	۹	۶		۲		۵
		۴		۱		۳		۶
۳				۲				۴
۸		۶		۹		۵		
۶		۲		۸	۴	۱		
	۹							۳
			۶					

۵	۳	۱	۴	۸	۶	۷	۲	۹
۷	۲	۹	۵	۳	۱	۴	۸	۶
۴	۸	۶	۷	۲	۹	۵	۳	۱
۱	۵	۳	۶	۹	۴	۸	۷	۲
۸	۴	۷	۱	۵	۲	۶	۹	۳
۶	۹	۲	۳	۷	۸	۱	۵	۴
۲	۱	۵	۸	۶	۳	۹	۴	۷
۳	۷	۴	۹	۱	۵	۲	۶	۸
۹	۶	۸	۲	۴	۷	۳	۱	۵

حل ۱۳۶۰